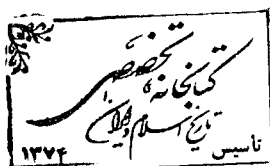


نصرت الدوله میاں پو

نصرت الدوله میاں
پایان مأموریت آمریکایہا در ایران
(مجموعہ اسناد نصرت الدوله فیروز)



به اہتمام
دکتر ناصرالدین پروین - محمد رسول دریاکشت



آشارت اسامیر

فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

پروین، ناصرالدین، ۱۳۲۴ - ، گردآورنده.
نصرت‌الدوله و میل‌سپو: پایان مأموریت آمریکائیان در ایران (مجموعه اسناد
 نصرت‌الدوله فیروز) / به اهتمام ناصرالدین پروین، محمدرسول دریاگشت. - تهران:
 اساطیر، ۱۳۸۱.
 ۲۹۶ ص. : مصور. (انتشارات اساطیر، ۳۰۳)
 ISBN 964-331-120-1
 فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
 ۱. فیروز، فیروز، ۱۲۶۷ - ۱۳۱۶ - اسناد و مدارک. ۲. ایران - تاریخ - پهلوی،
 ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰ - اسناد و مدارک. ۳. میل‌سپو، آرتور چستر، ۱۸۸۳ - ۱۹۵۵ م
 Millspaugh, Arthur chester - اسناد و مدارک. ۴. ایران - روابط خارجی -
 ایالات متحده - اسناد و مدارک. ۵. ایالات متحده - روابط خارجی - ایران -
 اسناد و مدارک. ۶. ایران - سیاست مالی - قرن ۱۴ - اسناد و مدارک. الف.
 دریاگشت، محمدرسول، گردآورنده. ب. عنوان.
 ۹۵۵/۰۸۲۲۰۹۲ ۴ب۹ف/۱۴۸۶ DSR ۸۱-۱۰۰۵۰ م



آشادت‌سامیر

نصرت‌الدوله و میل‌سپو

به اهتمام دکتر ناصرالدین پروین، محمدرسول دریاگشت

چاپ اول: ۱۳۸۱

حروف‌چینی: مسعود

لیتوگرافی و چاپ: دیبا

تیراژ: ۲۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۴-۳۳۱-۱۲۰-۱

حق چاپ محفوظ است

آدرس: میدان فردوسی، اول ایرانشهر، ساختمان ۱۰

تلفن: ۸۳۰۰۱۴۸ - ۸۳۰۱۹۸۵ فاکس: ۸۸۲۱۴۷۳

فهرست مندرجات

۱۱	- پیشگفتار.....
۱۹	- دیباچه.....

۴۶	کلیات
۴۷	- مقدمهٔ رئیس‌الوزراء بر قرارداد استخدامی میلسپو (قانون ۴ مرداد ۱۳۰۱).....
۴۸	- متن قانون ۴ اسد (مرداد) ۱۳۰۱.....

۵۲	اسناد اسفند ۱۳۰۵
۵۳	۱- درآمد املاک توقیفی شیخ خزعل.....
۵۳	۲- کنفرانس اقتصادی ژنو.....
۵۳	۳- انتقال پاشاخان از آستارا.....
۵۴	۴- تهیهٔ نظامنامه‌ها.....
۵۵	۵ و ۶- انتقال پاشاخان.....
۵۶	۷- استخدام کارشناس دامپزشکی از آمریکا.....
۵۷	۸- ادعای سندیکای راه‌آهن ایران.....
۵۸	۹- املاک شیخ خزعل.....
۵۹	۱۰- آزادی ماهیگیران.....
۵۹	۱۱- هزینهٔ سفر وزیر امور خارجه.....
۶۰	۱۲ و ۱۳- استخدام ماشین‌نویس.....
۶۱	۱۴- املاک شیخ خزعل.....
۶۱	۱۵- تعرفهٔ گمرکی ایران و شوروی.....
۶۴	۱۶- پاسخ به اعتراض میلسپو و یادآوری وظایف او.....

اسناد فروردین ۱۳۰۶..... ۶۷

- ۱- بندر انزلی و شیلات..... ۶۷
- ۲- دیویس..... ۶۷
- ۳- قرارداد با شوروی..... ۶۷
- ۴- پاسخ میلسپو به نصرت الدوله در باره تخطی از اختیارات قانونی..... ۶۸
- ۵- پرداخت حقوق انتظار خدمت..... ۶۹
- ۶- اعتبارهای راه آهن..... ۷۰
- ۷- مأموریت دکرکر به مسکو..... ۷۱
- ۸- حقوق انتظار خدمت..... ۷۱
- ۹- انتصاب خاوند زنجان..... ۷۱
- ۱۰- قانون استخدام کشوری..... ۷۲
- ۱۱- سفر دکرکر به مسکو..... ۷۲
- ۱۲- مأموریت دکرکر و تذکره به میلسپو..... ۷۴
- ۱۳- کاهش بودجه وزارت عدلیه..... ۷۵
- ۱۴- بودجه وزارت مالیه..... ۷۵
- ۱۵- اعتبار راه آهن..... ۷۶
- ۱۶ و ۱۷- قانون مالیات ارضی..... ۷۹
- ۱۸- اعزام دکرکر به مسکو..... ۷۹
- ۱۹- تعیین رتبه کارکنان وزارت پست و تلگراف..... ۸۱
- ۲۰- بانک شاهنشاهی..... ۸۲

اسناد اردیبهشت ۱۳۰۶..... ۸۳

- ۱- مرخصی مازور هال..... ۸۳
- ۲- اعتبار شهریه ها و مستمری ها..... ۸۴
- ۳- اعتراض به رویه اداره کل مالیه و عدم پرداخت به هوشیار..... ۸۶
- ۴- اعتراض به توقیف حقوق مستخدمان کنتراتی و تهدید نصرت الدوله..... ۸۷
- ۵- کارکنان قراردادی وزارت مالیه..... ۸۸
- ۶- توقیف حقوق مستخدمان کنتراتی..... ۹۰

- ۷- بودجه گمرک ۹۲
- ۸- توقیف حقوق مستخدمان کنتراتی ۹۴
- ۹- انتظار خدمت یکی از کارکنان ۹۷
- ۱۰- مأموریت برای تقسیم آبهای سرحدی ۹۸
- ۱۱- خرج سفر هوشیار ۹۸
- ۱۲- قرارداد رییس کل مالیه، اختیارات قانونی وزیران و مأموریت هوشیار ۹۹
- ۱۳- کارمندان قراردادی ۱۰۰
- ۱۴- انتصاب بنیوال (بنیوال) ۱۰۴
- ۱۵- امتحان از کارکنان قراردادی وزارت مالیه ۱۰۴
- ۱۶- اعزام کارشناس تقسیم آبهای مرزی ۱۰۶
- ۱۷- اموال شیخ خزعل ۱۰۷
- ۱۸- کاهش هزینه‌های دریافت حق انحصار ۱۰۸
- ۱۹- شکایت از معاون پیشکار مالیه کرمان ۱۰۸
- ۲۰- خرج سفر هوشیار ۱۰۹
- ۲۱- کارکنان قراردادی و ادامه کار مول ۱۱۰
- ۲۲- ایرادهای نخست‌وزیر به گردش کار وزارت مالیه ۱۱۱
- ۲۳- حقوق عقب افتاده کارکنان گمرک ۱۱۳

اسناد خرداد ۱۳۰۶ ۱۱۵

- ۱- حقوق عقب افتاده کارکنان گمرک (نسخه‌ای از سند پیش با یادداشت دستنویس انگلیسی) ۱۱۵
- ۲- جواب میل‌سپو به اعتراضهای نخست‌وزیر ۱۱۵
- ۳- اختلاف نظر در مورد کارمندان قراردادی ۱۱۶
- ۴- پاسخ به ایرادهای نخست‌وزیر و مسئله رتبه‌های کارمندان ۱۱۸
- ۵- گسیل کارشناس و بازرس به شهرستانها ۱۱۹
- ۶- پرداخت نشدن هزینه‌های عوارض انحصار و بودجه گمرک ۱۱۹
- ۷- تعیین کارشناس تقسیم آبهای مرزی و اختیارات میل‌سپو ۱۲۱
- ۸- اعتراضهای نخست‌وزیر ۱۲۱

- ۹- خودداری میلسپو از پاسخ به یادداشت‌های نصرت‌الدوله ۱۲۲
- ۱۰- تمرکز کارهای مربوط به خالصه در شهرستانها ۱۲۳
- ۱۱- کاهش بودجه ۱۲۳
- ۱۲- پرونده معاون‌الملک و قانون الغای باج ۱۲۵
- ۱۳- رتبه یکی از کارمندان وزارت پست و تلگراف ۱۲۶
- ۱۴- زمینه‌های گوناگون ناهمراهی نصرت‌الدوله و میلسپو ۱۲۶
- ۱۵- لزوم برچیدن اداره خالصه جات در مرکز ۱۲۸
- ۱۶- گزینش معاون پیشکاری دارایی فارس و بنادر جنوب ۱۲۹
- ۱۷- پرداخت حقوق کارکنان قراردادی وزارت مالیه ۱۲۹
- ۱۸- ارسال قرارداد جدید میلسپو ۱۳۰
- ۱۹- مالیه خوزستان ۱۳۱
- ۲۰- اضافه حقوق ۵ تن از مستخدمان وزارت عدلیه ۱۳۲

اسناد تیر ۱۳۰۶ ۱۳۴

- ۱- کاهش بودجه و انتظار خدمت برخی از کارمندان ۱۳۴
- ۲- پاسخ میلسپو به خرده‌گیریهای نخست‌وزیر ۱۳۵
- ۳- میزان حقوق قاضیان ۱۳۶
- ۴- پیشکاران آمریکایی وزارت مالیه ۱۳۷
- ۵- لایحه جدید مالیاتی و مسئولیت رئیس کابینه وزارتی ۱۳۸
- ۶- مازاد درآمدهای ۱۳۰۵ ۱۳۸
- ۷- مخالفت میلسپو با دخالت نصرت‌الدوله در مورد احکام پرسنلی ۱۳۹
- ۸- احکام پرسنلی و تعیین پیشکار آمریکایی برای غرب ایران ۱۴۰
- ۹- لایحه جدید مالیاتی و کاهش احتمالی درآمد نفت ۱۴۱
- ۱۰- کارکنان قراردادی ۱۴۴
- ۱۱- مخالفت میلسپو با تماس اداری وزیر مالیه و کارکنان آمریکایی ۱۴۴
- ۱۲- پرداخت به هوشیار از محل پیک سیاسی ۱۴۶
- ۱۳- لایحه جدید مالیاتی و اعتراض به میلسپو ۱۴۷
- ۱۴- درخواست نظر میلسپو پیرامون گمرک ۱۵۲

- ۱۵- سرویس ارزاق ۱۵۲
- ۱۶- کارمندان مالی و پرداخت حقوق کارکنان قراردادی ۱۵۷
- ۱۷- تعیین پیشکار آمریکایی برای مالیه ولایات غربی ۱۵۸
- ۱۸- لایحه صرف اضافه عایدات ۱۳۰۵ ۱۶۰
- ۱۹- تقسیم درآمدهای اضافی سال ۱۳۰۵ ۱۶۱
- ۲۰- کارکنان خارجی وزارت مالیه ۱۶۲
- ۲۱- تجدید استخدام میلسپو ۱۶۳
- ۲۲- وام موقت به اداره ارزاق ۱۶۳
- ۲۳- معافیت کارخانه کبریت سازی و سرزنش به وزیر مالیه ۱۶۵
- ۲۴- پرداخت پول به هوشیار ۱۶۶
- ۲۵- درخواست شهریه و اعتراض به نصرت الدوله ۱۶۶
- ۲۶- ایرادهای وزیر مالیه به رییس کل مالیه ۱۶۷
- ۲۷- نامه نگاریهای میلسپو با بیرون از وزارت مالیه ۱۷۰
- ۲۸- پیشکاری فارس و بنادر جنوب ۱۷۱
- ۲۹- وام به اداره ارزاق ۱۷۲
- ۳۰- پرداخت حقوق کارکنان قراردادی ۱۷۲
- ۳۱- مخالفت کارمندان آمریکایی با تغییر قرارداد میلسپو ۱۷۴
- ۳۲- مالکیت ۶۴ آبادی کردنشین در آذربایجان غربی ۱۷۷
- ۳۳- وام به اداره ارزاق ۱۷۹
- ۳۴- پیشنویسهای قرارداد جدید میلسپو ۱۸۰
- ۳۵- متن نهایی قرارداد پیشنهادی جدید استخدامی میلسپو ۱۸۹
- ۳۶- معافیت کارخانه کبریت سازی تبریز ۱۹۴
- ۳۷- ابلاغ قرارداد پیشنهادی استخدامی میلسپو ۱۹۹
- ۳۸- ورقه خدمت محمود جم ۲۰۰
- ۳۹- اضافه درآمد سال ۱۳۰۵ ۲۰۰
- ۴۰- وام به اداره ارزاق ۲۰۰
- ۴۱- محدود کردن سرویس ارزاق به پایتخت و کاهش بودجه آن ۲۰۱
- ۴۲- بودجه اداره ارزاق ۲۰۲

- ۴۳- بودجه سال ۱۳۰۷..... ۲۰۳
- ۴۴- ورقة خدمت محمود جم..... ۲۰۷
- ۴۵- رد قرارداد پیشنهادی ميلسپو از سوى او..... ۲۰۸
- ۴۶- مخالفت کارمندان آمريکايی با تغيير قرارداد ميلسپو و درخواست الغای قرارداد خود آنها..... ۲۱۱
- ۴۷- مربوط نبودن قراردادهای کارکنان آمريکايی با قرارداد ميلسپو..... ۲۱۴
- اسناد مرداد ۱۳۰۶..... ۲۱۵
- ۱- قرارداد ميلسپو و موضوع حکميت..... ۲۱۵
- ۲- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی (یکم، سوم و پنجم مرداد ۱۳۰۶)..... ۲۱۸
- عکسها و نمونه اسناد..... ۲۵۷
- نمايه عمومي..... ۲۸۹

پیشگفتار

از مجموعه غنی اسناد باز مانده از فیروز میرزا نصرت الدوله، تاکنون سه جلد به شرح زیر منتشر شده و در اختیار پژوهشگران تاریخ معاصر ایران قرار گرفته است:

- مجالس چهارم و پنجم تقنینیه

- خاطرات محبس

- مجموعه، مکاتبات، اسناد، خاطرات فیروز میرزا فیروز

هر سه جلد، با همت سرکار خانم دکتر منصوره اتحادیه (نظام مافی)، استاد بازنشسته دانشگاه تهران و همکارانشان، با حداکثر دقت و عینیت علمی که از ایشان توقع می‌رفت، به همراه دیباچه‌های سودبخش انتشار یافته است و در این خدمت ارزنده، سهمشان همواره محفوظ خواهد ماند.

نقش اساسی را در نگهداری و انتشار و ارائه این سندها، مادر و فرزندی دورنگر و خدمتگزار بر عهده داشته‌اند. آن فرزندان، جناب آقای شاهرخ فیروز، شرحی به ایجاز در این باره در آغاز نخستین جلد از مجموعه اسناد فیروز میرزا فیروز نگاشته‌اند که نقل آن را مناسب می‌دانم:

پس از قتل پدرم در سمنان به دست عمال حکومت پهلوی، طبیعتاً ماترک او به وراثت منتقل گردید. چون در آن زمان، جملگی فرزندان در سن طفولیت بودند، لذا کلیه این ماترک به مادر بزرگوارمان، سرکار خانم احترام‌الملوک برزین (فیروز) تحویل گردید. این خانم، از نظر انجام وظایف مادری و حفظ حقوق صغار مرحوم نصرت‌الدوله، تا زمانی که آنان به سن رشد و تمیز رسیدند، واقعاً و حقیقتاً فداکاریهایی فراوان نمود که شرح کامل آن زاید است؛ جز آنکه اذعان نمایم که در میان ماترک پدرم صندوقی محتوی اسناد و مدارک و مکاتبات جالب و گویایی وجود داشت که

اگر سعی و کوشش دقیق و لازم مادرم در حفظ و نگهداری آنها نبود، امروز این کتب منتشر نمی‌گردید؛ علی‌الخصوص، با توجه به شرایط زمانی و اوضاع و احوال دورانی که منجر به قتل مرحوم پدرم شد و ناراحتی‌های گوناگونی که برای خانواده عموماً و مادرم خصوصاً از طرف دستگاه نظمی ایجاد می‌گردید، میزان زحمت و مشقتی که برای حفظ این اسناد متحمل گردیدند، بیشتر و بهتر محسوس است. به هر حال، آن بانوی محترمه حفظ امانت پدر و تحویل آن به فرزندان را از وظایف اولیه خود می‌دانست، تا روزی که آن را به وراثت، که به سن قانونی رسیده بودند، واگذار نمود. در این جا وظیفه خود می‌دانم که به روح پرفتوح ایشان و پدرم درود فرستاده و آمرزش و شادی روان آنان را از درگاه خداوند متعال مسئلت نمایم.

اندکی پس از انتشار سومین جلد از اسناد یاد شده، جناب آقای فیروز اصل آن بخش از مدارکی را که در آن جلد به پژوهشگران و دیگر علاقه‌مندان عرضه شده بود و به روابط بین‌المللی ایران، به ویژه جامعه ملل متفق و کنفرانس صلح پاریس اختصاص داشت، در اختیار کتابخانه و مرکز اسناد سازمان ملل متحد (ژنو) نهاد تا آرشیو مربوط به ایران در آن سازمان از غنای بیشتری برخوردار باشد و محققان غیرایرانی نیز بتوانند در پژوهشهای خود از این اسناد - که اکثر به زبانهای اروپاییست - بهره‌مند شوند (زمستان ۱۳۷۸).

در دیداری که پس از آن دهش با ایشان دست داد، سخن از شایستگی این کار و بایستگی انتشار اسنادی رفت که متأسفانه هنوز در صندوقها و صندوقخانه‌های بسیاری از خاندانهای کهن خاک می‌خورد و می‌پوسد. در ضمن از ایشان پرسیدم آیا ایشان نیز خاطرات و اسناد خود را که ناگزیر بخشی به خانواده فرمانفرما و بستگان و پیوستگان و بخشی به دیده‌ها و شنیده‌ها و تجربه‌هایشان ارتباط می‌یابد و می‌تواند از هر نظر در کار روشنتر شدن تاریخ معاصر ایران مفید واقع شود، دست خواهد زد؟ پاسخ آقای شاهرخ فیروز مثبت بود و هنگامی که شرحی از محتوای خاطراتشان دادند، دریافتیم که آنچه می‌اندیشیده‌ام خطا نبوده است: افزون بر یادها و یادبودهای مربوط به فرمانفرما و اطرافیان او، قتل نصرت‌الدوله به دست عمال

دستگاه رضاشاهی و کودکی و نوجوانی آقای شاهرخ فیروز که در آن خاطرات خواهد آمد، نکته‌های حساس و تأمل‌برانگیزی نیز - گاه به صورت روایت و گاه به همراه اسناد - نقل خواهد شد. ایشان، از دوران تحصیل در خارج، پایان آن و بازگشت به وطن، مأموریتی که دکتر مصدق به ایشان به عنوان رابط با اصل ۴ داد، کردار و رفتار پاره‌ای از نام‌آوران و کارگزاران دوران پهلوی اول و دوم، سخن گفتند و مجملی از رویدادهای مؤثر در زندگی و نحوه تفکرشان را برشمردند. از جمله آنکه دکتر علی امینی، پیش از نخست‌وزیری در واشنگتن با آقای شاهرخ فیروز عهد و پیمانی بست، لیکن به مجرد تکیه زدن به کرسی نخست‌وزیری، او را منتظر خدمت کرد!؛ خوابی که در آن مادر رخ در نقاب خاک کشیده، به فرزند خود دستور داد بیمارستانی به نام امیرالمؤمنین علی (ع) بسازد، اختصاص صد هزار متر در وردآورد کرج به این منظور و مخالفت محمدرضا شاه با نگاشتن این عبارت که «این قاجار پوسیده دست از مذهب بر نمی‌دارند!»؛ تقسیم رایگان زمین در وردآورد و سرانجام، سرزنش امیر اسدالله علم به ایشان که «شما در گفتن برخی حرفها زیاده‌روی می‌کنی». آن سرزنش، دوری از ایران و سفارت در دل آفریقا را در پی داشت ...

آقای شاهرخ فیروز، در آن دیدار کوتاه، این یادمانده‌ها را فهرست وار نقل کردند و افزودند که مجموعه خاطراتشان در آینده نزدیک به زبان انگلیسی انتشار خواهد یافت؛ لیکن پیش از انتشار آن، باید آخرین بخشهای اسناد پدر ایشان، فیروز میرزا نصرت‌الدوله در اختیار پژوهشگران ایرانی قرار گیرد و بدین گونه بود که این مجموعه را به من واگذارند تا انتشار یابد. من نیز انتشار اسناد را که گوشه مهم و کم شناخته شده‌ای از تاریخ معاصر میهن عزیزمان را روشن می‌سازد، خدمتی انگاشتم و به اتفاق دوست گرامی فاضلم جناب آقای محمد رسول دریاگشت به تنظیم و ارائه آنها همت گماشتم. بدیهی است که از این اعتماد و حسن ظن جناب آقای شاهرخ فیروز و از همقدمی ارزنده و صادقانه آقای دریاگشت، سرفراز و سپاسگزارم.



یادآوری چند نکته را در مورد اسناد و روش کارمان ضرور می‌دانم:
- هیچ گونه آسیب و خدشه‌ای در سندهای مورد استفاده ما دیده نمی‌شود و این را مدیون حافظان این مجموعه‌ایم.

- بخش بزرگی از اسناد مجموعه، نسخه اصلی و به امضای میلسپو با نصرت‌الدوله فیروز و شمار در خور توجهی هم به خط دومی است. ما حتی نسخه دوم اغلب سندهای حاضر را - با وجود کوشش و جست و جوی دامنه‌دار - در سازمان اسناد ملی ایران و دیگر بایگانیها، نیافتیم. علت نیز روشن است. منشی نصرت‌الدوله در این باره نوشته است:

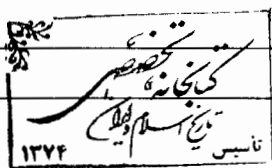
مکاتبات را نصرت‌الدوله شخصاً دیکته می‌کرد و من می‌نوشتیم و بعد آنها را به یک ماشین‌نویس مخصوص می‌دادم که [در] سه نسخه ماشین‌کند. نامه‌های ماشین‌شده، با شماره مخصوص که دفتر وزارتخانه خبر نداشت، در دفتر خود من پس از امضای وزیر برای دکتر میلسپو ارسال می‌گشت.

«خاطرات حشمت‌الله‌خان فرمود از فیروز میرزا نصرت‌الدوله» در: مجموعه مکاتبات، اسناد، خاطرات و آثار فیروز میرزا فیروز (نصرت‌الدوله)، جلد دوم، خاطرات محبس، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۰، ص ۳۹۰

بدیهی است که نامه‌های برگشت نیز چنین وضعی داشته است، از همین می‌توان اهمیت سندهای مجموعه نصرت‌الدوله و منحصر به فرد بودن اکثر آنها را دریافت.

- در عین حال، برای تکمیل مجموعه و بهره‌گیری بهتر و سریعتر علاقه‌مندان، معدودی سند نیز از جاهای دیگر آوردیم و در جای خود، منشأ هر یک از آن سندها را یادآور شدیم. به ویژه، باید از مذاکرات نشستهای سه‌گانه مجلس شورای ملی یاد کرد که نظر دولت و برداشتها و داورها و رایزنیهای تأمل‌برانگیز کسانی همچون دکتر محمد مصدق، سید حسن مدرس، سید حسن تقی‌زاده و کیخسرو شاه‌رخ را در مورد پایان مأموریت میلسپو در بر دارد.

- در نقل اسناد این مجموعه، نهایت امانت رعایت شده است: هیچ‌گونه حذف و گزینشی به عمل نیامد و حتی پیشنویسهای مضمون نامه‌ها را - که اصل اغلبی از آنها یافت نشده و پاره‌ای هم عبارتند از جمله‌ای کوتاه و ناتمام - آوردیم. بدیهی است که نشانه‌های سجاوندی در نامه‌ها و یادداشتهای آن دوره بسیار نادراست و



هنگام ویرایش افزوده شدند.

- برخی از سندها به زبانهای بیگانه بودند و ما آنها را به فارسی برگرداندیم.
- چنانکه بایسته است، هر جا لازم بود، درباره نامها و واژهها توضیح مختصری داده شد و برای شناخت بیشتر آنان، زندگینامه کوتاهی هم از نصرت الدوله و میلسپو افزودیم.

- نام کتاب را نصرت الدوله و میلسپو، پایان مأموریت آمریکاییها در ایران (مجموعه، اسناد نصرت الدوله فیروز: ۱۳۰۵ - ۱۳۰۶) نهادیم؛ زیرا دو کتاب میلسپو با عنوانهای «مأموریت آمریکاییها در ایران» و «آمریکاییها در ایران» نوشته شده و ترجمه فارسی آنها نیز انتشار یافته است.

امیدواریم دیباچه‌ای که فراهم آورده‌ایم به اندازه کافی معرف اهمیت سندهای ارائه شده در این مجموعه، فضای حاکم بر روابط حساس وزیر ایرانی و رئیس کل آمریکایی مالیه - در آن سالهای آغازین پادشاهی رضا شاه - باشد و مقبول نظر و مورد استفاده پژوهشگران آینده قرار گیرد.

ناصرالدین پروین

تهران، اسفند ۱۳۷۹

زندگینامه فیروز میرزا فیروز (نصرت الدوله)

نصرت الدوله، نخستین پسر عبدالحسین میرزا فرمانفرما و خانم عزت الدوله دختر مظفرالدین میرزا ولیعهد، به سال ۱۳۰۶ ق در تبریز زاده شد. نام نیایش فیروز میرزا - فرزند عباس میرزا نایب السلطنه - را بر او نهادند و در پنج سالگی از سوی جد مادری اش ناصرالدین شاه، ملقب به نصرت الدوله شد. در پی اجباری شدن نام خانوادگی، وی فیروز را برگزید.^۱

نخستین شغل مهم دولتی نصرت الدوله نیابت کوتاه مدت حکومت کرمان به سال ۱۳۲۵ بود. در سال ۱۳۲۹ ق برای ادامه تحصیل به پاریس رفت و از دانشگاه سوربن در رشته حقوق بین الملل دکترا گرفت. در ذیحجه ۱۳۳۲ به وطن بازگشت و اندکی بعد، کفیل وزارت عدلیه کابینه مستوفی الممالک شد. پس از آن، سه بار در کابینه های وثوق الدوله به وزارت عدلیه رسید و سرانجام، در ذیقعد ۱۳۳۷ به وزارت امور خارجه در کابینه ای منصوب شد که عاقد قرارداد معروف و ناکام ۱۹۱۹ بود. بدین ترتیب، او نیز، همچون وثوق الدوله رئیس الوزراء و صارم الدوله وزیر مالیه نقش اساسی در امضا و توجیه و پیگیری قرارداد یاد شده داشته است.

نصرت الدوله پس از احراز وزارت امور خارجه با احمد شاه به اروپا رفت. این سفر، با موضوع قرارداد و واهمه های ایران از سیاستهای دولت نوبنیاد شوروی مربوط بود و فرصتی نیز به دست آمد که وزیر امور خارجه در گفت وگوهای خصوصی و جمع ملل متفق، مسئله حقوق تاریخی از دست رفته ایران در مرزهای شمالی و باختری را به میان کشد.

یک هفته بعد از بازگشت نصرت الدوله از اروپا به ایران، کودتای ۱۲۹۹ رخ داد و او نیز از جمله دولتمردانی بود که به دستور سید ضیاءالدین طباطبایی دستگیر و زندانی شد. این زندان سه ماه به طول انجامید، ولی پس از سقوط کابینه سید ضیاء، نصرت الدوله به صحنه سیاست بازگشت: به نمایندگی از سوی مردم کرمانشاه به مجلس چهارم و پنجم رفت و مدتی نیز استاندار فارس شد؛ در کابینه سردار سپه او

۱. این عنوان را نخست شاهزاده فرمانفرما برگزیده بود. ما نامه ای مؤید این سخن در مجموعه اسناد نصرت الدوله یافتیم و از آن جا که در زندگینامه های پدر و پسر اشاره ای به این نکته نشده است، آن سند را در نمونه سندهای همین کتاب آوردیم.

را وزیر عدلیه کردند و پس از تغییر سلطنت از قاجار به پهلوی، به وزارت مالیه رسید.

نصرت‌الدوله در مقام وزارت مالیه بود که او را در خرداد ۱۳۰۸ به دستور رضاشاه بازداشت کردند و سپس یازده ماه خانه‌نشین ساختند و زیر نظر گرفتند. یک سال بعد، اتهام رشوه‌گیری نیز مطرح شد و در نتیجه، به پرداخت مبلغی و چهار ماه زندان محکومیت یافت تا آنکه با میانجیگری دولتمرد خوشنام آن دوره، مستوفی‌الممالک، از زندان رست و تا سال ۱۳۱۵ در ملک شخصی‌اش وردآورد به سر برد. در آن سال، پلیس رضاشاهی او را به بهانه دیدارش با کاردار سفارت فرانسه دستگیر ساخت و پس از شش ماه زندان غیرقانونی به سمنان فرستاد و در بیستم دی ۱۳۱۶ پنهانی به قتل رساند.

زندگینامه میلیسپو

آرتور چستر میلیسپو^۱ (اول مارس ۱۸۸۳ - ۲۴ سپتامبر ۱۹۵۵)، در خانواده متوسطی از مردم میشیگان چشم به جهان گشود. وی به سال ۱۹۱۲ دکترای اقتصاد خود را از دانشگاه جان هاپکینز دریافت داشت و همان سال به عنوان استادیار علوم سیاسی و یتمن کالج^۲ واشنگتن به تدریس پرداخت و شش سال بعد به دعوت دانشگاه جان هاپکینز، برای تدریس اقتصاد سیاسی به آن دانشگاه رفت. اندکی بعد، یعنی در پایان جنگ جهانی اول، به همکاری با بخش اقتصادی وزارت امور خارجه آمریکا پذیرفته شد. همین بخش بود که در سال ۱۹۲۲ او را به هیئت نمایندگی ایران معرفی کرد و آن معرفی به بستن قرارداد استخدامی با دولت ایران انجامید.

اندکی پس از پایان دوره نخست خدمت در ایران، میلیسپو از سوی وزارت امور خارجه آمریکا، برای سر و سامان دادن به دارایی کشور هائیتی به آن کشور اعزام شد و سه سال به این کار سرگرم بود. وی، از پایان سال ۱۹۲۹ به کارهای دانشگاهی بازگشت و به تدریس در دانشگاه و همکاری با مؤسسه پژوهشی طرح‌های علوم اجتماعی (واشنگتن) پرداخت. پس از مأموریت دومش در ایران (۱۹۴۳ - ۱۹۴۵)

همین شغل را داشت؛ تا آنکه در ۱۹۴۹ بازنشسته شد و به زادگاهش بازگشت؛ اما بیکار نشست و در پنج سال آخر زندگی، رییس شورای نویسندگان روزنامه کالامازوگازت^۱ بود.

از او نوشتارهای متعدد به چاپ رسیده که از آن میان، یک کتاب مربوط به بخش بزرگی از مأموریت اولش در ایران و کتاب دیگری در باره مأموریت دوم است.^۲ کتاب دوم، خلاف کتاب نخست، اشاره‌های انتقادآمیزی نسبت به ایرانیان در بر دارد و این را باید ناشی از تلخی پایان مأموریت نخست - که موضوع اسناد حاضر است - و شکست مأموریت دوم تلقی کرد. انگیزه‌های شکست مأموریت دوم (دی ۱۳۲۱ - بهمن ۱۳۲۳) میلسپو متعدد است: عدم نیاز واقعی به مستشاری خارجی و آن هم با اختیار اجرایی بی اندازه، نخوت شخصی و یکدندگی میلسپو که حضور متفکین در ایران به آن دامن می‌زد، سالمندی او، وجود فضای باز سیاسی که خلاف دوره اول مأموریت به روزنامه‌نگاران و نمایندگان مجلس اجازه داد به انتقادهای تند از او بپردازند ...

1. Kalamazoo Gazett.

۲. کتاب نخست را انتشارات پیام در سال ۱۳۵۶ با ترجمه آقای دکتر حسین ابوترابیان و با عنوان «مأموریت آمریکاییها در ایران» منتشر ساخت. دومی با ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی با نام «آمریکاییها در ایران. خاطرات دوران جنگ جهانی دوم»، به سال ۱۳۷۰ از سوی نشر البرز انتشار یافته است.

دیباچه

استخدام میلسپو

اگرچه کاربردستان ایران از دوره پادشاهی صفویان از پیشرفتهای مادی اروپاییان آگاهی یافتند، لیکن کوششی در زمینه بهره‌گیری از آن پیشرفتهای نشد. غلجاییان و افشاریان و زندیان، حتی ساخته‌ها و پرداخته‌های صفویان را نیز ویران کردند و افزون بر آن، به جای اقتباس از دانشهای نوینی که در اروپا شکل گرفته بود، زمینه را برای حضور نظامی و تجاری بیگانگان فراهم آوردند و نتیجه‌های شوم آن در آغاز دوره قاجار بروز کرد و چنانکه می‌دانیم، دو قدرت استعماری، ایرانی را که بار دیگر تا حدی یکپارچه شده بود و با کاربردستانی همچون قائم‌مقام فراهانی و عباس میرزا می‌توانست روی پای خود بایستد و خود را کم‌کم با پیشرفتهای مادی آن روز هماهنگ سازد، مورد هجوم و تجزیه قرار دادند و به سبب برتری دانش و فن، پیروزمندان، پیمانهای مصیبت‌باری را بر آن تحمیل کردند.

آن دو تن که نام بردیم و بسیاری از جانشینانشان، راه رستگاری را آوردن دانشهای نو به ایران دانستند. استخدام کارشناسانی از میان کشورهای جز انگلیس و روس و گسیل دانشجوی به اروپا آغاز شد و چنان که می‌دانیم، دستاوردهای مثبت و منفی متعدد داشت. کارشناسانی که از فرانسه و بلژیک و هلند و آلمان و اتریش و سوئد به ایران آمدند، برخی وظیفه‌ای را که در برابر پول ملت ایران بر عهده گرفته بودند به خوبی انجام دادند و شماری، نادرستی کردند و منافع دو قدرت استعماری روس و انگلیس را پاس داشتند.

پس از پیروزی مشروطه‌خواهان، از نخستین کارها که بدان توجه شد، سر و سامان دادن به دستگاه دولت و دیوان بود و تجدد آن به آوردن کارشناسان بیگانه بستگی داشت. قرار شد کارشناسی مالی به ایران بیاورند و این بار - چون چشمشان از اروپاییان ترسیده بود و آمریکاییان هنوز و تا دیری پس از آن از اتهامهای رایج برکنار بودند - مورگان شوستر آمریکایی را به عنوان خزانه‌دار کل به ایران آوردند. شوستر هشت ماه با کاردانی و درستی به دولت ایران خدمت کرد و آنگاه، هیئت

حاکمه با پذیرفتن اولتیماتوم روس - که انگلیس نیز با مفاد آن موافقت داشت - به کارش خاتمه داد؛ حال آنکه مجلس و عقاید عمومی با این اخراج و آن تسلیم به شدت مخالف بودند.

یازده سال بعد، بار دیگر استخدام کارشناسی بیگانه که بتواند امور مالی ایران را سر و سامانی بدهد مورد توجه قرار گرفت. پیشینه خوبی که شوستر بر جا گذاشته بود و تلخی تسلیم دولت به اولتیماتوم روس، کاربردستان را بر آن داشت که باز هم کارشناسی آمریکایی را به عنوان مستشار مالیه به کارگیرند. انگلیسی‌ها نیز^۱ خلاف روسها^۲ با این استخدام مخالفتی نداشتند. در نتیجه، دولت احمد قوام به حسین علایی (علاء) وزیر مختار ایران در واشینگتن دستور داد فرد مناسب را بجوید. بخش اقتصادی وزارت امور خارجه آمریکا، اقتصاددان سی و نه ساله‌یی به نام آرتور چستر میلسپو را به نماینده دولت ایران معرفی کرد. میلسپو، اختیار گسترده را وسیله مهم کار خود می‌دانست و از رفتارهایی که در دو نوبت مأموریت در ایران کرد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که قدرت را نیز دوست داشت. او خود در خاطراتش نوشته است:

یکی از نکات مهمی که می‌بایست در باره آن تصمیم گرفته شود، مسئله سمت ما در ایران بود که آیا این هیئت به عنوان مستشار انجام وظیفه می‌نماید یا به صورت ریاست؟ دولت ایران از ابتدا تقاضای مستشار مالیه کرده بود (...). بر اثر اصرار من برای اخذ اختیارات بیشتر، مجلس در قانون استخدامی من، عنوان مستشار مالی را به رییس کل مالیه تغییر داد؛ چون به هر حال سرپرستی هیئتی که به صورت مستشار خدمت می‌کنند و برای قبولاندن و انجام توصیه‌های خود هیچگونه قدرت قانونی ندارند، مورد علاقه شخص من نبود.^۳

بعدها، یکی از نمایندگان مجلس در همین زمینه گفت:

۱. علی اصغر زرگر، تاریخ روابط ایران و انگلیس در دوره رضاشاه، ترجمه کاوه بیات، انتشارات پروین و معین ۱۳۷۲، ص ۱۰۵. ۲. زرگر، ص ۱۰۸. ۳. میلسپو، مأموریت آمریکاییها در ایران، صص ۵۶ و ۵۷ ترجمه فارسی.

غالب مواد کتترات به آمریکا تلگراف می‌شد و از آن جا در کمیسیون بودجه حلاجی می‌گردید و باز تلگراف می‌شد و بالاخره با توافق نظر نماینده ایران، کتترات دکتر میلسپو تهیه شد. پس می‌شود این اختیارات را بدون تدقیق دانست.^۱

سرانجام، در چهارم مرداد ۱۳۰۱ مجلس شورای ملی قانون استخدام میلسپو را با عنوان «رییس کل مالیه ایران» تصویب کرد. متن آن قانون - که ما آن را در این مجموعه آورده‌ایم - و دیگر سندها، حکایت از ناهمگونی‌اش با قانون اساسی و مسئولیت وزیر مالیه و هیئت دولت و پاره‌ای از دیگر متنتهای قانونی دارد. پنج سال بعد، دکتر محمد مصدق در مجلس شورای ملی یادآور شد:

بنده با اختیارات دکتر [میلسپو] مخالف بودم، زیرا اختیارات ایشان، بعضی‌ها مربوط به امور اداری مالیه بود و بعضی حقیقتاً مربوط به امور مالیه نبود و می‌شد گفت اختیاراتی است سیاسی و بنده با این قسم اختیارات مخالفم (...). از این اختیارات ما فایده نمی‌بریم؛ برای این که وقتی وزرای ما مسئول هستند، بد و خوب را به گردن می‌گیرند؛ ولی وقتی اختیارات مهمی را به یک نفر می‌دهند، هر چه به وزیر می‌گویند [چرا چنین شده است؟]، اظهار می‌کنند: «چه کنم؟ او امضا کرده، بنده هم امضا می‌کنم». بنده همیشه عقیده‌ام این بوده است [که] به یک خارجی نباید اختیارات فوق‌العاده زیادی داده شود.^۲

میلسپو از حقوق گزاف و امکانهایی رفاهی ویژه و اختیارات قانونی بی‌نظیر بهره‌مند بود؛ ولی از همه مهمتر، این که مقامهای ایرانی تسلیم و مرعوبش بودند: هر هفت وزیر مالیه‌ای که از ابتدای مأموریت او تا انتصاب فیروز میرزا نصرت‌الدوله با رییس کل مقتدر مالیه سروکار داریم پیدا کردند، تقدمش را بر خود و تسلطش را بر کارهای مالی کشور پذیرفتند. نخستین آنان میرزا خلیل خان فهیم‌الملک بود که

۱. ابوطالب شیروانی در جلسه سه‌شنبه سوم مرداد ۱۳۰۶ مجلس شورای ملی.

۲. مذاکرات مجلس، جلسه سوم مرداد ۱۳۰۶.

میلسپو در باره‌اش نوشته است: «به من گفت که در حقیقت من وزیر مالیه اصلی هستم. خود او در بقیه عمر وزارتش چنان رفتار کرد که انگار سمت مشاورت مرا به عهده داشت!»^۱. رییس کل مالیه، در هر فرصتی، تسلیم و انقیاد وزیران پیشین را به هشتمین و آخرین وزیر دوران مأموریتش یادآور می‌شد. دکتر محمد مصدق در مجلس شورای ملی در این باره گفته است: «چه بسا که وزراء خواسته‌اند در برابر او مقاومت کنند، نتوانسته‌اند و اتفاقاً، بعضی‌ها ورقه رضایتنامه گرفته‌اند و رفته‌اند. ملاحظه کنید: کار مالیه مملکت ما به جایی رسیده بود که اگر وزیری می‌خواست از آن جا خارج شود، باید تصدیقنامه بگیرد!»^۲. آن وزیران به ترتیب عبارت بودند از خلیل فهیمی (فهیم‌الملک)، حسنعلی کمال (نصرالملک)، محمدعلی فروغی (ذکاءالملک)، محمود جم (مدیرالممالک)، مرتضی قلی بیات، حسن وثوق (وثوق‌الدوله)، حسن اسفندیاری (محتشم‌السلطنه).

نصرت‌الدوله وزیر مالیه

در ۱۸ بهمن ۱۳۰۵ مستوفی‌الممالک - دومین نخست‌وزیر رضاشاه - چهل و نهمین هیئت دولت مشروطه را تشکیل داد. این کابینه، سومین کابینه پیاپی مستوفی‌الممالک بود و در آن، فیروز میرزا فیروز (نصرت‌الدوله) به عنوان وزیر مالیه معرفی شد. نخست‌وزیر بعدی، مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطنه)، نصرت‌الدوله را در وزارت مالیه ابقا کرد و پایان کار میلسپو و بعدها سقوط و دستگیری نصرت‌الدوله هم در دوران زمامداری همو اتفاق افتاد.

قدیمترین سند این مجموعه مربوط به ۱۱ اسفند ۱۳۰۵ است و در این هنگام، بیش از سه هفته از آغاز وزارت نصرت‌الدوله می‌گذشت. در آن سه هفته، ناگزیر، وزیر جدید کارهای خود را با شاه و دولت و مجلس سر و سامان می‌داده و زمینه استقرارش در وزارت مالیه را فراهم می‌آورده است. اگر یکی از این دو فرض که او را گمارده بودند تا میلسپو را مطیع هیئت دولت سازد، یا مأموریت داشت که زیر پایش را جارو کند درست باشد، ضمن آنکه قولش را برای همکاری با رییس کل مالیه رعایت می‌کرد، رفتار و گفتار وی را نیز زیر ذره‌بین گذارده بود.

۱. مأموریت آمریکاییها در ایران، ص ۵۰.

۲. مذاکرات مجلس شورای ملی، اول مرداد ۱۳۰۶.

هر چه بود، منش میلسپو و پیچیدگیهای قانونی، خیلی زود روابط این دو مرد را تیره ساخت. نخستین برخورد میان وزیر ایرانی و رییس کل آمریکایی را موضوعی سیاسی برانگیخت: وزیر امور خارجه خواسته بود که پاشاخان کارمند گمرک منطقه مرزی آستارا، به جای دیگری «غیر از سرحدات شمالی» منتقل شود. ماهیت سیاسی این درخواست روشن است؛ ولی میلسپو ضمن «تذکر» اینکه «انتقال اعضای مالی فقط به توصیه» او انجام می‌گیرد، یادداشت نصرت‌الدوله را «یک حکم سخت» تلقی کرد.^۱ دومین برخورد، مربوط به تعرفه گمرکی ایران و شوروی بود و میلسپو به نخست‌وزیر نوشت که آن را به مرحله اجرا نخواهد گذارد^۲ و روز بعد، جواب تندی از نصرت‌الدوله دریافت کرد. روابط توفانی آن دو چنین آغاز شد و در مدت پنج ماه، وزارت مالیه و دولت و مجلس و افکار عمومی را به خود مشغول داشت.

استدلالهای میلسپو

مبنای اصلی همه اختلافها، قرارداد استخدانی میلسپو بود. از این رو، رییس کل مالیه خرده‌گیریهای وزیر را با توجه به رفتار هفت وزیر قبلی، بدعتی به شمار می‌آورد و آنها را بر نمی‌تافت. چنانکه در سندهای موجود می‌بینیم، وی، وزیر تازه را بی‌تجربه، اشتباهکار و نظرهایش را نادرست و شتاب‌آلود می‌خواند و با به رخ کشیدن قرارداد قانونی استخدامش، نه تنها تصمیم‌گیریهای درست و نادرست خود را توجیه می‌کند، بل هیچگونه حقی برای وزیر مسئول، جز تأیید و امضا قائل نیست. نخستین نمونه را ذکر کردیم. پس از آن، این شیوه استدلال ادامه یافت: «اگر به قانون مراجعه فرمایید، تصدیق خواهید نمود که مدیران ادارات عموماً تحت اداره و تعلیمات این جانب می‌باشند و رویه جناب مستطاب عالی دایره فرستادن احکام مستقیم به آنها (...) غیرقانونی است»^۳؛ «از قرار معلوم، عقاید حضرت مستطاب والا مبنی بر مطالعه غیرمکمل مقررات مربوط [به] قانون و کنترات این جانب بوده است»^۴؛ «اگر جناب عالی بر خلاف قانون و کنترات این جانب (...) اصرار بورزید، این جانب نیز در تعقیب رویه (...) اصرار خواهم کرد»^۵؛ «دولت ایران

۱. سند ۱۴ اسفند ۱۳۰۵. ۲. سند ۲۷ اسفند ۱۳۰۵. ۳. سند ۲۳ اسفند ۱۳۰۵.

۴. سند ۷ فروردین ۱۳۰۶. ۵. سند ۱۱ اردیبهشت ۱۳۰۶.

صریحاً و من غیر شرط متعهد است که [با] نظریات من راجع به پرسنل مالیه موافقت نماید (...). من به هیچ وجه حاضر نیستم از رعایت این تعهد مشروط و غیرمقید به نحو اتم و اکمل از طرف ایران، غمض عین کرده و یا راجع به آن قرار و مداری با دولت بگذارم^۱. میلسپو که تاکنون خود را «در رأس مالیه ایران» می دید، ضمن یادآوری این نکته، در تیر ماه ۱۳۰۶ به نصرت الدوله نوشت: «جناب عالی باید ملتفت این نکته باشید که نسبت به بعضی امور، تکالیف من بر طبق قانون مساوی با تکالیف وزیر مالیه است و به علاوه، نسبت به بعضی امور دیگر، دایره وظایف من از حدود وظایف وزیر مالیه هم وسیعتر است». بسیاری از این «امور»، مربوط به بیرون از وزارت مالیه می شد و به آن اشاره خواهیم کرد.

استدلالهای نصرت الدوله

نصرت الدوله، افزون بر تجربه های گوناگون، حقوق خوانده بود و از معدود ایرانیان قانوندان زمان خود به شمار می رفت. میلسپو به او نوشت: «ملاحظه این مطلب که حضرت مستطاب والا در حفظ اختیارات قانونی قویاً علاقه مند هستید، اسباب کمال مسرت این جانب است» ولی، همان جا به او یادآور شد که «امتداد استدالات قانونی را که حضرت والا شروع فرموده اید، لازم نمی آید»^۲.

چکیده آن استدلالهای قانونی نصرت الدوله این بود که «ادارات مالیه (...) خود را مافوق قوانین فرض و بر خلاف اصول جاریه و مسئولیت و اختیار وزرای مملکت در ایفای مطالب خود، می خواهد اظهار عقیده و اثبات اراده کند. تمام اختیارات قانونی شما (...) محدود به تصویب وزیر مالیه و هدایت قانونی مشاورالیه و مخالف نبودن با مسئولیت وزراست»^۳. اینها همه در قرارداد قانونی رییس کل مالیه هم آمده است و نصرت الدوله آن را به میلسپو یادآور می شد:

قسمت اول ماده ۶ صریحاً مقرر داشته است که «رییس کل مالیه تحت تعلیمات قانونی و نظارت وزیر مالیه و با مراعات اصول مسئولیت وزراء کلیه مأمور مالیه ایران را بر عهده خواهد داشت» [و در] قسمت دوم ماده ۸ آمده

۱. ۵ تیر و مشابهنش: ۱۸ و ۲۰ اردی بهشت ۱۳۰۶. ۲. سند هفتم فروردین ۱۳۰۶.

۳. سند ۱۱ اردی بهشت ۱۳۰۶.

است که] «هیچ مخارج دولتی یا انتقال وجوه عمومی نخواهد شد مگر به امضای وزیر مالیه و تصدیق رئیس کل مالیه». در قسمت دوم ماده ۱۲ «رئیس کل مالیه تعهد می‌کند در ضمن ایفای وظایف خود، در هر موقعی قانون ایران و اقتدارات قانونی کنستیتوسیونل (= مبتنی بر قانون اساسی) وزراء را کاملاً مراعات و احترام نماید».

نظر به قسمت اول ماده ۶، این جانب که وزیر مالیه هستم، تعلیم قانونیم این است که امتناع از پرداخت خرج مصوبه مجلس بر بودجه مملکتی (...) و اظهار تردید کردن در انتخابی که وزیر خارجه نظر به اقتدار قانونی کنستیتوسیونل خود در وزارت امور خارجه نموده (...) مخالف با تعهد رئیس کل مالیه در قسمت دوم ماده ۱۲ است؛ زیرا منافی با قانون ایران و اقتدارات وزیر امور خارجه است و به علاوه، این امتناع سوء استفاده از قسمت دوم ماده ۸ مذکوره در فوق است.^۱

در نامه‌ها و یادداشت‌های متعددی، نصرت‌الدوله به میلسپو یادآور شده است که: «از حدود اظهار نظر مشورتی تجاوز شده و برای هیئت دولت به عباراتی که مقتضی نیست، تعیین تکلیف کرده‌اید (...) در صورتی که رئیس کل مالیه مأمور هدایت وزراء نیست و (...) فقط پادشاه مملکت و مجلس شورای ملی از آنها حق مؤاخذه دارند»^۲، «مراجعه دولت به رئیس کل مالیه در مسائل مالی، مشورتی است»^۳، «در وزارت مالیه که من مسئول آن هستم، باید قبلاً مطمئن بشوم»^۴، «متأسفانه هر چه بیشتر با شما در موارد مختلفه قانون مورخه ۴ اسد ۱۳۰۱ بحث می‌کنم، مأیوس می‌شوم از این که بین نظریه شما و نظریه من تطبیق حاصل شود»^۵، «باید به شما متذکر بشوم که بودجه را باید من تصویب کنم تا به مجلس پیشنهاد بشود. البته من نمی‌توانم بر خلاف مشهودات و معتقدات خودم بودجه را تصویب کنم»^۶، «البته

۱. سند ۱۵ اردیبهشت ۱۳۰۶، مشابه: ۱۶ خرداد. ۲. سند ۲۸ اسفند ۱۳۰۵.

۳. سند ۱۷ فروردین ۱۳۰۶. ۴. سند ۱۶ اردیبهشت ۱۳۰۶. ۵. سند ۵ خرداد ۱۳۰۶.

۶. سن ۱۶ خرداد ۱۳۰۶.

قبول مساعدت من، محدود به حدود قانون و ادای وظیفه به مسئولیت وزارت است»^۱. وی، در پاسخی مفصل به میلسپو که او را از تماس با کارکنان آمریکایی باز داشته بود، نوشت: «مراجعات من همیشه به ادارات وزارت مالیه است که از ادارات تابع شخص وزیر مالیه هستند. اگر به واسطه این که از مستخدمین آمریکایی به ریاست آن ادارات منصوب هستند، آنها در حقیقت مخاطب و ملزم به جواب من می شوند، بحثی بر این جانب که می خواهم مستقیماً در ادارات تابعه خودم نظر داشته باشم، وارد نمی آید»^۲، و هفته بعد به رییس کل مالیه تذکر داد که از نامه نگاری با سازمانها و افراد بیرون از وزارت مالیه - که بدون آگاهی او صورت می گیرد - بپرهیزد^۳. پاسخ میلسپو به این تذکر منطقی بود. وی چنین استدلال کرد که آن نامه ها در پی مراجعه به او نوشته می شود و مسئولیتی برای وزارتخانه تولید نمی کند.^۴

باز در پاسخ میلسپو که نوشته بود نصرت الدوله سرانجام مفهوم قانون را فهمید و با او در مورد اختیارات رییس کل مالیه برای استخدام کارکنان قراردادی همراه شد، وزیر حقوقدان تأکید کرد که آن موافقت تنها تا تصویب قطعی بودجه اعتبار دارد و افزود: «شما حقی ندارید بدون تصویب وزیر مالیه راجع به استخدام آنها اقدامی بکنید (...). معنای قانون همیشه برای من واضح بوده و در هیچ موقع ابهامی نداشته است. اعتراض من که هنوز باقی است، مربوط به استفاده از حق قانونی نیست، بلکه راجع به سوء استعمال حق قانونی است»^۵ و اندکی بعد، در باره رفع مسئولیتهایی که میلسپو نشان می داد، یادآور شد که «اظهار نظر شما در اموری که قانون مقرر داشته است اختیاری نیست و شما مکلف هستید که عقیده خودتان را اظهار دارید»^۶.

در اسناد موجود، نصرت الدوله دو جا به بیگانه بودن میلسپو اشاره کرده است. یکی در مورد عدم سوء استفاده از حق قانونی است. در این باره به او نوشت: «تصور می کنم احترام این مطلب از طرف خارجی هایی که در مملکتی غیر از مملکت خودشان مستخدم می شوند باید بیشتر رعایت بشود»^۷. در جای دیگر، هنگامی که

۱. ۱۶ خرداد ۱۳۰۶ [سند دیگر]. ۲. سند ۷ تیر ۱۳۰۶. ۳. سند ۱۶ تیر ۱۳۰۶.

۴. سند حدود بیستم تیر ۱۳۰۶. ۵. سند ۲۴ تیر ۱۳۰۶. ۶. سند ۲۹ تیر ۱۳۰۶.

۷. سند ۲۴ تیر ۱۳۰۶.

میلسپو به تعهدهای ایران نسبت به جامعه ملل متفق اشاره می‌کند، نصرت‌الدوله آن را امری سیاسی می‌داند و خارجی بودن او را یادآور می‌شود.^۱

لجبازی، تهدید و استهزاء

در وزارت مالیه فضای سنگین و آلوده‌یی حاکم بود. وزیر و رئیس کل مالیه سخت مواظب یکدیگر بودند. هیچیک آن دیگری را آسوده نمی‌گذاشت. بهانه می‌جستند و با رفتار و گفتار و نوشتار تند، به پر و پای هم می‌پیچیدند. نگاهی گذرا به یادداشتها و نامه‌های آن دو نشان می‌دهد که در ادامه این وضع، گناه میلسپو سنگین‌تر از نصرت‌الدوله بوده است.

میلسپو، حتی نظرهای عادی وزیر مالیه را در زمینه اداره وزارتخانه‌ای که مسئولیت قانونی آن را بر عهده داشت بر نمی‌تافت. از جمله - شاید به منظور صرفه‌جویی در هزینه‌ها - نصرت‌الدوله مایل بود به جای گسیل فردی از تهران به خراسان برای شرکت در کمیسیون قرارداد تقسیم آبهای مرزی ایران و شوروی، رئیس راه آن ایالت را که در این مورد آگاهی و پیشینه‌ای داشت مأمور کنند^۲؛ ولی میلسپو آن پیشنهاد را - بی‌آنکه توضیحی دهد یا دلیلی آورد - رد کرد و افزود که اگر رئیس راه خراسان هم در آن کمیسیون شرکت جوید «البته اعتراضی نخواهد بود و او نیز برای مشارکت در کار اعزام شود»^۳. یا هنگامی که وزیر مالیه تصمیم می‌گیرد که دانش فنی کارکنان قراردادی وزارتخانه خود را آزمایش کند، میلسپو می‌گوید: «اگر (...) اصرار بورزید این جانب نیز در تعقیب رویه [ای] که به نظر من کاملاً صحیح است و عبارت می‌باشد از امتحان وضعیت قانونی عموم مستخدمین کشوری دولت، اصرار خواهم کرد»^۴. نصرت‌الدوله ناگزیر از توضیح شد که منظورش تنها وزارتخانه‌ای است که اداره آن را بر عهده دارد و «عمل وزارتخانه‌های دیگر را مربوط به وزرای مسئول وزارتخانه‌ها می‌دانم»^۵. با این وصف، میلسپو هر دو پا را در یک کفش کرد که «قصد» دارد «راجع به وضعیت قانونی سایر مستخدمین دولت» عملی مشابه انجام دهد.^۶

۱. سند ۸ تیر ۱۳۰۶. ۲. سند ۱۴ اردی‌بهشت ۱۳۰۶. ۳. سند ۱۹ اردی‌بهشت ۱۳۰۶.

۴. سند ۱۱ اردی‌بهشت ۱۳۰۶. ۵. سند ۱۶ اردی‌بهشت ۱۳۰۶.

۶. سند ۱۸ اردی‌بهشت ۱۳۰۶.

به نظر گزاف آلود میلپو در باره حقوق و اختیار بالاتر از وزیر، اشاره کردیم. وی، حق چندانی برای وزیر مالیه و در واقع برای هیئت دولت قائل نیست. در باره دستوری که نخست‌وزیر با موافقت وزیر مالیه داده و مربوط به بیرون از وزارت مالیه است، می‌گوید: «این ماده [۷] یک تقبل و تعهدی است از طرف دولت که مقید به هیچ‌گونه شرط و قیدی نمی‌باشد (...). آیا ممکن است به سؤال ذیل جواب صریح و قطعی مرقوم دارید: آیا رییس کل مالیه قانوناً حق دارد از تصویب یک خرجی که وزیر مالیه تصویب آن را به او دستور می‌دهد خودداری کند یا خیر؟»^۱. رییس کل مالیه، «توضیح» و «اطلاع» به وزیر مالیه را کافی می‌داند (بیستم اردی‌بهشت) و در جای دیگر می‌نویسد: «وقتی که احکام پرسنلی را برای امضا نزد جناب عالی می‌فرستم، اعتراضی به توضیح دادن دلایل صدور احکام ندارم و همچنین اعتراضی ندارم که جناب عالی هم نظریات خود را برای این جانب مرقوم دارید!»^۲. اسناد موجود گواه است که میلپو حتی یک مورد از استدلالهای قانونی یا اداری و تصمیمهای وزیر مالیه را نپذیرفته است. در اکثر موارد، رویه او اعتراض و اشاره به قانون استخدام اوست که به گروکشی، تهدید وزیر و رفع مسئولیت از خود می‌انجامد: «اگر (...) اصرار بورزید (...) جناب مستطاب عالی مسئول آن خواهید بود»^۳؛ «هیئت دولت باید متوجه باشند که اگر از جلب نظر من در این باب کوتاهی کنند یا از قبول نظریات این جانب نسبت به موضوع مهم مزبور خودداری نمایند، مسئولیت عواقب چنین اقدامی کاملاً متوجه خود دولت خواهد بود و بس»^۴. مورد اخیر، در باره موضوعی است که به سیاست خارجی دولت مربوط می‌شد.

در حالی که نصرت‌الدوله هیچگاه نسبت به میلپو رعایت ادب و احترام را از دست نمی‌نهد، رییس کل مالیه به اعتراض و تهدید و پیش کشیدن مسئله اختیارهای خود بسنده نمی‌کند و سلاح زخم زبان و طعنه و استهزاء را نیز به کار می‌گیرد. وی، نصرت‌الدوله را وزیری می‌خواند که «سابقه مختصری» در وزارت مالیه دارد^۵، به تمسخر پس از پنج ماه وزارت نصرت‌الدوله می‌گوید «شاید خود جناب عالی دریافته باشید که پنج ماه تجربه کافی است که انسان امور اداره مالی را

۱. سند ۲۰ اردی‌بهشت ۱۳۰۶. ۲. سند ۱۳ تیر ۱۳۰۶.

۳. سند ۱۱ اردی‌بهشت ۱۳۰۶ و مشابهن: ۱۸ اردی‌بهشت، ۲۲ فروردین، ۱۳ و ۲۹ تیر.

۴. سند ۷ تیر ۱۳۰۶. ۵. سند ۲۰ تیر ۱۳۰۶.

تحت اختیار خود در آورد»^۱ و آرزومند است که این وزیر تازه کار «نسبت به تشکیلات کنونی و اوضاع قانونی ادارات مالیه بیشتر آشنایی پیدا» کند.^۲ او بارها وزیران پیشین مالیه را به رخ وزیر شاغل می‌کشد؛ یعنی کسانی که رابطه‌شان با میلسپو «بقدری ممزوج با حسن تفاهم و حسن نیت بوده که هیچگونه مناقشه در بین وجود نداشته»^۳ و فعالیت رییس کل مالیه را «مورد پرسش یا عدم رعایت قرار» ندادند.^۴ وی، رعایتها یا ناتوانیهای وزیران پیشین را گواهی بر حقانیت خود تلقی می‌کند و به وزیر مسئول مالیه می‌نویسد: «جناب عالی موافق دلخواه، خود را مختار می‌دانید رویه [ای] را که عموم وزرای مالیه، سابق شناخته و رعایت نموده‌اند، رعایت نکنید و همچنین تعبیرات قانون را که تقریباً هیچیک از وزرای سلف مورد چون و چرا قرار نداده‌اند، جناب عالی مراعات نمی‌نمایید».^۵

مستخدم آمریکایی دولت ایران، اظهار نظرهای وزیر را «ایجاد مشکلات در اداره مالیه»^۶ ناشی از پی نبردن «به چگونگی وضعیت» و «ملفت» نبودن^۷، «سوء تفاهم»^۸، «سهو و اشتباه»^۹، تصمیم‌گیری «بدون مطالعه کافی»^{۱۰}، «خوب ملتفت» نبودن^{۱۱}، «عادت» به «ایراد و اعتراض» آن هم «بدون فرق و تأمل کافی»^{۱۲} و بدون «ملاحظه حقایق»^{۱۳} می‌داند و حتی پا را از این فراتر می‌نهد و به تحقیرهایی که جایی در موضوع مورد بحث ندارد می‌پردازد. در باره مسئله ارزاق می‌نویسد: «اگر در ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ جناب عالی وزیر مالیه بودید و وضعیتی را که حالیه اتخاذ کرده‌اید اتخاذ می‌نمودید، هزارها نفر از اهالی تهران تلف شده بودند (...). از طرف دیگر، جناب عالی بعضی اظهارات سست کرده‌اید»^{۱۴}. حتی هنگامی که وزیر در موردی سخن رییس کل مالیه را می‌پذیرد، این یک از زخم زبان کوتاهی نمی‌ورزد؛ «از این که بالاخره راجع به معنای قانون با من توافق نظر حاصل نموده‌اید، اظهار امتنان می‌کنم. اگر این وضعیت را پنج ماه قبل اتخاذ فرموده بودید، اختلال امور

-
۱. سند ۱۳ تیر ۱۳۰۶. ۲. سند ۷ فروردین ۱۳۰۶. ۳. سند ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۶.
 - ۴.؟ ۵. سند ۲۰ تیر ۱۳۰۶. ۶. سند ۱۱ اردیبهشت ۱۳۰۶. ۷. سند ۱۳ تیر ۱۳۰۶.
 ۸. سند ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۶. ۹. سند ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۶ و مشابه: ۱۰ خرداد.
 ۱۰. ۱۳ تیر ۱۳۰۶ و مشابه: ۷ فروردین، ۶ و ۲۰ تیر. ۱۱. سند ۱۳ تیر ۱۳۰۶.
 ۱۲. ۱۳ تیر و مشابه: ۱۴ تیر ۱۳۰۶. ۱۳. سند ۲۵ تیر ۱۳۰۶. ۱۴. سند ۱۳ تیر ۱۳۰۶.

(...) کمتر می بود»^۱؛ «این مورد نیز یکی از مواردی است که جناب عالی سریعاً و بدون مطالعه، کافی در اطراف قضایا اتخاذ نموده اید و انتظار دارم که در این موضوع هم مثل احکام پرسنلی و مستخدمین کنتراتی، دو سه هفته دیگر نظریه خود را تغییر خواهید داد و ضمناً تا آن موقع برسد، بی جهت اختلال و موانع تولید فرموده اید»^۲.

مسائل بیرون از وزارت مالیه

بسیاری از اختلافهای اساسی نصرت الدوله و میلسپو، ریشه در بیرون از وزارت مالیه داشت. رییس کل مالیه، گاهی با رضاشاه و تیمورتاش وزیر دربار او دیدار می کرد. ارتباط نزدیکی با برخی از نمایندگان مجلس شورای ملی برقرار کرده بود. وی، در یادداشتها و نامه هایش خطاب به وزیر مالیه این ارتباطها و دیدارها و اعتقاد به حمایت پاره ای از شخصیتها را از کارهای خود یادآور شده است. از آن جا که میلسپو حد و مرز روشنی برای دخالتهای خود نمی شناخت، مستوفی الممالک نخست وزیر وقت، نامه ای اعتراض آلود به عنوان وزیر مالیه، ولی «محض تذکر و تنبّه برای آقای رییس کل مالیه»^۳ نوشت:

آنچه در این مدت فهمیده ام، وزارت مالیه نمی خواهد قائل بشود که در مملکت و اصول مملکتداری، غیر از مسایل مالی چیزهای دیگری هم وجود دارد (...) از آن جمله، مقتضیات سیاسی است (...) بسیاری از ابلاغات و مقررات نیز [که] راجع به کارهای عمومی است و قبلاً باید نظر دولت نسبت به آنها جلب شده باشد، از طرف وزارت مالیه صادر و به موقع اجرا گذاشته می شود (...) در صورتی که قبلاً می بایست نظر سایر وزارتخانه ها که بالطبع ذی نفع هستند، لااقل استعلام شده باشد (...) نمی فهمم چرا وزارت مالیه امور محاسباتی و مالی را طوری اداره نمی کنند که کلیات قضایا در نظر عامه و مخصوصاً دولت مکشوف گردد؟^۴.

۱. سند ۱۳ تیر ۱۳۰۶. ۲. سند ۲۰ تیر ۱۳۰۶.

۳. سند اردیبهشت ۱۳۰۶ بدون تاریخ روز ۱۳۰۶. ۴. سند ۶ اردیبهشت ۱۳۰۶.

نمونه تأمل برانگیز، مربوط به وزارت امور خارجه است: یکی از کارکنان نخست‌وزیری را وزیر امور خارجه به مأموریت فرستاد و هزینه آن مأموریت نیز به تصویب مجلس شورای ملی رسید؛ ولی میلسپو با پرداخت آن هزینه مخالفت کرد و با وجود اشاره نصرت‌الدوله به اینکه تصمیم او «امتناع از پرداخت خرج مصوبه مجلس» و «منافی با قانون ایران و اقتدارات وزیر امور خارجه است»^۱، باز بدون ذکر هیچگونه دلیلی، آن را با توجه به اختیارات قرارداد استخدامی خود رد کرد^۲ و در پاسخ درخواست مجدد نصرت‌الدوله، نوشت: «مینوت راجع به پرداخت چهارصد تومان به آقای هوشیار را تلوأ عودت می‌دهم، چون از عقیده این جانب نسبت به این موضوع مسبوق هستید»^۳.

موارد مربوط به وزارت عدلیه مهمتر است: دیوان تمیز اداری، محمود جم را در مورد درخواست رتبه اداری محق دانسته بود، ولی اداره استخدام کشوری که زیر نظر میلسپو بود، آن حکم را قبول نداشت. نصرت‌الدوله به رئیس کل مالیه تذکر داد: «حتی به شما خاطر نشان می‌کنم که در صورت تأخیر، تمام مسئولیتهای قانونی را متوجه شما و اداره استخدام کشوری خواهد ساخت». به همراه این یادداشت، نامه داور وزیر عدلیه نیز برای میلسپو فرستاده شد. لحن نامه تند است و در آن، ماده ۱۳۹ قانون مجازات عمومی که نتیجه سر باز زدن از «احکام یا اوامر عدلیه» را «از خدمت دولت منفصل» شدن دانسته‌اند، ذکر شده است^۴. چهار هفته پیش از آن، میلسپو به شدت با تغییر میزان حقوق قاضیان دادگستری نیز مخالفت کرده بود و نصرت‌الدوله به او یادآور شد که:

قانون اختیارات وزیر عدلیه اجازه تغییر میزان حقوق قضات را به ایشان داده (...). چه جای ایراد برای وزارت مالیه باقی است؟ (...). لازم است برای احتراز از تأخیر پرداخت حقوق وزارت عدلیه که خود مانع و مخل اصلاحات اساسی قوه قضاییه و موجب مسئولیت وزارت مالیه خواهد بود، اگر ابهاماتی در مطالب است، با حضور آقای وزیر عدلیه و خود شما و این جانب و رئیس استخدام

۱. سند ۱۵ اردیبهشت ۱۳۰۶. ۲. سند ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۶. ۳. سند ۱۴ تیر ۱۳۰۶.

۴. سند ۲۹ تیر ۱۳۰۶.

کشوری مسایل روشن بشود^۱.

نمی‌دانیم به چه ترتیبی، خانواده‌ای ارمنی تابع روسیه، مالک ۶۴ روستای کردنشین پیرامون ارومیه شده بود؟ دولت می‌خواست آن روستاها را به ساکنان آن روستاها واگذار کند و میلپو رضایت نمی‌داد. استدلالهای او در این باره، درک سیاسی اندکش را در باره مسایل ایران، اطلاع محدودش از اقتصاد روستایی و علاقه‌اش را به دخالت در همه کارها نشان می‌دهد:

اکراد متصرف این قراء خیلی ثروتمند هستند و می‌توانند قیمت املاکی را که در تصرف آنهاست به سهولت بپردازند. در صورتی که کسانی املاکی را متصرف هستند و در نتیجه تصرف چندین ساله و استفاده از منابع ثروت محل به قدری متمول شده‌اند که به آسانی از عهده پرداخت قیمت عادلانه املاک برمی‌آیند، البته منطقی نخواهد بود که دولت، خود قیمت املاک را به مالکین حقیقی بپردازد (...). از قرار اطلاع واصله، فرمانده لشکر غرب به اکراد وعده داده است که قراء متصرفی آنها را به عنوان هدیه به ایشان واگذار خواهد کرد^۲.

آخرین نمونه ما مربوط به مسایل بین‌المللی است: میلپو در ربط با بودجه مملکتی و مخالفت با تصمیم وزیر مالیه، به او نوشت که بندهایی از لایحه بودجه «مخالف اطمینانی است که دولت ایران به مجمع اتفاق ملل داده است (...). از اعتماد دول خارجه به صدق اظهارات دولت ایران تا درجه [ای] کاسته خواهد شد»^۳. عین این نامه در روزنامه‌ها نیز به چاپ رسید. روز بعد، نصرت‌الدوله هم پاسخ خود را تکثیر کرد و در اختیار نمایندگان مجلس گذاشت. او در این نامه نوشته است:

تعهدات دولت در جامعه [ملل] از امور سیاسی مملکتی است و قابل بحث از طرف شما نیست و شما یک نفر مستخدم خارجی دولت ایران هستید [و] تا در خدمت دولت هستید، در کاغذی که برای انتشار تهیه کرده‌اید،

۱. سند یکم تیر ۱۳۰۶. ۲. سند ۲۵ تیر ۱۳۰۶. ۳. سند هفتم تیر ۱۳۰۶.

نباید به دولت ایران نسبت نقض و خلف تعهدات در مقابل دول دیگر بدهید. علی‌الخصوص که متأسفانه این اظهار شما نیز کاملاً ناشی از عدم مطالعه و دقت در تعهدات دولت است ...^۱.

تجدید قرارداد

هنگامی نصرت‌الدوله به وزارت مالیه گمارده شد که هفت ماه به پایان قرارداد میلسپو با دولت ایران مانده بود و از سندهای موجود پیداست که گمان می‌برد قرارداد را به همان صورت نخست تجدید خواهند کرد. نیز، به نظر می‌رسد که وزیر مالیه جدید از همان آغاز تصدی‌اش، بر آن بوده است که با اندک تغییری در قرارداد، دایره عمل میلسپو را محدود سازد و «ریاست کل مالیه ایران» را به مستشار تبدیل کند. حال آنکه در آغاز سخن از کتاب میلسپو نقل کردیم و دانستیم که کارشناس آمریکایی به هیچ رو علاقه‌ای به مستشار شدن نداشت. کتاب پیش از دوره مورد بحث ما با تصویری از نصرت‌الدوله - نماینده مجلس - به چاپ رسیده بود و بعید می‌دانیم که نصرت‌الدوله از محتوایش ناآگاه بوده باشد.

نصرت‌الدوله، همین نظر را در مورد دیگر کارمندان بیگانه نیز داشت و به میلسپو نوشت «بایستی در نظر گرفت که از عده پیشکاران و امنای مالیه ایالات و ولایات که آمریکایی هستند کاست و آنها را به خدمت تفتیش گماشت»^۲. وزیر مالیه مایل بود به ایرانیان میدان بیشتری داده شود و به میلسپو که می‌خواست مالیه تمامی منطقه باختری ایران را به یک آمریکایی بسپارد نوشت: «به علاوه، آیا فکر می‌کنید که اگر بعد از پنج سال [مأموریت آمریکاییها در ایران و] ممارست [کارمندان ایرانی] در امور، هنوز بین رؤسای ایرانی اشخاص لایق و صحیح‌العملی را که شایسته پیشکاری و امانت مالیه این قبیل نقاط باشند نشناخته باشید (...) بی‌نهایت یأس و تأسف را پیدا باید کرد»^۳.

افزون بر اختصاص کار بازرسی به آمریکاییها، نصرت‌الدوله مایل بود که مستخدمان خارجی از ملیتهای متنوعی باشند. وی، در یادداشتی که به ظاهر هنگام

۱. سند ۸ تیر ۱۳۰۶. ۲. سند ۶ خرداد ۱۳۰۶. ۳. سند ۶ تیر ۱۳۰۶.

گفت و گو با داور وزیر عدلیه کرده، زیر عنوان «نظر دولت»، «تقلیل عدد مستخدمین خارجی و انحصار آنها به رؤسای ادارات مرکزی و تفتیش» و «استخدام از ملتهای دیگر» دیده می‌شود.^۱ با آمدن مستخدمان غیر آمریکایی، یک جنبه دیگر از نفوذ میلپو تضعیف می‌شد؛ چنان که در همان زمان، وی تسلط کامل بر کارکنان بلژیکی دولت نداشت. گفتنی است که جانشین میلپو، در وهله نخست در میان آلمانیها و سوئدیها جست و جو شد.

موضوع اصلاح و کاهش اختیاراتهای میلپو از اواخر خرداد ۱۳۰۶ پیش کشیده شد. در هفتم تیر، وزیر مالیه به رییس کل نوشت: «در این موقع که مشغول مطالعه اصلاحات پیشنهادی کنترات خود هستید، نمی‌خواهم به بحث (...) ادامه بدهم و امیدوارم به واسطه توضیحات و اصلاحاتی که در کنترات آتیه شما پیش‌بینی شده است، این سوء تفاهمها و مناقشه‌ها بکلی خاتمه» یابد.^۲ در ۱۹ تیر، مدرس وکیل با نفوذ مجلس و از دوستان نصرت‌الدوله، به خبرنگار روزنامه ایران گفت: «با وجود دولت حالیه و امثال آن، بی شبهه از فواید و مصالحی که بر وجود میسیون آمریکایی است منتفع خواهیم شد و اگر فرضاً مضراتی دارد مرتفع خواهد شد».^۳

در ۱۸ و ۲۰ و ۲۴ تیر، میلپو در نشستهای با مخبرالسلطنه نخست‌وزیر و نصرت‌الدوله وزیر مالیه برای گفت و گو در باره تغییرهای قرارداد شرکت جست. در همان روزی که آخرین جلسه تشکیل یافت، دوازده تن مستخدمان آمریکایی وزارت مالیه، در نامه‌ای مفصل خطاب به میلپو، به شدت از او دفاع کردند و نوشتند که چون بر پایه قرارداد کنونی - که اختیارات وسیعی به رییس کل مالیه می‌دهد - استخدام شده‌اند، کاهش آن اختیارات موجب نقض قراردادهای ما می‌شود و از این رو، «دولت شاهنشاهی ایران که کنترات ما را نقض می‌نماید، ملزم خواهد بود حقوق کنتراتی ما را تا تاریخ انقضای کنتراتها پرداخته و همچنین سایر پرداختهای مربوطه را به عمل آورند».^۴ اینکه در آغاز نامه آمده است که قرارداد پیشنهادی را «مطالعه و ملاحظه کردیم» و چند قرینه دیگر، نشان می‌دهد که این گردنکشی، ابتکار خود میلپو بوده و یا با موافقت او صورت گرفته است. بنابراین، در ۲۴ تیر که این نامه نوشته شد و آخرین نشست با نمایندگان دولت ایران صورت

۱. سند بدون تاریخ، شاید حدود نیمه تیر ۱۳۰۶. ۲. سند ۷ تیر ۱۳۰۶.

۳. «عقاید نمایندگان مجلس»، ایران، ۱۹ تیر ۱۳۰۶. ۴. سند ۲۴ تیر ۱۳۰۶.

گرفت، میلسپو سخت از پیشنهادهای جدید دولت ناراضی بوده است؛ حال آنکه یک هفته بعد، موجب استعفای خود را تغییرهایی عنوان کرد که پس از آن تاریخ در قرارداد صورت گرفته است: «اسباب تعجب است که در لایحه جدید، بعضی موارد فرق کلی دارند با موادی که از طرف اولیای عالی مقام دولت با این جانب مذاکره شده و توأماً یا فرداً پیشنهاد ما قبول گشته است»^۱.

۲۷ تیر، هیئت دولت قرارداد نهایی را به تصویب رساند. روز بعد، نصرت الدوله آن را با این عبارت به میلسپو پیشنهاد کرد: «این مواد آخرین اصلاح و تصمیم دولت است نسبت به کنتراتی که ممکن است با شما منعقد شود» و به او یک هفته برای پاسخگویی مهلت داد^۲.

میلسپو در ۳۱ تیر، پاسخ منفی خود را به آگاهی رئیس دولت رساند. در آن پاسخ، آمده است: «رویه کنونی دولت به نظر این جانب غیرموجه و غیرقابل تصدیق و غیردوستانه و خالی از نزاکت و مانع از پیدا کردن راه موافقت می باشد و من فداکاری بیشتری را در مقابل دولت ایران زاید می دانم»؛ اما از همین نامه پیدا است که وی هنوز به جلب حمایت رضاشاه یا مجلس شورای ملی و ادامه کار امیدوار است: «هرگاه اعلیحضرت شهریاری اذن شرفیابی - چنانکه یک هفته قبل خواهش نمودم - به این جانب بفرمایند و با نظریات اعلیحضرت شاهنشاهی آشنا بشوم، شاید برای این جانب مقدور باشد که مطابق تمایلات اعلیحضرت همایونی با نظریات دولت موافقت نمایم»^۳.

نامه میلسپو، اول مرداد در روزنامه ها نیز به چاپ رسید و شاه و مجلس به خواسته او پاسخ ندادند و اگر داده اند، ما ناآگاهیم. دو روز بعد، نصرت الدوله در نامه ای مفصل به ادعاها و ایرادهای میلسپو جواب داد و در پایان نوشت: «نظر به اینکه پس از وصول مراسله ۳۱ تیر شما که با عبارات خالی از نزاکت مبنی بر استنکاف از قبول شرایط دولت بود، تجدید قرارداد شما را غیرممکن می نمود، از طرف دولت به مجلس شورای ملی پیشنهاد شده است که اختیارات رئیس کل مالیه را موقتاً به مستر مکاسکی واگذار کند»^۴. همان روز، نخست وزیر در مجلس شورای ملی در باره نامه میلسپو گفت: «این جوابی که دکتر میلسپو نوشته، بنده هم خوانده ام

۱. سند ۳۱ تیر ۱۳۰۶. ۲. سند ۲۸ تیر ۱۳۰۶. ۳. سند ۳۱ تیر ۱۳۰۶.

۴. سند ۳ مرداد ۱۳۰۶.

و تا دو سطر آخرش را پسندیدم؛ ولی در آن دو سطر می‌نویسد [که] دیگر حاضر برای کار نخواهم شد (...). موادی که دکتر میلسپو پیشنهاد کرده، نه این دولت و نه هیچ دولتی نمی‌تواند قبول بکند». میلسپو، در نامه خود پس از اشاره به موضوع اصلی اختلافها یعنی گزینش داوران حل اختلاف میان او و دولت ایران و اشاره به اینکه «فقدان روح مسالمت را در نمایندگان دولت با کمال تعجب ملاحظه کردم» نوشته است که: «من حاضر هستم بعضی از پیشنهادات دولت را قبول کنم و بعضی از آنها را با بعضی تغییرات قبول خواهم نمود». سپس، مسئله مراجعه احتمالی به شاه یا مجلس را پیش کشیده و تأکید کرده است که «من از هیچگونه مساعی جمیله مضایقه نخواهم کرد که با روح مسالمت، وسیله [ای] برای حصول موافقت پیدا نمایم»؛ لیکن در پایان نامه، ضمن اشاره به عدم تعهد نخست‌وزیر، جمله‌ای را که نقل کردیم و با بخشهای قبلی هماهنگی ندارد آورده است^۱. اشاره مخبرالسلطنه نیز به همین بخش از نامه میلسپو بود.

در مجلس شورای ملی

نصرت‌الدوله در نشست اول مرداد ۱۳۰۶ شرحی در باره خاتمه کار میلسپو داد و مکاسکی خزانه‌دار را به عنوان «کفیل ریاست کل مالیه» به مجلس شورای ملی پیشنهاد کرد. آن شرح و این معرفی، بحثها و گفت و گوهای طولانی برانگیخت که در نشستهای سوم و پنجم مرداد هم ادامه یافت. گفت و گو در باره ارزیابی کارهای میلسپو و ماجرهای منتهی به عدم تجدید قرارداد او از طرفی و تعیین جانشین او از سوی دیگر بود. در مورد اخیر، به این بسنده می‌کنیم که مجلس کفالت مکاسکی را نپذیرفت و پس از شورهای مفصل، چون دکتر مصدق آن سمت را نپذیرفت، کفالت موقت مخبرالسلطنه نخست‌وزیر، به پیشنهاد مدرس مطرح شد و به تصویب رسید. آنچه در گفت و گوهای مجلسیان برای ما اهمیت دارد، داوریهایی است که پس از گزارش وزیر مالیه، از سوی چهره‌های برجسته سیاسی آن روز ایران بیان شد. در آغاز نشست اول مرداد، نصرت‌الدوله، نارساییها و ابهامهای قانون استخدام میلسپو و مسئله حکمیت را شرح داد و افزود که «دولت نمی‌توانست مصدق چنین

حکیمیتی بشود» تا آنکه «از طرف دکتر میلسپو جوابی مبنی بر عدم قبول ریاست کل مالیه با شرایط پیشنهادی رسید». نخستین کسی که پس از او سخن گفت، دکتر مصدق بود. وی پاره‌ای از دستاوردهای مأموریت میلسپو را ستود، اما در کل نظرش در باره او و همکارانش چندان مثبت نبود. وزیر اسبق مالیه یادآور شد که «مالیه ما آن وقت کاملاً رضایت‌بخش خواهد بود که ثروت ملی رو به افزایش برود». سپس به مخالفت خود با دادن اختیار به بیگانگان و تسلیم وزیران پیشین مالیه پرداخت و ما این دو نکته را پیشتر نقل کردیم. وی به نصرت‌الدوله نیز ایرادهایی گرفت و کفالت مکاسکی را رد کرد.

در آن جلسه، ارباب کیخسرو شاه‌رخ نیز از میلسپو انتقاد کرد اما در جلسه بعدی (سه‌شنبه سوم مرداد)، به دفاع از وی پرداخت و اظهار داشت: «متأسف هستم که کاغذ دکتر میلسپو را نخوانده بودم. وقتی که در روزنامه خواندم، دیدم ایشان همه جور تسلیم بوده است». حل آنکه او در پایان نامه خود، راهی برای تفاهم باقی نهاده بود. دفاع تقی‌زاده از میلسپو از سخنان شاه‌رخ پخته‌تر است. چکیده سخنان او را - که بعدها خود به وزارت مالیه رسید - می‌آوریم:

دو سه روز دیگر، سرنوشت مالیه مملکت، مداومت یا عدم مداومت آن، باید معلوم شود. در این سه ماه اخیر، معلوم شد [که] این بازیها در پس پرده می‌گذشته است؛ زیرا مجلس را هیچ اشتراکی ندادند و به هیچ وجه ما اطلاعی نداشتیم، جز اینکه در جراید می‌خواندیم و تمام قضایا در پرده بود (...) و بنده تصور می‌کنم دولت و متصدیان امور که دخالت داشتند، آن طور که لازم است حسن نیت به خرج نداده‌اند (...) تمام نظریات خیرخواهانه که لازم بوده، به عمل آمده است یا خیر؟ این مطلب بر بنده مشکوک و کاملاً هم مشکوک است. این جا آقای رئیس‌الوزراء فرمودند که [میلسپو] گفته است «این‌ها را روی هم رفته قبول ندارم»، ولی بنده هر چه دقت کردم، چنین چیزی ندیدم و مخصوصاً به نسخه انگلیسی مراسله دکتر میلسپو مراجعه کردم و دیدم که این طور نبوده است (...) در این قسمت حکمیت به عقیده بنده چیزی نمانده

است که موجب نگرانی و لاینحل باشد؛ ولی اشخاصی که متصدی بودند، پیچیدگی کردند (...) دولت می‌گوید راه حلی نبود و بنده می‌گویم این طور نیست. بنده پیشنهاد کردم که کمیسیونی تشکیل شود تا برای ما شک و تردید باقی نماند (...) دکتر میلسپو برای این مملکت خوب کار کرده است (...) و من امیدوارم ملت بزرگ آمریکا تصور نکنند که ما حق ناشناس بوده‌ایم (...) تعجب می‌کنم، بعضی اشخاص بودند که همین طور مملکت را می‌خواستند به خارجی‌ها بسپارند و حالا برای مالیه می‌گویند چرا به خارجی باید داده شود^۱.

در آن نشست، علی دشتی سخنان مفصلی در پاسخ تقی‌زاده گفت که تازگی نداشت. انتقادهایی نیز از میلسپو کرد که ذکر خواهند شد. اما در جلسه بعد، پنجم مرداد، مخبرالسلطنه نخست‌وزیر با قاطعیت پیشنهاد تقی‌زاده را رد کرد: «عرض می‌کنم راجع به پیشنهاد آقای تقی‌زاده [که] دولت به هیچوجه نمی‌تواند بپذیرد».

خرده‌گیری از میلسپو

میلسپو، در مأموریت اول خود خدمت‌های گرانمایی به ایران کرد و کسی تاکنون اتهام دزدی بر او نبسته است. در مجلس شورای ملی هم، اکثر سخنرانان این خدمتها را بر شمردند و در ضمن، خرده‌گیریهایی بر شیوه مدیریتش گرفتند: - در جلسه یکم مرداد، دکتر مصدق میلسپو را متهم به حمایت بی‌قید و شرط از کمپانی نفت جنوب کرد و از قول مخبرالسلطنه وزیر پیشین فواید عامه و رییس‌الوزرای وقت گفت که در کمیسیونی که برای حل اختلافها تشکیل شده بود، هر چه «فرلی» رییس کمپانی نفت جنوب «گفت، دکتر میلسپو هم تصدیق کرد»، حال آنکه مسئولان انگلیسی شرکت در دیداری خصوصی با مصدق، اعتراضهای ایران را تصدیق داشتند. دکتر مصدق، شرح مفصلی از آن ماجرا که به زبان ایران انجامید بیان کرد.

۱. اشاره تقی‌زاده به نصرت‌الدوله است که به عنوان وزیر امور خارجه و ثوق‌الدوله در بستن قرارداد ۱۹۱۹ سهم داشت.

- در همان نشست، یاسایی، یکی دیگر از نمایندگان گفت: «ما کسی را می‌خواهیم که دنبال سیاست نرود. برای قیمت ۱۱ قران دنبال تلگراف رمز به وزارت خارجه نرود. نباید حقوق کوریه سیاسی ما [را] که به مسکو می‌رود توقیف کنند. مثلاً مخارج ساختمان بنای عدلیه را محتاج به اجازه ثانوی هستند، ولی مخارج نمایشگاه فیلادلفی را بدون اجازه مجلس خرج می‌کنند».

- در جلسه سوم مرداد، دشتی گفت «از جمله چیزهایی که متوجه میسیون آمریکایی است این است که خیال می‌کنند وزارت مالیه تجارتخانه است که باید عایداتش را زیاد کرد؛ این بود که در این کار مسابقه می‌گذاشتند. دیگر نمی‌دانند [که] پول از مردم گرفتن هنر نیست. کدام [یک از] شما رضایت می‌دهید که این طور مالیات بگیرند؟ علاوه بر این، [از] اختلاساتی که می‌شد جلوگیری نمی‌کردند. ۱۶۰ هزار تومان که از صندوق مالیه اصفهان اختلاس شد، کی رسیدگی و استرداد گردید؟ رؤسای ارزاق را می‌دانید چطور مردم را لخت می‌کردند. بنده خودم چندین دفعه تقاضای اعزام مفتشین مخفی برای مأمورین ارزاق کردم (...) دکتر میلسپو غیر از نظارت در دخل و خرج چه نقشه خوبی برای ما کشیده است! وزارت مالیه ۹۰ کرویر بودجه دارد (...) ایشان گاهی خطبهایی هم می‌کردند که ما را دچار سیاست می‌نمودند. مثلاً در قسمت شیلات، لایحه‌ای را دولت آورد و دکتر میلسپو آمد و جداً ممانعت کرد و در نتیجه، دو سال است [که] وضعیت تجارت شمال ما را به این شکل انداخته است (...) یکی دیگر از کارهای ایشان خرید گندم از استرالیا بود».

گفتیم که تاکنون سندی مبنی بر نادرستی میلسپو به دست نیامده است؛ اما در جلسه پنجم مرداد، خلیل فهمی (فهم‌الملک) این امکان را مطرح ساخت. طرفه آنکه وی کسی بود که در دوره وزارت مالیه او میلسپو استخدام شد و به نوشته میلسپو، در دوران وزارتش، مطیع رییس کل مالیه بوده است. فهمی پیشنهاد کرد که «دولت مکلف است یک کمیسیون شش نفری (...) تشکیل داده و حسابهای دوره تصدی دکتر میلسپو را رسیدگی» کند. وی در توضیح پیشنهادش گفت: «در ظرف این پنج سال، شاید قریب چهل و پنجاه میلیون تومان خرج این کار شده؛ آن وقت، چون فرنگی هستند، می‌گویند از هر چیز منزه هستند. همان طور که گفته شد، میلسپو خدمت کرده است؛ ولی معادل این مبالغی که خرج شده خدمت نکرده است (...) این شخص برای مدت پنج سال باید فهمید چه کرده است؟ در این

مدت، یک فقره حساب نداده‌اند. آقای تقی‌زاده که طرفداری از ایشان می‌کنند، چرا مخارجی را که بدون تصویب مجلس قریب صد هزار تومان صرف نمایشگاه فیلادلفی کردند، نگفتند بیایید همین یک قلم را صورت بدهید (...) برای خرج سفر خانمشان سه هزار تومان می‌دهند؛ ولی برای هزار و پانصد تومان مخارج مسافرت رئیس‌الوزراء به مازندران، یک نفر مفتش هم همراه می‌فرستند. تعجب نکنید از این که بگویم یک پشه‌بند برای مستر «پلند» به مبلغ صد و هشتاد تومان خریداری شده است. اینها، پولهایی است که خرج می‌شود». با دخالت نصرت‌الدوله، فهمی پیشنهاد خود را پس گرفت اما گفت: «اگر دکتر میلپو برود و محاسبه‌ایشان رسیدگی نشود، بنده ناچارم استیضاح کنم».

فرضیه‌های «دسیسه»

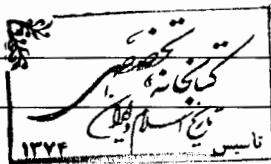
«ظاهر» ماجرای اختلاف دولت با میلپو و پایان مأموریت او در ایران، چنان بود که گفتیم. اما، برخی از صاحب‌نظران همان دوره، فرضیه‌هایی پیرامون آنچه «پشت پرده» می‌گذشت، مطرح ساخته‌اند که آنها را می‌توان در چهار مورد عنوان کرد:

۱- نصرت‌الدوله به سبب خلق و خوی خود و جاه‌طلبی‌هایش، عرصه را بر میلپو تنگ کرد و او را وادار به ترک ایران ساخت.

سید کاظم اتحاد، نماینده مجلس و روزنامه‌نگار، فرضیه‌های ۱ و ۳ و ۴ را در مقاله واحدی آورده است؛ بی‌آنکه به ناهمگونی آن فرضها توجه داشته باشد. وی، در مورد نخست می‌نویسد:

نقشه نصرت‌الدوله این بود که به وسیله دخالت در وظایف داخلی میلپو و نوشتن یادداشتهای نیشدار و مراسلات زننده، کاری کند [که] خود میلپو بواسطه از دست دادن اختیاراتی که به عقیده نصرت‌الدوله و طرفداران او زیانبخش است، ایران را ترک کند (...) ایراداتی که به میلپو کرده بود، نشان می‌داد که وزیر مالیه تصمیم به اخراج میلپو دارد^۱ (...) دکتر میلپو را که خار سر راه قدرت خود می‌دانست، با پشت هم‌اندازی و دسته‌بندی

۱. اتحاد، سید کاظم. «تاریخچه مستشاران آمریکایی در ایران»، سالنامه دنیا، سال ۵، ص ۲۱۰.



اخراج کرد^۱.

۲- رضاشاه، به سبب کینه‌ای که از میلپو در دل داشت و قدرت او را نیز برنمی‌تافت، رئیس کل مالیه را به دست وزیر مالیه برکنار ساخت. مخبرالسلطنه که در دولت مستوفی الممالک وزیر بود، در باره آغاز این ماجرا نوشته است:

کنترات میلپو سر آمده است و شاه مایل به تجدید نیست. مجلس و عامه خواهانند، مستوفی مردد، بحث جاری است، مستوفی علی‌الظاهر موافق نیست، مداخله تیمورتاش هم نامطبوع است. فرمایش شاه هم به این که قول تیمورتاش قول من است، می‌رساند که سخنهایی در بین ساری است^۲.

ملک‌الشعراى بهار که در آن زمان مطرود دستگاه حاکم بود، نیز، هوادار این نظر است و می‌گوید که «دسایس فیروز و سایر مخالفان که به امر و اشاره شاه بر ضد او رفتار کردند»، به زیان میلپو انجامید. وی، موجب اصلی این امر را اختلاف در مورد بودجه ارتش ذکر کرده است^۳. حشمت‌الله فربود، منشی مخصوص نصرت‌الدوله هم، نظر مشابهی دارد^۴ و تقی‌زاده می‌گوید که «رضاشاه از دست میلپو به جان آمده بود؛ ولی همه را تحمل می‌کرد (...) آخر دیگر خیلی کشمکش پیدا کرد»^۵. حسین مکی می‌نویسد که وی، از ۱۳۰۵ کینه میلپو را به دل گرفت^۶. خود میلپو، پس از سقوط رضاشاه نوشت که شاه به او پیام داده بود که «این

۱. اتحاد، ص ۲۲۹.

۲. هدایت (مخبرالسلطنه)، مهدیقلی. خاطرات و خطرات، انتشارات زوار، ۱۳۴۴، چاپ ۲، ص ۳۷۳.

۳. بهار، محمدتقی. تاریخ مختصر احزاب سیاسی، امیرکبیر، ج ۲، صص ۱۸۸ - ۱۹۰.

۴. فربود، حشمت‌الله. «خاطرات حشمت‌الله خان فربود از فیروز میرزا نصرت‌الدوله»، مکاتبات، اسناد، خاطرات و آثار فیروز میرزا فیروز (نصرت‌الدوله)، جلد دوم: خاطرات محبس، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۰ صص ۳۹۴ - ۳۹۵.

۵. تقی‌زاده، سید حسن. زندگی طوفانی، به کوشش ایرج افشار، علمی، ۱۳۶۸، ص ۲۰۷.

۶. مکی، حسین. تاریخ بیست ساله ایران، نشر ناشر، چاپ دوم ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۳۱۳.

کشور نمی‌تواند دو شاه داشته باشد و من شاه خواهم بود»^۱. البته، ممکن است تأکید بر این پیام را ناشی از غرور میلپو تلقی کنیم که شخص شاه را - آن هم با این کلمات - مخالف ادامه خدمتش معرفی کرده و از دیگران نامی نبرده است.

۳- طرحهایی در دست اجرا بود و میلپو را به عنوان مانع احتمالی اجرای آن طرحها، از سر راه برداشتند.

این فرضیه را هم در همان مقاله، سید کاظم اتحاد پیش کشیده است، بی‌آنکه نامی از رضاشاه ببرد. وی، می‌نویسد:

تیمورتاش که در این موقع وزیر مقتدر دربار و مرحوم نصرت‌الدوله وزیر مالیه وقت، در صدد بودند به کترات دکتر میلپو خاتمه دهند (...). در آن تاریخ مسائل مهم اقتصادی از قبیل امتیاز نفت شمال و کشیدن خط آهن مطرح بود. مادامی که دکتر [میلپو] در رأس مالیه بود، مجال هر گونه سازش محرمانه‌ای ممتنع بود^۲.

اتحاد، استعفای کابینه مستوفی‌الممالک را به سبب همین «نقشه (...)» که در زیر پرده علیه دکتر میلپو طرح شده بود» می‌داند^۳.

۴- رضاشاه یا نصرت‌الدوله مایل بودند میلپو را نگاه دارند، ولی به دلیلهایی می‌خواستند اختیارهایش را محدود سازند.

با آنکه نوشتار مخبرالسلطنه هدایت، نخست‌وزیر وقت، در این باره آشفته است، از آن این فرضیه استنباط می‌شود. وی می‌گوید:

مذاکرات با میلپو جاری است. نصرت‌الدوله می‌خواهد به اطوار جاهلیت میلپو را خسته کند. به شاه عرض کردم [که] این رویه خوب نیست. باید او را به علتی موجه از کار خارج کرد. به تیمورتاش امر شد به اتفاق من، بدون ثالثی با میلپو صحبت شود. سه روز مذاکره کردیم. همه شرایط او را پذیرفتیم. مانند مسئله طریق حل اختلافاتی که احياناً رئیس مالیه با وزیر مالیه پیدا کند. گفتیم حکمیت [از آن]

۱. میلپو، آمریکاییها در ایران. خاطرات دوران جنگ جهانی دوم، ص ۲۹ متن انگلیسی.

۲. اتحاد، صص ۱۰۲ - ۱۰۳. ۳. اتحاد، ص ۱۰۲.

رییس دولت باشد، قبول نکرد (...). مداخلهٔ حکمی خارجی را لازم می‌دانست (...). مداخلهٔ اجنبی در حکمیت بین وزیری و کارمندی، دون شئونات بود. لابد قبول نکردیم. مطلب را چنانکه گذشته بود، من در مجلس بیان کردم. حامیان رییس مالیه هم مجبور به تصدیق شدند و الغای کترات میلپو تصویب شد.^۱



بی‌گمان، رضاشاه در خاتمهٔ کار میلپو نقش اساسی داشته است؛ خواه به سبب کینه‌ای که در دل پرورده بود، خواه به انگیزهٔ نقشه‌هایی که در سر می‌پروراند، یا به علت آنکه مجاب شده بود که قرارداد میلپو از ابتدا نادرست بوده و اگر نخست‌وزیر و وزیر مالیه تسلیم او نباشند، در کارها خلل پدید خواهد آمد^۲ و چنان که می‌دانیم، کسی هم یارای مخالفت با نظرها و تصمیمهای او را نداشت.

پیداست که رضاشاه، در همان اوایل وزارت مالیهٔ نصرت‌الدوله، نظر منفی در بارهٔ میلپو داشته است؛ زیرا در ۲۵ فروردین ۱۳۰۶ به سفیر آمریکا گفته بود: «دولت از شیوه‌های عمل میلپو رضایت ندارد و اگر وی در این زمینه اصلاحاتی به عمل نیاورد، دولت مجبور خواهد شد که با یکی از اعضای هیئت فعلی یا با استخدام فرد جدیدی، در مقام جایگزینی وی برآید»^۳.

بنابر این، باید به مضمون نوشته‌های مخبرالسلطنه که در کابینهٔ مستوفی وزیر و در ماههای منجر به خاتمهٔ مأموریت میلپو نخست‌وزیر و طرف مذاکره با او بوده است، اعتماد کرد. اکثر کسانی نیز که در این مورد سخن گفته‌اند، نقش و خواست رضاشاه را مهم‌تر از هر عامل دیگری انگاشته‌اند.

رضاشاه در هیئت وزیران شرکت می‌جست و نظر نهایی را در مورد کارهای جاری می‌داد. روزنامهٔ اطلاعات، به عنوان مقدمهٔ قرارداد جدید میلپو نوشت:

۱. هدایت، ص ۳۷۵.

۲. اگرچه در آن هنگام انگلیسی‌ها و شورویها نیز با هیئت آمریکایی موافق نبودند (نگاه کنید به: زرگر، صص ۱۰۷-۱۰۸)، نمی‌توان نقش این بدبینی آنان را در خاتمهٔ کار میلپو چندان مهم ارزیابی کرد؛ مگر آنکه سندهای تازه‌ای در این زمینه یافت شود.

۳. زرگر، ص ۱۰۸.

تجدید کتترات دکتر میلپو از چندی به این طرف، مورد توجه شخص اعلیحضرت و هیئت دولت واقع [شده] و به طوری که در جلسات هیئت وزراء مشغول تهیه کتترات جدید مشارالیه بودند^۱.



در مجلس نیز، نمایندگان به مخالفت شدید با میلپو پرداختند که جز خواستهای رضاشاه، از چیز دیگری جانبداری نمی کردند. دو تن از آنان، علی دشتی و ابوطالب شیروانی، از قدیم روابط بدی با نصرت الدوله فیروز داشتند. دومی، سردبیر سیاسی روزنامه اطلاعات نیز بود و در آن روزنامه، چند ماهی پیشتر مقاله های بسیار تندی با لحن زننده و توهین آمیز در باره فیروز نوشته بود^۲، ولی در مجلس با او همراه شد و ضد میلپو سخن گفت.

این را نیز بیفزاییم که دو روز پس از یکسره شدن کار میلپو در مجلس شورای ملی، رضاشاه مدیران ایرانی وزارت مالیه را به کاخ گلستان فرا خواند و به نوشته خبرنگار اطلاعات، به آنان گفت که «شخصاً نظر خاص در حسن جریان امور مالیه مرعی خواهند فرمود» و «بعدها همان مراقبتی که از طرف اعلیحضرت همایونی در اداره کردن امور وزارت جنگ و قشون می شده است، در امور وزارت مالیه هم به عمل خواهد آمد»^۳. علاوه بر این، نخستین وزارتخانه ای که شاه از آن بازدید کرد، وزارت مالیه بود و فیروز نیز بی درنگ پس از رفتن میلپو، از دومین هفته مرداد ۱۳۰۶ به دادن گزارشهای هفتگی از جریان کارهای وزارتخانه و سازمانهای تابع آن به رضاشاه دست یازید و خبر این «رپرت»های هفتگی در روزنامه ها بازتاب می یافت.



از مجموع سندها و نوشتارهای این و آن، چنین بر می آید که شاه و دیگران قصد

۱. «صورت کتترات جدید دکتر میلپو»، اطلاعات، ش ۲۴۴، ۲۹ خرداد ۱۳۰۶.

۲. «در قصر گلستان»، اطلاعات، ش ۲۷۱، هفتم مرداد ۱۳۰۶.

۳. «مقصود شما چیست؟»، ش ۱۴۱، ۸ بهمن؛ «بحران»، ش ۱۴۲، ۱۰ بهمن؛ «حضور شاه»، ش

اخراج میلسپو یا راندنش به سوی کناره‌گیری را نداشته و بیشتر مایل بوده‌اند که اختیارات بیکران او را محدود سازند. شاید گزینش نصرت‌الدوله به سمت وزیر مالیه، با این خواست ارتباط داشت و میلسپو نیز با ادامهٔ رفتار و گفتاری^۱ - که بعدها آن تاکنون از نظر عامه پنهان مانده بود - به برآوردن آن خواست یاری داد و با نپذیرفتن قرارداد تازه، از آن هم فراتر رفت.

۱. جا دارد در این جا بگوییم که اتحاد و مخبرالسلطنه در مورد «یادداشت‌های نیشدار و مراسلات زننده» و «اطوار جاهلیت» نصرت‌الدوله، گزارش نادرست داده‌اند و این یادداشت‌ها و اطوار، بیشتر در نوشتارهای رییس کل مالیه به وزیر مالیه دیده می‌شود.

کلیات

سند ۱

موضوع: مقدمه رئیس الوزراء بر قرارداد استخدامی دکتر میلسپو

در زیر، مقدمه‌ای را که احمد قوام (قوام السلطنه) نخست‌وزیر وقت بر لایحه قرارداد استخدامی میلسپو نوشته است و در سند بعدی، متن قانون مصوب آورده می‌شود. قوام در جلسه سه‌شنبه دوم مرداد ۱۳۰۱ مجلس حضور نداشت و مقدمه رئیس‌الوزراء را مؤتمن‌الملک رئیس مجلس شورای ملی خواند.

مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه

چنانکه خاطر آقایان محترم مستحضر است، در پروگرام دولت که به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است، نظریات دولت راجع به امور مالیه تشریح و در نظر گرفته شده بود که متخصصینی از دول غیر همجوار برای اصلاحات مالیه استخدام شوند. در تعقیب این نظریه دولت علیه با دولت اتازونی^۱ داخل مذاکره شد و استخدام یک عده مستخدمین لایق را برای ادارات وزارت مالیه و غیره تقاضا نمود و پس از یک سلسله مذاکرات که در واشنگتن به عمل آمد، دولت اتازونی تقاضای دولت علیه را به حسن قبول تلقی نمود و اینک به موجب تلگراف واصله از واشنگتن، دولت مزبوره یک نفر از متخصصین لایق خود را موسوم به دکتر میلسپو برای ریاست کل مالیه ایران معرفی نموده است.

تحقیقاتی که راجع به مشارالیه به عمل آمده، کاملاً رضایتبخش است و مشارالیه یکی از متخصصین لایق و در امور مالیه و اقتصاد، و علماً و عملاً دارای لیاقت و

۱. اتازونی: نام ایالات متحده آمریکا به زبان فرانسه.

مهارت تامه است و حاضر است استخدام دولت ایران را قبول نموده، پس از عقد کنترات با متخصصین دیگر که به راهنمایی و مشورت او استخدام خواهند شد، سریعاً روانه ایران شوند.

اکنون قبل از اینکه راجع به استخدام سایر متخصصین مالیه پیشنهادی تقدیم نمایم، لازم است بدواً شرایطی را که بین دولت حاضر و دکتر میلپسو حاصل شده است به اطلاع مجلس شورای ملی رسانیده، با اجازه و تصویب مجلس، کنترات مشارالیه منعقد [شود] و سپس مواد کنترات سایر مستخدمین را به مجلس شورای ملی تقدیم نمایم.

نظر به اینکه لزوم سرعت اصلاحات مالیه و تسریع عقد کنترات مشارالیه را در ضمن پانزده ماده ذیل^۱ پیشنهاد و تصویب آن را به فوریت تقاضا دارم تا هر چه زودتر سایر متخصصین نیز استخدام و به اسرع وسایل روانه ایران شوند.

سند ۲

موضوع: متن قانون ۴ اسد (مرداد) ۱۳۰۱ (قرارداد استخدامی دکتر میلپسو)

سند زیر، متن قرارداد استخدامی دکتر میلپسو است که در جلسه سه شنبه دوم مرداد ۱۳۰۱ از سوی احمد قوام (قوام السلطنه) تقدیم مجلس شورای ملی (مجلس چهارم) شد و پنجشنبه بعد (چهارم مرداد ۱۳۰۱) از تصویب مجلس گذشت و هشت روز پس از آن، یعنی ۱۴ اوت ۱۹۲۲ در واشنگتن به امضای میلپسو و حسین علاء رسید (مأموریت آمریکاییها در ایران، ص ۴۱). این سند در مجموعه اسناد نصرت الدوله نیست؛ ولی از آن رو که در اسناد حاضر مکرراً از آن سخن رفته و بدان استناد جسته اند، ما چاپ آن را ضرور انگاشتیم. افزون بر این، برای درک تحولی که نظر دولت ایران نسبت به مأموریت هیئت آمریکایی پیدا کرد و مقایسه با قرارداد پیشنهادی تیر ۱۳۰۶ - که آن را خواهید دید - دسترسی به این قانون بایسته بود.

۱. ماده های ۱۶ و ۱۷ هنگام بررسی لایحه، در مجلس شورای ملی افزوده شد.

متن لایحه استخدای مستشاران آمریکایی

ماده اول. مجلس شورای ملی به دولت اختیار می دهد که دکتر میلپو تبعه آمریکا را به سمت ریاست کل مالیه ایران برای مدت پنج سال مطابق مواد ذیل استخدام نماید.

ماده دوم. ابتدای استخدام از روز حرکت دکتر میلپو از واشنگتن محسوب می شود و پس از انقضای سه سال، دولت ایران و دکتر میلپو مختار خواهند بود که دو سال باقی را قبول یا فسخ نمایند.

ماده سوم. رئیس کل مالیه از بابت حقوق خدمت پانزده هزار دلار سالیانه از دولت علیه دریافت خواهد کرد. بعلاوه برای سال اول خانه و اثاثیه که کفایت مشارالیه را بنماید از طرف دولت برای او تهیه خواهد شد و از سال دوم مخیر خواهد بود که برای مشارالیه تهیه خانه نموده و یا مبلغ سه هزار دلار بر حقوق مشارالیه بیفزاید.

ماده چهارم. رئیس کل مالیه مسئول وزیر مالیه است و تعهد می کند که در ایفای وظایف خود تمام تعلیمات قانونی مشارالیه را اطاعت کند.

در موقع ظهور اختلاف بین وزیر مالیه و رئیس کل مالیه راجع به مسائلی که در حدود صلاحیت مشارالیه است، رئیس کل مالیه حق دارد نظریات خود را شفاهاً و کتباً به هیئت دولت اظهار نماید.

ماده پنجم. در صورتی که در مدت هیجده ماه به جیتی از جهات در حدود وظایف رئیس کل مالیه مساعدت و حمایت نشود، مشارالیه می تواند بعد از انقضای مدت مزبور به کترات خود خاتمه دهد، مشروط بر اینکه دلایل کافی خود را در اثبات اینکه بعد از این، خدمت شخص او به واسطه عدم تقویت و مساعدت دولت موجب سعادت مالیه ایران نخواهد بود، کتباً به وزیر مالیه و کابینه وزرا اظهار دارد و هیئت وزرا مراتب را به مجلس شورای ملی اطلاع داده، حقوق ۶ ماهه مساعدتاً و مخارج معاودت به مشارالیه داده خواهد شد.

ماده ششم. رئیس کل مالیه تحت تعلیمات قانونی و نظارت وزیر مالیه و با مراعات اصول مسئولیت وزرا کلیه امور مالیه آن را عهده دار خواهد شد. مشارالیه تحت هدایت قانونی و تصویب وزیر مالیه اختیار خواهد

داشت که بودجه را تهیه کرده و تشکیلات وزارت مالیه و تمام شعب آن و ادارات دیگر دولتی را که مستقیماً با جمع و محاسبه و پرداخت وجوه عمومی مربوط است اصلاحات نماید.

دولت ایران قبول می‌کند که مطابق توصیه مشاورالیه دایر بر ترقی و تنزل و انتقال و عزل مستخدمین وزارت مالیه و تمام شعب تابعه آن و هم چنین مستخدمین ادارات دیگر دولتی که مستقیماً با جمع و محاسبه و پرداخت وجوه عمومی مربوط است، اختیار نماید.

دولت ایران قبل از آنکه راجع به کلیه مسائل مالی ایران اقدام و تصمیمی بگیرد، با رئیس کل مالیه مشورت خواهد کرد و در هر مجلسی یا کمیسیونی که مربوط به اداره مالیه یا مسائل مالی منعقد شود، مشاورالیه بعد از وزیر مالیه مقدم خواهد بود و در کمیسیون یا مجلس بین‌المللی که راجع به امور مالیه تشکیل گردد، بعد از وزیر مالیه مقام نمایندگی ایران را خواهد داشت.

در باب امتیازات تجارتي و صنعتی، رئیس کل مالیه طرف شور بوده و می‌تواند عقاید خود را کتباً یا شفهاً به دولت اظهار نماید.

ماده هفتم. رئیس کل مالیه برای ایجاد منافع عایدات تازه و افزودن حسن جریان ادارات یا شعب مختلفه از قبیل نظارت محاسبات و استعمال وجوه عمومی و صرفه‌جوئی از مخارج عمومی و بطور کلی به جهت مساعدت مالی و اقتصادی ایران، لوایح قانونی برای تصویب به دولت ایران پیشنهاد خواهد کرد و در تزئید و توسیع و جلب و به کار انداختن سرمایه خارجی برای رفع بحران اقتصادی ایران از هر بابت منتهای کوشش را خواهد کرد.

ماده هشتم. دولت ایران بدون تصویب کتبی وزیر مالیه و رئیس کل مالیه، مطلقاً تعهد مالی نخواهد کرد و همچنین دولت تعهد می‌کند که هیچ مخارج دولتی با انتقال وجوه عمومی نخواهد شد، مگر به امضای وزیر مالیه و تصدیق رئیس کل مالیه.

ماده نهم. رئیس کل مالیه یا معاونینی که او معین نماید، به تمام اسناد و دفاتر و احکام و قوانین و تمام کتب و دفاتر محاسبات راجع به اداره مالیه ایران و به هر یک از شعب آن و راجع به جمیع عایدات و محافظت و

تعدیه وجوه عمومی، همه وقت دسترسی نامحدود خواهد داشت.
ماده دهم. رئیس کل مالیه هر ۳ ماه راپورت عملیات خود را در باب امور مالیه به دولت ایران تقدیم خواهد کرد و مکاتبات رسمی و دفتر حساب باید فارسی باشد.

ماده یازدهم. تمام مستخدمین خارجه برای مالیه، متباعد با تصویب رئیس کل مالیه اجیر و مسئول او خواهند بود.

ماده دوازدهم. رئیس کل مالیه تعهد می کند از امور مذهبی و سیاسی و تصدی کسب شخصی، و مکاتبه یا مأمورین خارجی اجتناب نماید.

رئیس کل مالیه تعهد می کند در ضمن ایفای وظائف خود در هر موقعی قانون ایران و اقتدارات قانونی «کنستیتوسیون» وزرا را کاملاً مراعات و احترام نماید.

ماده سیزدهم. رئیس کل مالیه متعهد است ایرانیان را به تجربیات عملی در شعب مختلف مالیه واداشته و تربیت نماید و هر کدام تجربیات و عملیات لازمه را تکمیل کرده، شایستگی حاصل نمودند بر خارجی برتری و رجحان دهد تا به تدریج مشاغل مهمه در ادارات به ایرانیان سپرده شود، مگر اینکه رجحان آنها صریحاً با صرفه جوئی و حسن اداره مالیه منافی باشد.

ماده چهاردهم. به رئیس کل مالیه حق داده می شود که در آمریکا برای سه سال یا کمتر یک نفر عالم احصائیه و یک نفر منشی آمریکائی که زبان فرانسه بداند و یک نفر محرر را اجیر کند، و این سه نفر منحصرراً برای او خواهند بود که حقوق و مخارج آنها را دولت ایران خواهد داد.

بعلاوه عدد کافی مستخدمین ایرانی که قابل و کاملاً متعهد باشند، برای حوائج ادارات مخصوص رئیس کل مالیه از طرف دولت معین خواهد شد و تحت اطاعت مشارالیه خواهند بود.

رئیس کل مالیه می تواند در مواقعی که مسائل مالی مطرح است در هیئت وزرا حضور به هم رساند.

ماده پانزدهم. حقوق و حدود اختیارات رئیس کل مالیه از قرار است که در چهارده ماده فوق مذکور شده است. شرایط فرعی کترات رئیس کل مالیه به نظر دولت واگذار می شود، مشروط بر اینکه شرائط فرعیهای که،

خارج از حقوق و حدود اختیارات فوق می‌شود، با رسوم و عادات و قوانین مملکتی منافاتی نداشته و امتیازاتی که از حیث رتبه منظور می‌شود، بیش از آنچه در فوق ذکر شد نباشد.

ماده شانزدهم. اختیاراتی که بر طبق ماده فوق به دکتر میلسپو داده شده است بدون تصویب مجلس شورای ملی به دیگری واگذار نخواهد شد.

ماده هفدهم. مواد شش و هشت و یازده پس از ورود رئیس کل مالیه به موقع اجرا گذارده خواهد شد، مگر اینکه دولت لازم بداند در مسائلی که مشمول مواد مزبوره است قبلاً به مشارالیه مراجعه نماید.

اسناد اسفند ۱۳۰۵

سند ۱

موضوع: درآمد املاک توقیفی شیخ [خزعل]^۱

پیش‌نویس نامه نصرت‌الدوله به خط منشی به
تاریخ ۱۱ اسفند ۱۳۰۵ (ن.ک. به سندهای ۹ و
۱۴ / اسفند ۱۳۰۵ و ۱۷ / اردی‌بهشت ۱۳۰۶).

سربرگ وزارت مالیه

فوری

آقای رئیس کل مالیه

راپرت اداره عایدات را مربوط به وجوه مأخوذه از املاک توقیفی شیخ^۲ ملاحظه
کردم؛ ولی چنانچه (کذا) خودتان هم تصدیق دارید، ناقص [است] و کافی نیست.
تأکید کنید اگر جواب تلگرافات رسیده است، راپرت دیگری تهیه [شود] و اگر
نرسیده است، مطالبه جواب کنید. روز شنبه هم در موضوع فرستادن مأمور
مخصوص، در نظر داشته باشید که با من مذاکره کنید.

۱. در نامه، به کلمه «شیخ» بسنده شده است.

۲. پدرش جابرخان نصرت‌الملک که از قبایل عرب خوزستان بودند. شیخ خزعل لقبهای
متعددی داشت: معزالسلطنه، نصرت‌الملک، سردار ارفع و سردار اقدس. حکمران مقتدر و
متمول خوزستان بود که هوای استقلال‌طلبی داشت. حدود سی سال با اقتدار تمام در
خوزستان حکومت کرد. طرفدار سیاست انگلیس بود. از طرف دولت انگلستان لقب «سر»
گرفته بود. در مهر ماه ۱۳۰۴ در خرمشهر با قوای دولتی درگیر شد که حدود یکصد نفر کشته
شدند. او را دستگیر و به تهران اعزام می‌کنند. اموالش توقیف شد. بقیه عمر را در تهران تحت
نظر بود تا اینکه در سال ۱۳۱۵ در سن ۷۵ سالگی در خانه‌اش او را خفه کردند.

سند ۲

موضوع: کنفرانس اقتصاد

یادداشت نصرت‌الدوله به خط

منشی به تاریخ ۱۲ اسفند ۱۳۰۵

سربرگ وزارت مالیه

فوری

[آقای] رییس کل مالیه

اعتبار مأمورین کنفرانس اقتصاد^۱ از چه محل و تا چه میزان است [؟]

سند ۳

موضوع: انتقال پاشاخان از آستارا

مضمون نامه نصرت‌الدوله به خط منشی به تاریخ ۱۳

اسفند ۱۳۰۵ (ر.ک به: سندهای ۱۴ و ۱۵ / اسفند ۱۳۰۵)

سربرگ وزارت مالیه

توسط میرزایانس^۲

۱. در ۹ دسامبر ۱۹۲۶ شورای جامعه ملل، تصمیم به برگزاری یک همایش بزرگ اقتصادی از کشورهای عضو گرفت. در ۴ مه همان سال (۱۳ اردیبهشت ۱۳۰۶)، کنفرانس اقتصاد با حضور نمایندگان ایران، در ژنو برپا شد. آنان در این کنفرانس، اثرهای شوم جنگ جهانی اول بر اقتصاد کشور را برشمردند و لزوم استقلال گمرکی ایران را اعلام داشتند. نقطه نظرهای نمایندگان ایران مورد پذیرش کنفرانس قرار گرفت. این نمایندگان عبارت بودند از ... عمید وزیر مختار ایران در ایتالیا و لامبر مولیتور مدیر کل بلژیکی گمرک که از تهران به ژنو اعزام شده بود.

۲. یوسف میرزایانس نماینده ارمنیان جنوب در دوره‌های ۲ تا ۴ و ۷ تا ۱۰ مجلس شورای ملی بود و در فاصله دوره‌های ۴ تا ۷ با میلسپو همکاری می‌کرد. محبوبی اردکانی سمت وی را «معاون دکتر میلسپو» نوشته است. میلسپو در باره میرزایانس چنین می‌نویسد: «برای کارهای مکاتباتی و ترجمه گزارشهای رسمی و شرکت در کنفرانسهای مهم، من یک نفر ارمنی ایرانی به نام میرزایانس در اختیار دارم که سابقاً در مجلس کار می‌کرد (کذا) و در بین رجال و مردم ایران دوستان فراوانی دارد. او به زبانهای فارسی، انگلیسی، فرانسوی و ارمنی صحبت ←

[آقای] رئیس کل مالیه
تغییر مأموریت پاشاخان عضو گمرک آستارا (برحسب تقاضای وزیر خارجه) به
نقطه [ای] غیر از سرحدات شمالی.

سند ۴

موضوع: تهیه نظامنامه‌ها

نامه ماشین شده میلپو به نصرت الدوله
به تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۰۵

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۸۵۲۹

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

با عطف به یادداشت جناب مستطاب عالی راجع به تهیه نظامنامه‌ها، این جانب
هیچ تغییری را در طریقه و اسلوب فعلی توصیه نمی‌کنم.

نظامنامه‌هایی که حالیه صادر می‌شوند، اغلب عبارتند از مجموعه ملخص
متحدالمآلهای^۱ صادره سابق. مقصود از تلخیص به صورت فعلی آن است که
مغایرتها و مخالفتهای موجوده کنونی رفع و در آتیه نیز از وقوع نظایر آن جلوگیری
شود. ملاحظه و رعایت قانون در تهیه نظامنامه‌ها البته مهم است، ولی به نظر این
جانب عمده ملاحظات نیست^۲. نظامنامه‌ها در ادارات و دوائر مربوطه تهیه
می‌شوند و این ترتیب تأمین می‌کند که نظامات مزبور از لحاظ اداری عملی و قابل
اجرا باشند. در تهیه نظامنامه‌هایی که مربوط به یک اداره یا دایره می‌باشند، طبعاً
احتمال وقوع مغایرت یا مخالفت نخواهد بود. مسوده نظامنامه‌های راجعه به دو یا
چند اداره به تمام ادارات ذی‌مدخل برای ملاحظه و تصویب ارسال می‌شود.

ما برای تهیه مجموعه ملخص متحدالمآلهای و دستورات وزارتخانه، وسایل

→ می‌کند (مأموریت آمریکاییها در ایران، ص ۱۳۵)، میرزایانس پس از رفتن میلپو نیز،
همچنان در خدمت وزارت مالیه باقی ماند تا آنکه بار دیگر به نمایندگی مجلس شورای ملی
انتخاب شد. در اسناد حاضر، بارها از او سخن رفته است. ۱. متحدالمآل: بخشنامه.
۲. زیر جمله اخیر با مداد سرخ خط کشیده شده است.

دیگری را نیز به موقع تجربه و امتحان گذارده‌ایم؛ ولی هیچیک مانند اسلوب فعلی نتایج خوب نداده است. کمیسیونی که جناب مستطاب عالی پیشنهاد می‌فرمایید، به عقیده این جانب باعث تعویق کار شده و فواید عملی هم نخواهد داشت.

[امضای میلسپو به لاتین] رییس کل مالیه

سند ۵

موضوع: انتقال پاشاخان

نامه ماشین شده میلسپو به نصرت‌الدوله به تاریخ ۱۴
اسفند ۱۳۰۵ (ر.ک. به سندهای ۱۳ و ۱۵ / اسفند ۱۳۰۵)

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۸۵۳۰

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه
یادداشت جناب مستطاب عالی دایر به انتقال پاشاخان عضو گمرک واصل
گردید.

لزوماً متذکر می‌شوم که انتقال اعضای مالی فقط بر حسب توصیه این جانب
صورت می‌گیرد. اگر جناب مستطاب عالی دلایل انتقال عضو مزبور را به اطلاع این
جانب برسانند، خوشوقت خواهم بود که اقدام مقتضی به عمل آورم.
یادداشت جناب مستطاب عالی، ظاهر یک حکم سختی را دارد و این جانب آن
را مخالف قانون و غیرمناسب می‌دانم^۱.

[امضای میلسپو به لاتین] رییس کل مالیه

سند ۶

موضوع: انتقال پاشاخان

پیش‌نویس نامه نصرت‌الدوله به خط منشی تاریخ ۱۵
اسفند ۱۳۰۵ (ر.ک. به: سندهای ۱۳ و ۱۴ / اسفند ۱۳۰۵)

۱. زیر این یادداشت با مداد نوشته شده است: جواب داده شد.

سربرگ وزارت مالیه

آقای رییس کل مالیه

جواب [نامه] نمرة ۸۵۳۰ شما

(۱) این جانب کاملاً از قوانین موجوده مسبوق و مایل به رعایت آن هستم، به همین جهت راجع به انتقال پاشاخان به شما مراجعه [کردم] و مستقیماً به گمرک دستوری نداده‌ام.

(۲) چون یادداشت من خصوصی و بدون ضبط سواد ارسال شده، نمی‌دانم که ذکر علت در آن شده است یا خیر؟ در هر صورت، مسبوقتان می‌کنم که این انتقال، از نقطه نظر مسائل سیاسی و سرحدی و مربوط به سیاست خارجی دولت است.

سند ۷

موضوع: استخدام کارشناس دامپزشکی از آمریکا

نامه میلپو به خط منشی و به تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۰۵

سربرگ وزارت مالیه

نمرة ۸۵۵۳

وزارت جلیله فواید عامه

از مفاد قانونی که اخیراً به تصویب مجلس شورای ملی رسیده و به آن وزارت جلیله اجازه می‌دهد از اهالی اتازونی یک نفر متخصص بیطاری^۱ برای مدت سه سال، با سالی ۶۵۰۰ تومان حقوق و ۱۵۰۰ تومان مخارج ایاب و ذهاب استخدام نمایند، ولی ضمن آن راجع به خرج منزل متخصص اعتباری پیش‌بینی نشده، استحضار حاصل نمودم.

برای آنکه در این موضوع بیش از این تأخیر نشود، لزوماً به اطلاع آن وزارت جلیله می‌رسانم که ۱۵۰۰ تومان اعتبار مطلقاً کفایت مخارج ایاب و ذهاب بین ایران و آمریکا نمی‌کند، و بعلاوه غیرممکن است بتوان با سالی ۶۵۰۰ تومان یک نفر متخصص امریکایی را استخدام نمود، مگر آنکه خرج منزل نیز به او داده شود.

۱. بیطاری: دامپزشکی.

لذا متذکر می‌شوم که راجع به عدم موفقیت آن وزارت جلیله به استخدام متخصص مزبور، و هکذا راجع به خساراتی که ممکن است نظر به فقدان متخصص از عدم جلوگیری آفات حیوانی حاصل شود، هیچگونه مسئولیتی متوجه این جانب نخواهد بود.

این جانب قویاً معتقدم که منتها طریق مؤثر برای دفع آفات حیوانی، استخدام یک نفر متخصص خارجی است که این امر مهم را اداره کند. به عقیده این جانب فکر صرفه‌جویی چند صد تومان بات مخارج مسافرت و منزل مطلقاً نباید در مقابل لزوم عاجل جلوگیری از خسارات هنگفتی که در نتیجه تلف شدن مواشی^۱ حاصل می‌شود، کمترین وزنی را دارا باشد. خیلی جای تأسف است که آن وزارت جلیله نتوانسته‌اند قانونی از مجلس شورای ملی بگذرانند که به موجب آن، استخدام متخصص خارجی محتاج‌الیه ممکن و مقدور باشد.

مسوده شرح فوق برای استحضار جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه ارسال می‌شود.

[امضای لاتین میلسپو]

سند ۸

موضوع: ادعای سندیکای راه‌آهن ایران

نامه میلسپو به خط منشی و به تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۰۵

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۸۵۵۴

ضمیمه: یادداشت وزارت خارجه

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

وزیر مختار انگلیس اخیراً سواد یک فقره یادداشتی را که به عنوان وزارت امور خارجه نوشته و ضمن آن حق خود را دایر به ادعای جبران هر قبیل خسارت وارده به حقوق و منافع مکسوبه سندیکای راه‌آهن ایران^۲ رسماً محفوظ می‌دارد، به طور

۱. مواشی: چارپایان اهلی.

۲. مراد از «سندیکا» در این جا، ائتلاف شرکت‌های مقاطعه‌کار است. به نوشته میلسپو، «سندیکای راه‌آهن ایران»، در پی کوششهای فیروز میرزا نصرت‌الدوله در سال ۱۹۱۱ م ←

به نظر این جانب خیلی ضروری و مهم است که وزارت امور خارجه به فوریت جواب یادداشت وزیر مختار انگلیس را داده و مشارالیه را مطلع سازند که صحت این ادعا را نمی توان تصدیق کرد. چون جناب مستطاب عالی با گزارش این امر کاملاً آشنا هستید، لذا ورود به جزئیات زاید خواهد بود. ولی شاید مسبوق نباشید که این مسئله تقریباً دو سال و اندی قبل برای کسب عقیده قانونی به مؤسسه «ووزلی» مراجعه و مؤسسه مزبور اظهار عقیده نموده که موضوعی که «اپسیون^۱ راه آهن» نامیده اند، دولت ایران را مقید به قیدی نمی کند. البته سوادای از اظهارنامه این عقیده قانونی باید در ضبط وزارت امور خارجه باشد. مسوده مراسله را که مقتضی است در این خصوص به وزارت امور خارجه نوشته شود، تلواً^۲ ارسال می دارم.

رییس کل مالیه

[امضای میلسیو به لاتین]

موضوع: املاک شیخ خزعل

مضمون نامه ارسالی نصرت الدوله به خط منشی به تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۰۵ (ر.ک. به سندهای ۱۱ و ۲۵ / اسفند

۲. تلوأ: در پی (در اصطلاح اداری: به پیوست).

۱۳۰۵ و ۱۹ / اردی بهشت ۱۳۰۶).

سربرگ وزارت مالیه

خیلی فوری

رییس کل مالیه

مطالبه صورت مأخوذی از املاک شیخ [خزعل].

سند ۱۰

موضوع: آزادی ماهیگیران

مضمون یادداشت ارسالی نصرت الدوله به

خط منشی^۱ به تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۰۵ (ر).

ک. به سند ۵ / فروردین ۱۳۰۶).

سربرگ وزارت مالیه

خیلی فوری

رییس کل مالیه

راجع به استخلاص محبوسین صیادان که کی استوان ...^۲

سند ۱۱

موضوع: هزینه سفر وزیر امور خارجه

مضمون یادداشت ارسالی نصرت الدوله به

خط منشی به تاریخ ۲۰ اسفند ۱۳۰۵

سربرگ وزارت مالیه

خیلی فوری

رییس کل مالیه

۱. صورت ماشین شده این یادداشت نیز، با همین عبارت، در مجموعه موجود است.

۲. کذا. شاید منظور حسین کی استوان نماینده مجلس شورای ملی و نویسنده کتاب سیاست موازنه منفی باشد.

راجع به تهیه محل برای خرج مسافرت وزیر خارجه^۱ [به] مبلغ ۶۰۰۰ تومان ...

سند ۱۲

موضوع: استخدام ماشین نویس

یادداشت ماشین شده با امضای میلسپو به تاریخ ۲۳ اسفند ۱۳۰۵ (ر.ک. به سند بعدی).

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۸۷۱۸

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

با عطف به مذاکره جناب مستطاب عالی با مسیو مولیتور^۲ راجع به تعرفه و مذاکره [ای] که راجع به فراهم کردن عده [ای] ماشین نویس جهت مسیو مولیتور با مستر پیرسن^۳ فرموده اید، متمنی است این جانب را مسبوق فرمایید [که] انجام چه امری را از مسیو مولیتور تقاضا فرموده اید؟

اگر به قانون مراجعه بفرمایید، تصدیق خواهید نمود که مدیران ادارات عموماً تحت اوامر و تعلیمات این جانب می باشند و رویه جناب مستطاب عالی دایره به فرستادن احکام مستقیم به عوان آنها، نه فقط غیرقانونی است، بلکه لابداً در کار وزارتخانه اختلال و تأخیر را تولید خواهد کرد.

[امضای لاتین میلسپو] رییس کل مالیه

۱. وزیر امور خارجه وقت، علیقلی خان انصاری ملقب به مشاورالممالک بوده است.

۲. لامبر مولیتور بلژیکی ۲۴ سال در ایران با سمتهای مختلف خدمت کرد. در شهریور ۱۲۹۷ و ثوق الدوله او را به عنوان رییس اداره اوراق برگزید. از ۱۲۹۹ رییس تشکیلات گمرک شد. به ظاهر روابطش با هیئت آمریکایی خوب بوده است؛ زیرا میلسپو در باره او نوشته است: «اگر مولیتور تحت تأثیر تحریکات و دسائسی که بعداً شروع شد قرار می گرفت و یا به اظهار نظرهای غرض آلود دیگران توجه می کرد، مسلماً روابط ما به خوبی پیشرفت نمی کرد و وظایف هیئت آمریکایی با مشکلاتی مواجه می شد. (مأموریت آمریکاییها در ایران، ص ۵۶). کامیل مولیتور برادر او، مستشار پست بود.

۳. کاپیتن توماس پیرسن تنها آمریکایی از این هیئت بود که در سفر میلسپو به سوی ایران او را همراهی کرد و در تهران هم ابتدا «معاون مخصوص» او شد، ولی از سال ۱۳۰۲ ریاست کل اداره استخدام (کارگزینی) وزارت مالیه را به او سپردند. میلسپو، پیشرفت او را در فراگیری فارسی یادآور شده است (مأموریت آمریکاییها در ایران، ص ۱۳۳).

زیر این نامه به خط نصرت‌الدوله نوشته شده است: «توسط میرزایانس جواب شفاهی داده شد. ۲۳ - ۱۲ - ۵».

سند ۱۳

موضوع: استخدام ماشین نویس

مضمون نامه ارسالی نصرت‌الدوله به خط منشی^۱
به تاریخ ۲۳ اسفند ۱۳۰۵ (ر.ک. به سند پیشین).

سربرگ وزارت مالیه

رییس کل مالیه

راجع به ماشینست (کذا) فارسی اداره استخدام^۲.

سند ۱۴

موضوع: املاک شیخ خزعل

مضمون یادداشت نصرت‌الدوله به خط
منشی به تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۰۵.

سربرگ وزارت مالیه

فوری

رییس کل مالیه

مطالبه صورت مأخوذی از املاک شیخ [خزعل]

سند ۱۵

موضوع: تعرفه گمرکی ایران و شوروی

نامه ماشین شده میلسپو به نخست‌وزیر تاریخ ۲۷ اسفند
۱۳۰۵ (ر.ک. به سند بعدی و سندهای ۶ و ۷ فروردین).

۱. ماشین شده این سند نیز با همین عبارت در مجموعه موجود است.

۲. به ظاهر با سند پیشین ارتباط دارد.

سربرگ وزارت مالیه

حضرت اشرف آقای رئیس الوزرا

برحسب تقاضای مصرانه جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه، یک فقره طرح تعرفه گمرکی را که امروز صبح از مسیو مولیتر دریافت داشته ام تلواً تقدیم مقام منیع هیئت وزراء عظام می نمایم.

دوستدار از اهمیت مذاکرات راجعه به مسائل تجارتی با دولت سویت^۱ که تاکنون خاتمه نیافته کاملاً مطلع، و بدیهی است آرزو مندم که دولت ایران با دولت سویت به عقد یک قراردادی موفق شوند که در نتیجه از شدت وضعیت اقتصادی اسفناکی که حالیه در ایران حکمفرما است کاسته شود. بعلاوه طبعاً مایل هستم از اینکه ظاهراً تصور بشود دوستدار در طریق انجام مذاکراتی که این اندازه اهمیت حیاتی برای ایران دارند تولید عایق و مانع می کنم کاملاً احتراز نموده باشم - دوستدار کاملاً مسبوقم که دشمنان میسیون^۲ آمریکائی برای وانمود نمودن اینکه ما در مسائل سیاسی مداخله می کنیم و نسبت به دولت سویت به یک طرز ضدیت آمیز و تبعیض کارانه عمل می نمایم، به هر بهانه متشبث می شوند.

برای اینکه نشان داده باشم که این تصورات بی اساس هستند، در این مورد با تقاضای جناب مستطاب اجل وزیر مالیه موافقت نمودم، معذالک موقع را مغتنم شمرده و بر علیه اقدام ایشان در این موضوع سخت پرتست^۳ می کنم. بعلاوه برای آنکه مراتب کتباً اشعار و چنانچه باید ثبت و ضبط گردد، لازم می دانم اولاً - راجع به طرح تعرفه گمرکی که تلواً تقدیم می شود و ثانیاً - نسبت به طریقه ای که به عقیده دوستدار دولت ایران باید راجع به این تعرفه اتخاذ نمایند، بعضی حقایق را معروض بدارم.

طرح تعرفه ضمیمه قریب دو سال قبل در کمیسیونی مرکب از نمایندگان فنی دولتین ایران و سویت مورد بحث و مذاکره واقع گردید و کمیسیون مزبور هرگز این تعرفه را اتخاذ نکرد. این تعرفه هرگز از طرف دوستدار نیز مطالعه نشده است، اگرچه بطور کلی متوجه هستم چه اثراتی در آتیه از آن انتظار می رود، معذالک

۱. سویت: شوروی.

۲. میسیون (mission): هیئت (در اصل به صورت میسیون نوشته شده است).

۳. پروتست (proteste): اعتراض (در اصل به صورت پرتست نوشته شده است).

تصویب آن برای دوستدار جز تحت بعضی شرایط صریح و روشن غیرمقدور است. دوستدار هیچ ملتفت نمی‌شوم چطور ممکن است دولت ایران مایل باشند به نماینده خود دستور بدهند یک تعرفه را که از طرف مأمورین مسئول دولت تصویب نشده، و توسط هیچ یک از آقایان و وزراء مسئول نیز مطالعه نگردیده است امضاء کند. دوستدار معتقدم که طرح تعرفه که تلواً تقدیم می‌شود به نفع ایران نیست و با وضعیت هیئت محترم دولت در این موضوع و طریقه که نسبت به آن اتخاذ نموده‌اند کاملاً مخالف هستم. تحت هیچ کیفیاتی این طرح نباید به منزله اساس و زمینه برای مذاکرات مسکو استعمال شود. یک تغییر در یک نرخ ممکن است به کسر فاحشی در عایدات یا به مضایق سختی جهت ترقی و پیشرفت صنعت ایران منجر شود. هر تغییری در تعرفه در بودجه مملکت مؤثر خواهد بود و ممکن [است] اثرات سختی را در مالیه مملکت متضمن باشد.

هر قراری راجع به تعرفه یا راجع به شیلات یا راجع به تجارت البته باید برای اظهار نظریه به دوستدار مراجعه، و بعد هم قبل از اجرا به مجلس شورای ملی برای تصویب تقدیم بشود.

اگر طرح تعرفه گمرکی از طرف دولتین ایران و سویت قبول بشود، فقط باید با این قید طرح و مطلق غیرمشروط باشد که تعرفه مزبور تنها برای دو سال مجرا خواهد بود، و پس از این مدت دولت ایران با حدی که موضوع مربوط و راجع به دولت سویت می‌شود در خصوص تعرفه گمرکی استقلال تام و تمام خواهد داشت. شرط دومی که دوستدار برای تصویب خود قرار می‌دهم آن است که هیچ نوع اطمینانی راجع به مالیات راه نفت یا هیچ چیز دیگری داده نشود.

شرط سوم آن است که ضمن مذاکرات در این تعرفه، هیچگونه تغییری بدون اطلاع و تصویب دوستدار داده نشود.

در خاتمه دقت و توجه هیئت محترم دولت را به این نکته معطوف می‌دارم که دوستدار از سایر قراردادهائی که در نظر است با دولت سویت منعقد گردد، کاملاً بی‌اطلاع هستم. از این حیث هیئت محترم دولت نسبت به رعایت تعهداتی که به موجب کنتراست استخدام دوستدار متقبل هستند، عدم توجه بسیار قابل ملاحظه ابراز فرموده‌اند.

نظر به مراتب معروضه فوق، دوستدار هیچ یک از این قراردادها را نمی‌توانم

بشناسم، مگر پس از تصویب مجلس شورای ملی حق خود را راجع به خودداری از تصویب هر یک از وجوهات این قرارداد که اجرای قانونی آنها منوط به تصویب دوستدار است کاملاً محفوظ می‌دارم.

رویه عجله‌آمیزی که هیئت معظم دولت اتخاذ فرموده‌اند [و] دوستدار بدان اعتراض دارم به نظر دوستدار کاملاً غیر لازم است.

مطالعه مقتضی ممکن است در ظرف یک هفته به عمل آید و یک تعرفه که در تهیه آن دقت کافی برای حفظ منافع ایران به عمل آمده و ضمناً نسبت به روسیه نیز عادلانه باشد ممکن است توسط کوریر جهت جناب مستطاب اجل آقای انصاری به مسکو ارسال شود. پس از این چندین ماه تأخیر یک هفته دیگر تأخیر البته مهم نخواهد بود. با تقدیم احترامات فائقه.

رئیس کل مالیه

دکتر میلسپو

سند ۱۶

موضوع: پاسخ به اعتراض میلسپو و یادآوری وظایف او

نامه ماشین شده نصرت الدوله به تاریخ ۲۸ اسفند ۱۳۰۵

(ر.ک. به سند پیشین و سندهای ۶ و ۷ فروردین ۱۳۰۶)

سربرگ وزارت مالیه

آقای رئیس کل مالیه

شریحی را که به حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء نوشته و سرباز پیش من فرستاده بودید ملاحظه و اینک آن را برای خودتان اعاده می‌دهم، زیرا به نظر و تشخیص من این اقدام شما تطبیق با قانون نمی‌نمود و من نمی‌توانستم در ضمن رساندن مراسله شما، تصدیق ضمنی از اقدامی که مخالف ترتیب آن نمایم.

ماده ۴ قانون ۴ اسد به ترتیب ذیل مقرر گردیده:

«رئیس کل مالیه مسئول وزیر مالیه است و تعهد می‌کند در ایفای وظایف خود تمام تعلیمات قانونی مشارالیه را اطاعت کند. در موقع ظهور اختلاف بین وزیر مالیه و رئیس کل مالیه راجع به مسائلی که در حدود صلاحیت مشارالیه است، رئیس کل مالیه حق دارد نظریات خود را شفاهاً و کتباً به هیئت دولت اظهار نماید.

۱- تعرفه گمرکی را شما برای هیئت وزراء نباید بفرستید و هیئت وزراء هم نمی تواند آن را از شما بپذیرد، زیرا نظر به مسئولیتی که مطابق ماده فوق در مقابل وزیر مالیه دارید، مراجعات شما باید فقط به وزیر مالیه باشد و فقط در موقعی قانون در همان ماده ۴ به رئیس کل مالیه اجازه مراجعه به هیئت دولت داده است که بین وزیر مالیه و رئیس کل مالیه در تشخیص مسائلی که در حدود صلاحیت رئیس کل مالیه است اختلاف حاصل شود.

در مراسله بهیچوجه ذکر نگردید که در چه مورد و چه امری در تشخیص صلاحیت بین شما و من اختلافی حاصل شده است و البته صحیح هم این بوده است که ذکر نشود، زیرا در باب تعرفه گمرکی که موضوع مراسله شما است چنین اختلافی حادث نشده.

۲- تعرفه گمرکی از مسائل مالی است و به موجب ماده (۶) قانون مصوبه دولت ایران باید از شما مشورت نماید. در این قسمت هیچ اختلاف موجود نبوده و به مجرد اینکه شما توسط یادداشت و پیغام شفاهی اشعار داشتید که برای ابراز نظریه مشورتی محتاج به مطالعه هستید، به شما جواب دادم که وقت هر نوع مطالعه برای شما هست و تا ۱۲ روز دیگر ممکن است وقت صرف این کار نمائید، زیرا دستورات اخیر تلگرافاً یا توسط کوریر برای آقای انصاری فرستاده می شود، ولی تصدیق می کنید مطالعه شما یا استنکاف از فرستادن نسخه گمرکی را که من می خواستم لازم نبود، علی الخصوص که باید متذکر باشید که شما نمی توانید دوسیه ها و اسناد اداری را که پیش شما هستند در هر موقع که من می خواهم برای من بفرستید و این استنکاف اگر دوام کرده بود جز نقض قانون از طرف شما تعبیر دیگری نمی داشت. اگر می خواستید فرستادن تعرفه از طرف شما حمل به این بشود که آن تعرفه را تصدیق کرده اید، می بایستی چنانچه توسط میرزایانس پیغام داده بودم، یادداشتی برای اظهار عدم موافقت خودتان به آن ضمیمه نمائید.

۳- اگر درست به مراسله که به عنوان حضرت اشرف رئیس الوزراء نوشته اید مراجعه نمائید، خواهید دید که در آن از حدود اظهار نظر مشورتی تجاوز شده و برای هیئت دولت به عباراتی که مقتضی نیست تعیین تکلیف کرده اید، در صورتی که رئیس کل مالیه مأمور هدایت وزراء نیست و آنها خودشان مطابق قوانین مقرر وظایف و اختیارات خود را تشخیص و مسئولیت هایی را که در مقابل مجلس

شورای ملی دارند رعایت می نمایند، و اگر ایفاء وظیفه ننمودند فقط پادشاه مملکت و مجلس شورای ملی از آنها حق مؤاخذه دارد.

این تذکر را بطور کلی داده و نمی خواهم عبارت و جملات مختلف مراسله شما را یک یک ذکر و عدم اقتضا و عدم موافقت آنها را با قوانین و با ایفاء وظیفه قانونی خودتان تشریح نمایم، زیرا یقین دارم که خود شما پس از مطالعه و مذاقه و رفع سوء تفاهمی که برایتان حاصل شده به خوبی مطلب را درک خواهید نمود.

۴- گمان می کنم برای شما سوء تفاهمی حاصل و تصور کرده اید که دولت تصمیم دارد در مسائل مربوطه به مذاکرات جاریه با دولت سویت از شما مشورتهای قانونی را بنماید و بیشتر علت این سوء تفاهم این است که به واسطه کسالت چند روزه که در شنبه من نتوانستم شما را ملاقات و راجع به مسائل جاریه با هم صحبت کنیم، والا مطلب برای شما به خوبی واضح می شد و ملتفت می شدید که دولت به هیچ وجه نظری در عدم مراجعه به شما ندارد و اگر تا به حال اقدام به آن نشده، برای این بوده است که تا آخرین جلسه هیئت وزراء قبل از حرکت وزیر خارجه که شب ۲۷ بود، نظر خود دولت در قضایا بطور کامل روشن نگردیده بود و البته مراجعه به شما قبل از آن مورد نداشت و اگر قدری حوصله می نمودید، می دیدید همان طور که دیروز تعرفه و ضرائب را تحت مطالعه کمیسیون گذاشته و توسط آقای معاون وزارت مالیه جلب نظر شما را خواسته ام، باقی مسائل را هم برای مطالعه و کسب عقیده برای شما می فرستادم.

۵- چنانچه همیشه به شما گفته ام من هیچ میل ندارم که بواسطه سوء جریانهای بین شما و من تولید اختلاف و مشکل بشود، ولی البته در حفظ حدود و اختیارات قانونی هم کاملاً مقید و علاقه مندم و به این جهت است که با نهایت تأسف اعتراضات وارده را به اطلاع شما می رسانم، ولی امیدوارم که این آخرین دفعه بوده و در آتیه نظایری موجود نگردیده و با کمال موافقت در پیشرفت امور مملکتی سعی می نمایم. پروژه های شیلات و روابط تجارتی را تا دو سه روز دیگر برای مطالعه شما می فرستم.

اسناد فروردین ۱۳۰۶

سند ۱

موضوع: بندرانزلی و شیلات

مضمون نامه نصرت الدوله به خط منشی به تاریخ ۵
فروردین ۱۳۰۶ (ر.ک. به سند ۱۸ اسفند ۱۳۰۵)

سربرگ وزارت مالیه

دکتر میلسپو. خصوصی به فرانسه

برای ارسال صورت مراسلات مربوط به بندرانزلی و روابط تجارتي و کسب نظر
ایشان. شیلات وعده داده شده فردا فرستاده شود.

سند ۲

موضوع: دیویس^۱

مضمون نامه نصرت الدوله به خط
منشی به تاریخ ۶ فروردین ۱۳۰۶

سربرگ وزارت مالیه

راجع به Davis

سند ۳

موضوع: قرارداد با شوروی

مضمون نامه نصرت الدوله به خط
منشی به تاریخ ۶ فروردین ۱۳۰۶

سربرگ وزارت مالیه

۱. ماژور هاری دیویس رییس مالیه ایالتی آذربایجان بود.

دکتر میلپو به فرانسه

راجع به توضیح دو قسمت بودن پروژه قرارداد تجارتي با روسها (ر. ک. به
سندهای ۲۷ و ۲۸ اسفند).

سند ۴

موضوع: نامه نصرت الدوله به میلپو پیرامون

تخطی او از اختیاراتهای قانونی

نامه برگشت میلپو به خط

منشی به تاریخ ۷ فروردین ۱۳۰۶

سربرگ وزارت مالیه

حضرت مستطاب اجل شاهزاده فیروز میرزا وزیر مالیه

راجع به مرقومه حضرت والا مورخه ۲۹ اسفند^۱ ۱۳۰۵ توقیراً به عرض
می‌رساند که به نظر این جانب، امتداد استدلالات قانونی را که حضرت والا شروع
فرموده‌اید، لازم نمی‌آید. مباحثات در صورتی که عملاً غیرقابل احتراز باشد، برای
این جانب ناگوار است و خوشبختانه در طول یک مدت متمادی، روابط این جانب
با وزرای مالیه بقدری ممزوج با حسن تفاهم و حسن نیت بوده که هیچگونه مناقشه
در بین وجود نداشته. چنین امیدوارم که حضرت والا وقتی نسبت به تشکیلات
کنونی و اوضاع قانونی ادارات مالیه بیشتر آشنایی پیدا کردید، ملاحظه خواهید
فرمود که مباحثات چقدر بی‌فایده و یک سلسله مساعی مشترکه غیرمقطوع و روشن
در تعقیب و برای امتداد عملیات مهمه فینانس^۲ که تاکنون با این همه موفقیت
شروع شده و پیشرفت نموده، چقدر مطلوب است^۳.

با وجود این، ذکر این مسئله را خارج از موضوع نمی‌دانم که عدم موافقت خود
را با نظراتی که در مرقومه خودتان بیان فرمودید، قویاً اظهار دارم. از قرار معلوم
عقاید حضرت مستطاب والا مبنی بر مطالبه غیرمکمل مقررات مربوط [به] قانون و
کنترات این جانب بوده است^۳. هرگاه دولت ایران احساس می‌فرماید که این جانب

۱. به ظاهر این نامه در پاسخ به نامه ۲۸ اسفند نصرت الدوله است.

۲. Finance به معنای مالیه یا دارایی. ۳. در زیر عبارات اخیر با مداد سرخ خط کشیده‌اند.

در مراعات تعهدات متقبّله در کنترات کوتاهی ورزیده‌ام، به توسط رییس قانونی^۳ خود و به واسطهٔ وسایلی که در کنترات مقرر گشته^۱ برای رفع و حل مناقشه اقدام بفرمایند و هرگاه علائمی از این قصد دولت بروز نکند، از حضرت مستطاب والا تمنا خواهم نمود که اگر رفتاری که بر طبق نظریات مشروحه در مرقومه‌های حضرت والا است امتناع نمایم، معذورم فرماید.

ملاحظهٔ این مطلب که حضرت مستطاب والا در حفظ اختیارات قانونی قویاً علاقه‌مند و متمایل هستید، اسباب کمال مسرت این جانب است؛ چون خود این جانب هم نه فقط از حیث اختیارات، بلکه از حیث تعهدات و وظایف هم دارای عیناً همان نظر هستم، وضوحاً و قطعاً اختلاف اساسی در بین ما وجود ندارد.

[امضای میلسپو به لاتین] رییس کل مالیهٔ ایران

سند ۵

موضوع: پرداخت حقوق انتظار خدمت

نامهٔ میلسپو به خط منشی، به تاریخ ۸ فروردین ۱۳۰۶

سرپرگ وزارت مالیه

نمرهٔ ۵۵

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

در شمارهٔ ۱۳۷ روزنامهٔ طوفان^۲ مورخ ۲۴ اسفند ۱۳۰۵، خبری ملاحظه نمودم دایر به اینکه از مقام ریاست وزراء به وزارت مالیه اخطار شده است که با آنکه چندی قبل توجه وزارت مالیه به لزوم تهیهٔ لایحهٔ قانونی برای پرداخت حقوق انتظار خدمت به منتظرین علاوه بر صد [ی] پنج قانونی معطوف گردیده، معذک از طرف وزارت مالیه در آن باب اقدامی نشده است.

اگر این خبر صحت داشته باشد، متمنی است حضرت اشرف آقای رییس‌الوزراء

۱. زیر این عبارت هم خط کشیده شده.

۲. روزنامهٔ انتقادی و چپ‌گرای طوفان (تهران، دوم شهریور ۱۳۰۰ - ۲۳ بهمن ۱۳۰۷) را روزنامه‌نگار و شاعر معروف این دوره، محمد فرخی یزدی منتشر می‌ساخت. این روزنامه به هیئت آمریکایی خوشبین بود و هنگام ورود میلسپو به ایران سرمقالهٔ خود را در بارهٔ همین مطلب نوشت («خیر مقدم»، طوفان، ش ۳۱، ۲۸ آبان ۱۳۰۱).

را متذکر بسازید که لایحه پرداخت حقوق انتظار خدمت به وزرای اسبق و منتظرین خدمت علاوه بر صد [ای] پنج، چندین هفته پیش برای احاله به مجلس شورای ملی تهیه شد، ولی تاکنون، تا اندازه [ای] که من اطلاع دارم، از طرف هیئت دولت هیچ اقدامی در آن باب به عمل نیامده است.

[امضای میلپو به لاتین] رئیس کل مالیه ایران

[در زیر این نامه، نصرت الدوله عبارتی را برای پاسخدهی به میلپو آغاز کرده، ولی آن را خط زده است]

سند ۶

موضوع: اعتبارهای راه آهن

نامه ماشین شده میلپو، به تاریخ ۹ فروردین ۱۳۰۶

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۹۳

فوری

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

مستر ریبر^۱ به این جانب اطلاع می دهد که کلیه اعتبارات مصوبه جهت ساختن راه آهن تمام شده است. مقتضی است از مجلس تقاضا بفرمایید که در تصویب اعتبار اضافی جهت ساختن راه آهن عجله کنند؛ والا، این جانب راه دیگری نمی بینم جز آنکه بسیاری از اشخاصی [را] که حالیه استخدام شده اند، از خدمت معاف [کنم] و نیز تمام عملیات مربوطه موقوف شود، تا موقعی که اعتبار به تصویب برسد.

[امضای میلپو به لاتین] رئیس کل مالیه ایران

[نصرت الدوله به خط خود در زیر نامه نوشته است:] اقدام لازم شد ۱۶-۱-۶

۱. جان ریبر (H. J. Reber) ریاست محاسبات کل مالیه را بر عهده داشت.

سند ۷

موضوع: مأموریت دکرکر

مضمون یادداشت نصرت الدوله به خط منشی به تاریخ
۱۰ فروردین ۱۳۰۶ (ر.ک. به سند ۱۷ فروردین)

سربرگ وزارت مالیه
دکتر میلیسپو به فرانسه
راجع به قبول روسها مأموریت دکرکر^۱ را به مسکو.

سند ۸

موضوع: [به ظاهر] حقوق انتظار خدمت

مضمون یادداشت نصرت الدوله به خط
منشی به تاریخ ۱۶ فروردین ۱۳۰۶

سربرگ وزارت مالیه
در زیر مینوت نمره ۲۱ صادره به مقام ریاست وزراء، جواب یادداشت ضمیمه
به رییس کل مالیه صادر شده است. ۱۶ فروردین[: آقای رییس کل مالیه با ملاحظه
یادداشت مستر پرین و مقتضیاتی که موجب نوشتن این جواب به مقام ریاست
وزراء شده است. تصدیق خواهید کرد که دادن تذکری به آقای رییس الوزراء که در
یادداشت ۲۶/۱/۷ خطاب به من تقاضا شده است، مورد نخواهد داشت.

سند ۹

موضوع: خواند^۳ زنجان

مضمون نامه نصرت الدوله به خط
منشی به تاریخ ۱۶ فروردین ۱۳۰۶

۱. دکرکر بلژیکی در سال ۱۹۲۸ جانشین لامبر مولیتور شد و ۲۲ سال مدیر کل گمرک ایران بود.
۲. به نظر می آید که این یادداشت در پاسخ یادداشت میلیسپو (سند ۸ فروردین) است. در این صورت، نصرت الدوله تاریخ یادداشت میلیسپو را به جای ۸، هفتم فروردین نوشته است.
۳. خواند: صاحب و خداوندگار. در این جا ظاهراً مقامی اداریست که ما معنای آن را نیافتیم.

سربرگ وزارت مالیه

رئیس کل مالیه

حکم انتصاب خاوند زنجان، مفاد ارسال، ولی تذکر داده شد که حسن انتخاب نشده است.

سند ۱۰

موضوع: قانون استخدام کشوری

نامه ماشین شده میلسپو، به تاریخ ۱۶ فروردین ۱۳۰۶

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۲۱۱

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

اخیراً در مذاکره حضوری با این جانب، جناب مستطاب اجل آقای دادگر نماینده محترم، اظهار نمودند که خیلی مایل هستند کمیسیون مربوطه پارلمانی زودتر راپرت راجع به قانون استخدام کشوری را که چندی قبل کمیسیون معاونین تهیه نموده است از دولت دریافت کند. بدیهی است لطفاً سعی خواهید نمود که در این موضوع مهم اقدام مقتضی به عمل آید.

[امضای میلسپو به لاتین] رئیس کل مالیه

سند ۱۱

موضوع: سفر ذکرکر به مسکو

نامه ماشین شده میلسپو، به تاریخ ۱۷ فروردین (ر.ک).

سند ۱۰ فروردین، سند بعدی و سند ۲۳ فروردین)

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۲۲۰

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

یادداشت عالی مورخ دهم فروردین ۱۳۰۶ را دایره رفتن مسیو ذکرکر به مسکو ملاحظه کردم. به نظر این جانب، با توافق نظری که ضمن مذاکرات دوشنبه گذشته حاصل شد و اصول آن را بیان می‌کنم، کاملاً وقف نمی‌دهد:

- ۱- طرح تعرفه برای جناب مستطاب اجل آقای انصاری^۱ فرستاده شود؛
 - ۲- ایشان از دولت شوروی بخواهند که تعرفه مزبور را بپذیرند؛
 - ۳- اگر روسها اعتراضی به هر یک از اقلام بنمایند یا هر گونه تغییری را پیشنهاد کنند، آقای انصاری اظهار بدارند که تعرفه گمرکی بایستی به یک کمیسیون فنی ارجاع شود؛
 - ۴- آقای کلنل مکرماک^۲ و مسیو دکرکر سمت نمایندگی^۳ دولت ایران را در کمیسیون فنی داشته باشند؛
 - ۵- اگر دولت شوروی به رفتن کلنل مکرماک و مسیو دکرکر به مسکو ایراد کنند (کذا)، در آن صورت جلسات کمیسیون فنی باید در تهران منعقد شود.
- این جانب نمی توانم بفهمم برای چه دولت ایران از طریقه مشروحه فوق منحرف شده است؟ آنچه معلوم می شود، دولت ایران قبول نموده است که مذاکرات راجع به تعرفه در مسکو بدون حضور نماینده شخصی این جانب به عمل آید. نسبت به این وجه [از] موضوع، لزوماً متذکر می شوم که این جانب در هر کمیسیون یا مجلس بین المللی که راجع به امور مالی تشکیل گردد حق عضویت دارم^۲؛ پس، برای من فقط در صورتی ممکن است با اعزام مسیو دکرکر به مسکو موافقت نمایم که این نکته محرز و مسلم گردد که آقای انصاری هیچگونه تعرفه [ای] را امضاء نخواهند کرد و دولت ایران نیز راجع به هیچ نوع تعرفه گمرکی اظهار موافقت نخواهد نمود؛ مگر بعد از آنکه هر یک از فقرات تعرفه را به استحضار این جانب رسانده و مجال کافی بدهند که موضوع را مطالعه و نظریات خود را اشعار نمایم. بدیهی است که هیچ مذاکره با دولت شوروی راجع به مالیات نفت و بنزین و یا سایر اجناس به عمل نخواهد آمد؛ مگر بر طبق مفاد یادداشت مورخ هشتم فروردین ۱۳۰۶ این جانب که متضمن نظریاتی است که روز دوشنبه گذشته حضوراً

۱. علیقلی خان مسعود انصاری ملقب به مشاور الممالک (تهران ۱۲۴۸ خ - ۱۳۱۹ خ)، زندگی خود را به مانند پدر و نیایش در وزارت امور خارجه سرکرد و چند بار به وزارت رسید. وی، در هر دو کابینه‌یی که اسناد حاضر مربوط به آن است، همین سمت را بر عهده داشت. سند بالا، در مورد سفر او به مسکو برای گسترش روابط بازرگانی میان ایران و اتحاد جماهیر شورویست.
۲. کلنل مکرماک رییس کل عایدات داخلی بود.
۳. زیر عبارات با مداد خط کشیده شده است.

در دفتر جناب مستطاب عالی مبادله گردید.
سواد این یادداشت [را] به ضمیمه سواد یادداشت هشتم فروردین ۱۳۰۶ توسط
مسیو مولیتر برای مسیو دکرکر ارسال نمودم. خ
[امضای میلسپو] رئیس کل مالیه

سند ۱۲

موضوع: مأموریت دکرکر و تذکر به میلسپو

برگ دوم یادداشت ماشین شده نصرت الدوله بر روی
کاغذ بی سربرگ (ر.ک. به سندهای ۷ و ۱۱ / ۱۳۰۶)

آقای رئیس کل مالیه

یادداشت ۱۷ جاری نمره (۲۲)^۱

۱- در یادداشتی که راجع به اعزام مسیو دکرکر به مسکو برای کمک به آقای
انصاری نوشته بودم تصمیم هیئت دولت را در موضوع دستورالعملهای آقای
انصاری ذکر نکرده بودم و البته سرکار قبل از اطلاع بدان نمی توانید به حدس و قرینه
آنها را درک کنید، لهذا تمنا دارم این نکته را همیشه مرعی داشته و هر وقت محتاج
به توضیحی در این ابواب باشید قبلاً از من استفسار نمائید.

۲- در موضوع تعرفه اصول نظریات کمیسیون که در مالیه [اظهار] داشتم تقریباً از
طرف هیئت دولت پذیرفته شده و دستورالعملها توسط مسیو دکرکر ارسال خواهد
شد. در این مورد تذکر می دهم که یک قسمت از یادداشت خلاصه مذاکرات
کمیسیون که برای من ارسال داشته بودید، کاملاً با مذاکرات تطبیق نداشت و
اختلاف را حضوراً شرح خواهم داد.

۳- دو نکته را از نقطه نظر قانونی تذکر می دهم.

الف - مراجعه دولت به رئیس کل مالیه در مسائل مالی مشورتی است.

ب - عین عبارت ماده ۶ راجع به نمایندگی رئیس کل مالیه این است:

- در کمیسیون یا مجلس بین المللی که راجع به امور مالیه تشکیل گردید، از وزیر
مالیه [که] مقام نمایندگی را خواهد داشت تمنا دارم سواد این یادداشت را برای
اطلاع مسیو دکرکر ارسال نمائید.

۱. این سند فاقد تاریخ را به سبب آنکه پاسخ به سند پیشین است در اینجا آوردیم.

سند ۱۳

موضوع: کاهش بودجه وزارت مالیه

نامه ماشین شده میل سپو، به تاریخ ۱۷ فروردین
 ۱۳۰۶ (ر.ک. به سند بعدی و سندهای ۱۱ /
 خرداد و ۱ و ۳ و ۴ / تیر ۱۳۰۶)

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۲۲۶

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

از قراری که اطلاع حاصل کرده‌ام، جناب مستطاب عالی از کمیسیون فرعی بودجه تقاضا نموده‌اید که در مطالعه بودجه وزارت مالیه دست نگاه دارند تا آنکه خودتان راجع به امکان تقلیل آن با من مذاکره به عمل بیاورید. اگرچه هنوز راجع به موضوع مزبور با این جانب مذاکره نفرموده‌اید، مع هذا لازم می‌دانم تذکر بدهم که این جانب با هیچ تقلیلی در بودجه وزارت مالیه موافقت ندارم و اگر بدون موافقت من از بودجه مالیه کم و کسری بشود، ممکن است ناگزیر بشوم مبالغی از عواید تخمینی بکاهیم و نیز بودجه سایر وزارتخانه‌ها را به همان نسبت کم کنیم. پس، هر سعی و اهتمامی در تقلیل بودجه وزارت مالیه سبب خواهد شد که در تصویب و اجرای بودجه کل مملکتی تأخیر و اشکال و پیچیدگی‌های زیاد تولید شود، امیدوارم برای احتراز از حدوث چنین وضعیت مشکلی که از کاستن بودجه وزارت مالیه به وجود خواهد آمد، سریعاً اقدام لازم به عمل آورید.

[امضای میل سپو به لاتین] رییس کل مالیه

سند ۱۴

موضوع: بودجه وزارت مالیه

نامه ماشین شده بی تاریخ نصرت الدوله
 (ر.ک. به سند پیشین)

سربرگ وزارت مالیه

آقای رییس کل مالیه

یادداشت ۱۷ جاری نمرة (۲۲۶)

در اواسط اسفند گذشته در مقابل اعتراضاتی که از طرف آقایان وکلا نسبت به بودجه وزارت مالیه می شد و چون بودجه مزبور قبل از تصدی من به وزارت مالیه ارسال و مورد مطالعه و تصویب من واقع نگشته بود، به بعضی از آقایان متعرضین وعده کردم که مطالعات لازمه را نموده و با توافق نظر با سرکار مطلب را تا درجه ای که ممکن است اصلاح نمایند.

به همین مناسبت بود که فوری در قسمت بودجه که مربوط به مخارج از محل انحصار بود اعتراضات را خود من هم تصدیق داشتم اقدام و با شما مذاکره نمودم. برای مطالعه در بقیه بودجه و کسب اطلاع قبل از مذاکره صورتهای بودجه تفصیلی را خواستم و متأسفانه تا چهار پنج روز قبل از این آن صورتهای به من نرسیده بود. در همان موقعی که مذاکره در مخارج از محل انحصار بود، مستقیماً یا توسط میرزایانس تذکر دادم که باید مذاکراتی در کلیه بودجه بودجه بنمایم تا من بتوانم پس از توافق و تصویب آن در مقابل اعتراضات مجلس مدافعه نمایم.^۱

سند ۱۵

موضوع: اعتبار راه آهن

نامه ماشین شده میلسپو، به تاریخ ۲۲ فروردین ۱۳۰۶

سربرگ وزارت مالیه

نمرة ۳۳۰

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

از قرار معلوم راجع به اینکه به وزارت فوائد عامه اطلاع داده ایم که - ۲۵۰/۰۰۰ تومان اعتبار راه آهن تمام شده و همچنین راجع به اقدام ما در کنارگذاشتن مبلغ - ۹۴ - ۱۴۰/۶۵۷ دلار برای پرداخت حقوق مهندسین خارجی، انتقادی شده است. ظاهراً راجع به حقایق این موضوع سوء تفاهم بزرگی وجود دارد.

در ماده ۴ قانون ۳۰ بهمن ۱۳۰۴ برای حقوق و مخارج متخصصین و سایر مخارج نقشه برداری مبلغ - ۲۵۰/۰۰۰ تومان به دولت اعتبار داده شد. در ماده سوم

۱. این نامه بی تاریخ را به سبب ارتباطش با سند قبلی در اینجا آوردیم.

این قانون، به دولت اجازه داده شد یک نفر متخصص آمریکایی و یک نفر متخصص آلمانی و عده کافی مهندسین ایرانی استخدام نماید. حقوق سالیانه دو نفر متخصص خارجی مزبور جمعاً به ۲۵/۰۰۰ تومان محدود است. لذا اولین مبلغی که از اعتبار ۲۵۰/۰۰۰ تومان کسر شد، معادل بود با پنجاه هزار تومان؛ یعنی حداکثر حقوق متخصصین آمریکایی و آلمانی.

در قانون ۲۴ آبان ۱۳۰۵ به دولت اجازه داده شد ۱۲ نفر مهندس دیگر آمریکایی استخدام نماید. مجموع حقوق سالیانه آنها به موجب قانون - ۵۰/۰۰۰ تومان تعیین گردید که از محل اعتبار - ۲۵۰/۰۰۰ تومان پرداخته شود. لذا مبلغ دوم که از اعتبار مذکور کسر گردید، عبارت بود از - ۱۰۰/۰۰۰ تومان یعنی حقوق دو ساله ۱۲ نفر مهندسین اضافی. پس ملاحظه می فرمایید که پس از وضع این دو مبلغ که مجموع آنها - ۱۵۰/۰۰۰ تومان است، از اعتبار اعطایی توسط مجلس، مبلغ - ۱۰۰/۰۰۰ تومان برای پرداخت سایر مخارج مربوط به ساختن راه آهن باقی می ماند.

دقت عالی را مخصوصاً به این نکته متوجه می سازم که وجوه مذکوره در فوق، تمام فی الواقع به مصرف نرسیده است؛ ولی در مقابل این اعتبار، به قسمی که ملاحظه فرمودید، تعهداتی ایجاد شده و بدیهی است هر وقت میزان تعهدات با میزان اعتبار معادله نمود، اعتبار مزبور را باید تمام شده دانست. به علاوه، تصدیق خواهید فرمود که وزارت مالیه قسمت اعظم این اعتبار را برای پرداخت حقوق متخصصین خارجی از [کذا: در] پیش خود نگاه داشته است. کنارگذاشتن این اعتبار برای مقاصد مذکور، در قانون مصرح است و وظیفه وزارت مالیه نیز البته آن بوده که قانون را رعایت نماید. اگر تاکنون در مقابل تمام این - ۲۵۰/۰۰۰ تومان اعتبار، تعهدات ایجاد نشده بود، واقعاً اسباب تعجب می بود.

این جانب مایل نیستم کار ساختمان راه آهن به هیچ وجه نظر به فقدان اعتبار به تأخیر بیفتد. تقریباً یک ماه قبل این جانب با لایحه - ۵/۰۰۰/۰۰۰ تومان اعتبار جدید برای ساختن راه آهن موافقت نمودم؛ ولی این لایحه هنوز به تصویب مجلس شورای مالی نرسیده است. تأخیر در همچو موضوع مهمی موجب تأسف است و از طرف دیگر، خواه راجع به پر شدن محل ۲۵۰/۰۰۰ تومان اعتبار بدوی، یا در باب کوتاهی از اینکه سریعاً اعتبار جدیدی مهیا شود، بدیهی است هیچگونه مسئولیتی

متوجه این جانب نمی شود.

راجع به کنارگذاشتن مبلغی به دلار برای پرداخت حقوق متخصصین خارجی، اقدام ما از این حیث کاملاً مناسب و قانونی بوده است. استخدام خارجی ها که با ایران و پول ایران آشنا نیستند، با حقوقی که به تومان قید شود عملاً غیرممکن است. راست است که دو سال قبل این جانب موفق شدم یک عده آمریکایی را با حقوقی که به تومان قید گردیده استخدام نمایم؛ ولی این موفقیت نظر به آن بود که این جانب شخصاً در آمریکا بودم و می توانستم با اشخاص ذی مدخل مذاکره کرده و وضعیت را برای آنها شرح بدهم. به علاوه، گمان می کنم در خاطر عالی هست که متخصصین آلمانی و آمریکایی مخصوصاً پرداخت حقوق خود را به دلار تقاضا کرده اند. لذا، برای آنکه متخصصین لازم استخدام شوند و در بدو ممیزی راه آهن از وقوع تأخیر احتراز شود، چاره [ای] نبود جز آنکه حقوق متخصصین مزبور به دلار قید شود. پس از این کار، مجموع حقوق آنها را به دلار تعیین نموده و مبلغی را که برای تهیه آن مقدار دلار لزوم داشت، از تومان به دلار تسعیر^۱ کردیم. معذک، حقوق آنها مطابق قانون به تومان پرداخت می شود و هر یک برحسب قراری که در موقع استخدام با آنها داده شده، حقوق خود را به مبلغ تومانی که معادل با میزان حقوق آنها به دلار است، دریافت می دارد.

این اقدام وزارت مالیه، که بلا شک استخدام مهندسین را تسهیل نمود، کاملاً قانونی بوده؛ زیرا در قوانین مربوطه، حقوق فرد فرد مهندسین تعیین نشده است. به علاوه، البته متوجه این نکته نیز خواهید بود که معنای این اقدام وزارت مالیه آن نیست که حقوق مهندسین قبلاً تأدیه و یا مبلغ دلار خریداری به هیچ وجه تحت کنترل آنها باشد. مبلغ مزبور مانند کلیه سایر وجوهات در خزانه داری کل محفوظ است. حقوق مهندسین، ماه به ماه توسط خزانه دار کل عیناً مانند سایر پرداختها تأدیه می شود؛ با این فرق که این حقوقات (کذا) بابت مبلغ دلار خریداری محسوب می گردد و بس.

محتاج به تکرار نیست که اقدام ما در این باب مبتنی بر منظوری بوده است که همیشه به اقدام بر طبق موازین قانونی داشته و داریم و به علاوه، یک ملاحظه دیگر

۱. تسعیر: ارزیابی، تبدیل پول کشوری به پول کشور دیگر.

نیز که در کار بوده آن است که ساختن راه آهن را به هر طریق قانونی و مناسبی تسریع کرده باشیم.

در خاتمه، از این که موضوع را به شرح فوق برای جناب مستطاب اجل روشن نمودم خوشوقت هستم و یقین دارم به جای آنکه طرف انتقاد واقع شویم، مساعی ما در تسهیل ساختمان راه آهن مورد تقدیر و تمجید واقع خواهد شد.

[امضای میلسپو به لاتین] رئیس کل مالیه

سند ۱۶

موضوع: قانون مالیات ارضی

نامه ماشین شده میلسپو، به تاریخ ۲۲
فروردین ۱۳۰۶ (ر.ک. به سند بعدی)

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۳۳۵

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

یادداشت عالی مورخه ۱۷ فروردین ۱۳۰۶ دایر به اینکه پس از مذاکرات طولانی در هیئت وزراء راجع به لایحه قانون مالیات ارضی تصمیم گرفته شد که کمسیون تشکلی یابد و اصل گردید - در این باب لازم می دانم تذکر بدهم که در موقع مذاکره راجع به مسئله مالی مزبور به این جانب فرصت حضور در هیئت وزراء داده نشده است - اگر جناب مستطاب عالی این اقدام دولت را لطفاً برای اینجانب توضیح و ضمناً اعتراضاتی را هم که به لایحه پیشنهادی شده است بیان بفرمائید، خوشوقت خواهم بود که اقدام مقتضی به عمل آورم - عقیده آقایان وزرای عظام که این موضوع باید از روی کمال دقت مطالعه شود کاملاً صحیح است و در تهیه لایحه پیشنهادی نیز دقت و مطالعات لازمه به عمل آمده - معذالک اگر بدانم چه اعتراضاتی نسبت به آن شده است حاضر خواهم بود باز هم مطالعات بیشتری در موضوع به عمل آورم.

رئیس کل مالیه

دکتر میلسپو

سند ۱۷

موضوع: مالیات ارضی

پیش نویس نامه نصرت الدوله به خط او به تاریخ
۲۳ فروردین ۱۳۰۶ (ر.ک. به سند پیشین)

سربرگ وزارت مالیه

رئیس کل مالیه

در جواب یادداشت ۲۳۵ [مورخ] ۶/۱/۲۲

(۱) موقع مذاکره در هیئت وزراء برای لایحه مالیات ارضی، حضور سرکار در نظر آقایان ضروری نبود؛ چون مطلب محتاج به خواستن توضیح نبود، علی الخصوص که اصلاح [و] جرح و تعدیل آن به خود وزارت مالیه مقرر گردیده که از متخصصین دیگر هم مشورتی به عمل آید.

(۲) اعتراض آقایان وزراء بر اصل مالیات بر قیمت املاک است که بر تمام متفرعات آن اعتراضاتی شده و در کمیسیون از طرف آقایان وزراء، وزیر داخله و [وزیر] عدلیه و خود این جانب اظهار [نظر] خواهد شد.

سند ۱۸

موضوع: اعزام دکرکر به مسکو

یادداشت ماشین شده میلسپو، به تاریخ

۲۳ فروردین ۱۳۰۶ (ر.ک. به سندهای

۷ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۸ / فروردین ۱۳۰۶)

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۳۵۰

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

یادداشت عالی مورخ ۱۷ فروردین ۱۳۰۶ راجع به اعزام مسیو دکرکر به مسکو
واصل گردید.

با صرف نظر از لحن یادداشت، خاطر شریف را مسبوق می سازم که این جانب با
اظهار جناب مستطاب عالی تحت نمره (۱) از قسمت سوم یادداشت مزبور
موافقت ندارم.

چون صحت آن قسمت از ماده ۶ قانون استخدام این جانب که در یادداشت خود نقل فرموده‌اید محل تردید نیست، لذا اظهاری در آن باب نمی‌کنم.
[امضای میلسپو به لاتین] رییس کل مالیه

سند ۱۹

موضوع: تعیین رتبه کارکنان وزارت پست و تلگراف

نامه‌های ماسین شده نصرت الدوله به تاریخ ۲۷ فروردین ۱۳۰۶

سربرگ وزارت مالیه

آقای رئیس کل مالیه

یادداشت اداره استخدام را که امضاء و ارسال داشته بودید ملاحظه کردم. نظریه اداره مزبور را تصدیق ندارم و بین نظریات آن اداره در موارد متشابهه اغلب تباین و تناقضی موجود است. عجباً در این مورد توجه شما را به این یک اعتراض معطوف و لازم می‌دانم که به اداره مربوطه تذکرات لازمه را بدهید.

مراسله نمرة (۲۸۷۳) حقوق آقای اعتبار را در سنه ۱۳۰۳ به انضمام فوق العاده‌های دریافتی / ۱۵۰ تومان تعیین کرده است و اداره استخدام این مبلغ را مأخذ حقوق رسمی مشارالیه شناخته و تعیین کرده است، ولی برای تعیین رتبه مشارالیه، ۱۴۴ تومان را مأخذ گرفته و رتبه (۶) قائل گردیده است، در صورتی که ممکن بوده است حداقل رتبه ۷ را که ۱۲۴ تومان بوده است مأخذ بگیرند و در آن تاریخ رتبه ایشان را (۷) تشخیص بدهند. در موارد متشابهه مکرر اداره استخدام این کار را کرده است و از نظایری که به اطلاع من رسیده است، مورد ماتیس ارمنی و میرزا داودخان محاسب پست را در خاطر دارم - البته در صورتی که این رفتار مانع قانونی ندارد و با تشخیص خود وزارت پست و تلگراف در موضوع رتبه آقای اعتبار موافقت کامل می‌نماید و در موارد دیگر هم به این ترتیب عمل شده است، دلیلی نمی‌بینم که اداره استخدام بی‌جهت احتراز در عدم موافقت بنماید - علل دیگری هم از طرز رفتار در موارد متشابهه (من جمله امضای وزارت معارف از قبیل سعدالملک و فهیمی و غیره) برای تأیید این نظریه موجود است، ولی چون ترتیب مذکور فوق را استدلال کافی می‌دانم به آنها تعرض نمی‌نمایم.

سند ۲۰

موضوع: بانک شاهنشاهی

مضمون نامه نصرت الدوله به خط

منشی به تاریخ ۲۸ فروردین ۱۳۰۶

سربرگ وزارت مالیه

رئیس کل مالیه

راجع به کاغذ بانک شاهنشاهی^۱ ...

۱. همین کلمات در نامه قید شده، مطلب دیگری ندارد.

اردی بهشت ۱۳۰۶

سند ۱

موضوع: مرخصی ماژور هال^۱

نامهٔ میلسپو به خط منشی، به تاریخ ۶ اردی بهشت ۱۳۰۶

سربرگ وزارت مالیه

نمرهٔ ۶۱۰

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

با عطف به پیشنهادی که به آقای میرزا یانس فرموده تقاضا نموده بودید این جانب از ماژور هال تقاضا کنم که از استفاده از مرخصی خود صرف نظر نماید؛ اشعار می‌دارد: این جانب هیچ دلیلی نمی‌بینم که از مشارالیه تقاضا بشود از مرخصی خود استفاده نکند. به عقیدهٔ من، یک مأمور آمریکایی که مدت پنج سال به جدیت و صداقت خدمت کرده و حق مرخصی هم دارد، محتاج به تعطیل است و باید برعکس، او را تشویق نمود که از مرخصی مکتسبهٔ خود استفاده کند.

[امضای میلسپو به لاتین] رییس کل مالیه

۱. ماژور ملوین هال پیشکار مالیهٔ خراسان بود. میلسپو نوشته است که هال «معمولاً در کارهایش از زبان فرانسه سود می‌برد» (مأموریت آمریکاییها در ایران، ص ۱۳۵)، ایرج میرزا که در زمان پیشکاری هال در مالیهٔ خراسان کار می‌کرد، از او و معاونش محمد مهدی میرزا ابتهاج السلطان در منظومهٔ «انقلاب ادبی» یاد کرده است. هال، به مانند میلسپو، دو کتاب در بارهٔ مأموریتش در ایران نوشته است. علاوه بر این، گزارشی از وی را در سال ۱۳۰۴ هادی سیاح سپانلو به فارسی ترجمه کرد و با عنوان زیر در مشهد به چاپ رساند: «راپرت میجر هال به دکتر میلسپو راجع به لزوم راه آهن در سیستان».

سند ۲

موضوع: اعتبار شهریه‌ها و مستمریات

نامه‌های ماشین شده با مهر ریاست وزراء و امضای حسن مستوفی الممالک نخست‌وزیر^۱ به وزیر مالیه به تاریخ ۶ اردی‌بهشت ۱۳۰۶ و در حاشیه آن، یادداشت نصرت الدوله خطاب به میلپو به تاریخ ۷ اردی‌بهشت (ر.ک. به سندهای ۲ و ۴ و ۸ خرداد ۱۳۰۶).

سربرگ ریاست وزراء

نمره ۵۳۸

به تاریخ ۶ اردی‌بهشت ماه ۱۳۰۶

ورود به دفتر رییس کل مالیه به تاریخ ۹ برج اردی‌بهشت ۶. نمره ۶۵۷
وزارت جلیله مالیه

مراسله نمره ۴۸۹۷۵ راجع به برقراری شهریه در باره آقای صدرالافاضل ملاحظه شد، لازم آمد وزارت مالیه را به نکات اساسی توجه بدهم: آنچه در این مدت فهمیده‌ام، وزارت مالیه نمی‌خواهد قائل بشود که در مملکت و اصول مملکتداری غیر از مسائل مالی چیزهای دیگری هم وجود دارد. برقراری شهریه از چندین لحاظ ممکن است پیش بیاید که از آن جمله مقتضیات سیاسی است و البته بنا به حوائج موقع، ممکن است مقدار و میزان شهریه تغییر پیدا کند. اینکه در مراسله فوق‌الذکر اشاره کرده‌اید که نظامنامه [ای] برای این موضوع تهیه شده و میزان شهریه را محدود به ...^۲ حد وسط مقرری نموده است؛ نمی‌دانم از چه نظر است و چرا متوجه نشده‌اید که این گونه نظامنامه‌ها باید به تصویب دولت برسد و قبل از طی این تشریفات نمی‌تواند اعتبار داشته باشد.^۳

رویه وزارت مالیه تنها در این باب محل اعتراض نیست. بطوری که می‌شنوم،

۱. مستوفی الممالک دومین نخست‌وزیر رضاشاه از ۱۵ خرداد ۱۳۰۵ تا ۵ خرداد سال بعد، سه بار مأمور تشکیل دولت شد و جای خود را به مهدیقلی هدایت (مخبر السلطنه) داد. این نامه، ۲۹ روز قبل از پایان سومین کابینه‌اش نوشته شده است.
۲. این رقم با دست نوشته شده و متأسفانه ناخواناست.
۳. زیر عبارت اخیر با مداد سرخ خط کشیده‌اند.

بسیاری از ابلاغات و مقررات نیز که راجع به کارهای عمومی است و قبلاً باید نظر دولت نسبت به آنها جلب شده باشد، از طرف وزارت مالیه صادر و به موقع اجراء گذاشته می شود؛ مثل اینکه در باب سوابق خدمت اشخاص و تطبیق قانون استخدام با آنها ابلاغاتی صادر و مجرا شده؛ در صورتی که قبلاً می بایست نظر سایر وزارتخانه ها که بالطبع ذی نفع هستند، لااقل استعلام شده باشد. ثانیاً، در چندین مراسله اشاره کرده اید که اعتبار شهریه و مستمریات تمام شده و مقدور نیست شهریه جدیدی برقرار شود. نمی خواهم اظهار وزارت مالیه را تکذیب کنم؛ ولی، به موجب اطلاعاتی که تحصیل کرده ام، تصور نمی رود اعتبار فوق الذکر آنقدرها در مضیقه باشد و نمی فهمم چرا وزارت مالیه امور محاسباتی و مالی را طوری اداره نمی کنند که کلیات قضایا در نظر عامه و مخصوصاً دولت مکشوف گردد. گردش کار باید قسمی باشد که لااقل تشخیص حقیقت قضایا برای دولت مشکل نباشد.

وزارت مالیه که آنقدر اهتمام در اجرای قوانین، خاصه قانون محاسبات عمومی دارد؛ اگر در اجرای مواد ۴۱ و ۴۵ و ۵۲ و متفرعات آنها تا به حال اقدام می نمود، هم پاره [ای] سوء تفاهات و تردیدها پیش نمی آمد و هم نظر به روشن شدن بسیاری از مسائل، مذاکرات و مکاتبات زیاد نسبت به آنها ضرورت پیدا نمی کرد. بالاخره مردم و مجلس شورای ملی و دولت عمل مالی مملکت را باید به طور وضوح بدانند. وضع مواد فوق الذکر برای همین نظر بوده و لازم است هر چه زودتر به موقع اجراء گذارده شوند.

با توجه به مندرجات این مراسله، باید زودتر توضیحاتی راجع به موضوعی که ذکر کرده ام بدهید و نیز غدغن فرمایند وضعیت تفصیلی اعتبار شهریه و مستمریات را تهیه کرده برای ملاحظه این جانب ارسال دارند.^۱

[دستنویس حاشیه: ۶/۲/۷] [شماره ورود: ۴۰۲۳] به عرض برسد.

[حاشیه نامه به خط و امضای نصرت الدوله:]

آقای رییس کل مالیه مکرر نسبت به بعضی از قسمتهای مذکوره در این مذاکره، من جمله نظامنامه ها و تصمیمات مربوط به استخدام که متوجه وزارتخانه های دیگر می شود، اعتراضات خودم را گوشزد نموده ام. اینک آنها را باز

تمدید [می‌کنم] و انتظار دارم اقدام عاجلی برای اصلاح این رشته‌های (؟) اساسی بنمایید. ۶/۲/۷.

سند ۳

موضوع: اعتراض به رویه اداره مالیه و عدم پرداخت به هوشیار

پیش‌نویس نامه نصرت‌الدوله به خط او بر روی کاغذ بی‌سربرگ، به تاریخ ۱۱ اردی‌بهشت ۱۳۰۶^۱ (ر.ک. به سندهای ۱۱ و ۱۲ و ۲۰ و ۲۲ / اردی‌بهشت و ۱۲ و ۲۴ / تیر ۱۳۰۶)

آقای رییس کل مالیه

این مینوت را با مراسلات ریاست وزراء مخصوصاً نمرة ۲۳۵ مورخه ۲۰ فروردین و یادداشت اخیری که من نوشته‌ام، تطبیق نمایید. یقین دارم تصدیق خواهید کرد که به هیچوجه ارتباطی با اصل مطلب که مسکوت مانده است ندارد و مقصود من از یادداشت سابق و اعتراضی که به اداره محاسبات کرده‌ام، پرداخت مبلغی به هوشیار^۳ نبود که با آن از محل اعتبار دولت موافقت گردید. مقصود من، اعتراضی اساسی است به رویه ادارات مالیه که خود را مافوق قوانین فرض و برخلاف اصول جاریه و مسئولیت و اختیار وزرای مملکت در ایفای مطالب خود، می‌خواهید اظهار عقیده و اثبات اراده کنند.

این وضعیت را یقین دارم خود شما تصدیق نخواهید کرد و البته در نظر خواهید داشت که تمام اختیارات قانونی شما که مأخذ عمل ادارات دیگر است، محدود به تصویب وزیر مالیه و هدایت قانونی مشاوریه و مخالف نبودن با مسئولیت وزراست و اگر غیر از این عمل بشود، البته مخالف قانون و کنترات شما خواهد بود. خاتمه انتظار دارم که از این ترتیبات جلوگیری و رؤسای ادارات را به تکالیف خودشان آشنا کنید.

۱. اصل نامه با جوهر است و تاریخ را با مداد به آن افزوده شده است. ۲. شاید ۲۲۵.

۳. هیئت وزیران در ۲۲ آبان ۱۳۰۵ تصویب کرده بود که هزینه معالجه میرزا علینقی خان هوشیار عضو دفتر نخست‌وزیری را بپردازد («تصویب‌نامه‌های صادره از هیئت وزراء»، اطلاعات، ش ۱۳۰، دوشنبه ۲۶ دی ۱۳۰۵).

سند ۴

موضوع: اعتراض به توقیف حقوق مستخدمان کنتراتی و تهدید نصرت الدوله

نامهٔ میلسپو به خط منشی، به تاریخ ۱۱ اردی بهشت ۱۳۰۶
(ر.ک. به سندهای ۶ و ۸ / اردی بهشت ۱۳۰۶)

سربرگ وزارت مالیه

نمرهٔ ۷۱۹

یادداشت

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

به طوری که به این جانب اطلاع رسیده، جناب مستطاب عالی درخواست حقوق فروردین مستخدمین کنتراتی وزارت مالیه را نگاه داشته‌اید و از قرار معلوم، این اقدام مبنی بر آن است که می‌خواهید معلومات فنی هر کدام از مستخدمین مزبور را با این نظر که قانونی بودن انتصاب آنها معین شود، به مورد امتحان در آورید.

از این جانب تقاضا فرموده بودید که هر یک از ادارات تصدیق‌نامهٔ معلومات فنی فرد فرد مستخدمین کنتراتی را که در آنجا خدمت می‌کنند، ارائه بدهند.

جناب مستطاب عالی را متذکر می‌سازم که تقریباً عموم این مستخدمین یک مدتی در خدمت وزارت مالیه بوده‌اند. بعضی از آنها مدت چندین سال خدمت کرده‌اند. معلومات فنی و قانونی بودن انتصاب آنها در موقع دخول به خدمت مورد مطالعه واقع شده است. نصب هر یک بر حسب توصیهٔ این جانب و تصویب وزیر مالیهٔ وقت بوده است. به نظر نمی‌رسد لازم باشد در این موقع امتحان دیگری نسبت به این موضوع بشود. به عقیدهٔ این جانب، چنین اقدامی فایده نخواهد داشت. در حینی که این همه امور مهمه در بین است که تشریک مساعی صمیمانهٔ ما را ایجاب می‌کند، این جانب متحیرم که چرا جناب مستطاب عالی اقدامی می‌نمائید که فقط منجر به ایجاد مشکلات در ادارهٔ مالیه خواهد بود.

دقت جناب عالی را به مادهٔ ۶ قانون ۴ مرداد ۱۳۰۱ و به مادهٔ مربوطه به کنترات خود که ضمن آن دولت ایران قبول کرده است مطابق نظریات این جانب دایر به ترقی و تنزل و انتقال و عزل مستخدمین مالی رفتار می‌نماید، جلب می‌کنم. توقیف

و پرداخت حقوق هر یک از مستخدمین مالی، صریحاً نقض این ماده قانون و کنترات این جانب می باشد. اگر جناب مستطاب عالی در آتیه به هریک از اشخاصی که این جانب انتصاب آنها را به طور کنترات برای خدمت در ادارات مالیه توصیه می کنم اعتراض داشته باشید، می توانید دقت این جانب را به ایرادات خود جلب نمایید و من همیشه خوشوقت خواهم بود که در توصیه خود تجدید نظر کنم. من می توانم به جناب مستطاب عالی اطمینان بدهم که میل یا قصد ندارم در عده مستخدمین کنتراتی بیفزایم و در هر مورد بخصوص که پیش می آید، موضوع را با این نظر که حتی الامکان از استخدام به طور کنترات احتراز شده باشد، با کمال دقت به مورد مطالعه می گذاریم.

ممکن است از معلومات و قانونی بودن انتصاب عموم مستخدمین دولت امتحان لازم به عمل آید. این جانب توصیه نمی کنم که چنین امتحانی در این موقع بشود؛ ولی به نظر من عادلانه نیست که یک طبقه مخصوص از مستخدمین را برای امتحان جدا نمود و حقوق آنها را از پیش خود توقیف کرد. معذالک، اگر جناب مستطاب عالی برخلاف قانون و برخلاف کنترات این جانب در تجدید مسئله این طبقه مخصوص از مستخدمین اصرار بورزید، این جانب نیز در تعقیب رویه [ای] که به نظر من کاملاً صحیح است و عبارت می باشد از امتحان وضعیت قانونی عموم مستخدمین کشوری دولت، اصرار خواهم کرد. این جانب هیچ موقع قصد ندارم که پرداخت حقوق را به طور مطلق یا من غیر لزوم توقیف کنم و خیلی متأسف خواهم بود که در نتیجه اقدام جناب مستطاب عالی به توقیف حقوق مستخدمین فوق الذکر مجبور بشوم [و] رویه [ای] را پیش بگیرم که موجب تعویق پرداخت حقوق مستخدمین دولتی بشود. لذا، باید به جناب عالی تصریح نمایم که اگر چنین تأخیری بشود، جناب مستطاب عالی مسئول آن خواهید بود.

امضای میلسپو به لاتین | رییس کل مالیه

سند ۵

موضوع: کارکنان قراردادی وزارت مالیه

نامه ماشین شده نصرت الدوله

به تاریخ ۱۲ اردی بهشت ۱۳۰۶

سربرگ وزارت مالیه

خیلی فوری است

آقای رییس کل مالیه

یادداشت نمرة (۷۱۹) شما موجب تعجب گردید.

۱- در سال گذشته به اداره استخدام دستور و تذکر داده بودم که از ادارات مالیه احتیاجات خود را به مستخدمین کنتراتی تحقیق و با تطبیق آنها با قانون استخدام و نظامنامه وزارت مالیه که تخصص فنی و موجود نبودن آن متخصصین را جزء منتظرین خدمت ایجاب می نماید، کترات آنها را تهیه و برای قبل از ۱۳۰۶ به امضاء برسانند - اداره استخدام به این وظیفه خود تا به حال عمل نکرده است.

۲- کنتراتی که موعده در آخر ۱۳۰۵ منقضی شده، قبل از آنکه سال ۱۳۰۶ تجدید و به امضاء برسد در قوت خود باقی نیست و مطابق ماده صریح نظامنامه وزارت مالیه ادارات حق ندارند قبل از امضای کترات، مستخدمی را به خدمت مشغول و منصوب کنند.

۳- قبل از آنکه تمام کترات یا صورت احتیاج هر یک از ادارات تماماً تحت مطالعه نیاید و با عده مستخدمین رسمی آن ادارات و صورت منتظرین خدمت وزارت مالیه تطبیق نشود، نمی توانم تصدیق کنم که این مستخدمین ضروری و مطابق با قانون هستند و به ترتیب دیگری خدمت اداری قابل تأمین نیست و تا این مقدمه به عمل نیاید نمی شود نسبت به عموم مستخدمین کنتراتی تصمیم کلی اتخاذ کرد، ولو آنکه نسبت به قسمت مهم آنها از حیث لزوم و تخصص فنی تردید نیست.

۴- راجع به ماده ۶ قانون کترات خودتان لازمست شما را متذکر کنم که آن ماده مربوط به مستخدمین مالیه است، ولی کتراتیها تا مطابق قانون استخدام نشده اند جزء مستخدمین محسوب نیستند، بعلاوه ماده ۶ که حقوقی برای شما دایر به ترقی و تنزل و انتقال و عزل مستخدمین قائل شده هیچ کجا به شما اختیار استخدام نداده است، زیرا برای شرایط و ترتیب و کیفیت مستخدمین دولت و استخدام از طرف دولت مقررات مخصوص موجود است که تغییر و تبدیل آن به اختیار کسی غیر از قانون گذار نیست.

۵- قسمت اخیر یادداشت که در موضوع معلومات و امتحان مستخدمین اشاره و

اظهار عقیده کرده بودید که مقتضی و عادلانه نیست و ممکن است (وضعیت قانونی عموم مستخدمین کشوری امتحان بشود) یا غیر، مفهوم یا ناشی از عدم آشنائی به قوانین است، زیرا وضعیت قانونی مستخدمین رسمی را قانون استخدام تعیین نمود و هر وزارتخانه و وزیر مسئول آن باید به وسیله تعرفه خدمت صحت شرایط قانونی مستخدمین خود را معلوم و قطعی نماید. این ترتیب تا به حال جاری بوده و البته باید تا تعرفه مستخدمین دولتی تکمیل گردد امتداد داشته باشد. بعلاوه چنانچه فوقاً تذکر دادم کتراتیها را با مستخدمین دولتی از هیچ حیث نمی توان مشابه فرض کرد و در مقام مقایسه آورد.

۶- راه حل قضیه به ترتیب ذیل است.

۱- به ادارات تذکر داده شود که تمام کتراتیها را با رعایت نظامنامه که اخیراً امضاء شده است تهیه و برای امضاء بفرستند.

۲- پس از مطالعه، یک مجلس حضوراً با سرکار تبادل فکر و عقیده نموده تصمیمی اتخاذ می کنم.

۳- درخواست حقوق مستخدمین که کترات آنها به امضاء رسیده صادر گردد، تمنا دارم دستور اکید بدهید که در این موضوع تسریع بشود که به این وضعیت بلا تکلیفی عده ای از مستخدمین و عدم تأدیه حقوق آنها زودتر خاتمه داده شود و نیز تذکر می دهم که از رئیس اداره استخدام تحقیق شود که چرا تا به حال این اقدام را بطوری که سابقاً دستور داده شده بود نکرده است.

سند ۶

موضوع: توقیف حقوق مستخدمان کتراتی

نامه ماشین شده میلسپو، به تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۰۶

(ر.ک. به سندهای ۴ و ۸ / اردیبهشت ۱۳۰۶)

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۷۹۰

یادداشت

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

از قرار اطلاع واصله جناب مستطاب عالی درخواستهای پرداخت حقوق

مستخدمین کنتراتی را امضاء فرموده‌اید، تا قبلاً کنترات سال جاری صادر شود. در سنوات گذشته من هم عقیده داشتم و چنین اقدامی مقتضی است، ولی تجربه برای من ثابت کرد که اقدام مزبور جنبه عملی ندارد. معمولاً مدت زیادی طول می‌کشد که ادارات مرکزی وزارت مالیه نسخ متعدده کنترات را تهیه و از مجاری مختلفه مربوطه جهت تصویب ارسال کنند - این اقدام از طرف سایر وزارتخانه‌ها از وزارت مالیه هم بیشتر طول می‌کشد و راجع به مستخدمین کنتراتی ایالات و ولایات البته چندین ماه وقت لازمست تا کنترات آنها تهیه شده به مرکز ارسال و از طرف وزارتخانه تصویب و مجدداً به ایالات و ولایات مربوطه اعاده گردد.

تأمل و تأخیر در پرداخت حقوق مستخدمین کنتراتی منجر به آن می‌شد که از حسن جریان امور ادارات دولتی کاسته شود، و لذا این جانب پس از مطالعه دقیق متقاعد شدم که چنین اقدامی قانوناً لزوم ندارد.

کنتراتی که حالیه از طرف وزارتخانه‌ها منعقد می‌شوند فقط اسنادی هستند که به موجب آن وزارتخانه‌ها تعهد می‌کنند که در ازاء خدمات انجام شده حقوق بپردازند. هر موقع وزارتخانه مربوط بخواهد به کنترات مستخدم خاتمه می‌دهد - اینکه در کنترات قید نمودیم مدت کنترات تا آخر ماه مالی خواهد بود، برای آن بود که موازین قانون استخدام کشوری که مقرر می‌دارد کنترات باید برای مدتهای معینی منعقد گردد بیشتر ملحوظ شده باشد، ولی پس از آنکه وزارتخانه خدمت کسی را قبول کرد و متعهد پرداخت حقوق او شد، مدت کنترات فی الواقع تا موقعی است که به خدمات عضو ذیمدخل خاتمه داده شود.

تصدیق رئیس اداره در لیست حقوق دایر به اینکه مستخدم خدمت نموده است و موافقت وزارتخانه به اینکه مستخدم خدمت بکند، عوامل اساسی قضیه می‌باشند.

نوشتن کنترات فقط عبارت از انجام یک رسمی است - هرگاه در میان مستخدمین کنتراتی ما اشخاص زیادی باشند، وضعیت را باید این طور اصلاح نمود که از آنها تقاضا شود به خدمات خود خاتمه دهند، نه آنکه در پرداخت حقوق مدتی که خدمات کرده‌اند بعنوان انتظار از برای انجام یک مراسمی تأخیر نماییم. اینجانب خدمات عموم مستخدمین کنتراتی وزارت مالیه را که رؤسای مستقیم

آنها به خدمت آنها خاتمه نداده‌اند، لازم می‌دانم در انتصاب بدوی آنها نظارت دقیق به عمل آمده و به عقیده من باید در پرداخت حقوق آنها مداومت نمود. بدیهی است ضمناً هم کتراتها به موقع خود و به طور معمول تهیه و صدور خواهد یافت. در خاتمه اضافه می‌کنم که بر طبق تقاضای سابق جناب مستطاب عالی به عموم وزارت خانه و ادارات مرکزی وزارت مالیه قبل از انقضای سال ۱۳۰۵ متحدالمال صادر شد که لزوم خدمت عموم مستخدمینی که کترات آنها تجدید می‌شود قبلاً محرز و مسلم گردد، ولی نظر به نظارت و کنترلی که در انتصابات بدوی به عمل آمده، گمان نمی‌کنم احتیاجی باشد متحدالمال مزبور شامل حال وزارت مالیه نیز باشد.

رئیس کل مالیه دکتر میلپو

سند ۲

موضوع: بودجه گمرک

یادداشت ماشین شده نصرت الدوله به فرانسه^۱ و بر روی کاغذ بی سربرگ به تاریخ ۱۳ اردی بهشت ۱۳۰۶^۲

یادداشت به آقای رئیس کل مالیه

در ۱۳۰۴، بودجه مخارج و هزینه‌های گردش کار اداره گمرکات ۹/۲۹۰/۰۰۰ قران تعیین شده بود. در موقع اجرای قانون انحصار قند و چای، با افزودن اعتبارهای اضافی به مبلغ ۵۲۸/۳۶۰ قران برای کشف تقلب، افزایش کارمند، سازماندهی‌های تازه و غیره، موافقت شد.

در ۱۳۰۵، به دستور اداره محاسبات عمومی، بودجه گمرک به ۸/۱۲۶/۸۱۵ قران کاهش یافت، اما برعکس، کمک هزینه‌های مربوط به وصول عوارض انحصار [قند و چای] به ۲/۴۵۰/۰۰۰ به حساب افزوده شد. این کار از دیدگاههای مختلف اشتباهی خطرناک بود.

با استفاده از بخشی از این کمک هزینه‌ها، حقوق مأموران گمرک، کمک خرج

۱. ترجمه از ماست.

۲. این سند، برگ نخستین ماشین شده است و احتمال دارد که آن را نفرستاده باشند یا صورت تغییر یافته - شاید متن فارسی - آن ارسال شده باشد.

مربوط به اصطبل و دیگر هزینه‌ها پرداخت شده است. برعکس، کلیه هزینه‌های زیر از آن کمکها کسر شده است:

- کرایه محل‌های گمرک؛

- فوق‌العاده افراد مسلح؛

- هزینه روشنایی؛

- هزینه نگاهداری کشتیرانی و وسایل نقلیه؛

- [هزینه] کتابخانه [و خرید] روزنامه‌ها

- هزینه تجزیه [آزمایشگاهی]

- بهای سرب و لاک و مهر

- پیگیری تقلب‌ها؛

- زیانهای ناشی از کالاهای پیش خرید شده؛

- سهم دولت در [چاپ] تعرفه‌های گمرکی؛

- بنا و تعمیر.

اگرچه در تهران و شهرستانها، کارمندان گمرک و عوارض انحصار [قند و چای] بدون اختلاف و همدوش با یکدیگر همکاری می‌کنند؛ اگرچه محل‌های گمرک، کشتیرانی و غیره همزمان در خدمت هر دو قسمت قرار دارند؛ هزینه‌هایی که به حساب انحصار گذاشته شده، مطلقاً با این اداره بیگانه‌اند. من می‌توانم از جمله بهای سرب و مهر و موم، زیانهای ناشی از کالاهای پیش خرید شده، سهم دولت در چاپ تعرفه‌های گمرکی و غیره را یاد کنم.

از سوی دیگر، حدس می‌زنم که به هر دلیلی، یک روز عوارض انحصار حذف خواهند شد. از این وضع برای کاهش بودجه ۱۳۰۵ گمرک به ۸/۱۲۶/۸۱۵ استفاده کرده‌اند، یعنی رقمی کمتر از بودجه ۱۳۰۴، حال آنکه هزینه‌ها به گونه چشمگیری بالا رفته است.

علاوه بر این، در پی تصمیم تازه مجلس برای کاهش ۸ تا ۲٪ هزینه‌هایی که به حساب اداره انحصار [قند و چای] گذاشته می‌شود، مطالبات گمرک را وزارت مالیه تصویب نکرده است. در نتیجه، هزینه‌های فوری و مهم معلق مانده و دیرکرد پرداختها می‌تواند نتایج بسیار زیانبخشی برای خزانه به بار آورد.

بنابر این، مهم آن است که مطالبات ارائه شده از سوی اداره گمرک در مورد

هزینه‌های به اصطلاح کسر شده از عوارض انحصار، به فوریت تصویب شود و گردش مطلوب کارها به خطر نیفتد. همچنین، مهم است که در عملکرد بودجه [مملکتی] ۱۳۰۶، اداره گمرکات بودجه واحدی برای مصرف و هزینه‌های بهره‌برداری در اختیار داشته باشد.

چون با توجه به امکاناتی موجود برآورد، حتی به صورت تقریبی، هزینه‌های مجزای وصول حقوق گمرکی، عوارض انحصار، مالیات راه، بازبینی روادیدها، مالیات جنگلی، صید، قرنطینه، مالیات ۴٪ از پوست بره به سود بهداشت و غیره ناممکن است؛ بجاست که گمرک بودجه‌یی کلی تهیه کند و آن شامل تمامی هزینه‌ها و همه خرجهای ضرور برای دریافت وصولیهای مختلفی باشد که به اداره گمرک محول شده است. یافتن محلهایی که این خرجها و هزینه‌ها باید از آنها تأمین شود، بر عهده وزارت مالیه است.

سند ۸

موضوع: توقیف حقوق مستخدمان کتتراتی

نامه ماشین شده میلپو، به تاریخ ۱۳ اردی بهشت ۱۳۰۶
(ر.ک. به سندهای ۴ و ۶ / اردی بهشت ۱۳۰۶)

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۷۱۴

فوری

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

راجع به مخارج اداری از محل عواید انحصار قند و چای و مالیات راه، مذاکراتی سابقاً بین ما به عمل آمده و اکنون دقت جناب مستطاب عالی را مجدداً به تبصره دوم ماده واحد که در ۲ اردی بهشت ۱۳۰۶ به تصویب مجلس شورای ملی رسیده و بر طبق آن اعتباری معادل دو درصد برای مخارج اداری مزبور به وزارت مالیه اعطاء شده است جلب می‌کنم.

مسئله قانونی بودن پرداخت مخارج وصول را از عواید انحصار قند و چای قبلاً مورد بحث و مذاکره قرار داده‌ایم. خوشبختانه این مسئله دیگر مستلزم مذاکره نیست، زیرا خود مجلس شورای ملی پرداخت مخارج وصول را از محل عواید

مذکور به میزان صدی دو اجازه داده‌اند - در صورتی که نمایندگان حاضر شده‌اند به دو درصد رأی بدهند. واضح است که اگر متقاعد بشوند که بیش از میزان مذکور برای مخارج لازم است به بیش از صدی دو نیز رأی خواهند داد، فی الواقع با آنکه قانون انحصار قند و چای صدی هشت برای مخارج اداری انحصار مقرر داشته، وزارت مالیه فقط قریب شش درصد به مصرف می‌رساند.

قانون مالیات راه صدی پنج برای مخارج وصول مقرر داشته و ما نظر به این قید قانون از بودجه وزارت مالیه مخارجی را که سابقاً برای وصول باج راه اختصاص داشت موضوع کرده و در حدود صدی پنج معینه در قانون مالیات راه جهت مخارج وصول تشکیلات جدیدی برقرار کرده‌ایم.

اسباب کمال حیرت این جانب است که مجلس شورای ملی بدون آنکه مسائل اداری و سایر مسائل مربوطه را با منتها درجه دقت مطالعه نموده باشند، از این اعتبارات کاسته‌اند. به نظر من این نکته مخصوصاً موجب حیرت و دور از عدالت می‌باشد که تقلیل مزبور با آنکه در آخر فروردین به عمل آمده، معذالک برای همان ماه مقرر شده است - یک همچو تقلیل ناگهانی به قسمی که در قانون مصوب مذکورست منتها [به] انفصال عده کثیری از مستخدمین را ایجاب خواهد نمود، بلکه نیز مستلزم آن خواهد بود که حقوق عده زیادی از اعضاء و اجزاء که در فروردین قانوناً داخل خدمت بوده‌اند تأدیه نشود.

این جانب کاملاً اطمینان دارم که نمایندگان محترم در حین مبادرت به این اقدام از کلیه حالات مربوطه مطلع نبوده و همچنین نظریات مرا راجع به موضوع مزبور نمی‌دانستند.

شاید این تصور در میان باشد که عملیات مربوطه مذکور توسط اداره کل گمرکات انجام می‌گیرد، و با آنکه ممکن است تماماً توسط آن اداره انجام بگیرد - ولی حقیقت مطلب غیر از این است و اگر هم تصور مزبور قرین صحت می‌بود، باز مخارج وصول را نمی‌شد به صدی دو تقلیل داد. مخارج مربوطه به عایدات انحصار و قند و چای متضمن مصارف ساختن ابنیه و جلوگیری از قاچاق است - این خرج‌ها را نمی‌توان موقوف نمود و یا از آنها کاست، بدون آنکه باعث نکث عایدات بشود (این نکته نه تنها در مورد عایدات قند و چای و مالیات راه، بلکه نسبت به سایر عواید نیز صدق می‌کند). وصول مالیات حق الثبت وسایل نقلیه در داخله از

طرف مستخدمین مالیه البته مستلزم کار می باشد، به طوری که حضوراً هم به جناب مستطاب عالی اظهار کرده ام بدون شک با انتقال بعضی قسمت کارها که حالیه توسط اداره عایدات داخلی و سایر ادارات مالیه در ایالات و ولایات انجام می گیرد، به اداره کل گمرکات می توان در میزان مخارج اداری عواید مذکور صرفه جوئی قابلی به عمل آورد - ولی قبل از برداشتن قدمی که برای انجام این صرفه جوئی لازم است، باید یک مسئله مهم را که مربوط به مشی و رویه اساسی می شود در نظر گرفت. سعی می کنم نظر خود را راجع به نکته مذکور واضح تر از آنچه سابقاً توانسته ام آسان نمایم - بطوری که هیئت محترم دولت و خود جناب مستطاب عالی و همچنین آقایان نمایندگان به خوبی مسبوق هستید، عوارض انحصار قند و چای و مالیات راه به صورت مالیات داخلی برقرار گردیده و راجع به مبالغ عایدی مزبور دولت ایران را در مسائل مالیاتی باید با منتها درجه دقت محفوظ داشته و در صورت امکان نیز توسعه داد.

متأسفانه در حال حاضر مملکت ایران راجع به تعرفه گمرکی خود مختاریت تام ندارد، لذا تاکنون وزارت مالیه پیوسته این نکته را در مد نظر گرفته که نباید اقدامی نمود که در نتیجه اینطور تلقی شود که عوارض انحصار قند و چای (که داخلی هستند و دولت ایران فعلاً نسبت به آنها مختاریت تام ندارد) شبیه و یکسان شده است، لذا تصور نمی کنم نمایندگان محترم وقتی که موضوع را از این نقطه ملاحظه نمایند، مایل بشوند که در این موقع و با کیفیات حاضره، ما این صرفه جوئی را بکنیم.

بنابر مراتب فوق نظر من آن است که در سال جاری باید مخارج وصول عایدات انحصار قند و چای به میزان صدی شش و مخارج وصول مالیات راه به میزان صدی پنج باقی بماند. عوارض و مالیات مزبور از جمله عواید جدیده بوده و نرخهای مخارج وصول مذکوره در فوق که حالیه مجری است از نرخ مخارج وصول سایر عواید خیلی کمتر است.

علیهذا یک فقره لایحه قانونی دایر به اعاده اعتبارات وصول فوق الذکر در سنه جاری برای تقدیم به مجلس شورای ملی تلوأ ارسال می شود - جناب مستطاب عالی ضمناً ممکن است بودجه را مطالعه و هر قبیل صرفه جوئی را که به نظر عالی بدون کاستن از حسن جریان اداری و وارد کردن لطمه به هیچ یک از حقوق دولت

می توان به عمل آورد تعیین بفرمائید، این جانب حتی حاضر هستم برای مطالعه مخصوص در این موضوع کمسیون تشکيل داده و راجع به صرفه جوییهای که ممکن است به عمل آید، راپرت مقتضی از آن بخواهم - معذالک باید به جناب مستطاب عالی تذکر بدهم که اگر هیئت محترم دولت و آقایان نمایندگان در تقلیل این مخارج اداری پافشاری بفرمایند، ناچار باید بعضی تقلیلات به عمل آورد که در نتیجه آن ضرر متوجه به عایدات بیش از صرفه جویی ملحوظ در مخارج خواهد بود - آن وقت ما مجبور می شویم تا اندازه ای که ممکن باشد، از عده مستخدمین وزارت مالیه که حالیه بابت اعتبارات وصول عوارض انحصار و مالیات راه حقوق نمی گیرند بکاهیم، و به قسمی که حضوراً هم خاطرنشان کرده ام با اوضاع فعلی مملکت با انفصال مستخدمین رسمی قدیمی و محترم دولت موافق نیستیم - بعلاوه تصدیق می کنید که اگر اعتبارات مذکور تقلیل یابد، لابداً هر اقدام مربوطه به آن عواید را که لزوم حتمی ندارد باید موقوف بداریم. چندی قبل برحسب تقاضای بعضی از نمایندگان محترم و برای آنکه نسبت به تجار ایرانی تسهیلات و مساعدتهائی فراهم شده باشد، در پرداخت عوارض انحصار قند و چای انجام معاملات استمهالی را اجازه دادیم - اقدام و رسیدگی به این معاملات مستلزم کار بسیار بوده و در آتیه هم بیش از پیش مستلزم کار خواهد بود - نه هیئت محترم دولت و نه جنابعالی و نه آقایان نمایندگان هیچ یک به قطع این مساعدتی را که با تجار می شود مایل نخواهند بود، ولی البته اگر اعتبارات وصول سریعاً به میزان مذکوره در فوق اعاده نگردد، موقوف کردن معاملات استمهالی ضرورت خواهد یافت، و این اقدامی است که باعث کمال تأسف من می شود، ولی در عین حال هیچ گونه مسئولیتی راجع به آن متوجه من نخواهد بود.

سند ۹

موضوع: انتظار خدمت یکی از کارکنان

پیش نویس نامه نصرت الدوله به خط او بر روی کاغذ

بی سربرگ، به تاریخ ۱۴ اردی بهشت ۱۳۰۶

آقای رییس کل مالیه

(۱) حکم انتظار خدمت امیر جلال الدین خان را امضاء نمودم؛ ولی شما را متذکر

می‌کنم که از نظر حسن اداره و تأثیر در مستخدمین دولت، این قبیل اقدامات بهتر است مبنی بر تصمیمات کلی بوده و یا...^۱ موجود بشود تا واضح و روشن باشد که حسن جریان اداری مأخذ تصمیم بوده است و نه نظریات شخصی.

سند ۱۰

موضوع: مأموریت برای تقسیم آبهای سرحدی

پیش‌نویس نامه نصرت‌الدوله به امضای او و یا خط دیگری
بر روی کاغذ بی‌سربرگ، به تاریخ ۱۴ اردی‌بهشت ۱۳۰۶^۲
(ر.ک. به سندهای ۱۶ / اردی‌بهشت و ۷ / خرداد ۱۳۰۶)

آقای رییس کل مالیه

چون آقای علیقلی خان مهندس (حالا رییس طرق و شوارع خراسان است) در کمیسیون قرارداد تقسیم آبهای سرحدی عضویت داشته و در کمیسیونهایی هم که در مرکز تشکیل می‌شده حاضر و مدافع قرارداد تقسیم آبها بوده و اطلاعات کامل از نقطه نظر فنی و وضعیت آبهای سرحدی دارد، مقتضی است مأموریت ساختمان مقسمهای آب^۳ نیز به مشارالیه راجع شود که هم از قرارداد تقسیم آبها مطلع و مستحضر است و هم حالیه در خراسان است و برای اقدام در عمل نزدیک به کار می‌باشد و با دادن فوق‌العاده مسافرت، می‌تواند این خدمت را انجام نماید.

سند ۱۱

موضوع: خرج سفر اهوشار|از کارکنان دفتر نخست‌وزیر

نامه‌های ماشین شده میلپو، به تاریخ ۱۴
اردی‌بهشت ۱۳۰۶ (ر.ک. به سند ۳ و ۱۲ و ۲۰
و ۲۲ / اردی‌بهشت و ۱۲ و ۲۴ / تیر ۱۳۰۶)

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۸۰۶

۱. یک کلمه خوانده نشد.

۲. ترجمه انگلیسی سند به تاریخ ۱۷ اردی‌بهشت نیز ضمیمه است. ۳. کانالها.

فوری

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

یادداشت ۱۱ اردی بهشت ۱۳۰۶ را که ضمن آن به امتناع من از پرداخت چهارصد تومان از اعتبار وزارت خارجه به عنوان خرج سفر کوریه سیاسی^۱ به یکی از اعضاء کابینه ریاست وزراء که قبلاً هم پانصد تومان دیگر به عنوان انعام گرفته است، اعتراض کرده و نیز ایراد نموده بودید که چرا این جانب پیشنهاد کرده‌ام که اگر دولت در دادن انعام مجدد مصرّ هستند، ممکن است چهارصد تومان اضافی را از محل اعتبار خود تأدیه کنند و در خاتمه اضافه فرموده بودید که تمام اختیارات قانونی من که مأخذ عمل ادارات دیگر است، مقید به تصویب و هدایت قانونی وزیر مالیه می‌باشد؛ ملاحظه کردم.

چون این اظهار بدون سابقه و کلی برای من اسباب کمال حیرت گردیده، تمنا می‌کنم به این جانب اطلاع بدهید در مواردی که وزیر مالیه از من تقاضای تصویب خرجی می‌نماید، به عقیده شما آیا من قانوناً اختیار عدم تصویب آن را ندارم؟ چون این موضوع حائز منتها درجه اهمیت می‌باشد، امیدوارم عقیده خود را به وضوح و صراحت بیان و نیز دائر به این که هیئت محترم دولت نیز با شما در این عقیده شریک هستند، مدرک لازم ارائه بفرمایید.

[امضای میلیسپو به لاتین] رییس کل مالیه

سند ۱۲

موضوع: قرارداد رییس کل مالیه، اختیارهای قانونی وزیران و مأموریت هوشیار

پیش‌نویس نامه نصرت‌الدوله به خط منشی و تصحیح خود او، به تاریخ ۱۵ اردی بهشت ۱۳۰۶ (ر.ک. به سندهای ۳ و ۱۱ و ۲۰ و ۲۲ / اردی بهشت و ۱۲ و ۲۴ / تیر ۱۳۰۶)

سربرگ وزارت مالیه

آقای رییس کل مالیه

در جواب یادداشت ۱۴ [ماه] جاری شما و توضیح یادداشت^۲ خرداد این

۱. واژه نخست به فرانسه و به معنای پست و پیک است. ۲. تاریخ روز ندارد.

جانب، در این موضوع شما را به مواد قانون چهارم اسد ۱۳۰۱ مراجعه می‌دهم. قسمت اول ماده ۶ صریحاً مقرر داشته است که «رییس کل مالیه تحت تعلیمات قانونی و نظارت وزیر مالیه و با مراعات اصول مسئولیت وزراء، کلیه امور مالیه ایران را بر عهده خواهد داشت»^۱ [و] قسمت دوم ماده ۸ «هیچ مخارج دولتی یا انتقال وجوه عمومی نخواهد شد، مگر به امضای وزیر مالی و تصدیق رییس کل مالیه». در قسمت دوم ماده ۱۲ «رییس کل مالیه تعهد می‌کند در ضمن ایفاء وظایف خود، در هر موقعی قانون ایران و اقتدارات قانونی کنستیتوسیونل (Constitutionnel)^۲ و وزراء را کاملاً مراعات و احترام نماید».

نظر به قسمت اول ماده، این جانب که وزیر مالیه هستم، تعلیم قانونیم این است که امتناع از پرداخت خرج مصوبه مجلس بر بودجه مملکتی به عنوان اعتبار کوریه و اظهار تردید کردن در انتخابی که وزیر خارجه نظر به اقتدار قانونی کنستیتوسیونل خود در وزارت امور خارجه نموده و هوشیار را برای این کار تعیین نموده است، مخالف با تعهد رییس کل مالیه در قسمت دوم ماده ۱۲ است؛ زیرا منافی با قانون ایران و اقتدارات قانونی وزیر امور خارجه است و به علاوه، این امتناع، سوء استفاده از قسمت دوم ماده ۸ مذکوره در فوق است.

سند ۱۳

موضوع: پاسخ به رییس کل مالیه در مورد کارمندان قراردادی

پیش‌نویس نامه نصرت‌الدوله، به تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۰۶ به خط منشی و یا تصحیح نصرت‌الدوله^۳ (ر.ک. به سندهای ۵ و ۶ و ۸ و ۱۵ و ۲۱ / اردیبهشت و ۳ و ۱۷ / خرداد ۱۳۰۶)

سربرگ وزارت مالیه

آقای رییس کل مالیه

یادداشت ۱۲ [ماه] جاری راجع به حقوق کنتراتی ملاحظه [شد] و توضیحات

۱. عبارت نقل شده، خلاف دو عبارت بعدی، در گیومه نهاده شده است.

۲. موافق یا مبتنی بر قانون اساسی.

۳. برگ دوم نسخه ماشین شده این سند نیز در مجموعه موجود است.

ذیل را برای اطلاع شما می نویسم.

۱- نظر من راجع به درخواستهای عموم کنتراتیهای دولت نبوده و نیست؛ زیرا عمل وزارتخانه‌های دیگر را مربوط به وزراء مسئول آن وزارتخانه‌ها می دانم و از امضای درخواستهای مربوط به آن قسمت هیچ امتناعی ندارم. وزارت مالیه در ارسال متحدالمال مورخه ۱۳۰۵/۱۲/۲۷ به وزارتخانه‌ها، ادای وظیفه خود را نموده است و باز باید در تعقیب آن تذکر، اقدامات دیگر برای تهیه و تصویب شدن نظامنامه از هیئت وزراء راجع به استخدام کنتراتیها نمود.

۲- راجع به کنتراتیهای مالیه، نظر خودم را مکرر شفاهاً و کتباً اظهار داشته‌ام و باز سعی می‌کنم که صریحاً آن را خاطرنشان شما کنم؛ به طوری که قابل خلط و تعبیر نباشد:

الف - اصل، رجوع خدمت دولتی به اشخاصی است که دارای شرایط و صفات مقرر در قانون استخدام هستند و باید این اصل کاملاً رعایت شود تا از یک طرف مخالف قانون استخدام عمل نشده و از طرف دیگر حق مسلم مستخدمین رسمی دولت تضییع نگردد.

ب - قانون استخدام برای اصل مذکور استثنائی قائل شده و آن، استخدام به توسط کنترات است؛ ولی این استثناء برای علت مخصوصی در نظر گرفته شده و آن این بوده است که ممکن است دولت و دوایر آن احتیاج به یک سنخ از کار پیدا کند که در میان مستخدمین رسمی، اشخاص متخصصی برای انجام آن موجود نباشد. قانونگذار خواسته است دولت را مجاز نماید که در این صورت از راه عمل به استثناء، احتیاجات را برآورده و از معوق ماندن کارهای اداری جلوگیری شده باشد؛ ولی واضح و روشن است که اگر عمل به این استثناء تسهیل شده و میدان آن توسعه بیابد، نتیجه این خواهد شد که از راه استخدام بوسیله کنترات، قیود مقرر قانون ملغی [خواهد شد] و کلیه مزایا و حقوقی را که قانون برای مستخدمین رسمی دولتی در نظر گرفته است، از بین خواهد رفت.

۳- در اوایل تصدی وزارت مالیه به شما و ادارات مربوطه تذکر دادم که به نظر من در وزارت مالیه علاوه بر احتیاج به این استثناء عمل شده و از نقطه نظر حفظ قانون و حسن اداره، خواستم که ادارات در این احتیاجات خود با دقت بیشتری مطالعه و حتی الامکان از عده کنتراتیها بکاهند که هم صرفه جویی از حیث بودجه به عمل

آمده و هم در اجرای قانون استخدام، مواظبت بیشتری شده باشد و هم این عده منتظرین خدمت بیچاره وزارت مالیه بیش از این مشاغل موجوده محروم نمانند. برای تعمیم این تذکر، متحدالمال مذکور [در] فوق را به وزارتخانه‌های دیگر نیز صادر نمودم و در عین حال، در نظامنامه استخدام کنتراتیها در وزارت مالیه، نظریاتی اظهار نمودم که مورد توافق خود شما شده و بعد آن را هر دو امضاء [کردیم] و برای اجراء به ادارات ابلاغ نمودیم.

۴- آن دستورات و آن تذکرات به هیچوجه رعایت نشد و سال ۱۳۰۵ منقضی گردید و بعد از تصویب یکدوازدهم^۱ فروردین، خواستید درخواست حقوق کنتراتیها را صادر کنند. من هم غدغن کردم که تا مقدماتی که قبلاً دستور داده شده بود انجام نگیرد، این درخواستها را صادر نمایند.

۵- اینکه می‌نویسید سابق با من هم عقیده بودید که قبل از پرداخت، حقوق کنتراتیها باید امضاء بشوند و بعد در عمل از این عقیده منصرف شده‌اید؛ متأسفانه نمی‌توانم این انصراف را تصدیق و با آن موافقت نمایم؛ زیرا اولاً نتیجه این عقیده این است که می‌نویسید «مدت کنترات فی الواقع تا موقعی است که به خدمت عضو ذی‌مدخل خاتمه داده بشود» و این نظر، به عقیده من مخالف روح و صریح قانون استخدام است که کنترات را مقید به وقت کرده است.

خاتمه خدمت عضو ذی‌مدخل موقع انقضای کنترات است و برای ادامه به خدمت باید مجدداً آن کنترات تجدید بشود؛ و اما فرق بین مستخدم رسمی و کنتراتی دیگر باقی نمی‌ماند. ثانیاً، این نظریه شما و نتیجه عملی آن مخالف صریح ماده ۵ نظامنامه وزارتی است که خودتان امضاء کرده‌اید و آن از قرار ذیل است: «در هیچ یک از ادارات مجاز نیستند اشخاص کنتراتی را قبل از آنکه کنترات آنها به امضای رئیس کل مالیه و وزیر مالیه برسد، به کار بگمارند».

۶- اگر از تجدید تمام کنتراتها، مخصوصاً برای ولایات، قبل از ادامه خدمت قصور تأخیری در جریان امور می‌رفت، می‌بایستی رؤسای ادارات پیشنهاد تلگرافی یا کتبی بنمایند که تمام کنتراتیهای سنه گذشته را باید تجدید کرد و شما و من اگر آن

۱. به سببهای گوناگون، گاهی دولتها بجای تنظیم بودجه سالانه، بودجه‌های یکماهه یا چند ماهه به مجلس ارائه می‌کردند. این بودجه‌ها بر پایه مدت، یکدوازدهم، دو دوازدهم و مانند آن خوانده می‌شدند.

پیشنهاد را تصویب می‌کردیم، قانون و نظامنامه رعایت و تأخیری هم در کار نمی‌شد.

۷- اینکه می‌نویسید «اگر از میان کنتراتیها اشخاصی زیادی باشند، وضعیت را باید این طور اصلاح نمود که از آنها تقاضا بشود به خدمات خود خاتمه بدهند»؛ این جانب می‌خواهم بدانم که این کار را کی باید کرد؟ من، یک قسمتی از کنتراتیها را تصور می‌کنم زیادی هستند [و] البته برای تحقیق و اعمال نظر است که می‌خواهم ادارات احتیاج خود را اظهار دارند تا من بتوانم یقین کنم که این نظریه صحیح است و یا بر من معلوم شود که اشتباه کرده‌ام. آیا من در دو ماه درخواست حقوق مول را رد نکردم و اعتراض نکردم که او چون تحت محاکمه و متهم است، نباید استخدام بشود، چرا هنوز مشارالیه در اداره خدمت می‌کند و چه شده است که این خلاف وظیفه از طرف رییس اداره سر زده است؟

۸- اینکه نوشته‌اید «خدمات عموم مستخدمین کنتراتی وزارت مالیه را که رؤسای مستقیم آنها به خدمت آنها خاتمه نداده‌اند» لازم می‌دانید و افزوده‌اید که «نظر به نظارت و کنترلی که در انتصابات بدوی به عمل آمده، گمان نمی‌کنید احتیاجی باشد متحدالمال به وزارتخانه‌های دیگر شامل حال مالیه باشد»؛ اولاً متأسفانه آن اطمینانی را که سرکار به رؤسای ادارات دارید و شما را مجاز کرده است که بدون تحقیق و یا اعتماد نظر [نسبت به] آنها تصدیق را بکنید، این جانب ندارم و بهترین دلیل برای این خودداری من، قضیه مول است و چون باید من هم استخدام کنتراتیها را تصویب کنم، ناچارم که تا تحقیق و رسیدگی ننموده‌ام از تصدیق به طور کلی خودداری بنمایم. ثانیاً، چنانچه (کذا) فوقاً گفته‌ام، اگر وزرای مسئول وزارتخانه‌های دیگر راجع به کنتراتیهای خود اظهار دارند که تحقیقات لازمه به عمل آمده و شرایط قانونی صحیح است، من بدون تحقیق و تفتیش دیگری، نظر به مسئولیتی که آنها دارند، امضای آنها را تصدیق خواهم کرد تا موقعی که نظامنامه مصوبه هیئت وزراء طرز دیگری را مقرر دارد؛ در صورتی که، از اجرای مفاد آن متحدالمال که بر طبق قانون است، در وزارت مالیه که من مسئول آن هستم، باید قبلاً مطمئن بشوم.

۹- نظر به اینکه اظهار داشته‌اید رؤسای ادارات ادامه خدمت کنتراتیهای سابق را لازم داشته و شما هم تصدیق دارید، در آن قسمتی که مربوط به مترجمین و

شوفرهای اتومبیلهاست، چون من هم تردیدی ندارم، موافقت می‌کنم که درخواست حقوق این دو قسمت صادر [شود] و کنتراهای آنها را هم امضا خواهم کرد.

۱۰- برای قسمتهای دیگر، چنانچه سابقاً هم نوشته‌ام، لازم است مذاقه بیشتری به عمل آید و برای این مقصود، اقدامات لازم را به فوریت خواهم نمود.

سند ۱۴

موضوع: انتصاب بونیوال^۱

حکم ماشین شده میلسپو، به تاریخ ۱۷ اردی بهشت ۱۳۰۶

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۷۹۲

مستر بونیوال

به موجب این حکم از تاریخ ۱۶ اردی بهشت ۱۳۰۶ به کفالت ارزاق و حمل و نقل موتوری منصوب می‌شوید و ضمناً کمافی السابق وظایف ریاست کل تفتیش را نیز عهده‌دار خواهید بود؛ ولی من بعد از انجام وظایف مربوطه به مقام معاونت اداری ریاست کل مالیه معاف می‌باشید.

رییس کل مالیه

سواد حکم فوق برای استحضار جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه ارسال

می‌شود

[امضای میلسپو]

سند ۱۵

موضوع: امتحان از کارکنان قراردادی وزارت مالیه

نامه ماشین شده میلسپو، به تاریخ ۱۸ اردی بهشت

۱۳۰۶ (ر.ک. به سندهای ۵ و ۶ و ۸ و ۱۳ و ۲۱ /

۱. جان بونیوال (Bonneval)، همچنان که از این سند نیز بر می‌آید، ابتدا معاون اداری میلسپو بود و همزمان ریاست اداره کل تفتیش را نیز بر عهده داشت. از تاریخ سند حاضر، مقام اولی را از دست داد، ولی سرپرستی دو اداره مهم دیگر را نیز به او سپردند. در برخی جاها و از جمله این سند، نام او را به صورت «بونیوال» نوشته‌اند.

اردی بهشت و ۳ و ۱۷ / خرداد ۱۳۰۶)

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۸۴۲

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

یادداشت جناب مستطاب عالی را راجع به مستخدمین کنتراتی ملاحظه نمودم. به عقیده من، از چند جهت باید برای جناب مستطاب عالی سوء تفاهم روی داده باشد.

ضمن یادداشت مزبور این قسم نتیجه گرفته‌اید که اداره استخدام کشوری به وظیفه خود عمل ننموده است. باید تذکر بدهم که مستر پیرسن در اسفند گذشته برحسب دستور این جانب با جناب مستطاب عالی در این موضوع مذاکره [کرد] و اشکالاتی را که در راه انجام میل عالی وجود داشت، توضیح داد. در ۱۳ اسفند هم خود این جانب یادداشت مبسوطی در این باب به عنوان جناب مستطاب عالی فرستادم.

اینکه کنتراتها حاضر نیست، به عقیده من در وضعیت اثری ندارد، اشخاص ذی مدخل استخدام شده‌اند و انتصاب عموم آنها را بدون استثناء این جانب بر طبق کنترات خود توصیه نموده‌ام. این موضوع در یادداشت من مورخه ۱۲ اردی بهشت کاملاً برای جناب مستطاب عالی تشریح شده است. نظامنامه وزارت که در ضمن یادداشت خود بدان اشاره نموده‌اید، شامل استخدام اشخاص جدید می‌شود نه شامل ادامه خدمت کسانی که قبلاً استخدام شده‌اند.

مدت مدیدی پیش، صورت مستخدمین کنتراتی برای جناب مستطاب عالی فرستاده شده. به هر یک از آنها اعتراض دارید، متمنی است مراتب را به اطلاع این جانب برسانید؛ آن وقت، من هم توصیه خود را دایره انتصاب آن اشخاص مجدداً مورد مطالعه قرار خواهم داد.

راجع به ماده ۶ قانون استخدام و ماده مربوطه کنترات خود با جناب مستطاب عالی موافقت ندارم. ماده مزبور مقرر داشته است: «دولت ایران قبول می‌کند مطابق نظریات مشارالیه (رییس کل مالیه) دائر به ترقی و تنزل و انتقال و عزل مستخدمین وزارت مالیه و تمام شعب تابعه آن رفتار نماید». این ماده مقید به هیچ شرط و قیدی نیست و شامل حال عموم مستخدمین می‌شود. در آن، ذکری از مستخدمین

کشوری با رسمی یا کنتراتی نشده و به هیچ طبقه خاصی از مستخدمین منحصر نگردیده است. این ماده قانون و کنترات استخدام من برای دولت ایران یک تعهد قانونی و اخلاقی را متضمن است که مقید به هیچگونه شرطی نیست و تاکنون هیچ وزیر مالیه [ای] هرگز این تعهد صریح را مورد پرسش یا عدم رعایت قرار نداده است. اگر جناب عالی می خواهید این تعهد دولت را نادیده انکار کنید، متمنی است قطعاً اطلاع بدهید که مقصودتان این است. به خوبی مسبقاً که خودداری از پرداخت حقوق یک عضوی، به مثابه عزل اوست و بر طبق قانون و کنترات این جانب، دولت ایران متعهد شده است که هیچیک از مستخدمین مالیه را جز برحسب توصیه من منفصل نکند و من هم انفصال هیچیک از مستخدمین دولتی را توصیه نکرده ام.

طریقه [ای] را که جناب عالی جهت حل قضیه پیشنهاد کرده اید، برای من قابل قبول نیست؛ زیرا متضمن انکار یک تعهد صریح دولت می باشد و من نمی توانم معتقد بشوم که هیئت محترم دولت قصد دارند یک همچو [ن] طریقه [ای] را پیش بگیرند. لذا قصد دارم همان امتحانی را که جناب عالی برخلاف تعهدی که قانون و کنترات من از برای دولت ایجاد نموده است، می خواهید نسبت به وضعیت قانونی یک طبقه مخصوصی از مستخدمین وزارت مالیه به عمل آورید، من نیز عین آن را راجع به وضعیت قانونی سایر مستخدمین دولت معمول بدارم و در نتیجه، هرگونه تأخیری در پرداخت حقوقات (کذا) پیش بیاید، مسئولیت آن فقط بر عهده شخص جناب مستطاب عالی خواهد بود.

[امضای میلسپو به لاتین] رییس کل مالیه

سند ۱۶

موضوع: اعزام کارشناس تقسیم آبیهای مرزی

یادداشت میلسپو به خط منشی، به تاریخ ۱۹

اردی بهشت ۱۳۰۶ (ر.ک. به سندهای ۱۰ /

اردی بهشت و ۷ / خرداد ۱۳۰۶)

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۹۱۶

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

راجع به انتخاب مهندس برای نظارت در تقسیم آبهای سرحدی در خراسان، اشعار می‌دارد: چون این موضوع مدت مدیدی در عهده تعویق مانده و محتمل است که اگر تأخیر بیشتری بشود، معضلاتی را با دولت شوروی تولید کند و مسکوت گذاردن این پیشنهاد هم قطعاً موجب ادامه تأخیر خواهد شد؛ لزوماً انتصاب آقای اسماعیل خان را تحت کنتراست توصیه می‌کنم. اگر علینقی خان هم برای انجام این خدمت حاضر و مهیا باشد، البته اعتراضی نخواهد بود و او نیز برای مشارکت در کار اعزام شود.

[امضای میلسپو به لاتین] رییس کل مالیه

سند ۱۷

موضوع: اموال شیخ خزعل

یادداشت ماشین شده میلسپو، به تاریخ ۱۹ اردی بهشت ۱۳۰۶ (ر.ک. به سندهای ۱ و ۹ و ۱۴ / اسفند ۱۳۰۵)

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۹۱۸

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

چند هفته قبل با کمال عجله از من تقاضا فرمودید در موضوع شیخ خزعل اقدام فوری به عمل آورم. این جانب سریعاً اقدام نمودم؛ ولی آن اندازه که اطلاع دارم، تاکنون از طرف دولت هیچ اقدامی در این باب نشده است.

به طوری که مسبوقید، اخذ تصمیم در مسئله شیخ خزعل برای دادن سایر ترتیبات راجعه به اراضی خوزستان و تخته قاپو کردن ایلات آنجا و به طور کلی، فراهم کردن وسایل عمران و آبادی ایالت ثروتمند مزبور، نهایت لزوم و ضرورت را دارد. آیا جناب مستطاب عالی نمی‌توانید راجع به این مسئله که مدت به این مدیدی بدون لزوم در عهده تعویق مانده است از هیئت دولت تحصیل تصمیمی بفرمایید؟

[امضای میلسپو به لاتین] رییس کل مالیه

سند ۱۸

موضوع: کاهش اعتبار هزینه‌های دریافت حق انحصار

نامه ماشین شده میلسپو، به تاریخ ۱۹ اردی بهشت

۱۳۰۶ (ر.ک. به سند ۶ / خرداد ۱۳۰۶)

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۹۲۶

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

در یادداشت نمره ۷۱۴ خود مورخه ۱۲ اردی بهشت ۱۳۰۶، اشکالاتی را که در نتیجه تقلیل اعتبارات مخارج وصول عوارض انحصار قند و چای و مالیات راه از طرف مجلس شورای ملی تولید می شود، شرح داده و به ضمیمه آن یک فقره لایحه قانونی در همان موضوع ارسال [شد] و تقاضا نمودم که پس از تصویب هیئت دولت به مجلس شورای ملی ارجاع گردد.

این موضوع کمال اهمیت و فوریت را دارد و لذا امیدوارم نسبت به آن اقدام سریع معمول خواهید داشت. به هر حال ممنون می شوم که به طور قطع اشعار فرمایید هیئت دولت در این موضوع چه اقدامی را در نظر دارند؟

برای مزید اطلاع عالی، سواد یادداشتی را که اخیراً از اداره کل گمرکات واصل شده، تلواً می فرستم. به طوری که مسبوقید، روز به روز بر وسعت دایره قاچاقچیکگری افزوده می شود و لذا، هر میزان تقلیلی از اعتبارات ما، ناچار منجر به نکث^۱ عایدی خواهد شد. به علاوه، اداره گمرک توضیح می دهد از نقطه نظر اداری تفکیک مخارج انحصار از سایر مخارج اداری غیرممکن است. این مسئله نه فقط در باره اداره گمرک، بلکه در باره تمام وزارت مالیه صدق می کند.

[امضای میلسپو به لاتین] رییس کل مالیه

سند ۱۹

موضوع: شکایت از معاون پیشکار مالیه کرمان

نامه ماشین شده میلسپو، به تاریخ ۱۹ اردی بهشت ۱۳۰۶

۱. نکث: بر هم زدن عهد و قرار، در این جا به معنای وقفه.

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۶۸۴

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

راجع به شکایات از آقای سیاح معاون پیشکار مالیه کرمان، برای این جانب غیرممکن است قبل از آنکه از جزییات شکایات مطلع شوم بتوانم اظهار نظریه بنمایم.

به طور کلی از اطلاعات من آن است که اغلب شکایاتی که از آقای سیاح می شود بی اساس و تحریکات محلی است. اگر تأیید این نکته را مایل باشید، ممکن است با آقای سرهنگ فتح الله خان که چند هفته قبل برای تفتیش از طرف وزارت جنگ به کرمان اعزام شده بود مذاکره بفرمایید.

[امضای میلسپو به لاتین] رییس کل مالیه

سند ۲۰

موضوع: خرج سفر [هوشیار] از کارکنان دفتر نخست وزیر

نامه میلسپو به خط منشی، به تاریخ ۲۰

اردی بهشت ۱۳۰۶ (ر.ک. به سندهای ۳ و ۱۱ و

۱۲ و ۲۲ / اردی بهشت و ۱۲ و ۲۴ / تیر ۱۳۰۶)

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۸۴۰

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

با عطف به یادداشت جناب مستطاب عالی مورخه ۱۵ اردی بهشت ۱۳۰۶ راجع به عدم تصویب پرداخت مبلغی که در نظر بود از بودجه وزارت امور خارجه به آقای هوشیار^۱ تأدیه شود، از طرف این جانب اشعار می دارد: بدیهی است که راجع به قسمت دوم از ماده ۷ برای جناب مستطاب عالی عقیده [ای] ناشی از سهو و اشتباه پیدا شده است. این ماده، یک تقبل و تعهدی است از طرف دولت که مقید به هیچگونه شرط و قیدی نمی باشد. متمنی است در این موضوع به ماده ۴ قانون

خزانه داری کل مراجعه فرمایید. ماده مزبور نظریه این جانب را که تاکنون پیوسته از طرف دولت مورد قبولی داشته است، تأیید می نماید.

آیا ممکن است به سؤال ذیل جواب صریح و قطعی مرقوم دارید: «آیا رییس کل مالیه قانوناً حق دارد از تصویب یک خرجی که وزیر مالیه تصویب آن را به او دستور می دهد خودداری کند یا خیر؟».

[امضای میلسپو به لاتین] رییس کل مالیه

سند ۲۱

موضوع: کارکنان قراردادی و ادامه کارمول

نامه میلسپو به خط منشی، به تاریخ ۲۰

اردی بهشت ۱۳۰۶ (ر.ک. به سند ۵ و ۶ و ۸ و

۱۵ / اردی بهشت و ۳ و ۱۷ / خرداد ۱۳۰۶)

سریرگ وزارت مالیه

نمره ۹۶۴

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

در آخر یادداشت مفصل خود مورخه ۱۶ اردی بهشت ۱۳۰۶ راجع به مستخدمین کنتراتی، اظهار داشته اید که با صدور درخواست حقوق مترجمین و شوفرها موافقت دارید و کنترات آنها را امضاء خواهید فرمود.

لزوماً اشعار می دارم که این ترتیب برای من رضایت بخش نیست. تعهد دولت دایر به قبول توصیه های من راجع به انتصاب و عزل مستخدمین مالی، مقید به هیچ شرط و قیدی نیست. این جانب انتظار دارم دولت تعهدات قانونی و کنتراتی خود را کاملاً و بدون تردید و «راه پیدا کردن» انجام بدهند. هر طریقه اقدام دیگری را از طرف دولت، من جز دلیل عدم خلوص نیت به قسم دیگری نمی توانم تلقی کنم.

راجع به مول، اطلاعاً اشعار می دارم که اشکال در موضوع او، اشکال اعتباری است. این جانب به مستر هسکل^۱ دستور صادر نمودم مول را مطلع نمایند که اگر خدمت می کند، باید بداند که هیچگونه اطمینانی به دریافت حقوق نخواهد داشت

و مستر هسکل مراتب را از همین قرار به اطلاع او رسانیده است. من اگر راجع به مول یا هر مستخدم دیگری توصیه و پیشنهادی داشته باشم که باید به اطلاع جناب مستطاب عالی برسد، البته مراتب را اشعار خواهم داشت.
[امضای میلسپو به لاتین] رییس کل مالیه

سند ۲۲

موضوع: ایرادهای نخست وزیر به گردش کار وزارت مالیه

نامهٔ میلسپو به خط منشی، به تاریخ ۲۱ اردی بهشت ۱۳۰۶
(ر.ک. به سندهای ۲ و ۸ اردی بهشت و ۲ / خرداد ۱۳۰۶)

سریرگ وزارت مالیه

نمره ۹۶۴

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

مراسلهٔ نمره ۵۳۸ حضرت اشرف آقای رییس الوزراء^۱ مورخه ۶ اردی بهشت ۱۳۰۶ را حاکی از پاره [ای] شکایات از وزارت مالیه، تلواً اعاده می‌دهم.
می‌نویسند «به طوری که می‌شنوند، بسیاری از ابلاغات و مقررات که راجع به کارهای عمومی است و قبلاً باید نظر دولت به آنها جلب شده باشد، از طرف وزارت مالیه صادر و به موقع ارجاع گذارده می‌شود». متمنی است به حضرت اشرف آقای رییس الوزراء توضیح بدهید که چون وظایف قانونی وزارت مالیه لزوماً به سایر وزارتخانه‌ها راجع می‌شود، لذا نظامنامه‌هایی که وزارت مالیه برای انجام وظایف خود تهیه می‌کند، بالطبع تا درجه [ای] شامل حال سایر وزارتخانه‌ها نیز می‌گردد. یکی از وظایف وزارت مالیه آن است که قانونی بودن مخارج را تعیین کند؛ لذا، هیچ مناسبتی ندارد که ما برای راهنمایی ادارات خود در اجرای این وظیفه قواعد متحدالشکلی برقرار کنیم و تصور نمی‌رود که در هیچیک از این موارد، وزارت مالیه وجهاً من‌الوجه، به انجام وظایف سایر وزارتخانه‌ها مبادرت کرده یا خواسته باشد که تکالیف آنها را انجام بدهد.

راجع به مثلی که حضرت اشرف در باب سوابق خدمتی اشخاص و تطبیق آن با

۱. رئیس الوزراء در آن وقت میرزا حسن خان مستوفی الممالک بود.

قانون استخدام ذکر کرده‌اند، من قطع دارم که در هر مورد بخصوص، نظر وزارتخانه‌های ذی‌مدخل استعلام و مطالعه شده است. این طبیعی است؛ زیرا اساساً قبل از آنکه وزارت مالیه سوابق خدمت اشخاص را به مورد مطالعه بگذارد، تعرفه خدمت آنها از طرف وزارتخانه‌های ذی‌مدخل تهیه و به این وزارتخانه فرستاده می‌شود.

راجع به تمام شدن اعتبار شهریه و مستمریات و تأخیر وزارت مالیه در تسلیم محاسبه، ظاهراً برای حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزراء نسبت به وضعیت حقیقی امر سوء تفاهمی حاصل شده است. تعیین اینکه در مقابل اعتبار شهریه و مستمریات، تحقیقاً به چه میزان تعهد وجود دارد، غیرممکن است؛ زیرا یک عده از ارباب وظیفه^۱ فوت می‌کنند و یک عده مدتها می‌گذرد که دنبال وظیفه خود نمی‌آیند و بعضی اساساً مراجعه نمی‌کنند و لذا، وقتی که اعتباری از مجلس شورای ملی برای عده معینی وظایف تعیین گردید، بدیهی است که قبل از آنکه به طور قطع معلوم شود، در نتیجه از میان رفتن بعضی از شهریه‌ها و مستمریات به طور تحقیق از اعتبار اعطائی چقدر شهریه و مستمری باید پرداخت، صلاح و صحیح نیست وظایف دیگری برقرار شود^۲.

راجع به محاسبات و مخصوصاً مراجعه [ای] که در ضمن مرقومه حضرت اشرف به مواد ۴۱ و ۴۵ و ۵۲ قانون محاسبات عمومی شده است، باید به معظم له تذکر داد که اگر مقررات قانون اساسی و سایر قوانین از طرف وزارتخانه‌ها و هیئت دولت و مجلس شورای ملی رعایت نشوند، برای وزارت مالیه غیرممکن است محاسبات را در موقع تسلیم نماید. وزارت مالیه وقتی می‌تواند محاسبات را به موقع برساند که بودجه مملکتی به موقع تصویب بشود و سایر وزارتخانه‌ها نیز حسابهای خود را سر موقع برسانند. البته هر قدر در این مسائل تأخیر بشود، در جریان امور وزارت مالیه نیز به همان اندازه اشکال و تأخیر حاصل خواهد شد.

به اداره محاسبات کل دستور دادم صورت جامعی از اعتبار شهریه و مستمریات را برای ملاحظه حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزراء تهیه کنند.

[امضای میلسپو به لاتین] رئیس کل مالیه

۱. وظیفه: در این جا به معنای مستمری و مقرری ماهانه. ارباب وظیفه، یعنی وظیفه‌بگیران.
۲. این پاراگراف با مداد سرخ مشخص شده است.

سند ۲۳

موضوع: حقوق عقب افتاده کارکنان گمرک

نامه ماشین شده ۳۰ اردی بهشت ۱۳۰۶ کفیل اداره

کل گمرکات به نصرت الدوله به زبان فرانسه^۱.

سربرگ وزارت مالیه، اداره گمرکات (به فارسی و فرانسه)

نمره ۳۷۴۳

موضوع: مطالبه وجوهی که موافقت با پرداخت آنها معلق مانده است
حضرت والا وزیر مالیه

پیشتر افتخار داشته‌ام که ضمن دو یادداشت ویژه، وضع بسیار سختی را که در اداره گمرکات در پی عدم موافقت با مطالبات ارائه شده توسط این اداره در مورد اعتبارهای انحصار [قند و چای] و عوارض راه برای هزینه‌های ماه فروردین ۱۳۰۶ پدید آمده است، به اطلاع برسانم.

یادداشتها و یادآوری‌هایی که به شخصه در این مورد هم خطاب به آقای ریبر (H. J. Reber) و هم قسمت حسابرسی اداره کل حسابداری مالیه کرده‌ام، بی نتیجه مانده است و اداره گمرکات به عدم پرداخت حقوق کارمندان خود و نیز هزینه‌های گوناگون پیش‌بینی شده در بودجه انحصار و عوارض راه، ادامه می‌دهد.

این وضع، شکایتها و ادعاهای بحق همه کارکنان شهرستانها و تهران را که پرداخت حقوقشان از ماه فروردین ۱۳۰۶ معلق مانده، برانگیخته است. مدیریت ایالتی گمرکات بوشهر به من تلگراف زده است که اگر حقوق خدمه کشتی‌ها، هزینه‌های ضرور نگهداری و راه‌اندازی این کشتی‌ها، مراقبتهای مربوط به جلوگیری از تقلبها و غیره و غیره، به طور منظم در آخر هر ماه شمسی پرداخت نشوند، نخواهد توانست پاسخگوی شرایط مصیبت‌باری باشد که پدید خواهد آمد.

چنانکه به دلیلهای مربوط به بودجه، وزارت مالیه نمی‌تواند در حال حاضر مطالبات ارائه شده در مورد اعتبارهای انحصار [قند و چای] و عوارض راه را به تصویب برساند، دست کم می‌تواند ترتیبی برای تصویب آنها به صورت مساعده با

اعتبار موقت بیابد تا مجبور به توقف کلی روند منظم جلوگیری از تقلب و خدمات گمرکی نشود.

مایه تأسف عمیق است که حقوق یک گروه از کارکنان اداره‌ای که درآمد سالانه‌اش ۱۲/۵ تا ۱۳ میلیون تومان است پرداخت نشود؛ تنها به این دلیل ساده که اعتبارهای اختصاص یافته به انحصار و عوارض راه هنوز از سوی وزارت مالیه تأیید نشده است، در حالی که این کارکنان نیز به مانند تمامی کارکنان، به یکسان در خدمت گمرکی و خدمت انحصار و عوارض راه کار می‌کنند.

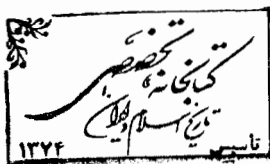
با شرح آنچه گذشت، از شما تقاضا دارم تدبیرهایی را به کار بندید که اعتبارهای بودجه‌ای درخواست شده به وسیله اداره گمرکات تصویب شوند تا از بی‌نظمی کامل قسمتهای مختلف زیر مدیریت گمرک، که مسئولیت‌هایشان عظیم است، جلوگیری شود.

تکرار می‌کنم که به تقریب همگی کارمندانی که از این دیرکرد تأسف بار لطمه دیده‌اند، کارمندانی با حقوق اندکند. چه کسی می‌تواند به آنها بفهماند که به علت تشریفات مربوط به بودجه، باید چندین هفته منتظر مواجهه باشند که با آن بتوانند نان روزمره‌شان را برای خود و خانواده‌های خود بخرند؟

آنان، بر پایه تصمیمی رسمی که ناشی از اختیارات داده شده مبتنی بر قانون بوده است، به طور قانونی استخدام شده‌اند و مطابق آییننامه‌ای انضباطی از ایشان خواسته می‌شود وظایف خود را با در نظر گرفتن وجدان انجام دهند؛ بنابراین، اگر آنان به نوبه خود وظایفی را که برایشان تعیین شده ایفا کنند، پرداخت منظم حقوقشان را حقی می‌دانند که دولت نمی‌تواند ادای آن را به عقب بیندازد. آیا باید افزود که اغلب، گرسنگی مشاور بدی است؟ ویژه آنکه این گرسنگی، نتیجه تعویقی اداری باشد که کارکنان قادر به درک آن نیستند.

بنابر این، پیشنهاد می‌کنم اجازه دهید اداره گمرکات حقوق عقب مانده را به صورت مساعدده‌ای که بعد - هنگامی که بودجه هزینه‌ها به طور نهایی تعیین شد - باید قانونی شود، پردازد؛ زیرا هر تأخیر تازه‌ای پیامدهای تأسف باری را از نقطه نظر وصول درآمدهای گمرکی و همچنین وفاداری و خدمتگذاری کارکنان در بر خواهد داشت.

از سوی مدیرکل گمرکات، کفیل [امضای لاتین دلکرو]



اسناد خرداد ۱۳۰۶

سند ۱

نسخه‌ای از سند پیش با یادداشت دستنویس
انگلیسی زیر به تاریخ ۶ خرداد ۱۳۰۶ برای
نصرت‌الدوله ارسال شده است:

به مقام وزارت پناهی (به فارسی)

سربرگ وزارت مالیه

فوری

عالی جناب وزیر مالیه

خواهشمند است توجه بفرمایید که تا تصویب اعتبار، ممکن نیست بنا به
پیشنهاد آقای دلکرو به هیچ عنوان پرداخت شود.

[امضای مختصر میلپو]

سند ۲

موضوع: جواب میلپو به اعتراضهای نخست‌وزیر

پیش‌نویس مضمون نامه نصرت‌الدوله به خط او
به عنوان نخست‌وزیر، به تاریخ ۵ خرداد ۱۳۰۶.

سربرگ وزارت مالیه

کابینه

شرحی در جواب [نامه شماره] ۵۳۸ رییس‌الوزراء بنویسید که مراسله را برای
تذکر و تنبّه برای آقای رییس کل مالیه فرستاده‌ام و شرحی ایشان در جواب
اعتراضات حضرت اشرف خطاب به من نوشته بودند. آن قسمتی را که خودم
تصدیق نداشته و معترض بودم، جواب دادم؛ ولی آن قسمتی که به نظر این جانب تا
اندازه‌ای صحیح می‌آید، برای اطلاع خاطر مبارک سواد [برداشته] و ارسال داشتم.

از مراسله رئیس کل مالیه، فقط آن قسمتی را که علامت صلیبی است که در حاشیه گذاشته‌ام، سواد بنمایید.

سند ۳

موضوع: اختلاف نظر در مورد کارمندان قراردادی

نامه ماشین شده نصرت‌الدوله به تاریخ ۵ خرداد ۱۳۰۶ (ر.ک. به سند های ۵ و ۶ و ۸ و ۱۳ و ۱۵ و ۲۱ / اردی بهشت و ۱۷ / خرداد ۱۳۰۶).

سربرگ وزارت مالیه

آقای رئیس کل مالیه

چند روز قبل در ضمن یادداشت دایره اجازه صدور درخواستهای مستخدمین کنتراتی برای فروردین و اردی بهشت ۱۳۰۶ تذکر داده بودم که در اصل موضوع اختلاف نظر خودم را با شما در تعقیب شکایات سابق باز شرح خواهم داد. اینک لازمست شما را مسبوق دارم که متأسفانه هر چه بیشتر با شما در مواد مختلفه قانون مورخه ۴ اسد ۱۳۰۱ بحث می‌کنم، مأیوس می‌شوم از اینکه بین نظریه شما و نظریه من تطبیق حاصل شود.

طرز و تعبیر و اجرای این قانون از طرف شما به نظر من کاملاً مخالف نص و روح قانون مزبور است و البته من نمی‌توانم این رویه شما را تصدیق و یا در مقابل تجاوز [به] آن قانون ساکت بمانم.

شما نمی‌خواهید متذکر باشید که قسمت اول ماده ۴ قانون شما را متعهد به اطاعت تعلیمات قانونی وزیر مالیه کرده است، چنانچه قسمت اول ماده ششم را که امور مالیه ایران را در تحت تعلیمات قانونی و نظارت وزیر مالیه و با مراعات اصول مسئولیت وزراء بر عهده شما گذاشته فراموش می‌نمائید، یا این است که جملات «تحت تعلیمات قانونی و نظارت و با مراعات اصول مسئولیت وزراء» به نظر شما عبارات اجوف و تشریفاتی می‌آید.

شما استخدام به واسطه کنترات را (یعنی اشخاص بی سابقه و بی عنوان را در خدمت دولت به خدمت وارد نکردن) مشمول تعیین و ترقی و نقل و انتقال و عزل مستخدمین وزارت مالیه فرض کرده و تصور می‌کنید تعهد دولت در ماده ۶ مؤثر در

این قسمت هم هست.

شما می‌نویسید که انتظار دارید دولت تعهدات قانونی خود را بدون تردید انجام بدهد، در صورتی که دو چیز را دائم از نظر محو می‌نمائید: اول توافق در فهم تعهدات، دوم اجرای تعهدات قانونی از طرف خودتان.

شما از یک نکته اساسی مخصوصاً غفلت دارید و آن این است که هر قانون یا هر اختیار قانونی با احترام و در حدود قوانین اساسی و قوانین عادی دیگر باید اجرائی بشود. اختیاراتی را که قانون ۴ اسد در مقابل تعهدات به شما واگذار کرده، شما را فوق قوانین مملکتی و یا معبر آنها قرار نداده است. قانون استخدام کشوری برای مستخدمین رسمی حدود و شرایطی قائل شده که شما نمی‌توانید از آن تخلف کنید و اگر برخلاف مقررات آن برای خودتان حق انتخابی برای مستخدمین رسمی دولت قائل بشوید، صریحاً خلاف قانون عمل کرده و تعهد خودتان را بر طبق ماده ۱۲ قانون ۴ اسد دایر به اینکه در ضمن ایفای وظایف خود قانون ایران را کاملاً مراعات و احترام نمائید نقض نموده‌اید. در صورتی که من وقتی می‌خواهم قبل از تصویب و تجویز استخدام مأمورین جدیدی بوسیله کنترات تخصص آنها را محرز و اطمینان پیدا نمایم که در جزء مستخدمین و منتظرین خدمت دولت اشخاصی نیستند که قادر به انجام کار آنها باشند، مقررات قانون استخدام را به موقع عمل می‌گذارم و کاملاً اجرای قانون و انجام وظیفه بر طبق مسئولیت قانونی وزراء می‌نمایم.

در کنترات شما ماده [ای] موجود است که برای رفع این قبیل اختلافات حکمیت را مقرر داشته، و چون این ماده برخلاف اصل قوانین مملکتی و برخلاف صریح ماده ۱۵ قانون ۴ اسد است، دولت ایران در هیچ موقعی نخواسته است با این وسیله شما را به تعهدات خودتان الزام نماید، و البته من هم در این موقع که مخصوصاً مدت زیادی به موقع تجدید کنترات شما نمانده است، از این رویه خارج نخواهم شد، ولی اگر تذکرات خودم را ادامه داده و در هر موقعی می‌خواهم شما را هدایت قانونی کنم، برای این است که من در انجام وظیفه خود و صدور تعلیمات قانونی قصوری نکرده باشم.

سند ۴

موضوع: پاسخ به ایرادهای نخست وزیر و مسأله رتبه های کارمندان

نامه ماشین شده نصرت الدوله به تاریخ ۶ خرداد ۱۳۰۶

سربرگ وزارت مالیه

آقای رئیس کل مالیه

در تلو نمره (۶۵۷) از ملاحظات شما در اطراف مراسله نمره (۵۳۸) حضرت اشرف رئیس الوزراء مستحضر گردیدم.

چون در قسمت دوم و سوم یادداشت شما اعتراض نداشتم، مقرر داشتم که مواد آن برای استحضار حضرت اشرف رئیس الوزراء از طرف این جانب ارسال گردد.

ولی در قسمت اول یادداشت شما که راجع به ابلاغات و مقررات عمومی وزارت مالیه است، با نظر شما موافق نیستم و اعتراض حضرت اشرف رئیس الوزراء را وارد می دانم و چون در ضمن مذاکرات و مکاتبات نظریات خودم را مکرراً اظهار داشته ام، تکرار آن را مایل نیستم و فقط نسبت به سوابق اشخاص و عمل اداره استخدام مجدداً تذکر می دهم.

اداره استخدام وزارت مالیه در تعبیر و عمل قانون استخدام کشوری کاملاً برخلاف قانون رفتار و از حدود خود تجاوز نموده است.

بزرگترین مورد تخلف از قانون مأخذ گرفتن حقوقی است برای تعیین رتبه. اعتراضات متواتر و کلاً را در مجلس و کمیسیونها در این باب مسبوقید و می دانید که در هر موقعی که این مطلب ایراد شده تمام مجلس یک صدا مصدق آن بوده است.

مورد دیگر تخلف از قانون محترم شمردن احکام تمیزی است که به نفع مستخدمین و بر طبق صلاحیتی که قانون استخدام به آن محکمه داده است صادر می گردد. البته در نظر دارید که دو سه مورد در مدت تصدی من موقع اعتراض شدید من واقع شده است، در حقیقت راجع به این قسمت می توان از تخلف هم عبارت شدیدتری استعمال و این رویه را ترمذ خواند.

موارد تجاوز از حدود بسیار است و من در مدت کمی که متصدی وزارت مالیه هستم موارد مختلفی خودم مشاهده کرده‌ام از قبیل آنکه اداره استخدام برخلاف تشخیص وزارت متبوعه مستخدم و حتی برخلاف تشخیص ادارات دیگر وزارت مالیه از قبیل محاسبات و غیره رتبه بعضی اشخاص را دو درجه و سه درجه بالاتر برده است، چنانچه الان هم یک دوسیه از همین قبیل در تحت مطالعه من است.

سند ۵

موضوع: گسیل کارشناس و بازرس به شهرستان‌ها

پیش‌نویس نامه نصرت‌الدوله به خط و امضای او، به تاریخ ۶ خرداد ۱۳۰۶.

سربرگ وزارت مالیه^۱

نمره ۹۲۱

آقای رییس کل مالیه

(۱) اگر اعزام متخصص از مرکز بواسطه قلت عده همیشه مقدور نیست، ممکن است از متخصصین و مأمورین ایالات و ولایات همجوار فرستاد.
(۲) برای این تفتیشات، مستخدمین آمریکایی بهترند و بایستی در نظر گرفت که از عده پیشکاران و امنای مالیه ایالات و ولایات که آمریکایی هستند کاست و آنها را به خدمت تفتیش گماشت؛ علی‌الخصوص که مأمورین ایرانی در اداراتی که رؤسای آنها خارجی هستند، اغلب جرئت تفتیش صحیح و اظهار عقیده ندارند.

سند ۲۶

موضوع: پرداخت نشدن هزینه‌های دریافت عوارض انحصار و بودجه گمرک

برگ دوم نامه ماشین شده نصرت‌الدوله به تاریخ ۶ خرداد ۱۳۰۶ (ر.ک. سند ۱۸ اردی‌بهشت ۱۳۰۶)

۱. در سربرگ، نصرت‌الدوله افزوده است: «ماشین بشود».

۲. پیش‌نویس این نامه به خط نصرت‌الدوله در مجموعه وجود دارد و تنها فرق عمده آن با نامه ماشین شده آن است که وی در زیر دستنویس خود نوشته است: «سواد برای اداره گمرک فرستاده بشود».

سربرگ وزارت مالیه

آقای رییس کل مالیه

در تعقیب یادداشت نمرة ۷۱۴ شما، شفاهاً نظریات خود را اشعار داشته بودم و پس از وصول یادداشت نمرة ۹۲۶، باز در ملاقات حضوری توجه شما را به اظهارات و پیشنهادات (کذا) اداره کل گمرکات معطوف داشتم.

اینک که مجدداً اداره گمرک در تعقیب یادداشت‌های خود شکایت از اوضاع اداری و عدم پرداخت وجوهی که از محل انحصار [قند و چای] داده می‌شده است نموده و شما آن یادداشت را برای من فرستاده‌اید، لازم است مراتب ذیل را کتباً به اطلاع شما برسانم.

اول - اقدام اداره محاسبات را در ۱۳۰۵ دایره کسر کردن مبلغی از بودجه عادی و مصوب اداره گمرک و در عوض، علاوه کردن سهمی را که از وجوه انحصار بدان اداره تخصیص شده بوده است، صلاح نمی‌دانم و اعتراض اداره گمرک را در این قسمت، تصدیق دارم؛ زیرا نتیجه عملی این است که چون مجلس شورا مخارج انحصار را کم کرده و از صدی هشت به صدی پنج تنزل داده است، بودجه عادی مصوبه گمرک پرداخت نمی‌شود؛ در صورتی که در اعتبارات وزارت مالیه مصوبه مجلس برای اداره گمرک موجود است.

دوم - لازم می‌دانم که معادل همان مبلغی که اداره محاسبات در بودجه ۱۳۰۵ گمرک از محل عوائد عمومی کسر و به انحصار تحمیل نموده است، فوری از محل عواید عمومی معادل [یک] دوازدهم مصوبه مجلس به گمرک پرداخته بشود که امور آن اداره مختل نگشته و از این جهت به تأمین قسمت مهم عواید مملکتی خللی وارد نیاید.

سوم - در اصل موضوع کسری که مجلس شورا از مخارج انحصار نموده است، البته نمی‌توانم تصدیق بکنم که تنزل آن به صدی دو از طرف مجلس، کاملاً با ملاحظه اطراف و با مراجعه به ارقام و احتیاجات بوده است؛ ولی پیشنهاد صدی شش را هم که از طرف شما می‌شود، نمی‌توانم کاملاً تصدیق کنم؛ زیرا: [۱]

۱- چنانکه مکرر و قبل از انقضای سال ۱۳۰۵ گفته و نوشته‌ام، مشکلات وزارت مالیه را از محل مخارج انحصار، کاملاً مطابق با مقصود قانونگذار نمی‌دانم و بودجه اصلاح شده ۱۳۰۶ را نیز که در نتیجه اظهارات من تعدیل نموده و برای من فرستاده

بودند، باز قابل اصلاح می دانم.

۲- اگر مبلغ کسر شده از بودجه گمرک را که به عواید انحصار تحمیل شده، در صورتی که جزو عوائد مملکتی که به بودجه کل مالیه تخصیص یافته بوده [و] محل داشته است برگردانیم - و این کار کاملاً بر طبق قانون خواهد بود - به مبلغی از صدی شش عایدات انحصار که فعلاً تقاضا شده است، احتیاج نخواهد بود و شاید این مبلغ تقریباً معادل صدی یک و نیم یا صدی دو باشد.

چهارم - اگر با این نظریه من موافقت دارید، در تبصره لایحه [یک] دوازدهمی، [می توان] صدی شش عایدات انحصار را لااقل به صدی چهار و نیم تنزل داد.

سند ۷

موضوع: تعیین کارشناس تقسیم آبهای مرزی و اختیاراتهای میلیسو

نامه نصرت الدوله به تاریخ ۶ خرداد ۱۳۰۶ (ر).

ک. به سندهای ۱۰ و ۱۶ / اردی بهشت ۱۳۰۶).

سربرگ وزارت مالیه

آقای رییس کل مالیه

نمره ۹۱۶ شما

تمنا دارم عقیده خودتان را در باب مطلب ذیل اظهار بدارید:

آیا تعیین مهندس برای نظارت و تقسیم آبهای سرحدی خراسان از طرف دولت ایران مشمول تعهدات دولت در قسمت ماده ۶ قانون چهارم اسد ۱۳۰۱ دایر به «تعیین و ترقی و تنزل و انتقال و عزل مستخدمین وزارت مالیه و تمام شعب تابعه مالیه و همچنین مستخدمین ادارات دولتی که مستقیماً با جمع و محاسبه و پرداخت وجوه عمومی مربوط است»، هست یا خیر؟

سند ۸

موضوع: اعتراضهای نخست وزیر

نامه ماشین شده نصرت الدوله به حسن

مستوفی (مستوفی الممالک) رییس الوزراء به

تاریخ ۶ خرداد ۱۳۰۶ (ر.ک. به سندهای ۲۲ /

اردی بهشت و ۲ / خرداد و ۲ / تیر ۱۳۰۶).

سربرگ وزارت مالیه^۱

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت شوکه

توقیراً خاطر مبارک را مستحضر می دارد

مرقومه نمره ۵۳۸ مورخه ۶ اردی بهشت [که] محض تذکر و تنبّه برای آقای رییس کل مالیه ابلاغ شده بود، ایشان شرحی در جواب اعتراضات حضرت اشرف توضیح داده بودند. یک قسمت از توضیحات ایشان را که تصدیق نداشتیم و معترض^۲ بودم، مستقیماً جواب دادم؛ ولی در قسمتی [که] به نظر این بنده تا اندازه [ای] صحیح می نماید، موادی تهیه و تلواً تقدیم نمودم.

سند ۹

در باره: خودداری میلسپو از پاسخ به یادداشت های نصرت الدوله

نامه ماشین شده میلسپو، به تاریخ ۱۰ خرداد ۱۳۰۶

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۱۳۷۲

جناب مستطاب اجل آقای فیروز^۳

چهار فقره یادداشت مفصل عالی را مورخه ۶ خرداد ۱۳۰۶ راجع به موضوعات مختلفه دریافت نمودم.

چون اشتغال این جانب به انجام وظایف اداری بقدری زیاد است که جز در موارد لزوم، در سایر مواقع مانع از تحریر مشروحات طویله در نکات قانونی می باشد، لذا از گوشزد نمودن اشتباهات فعلی و قانونی که در یادداشت های عالی به نظر می رسد، در این موقع خودداری می کنم؛ معذک، اشعار می دارم که به چندین فقره از استدلالات و استنتاجات جناب عالی معترضم و جمیع حقوق خود را راجع به آنها محفوظ می دارم.

۱. پیشنویس این یادداشت به خط نصرت الدوله در مجموعه موجود است.

۲. در اصل: متعرض (فی الواقع هر دو واژه مصداق دارد).

۳. برای نخستین بار، میلسپو به جای مقام نصرت الدوله، نام خانوادگی او را در عنوان نامه آورده است.

استدلالات عالی از یک جهت جالب توجه هستند و آن این است که مقاصد واقعی جناب مستطاب عالی را دایر به صرف وجوه عمومیه آشکار می‌کنند.
[امضای میلسپو به لاتین] رییس کل مالیه

سند ۱۰

موضوع: تمرکز کارهای مربوط به خالصه در شهرستانها

برگ دوم نامه ماشین شده نصرت الدوله بر
روی کاغذ بی سربرگ، به تاریخ ۱۳ خرداد
۱۳۰۶ (ر.ک. به سند ۱۵ / خرداد ۱۳۰۶)

آقای رییس کل مالیه

حکم انتصاب آقای میرزا سید علی خان نصر را به اداره خالصجات^۱ اعاده می‌دهم و عقیده من، بعد از مطالعاتی که نموده‌ام^۲ این است که اداره خالصجات در مرکز به ترتیبی که هست، از حیث تشکیلات زاید و تحمیل بی‌مورد بر بودجه است. بهتر می‌دانم این اداره منحل شود. خالصجات تهران کماکان جزء مالیه تهران اداره می‌شود؛ یک شعبه هم در عایدات مستقیم در تحت نظر آقای میرزا سید علی خان تشکیل شود، با عده خیلی کم، که کارهای بودجه خالصجات ولایات را که اداره آنها با پیشکاران و امنای مالیه تمرکز بدهند. در نتیجه صرفه جویی در بودجه و حسن اداره هر دو، جمع خواهد شد.

سند ۱۱

موضوع: کاهش بودجه [ر.ک. سندهای ۱۳ و ۱۴ / فروردین و ۱ و ۳ و ۴ / تیر ۱۳۰۶]

نامه ماشین شده میلسپو، به تاریخ ۱۳ خرداد ۱۳۰۶

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۱۴۲۳

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

۱. خالصه: روستاها و زمینهای کشاورزی متعلق به دولت. جمع آن به هر دو صورت «خالصجات» و «خالصهجات» نادرست است.

از این جانب سؤال فرموده‌اید آیا با تقلیل اعتبار مخارج وصول عوائد قند و چای به صدی چهار^۱ موافقت دارم یا خیر؟ جواباً خاطر محترم را قرین استحضار می‌دارم:

به طوری که ضمن یادداشتهای نمرة ۷۱۴ و نمرة ۹۲۶ خود مورخه ۱۲ و ۱۹ اردی بهشت ۱۳۰۶ اظهار نمودم، چون این جانب قانع نشده‌ام که خرجی که اکنون می‌شود یا ضمن بودجه پیشنهاد گردیده، غیر لازم یا غیر مقتضی باشد، لذا با هر تقلیلی که موافق دلخواه در اعتبار فوق‌الذکر به عمل آید، مخالف هستم.

بعضی از آقایان نمایندگان به من می‌گویند که اگر جناب مستطاب عالی در مجلس اظهار نمی‌نمودید که وزارت مالیه در صرف این اعتبارات زیاده‌روی می‌کند، در اعتبارات مذکور تقلیلی به عمل نمی‌آمد. از یک همچو اظهار چنین مستفاد می‌شود که وجوه عمومیه در معرض اتلاف واقع شده و تصور می‌کنم هیچ وزیری نباید چنین اظهاری را بکند؛ مگر آنکه حاضر باشد اقلام، به خصوص خرجی را که غیر لازم یا غیر مقتضی می‌داند، شرح بدهد.

تا موقعی که مجلس در بودجه تفصیلی امعان نظر ننموده و اقلام بخصوصی از مخارج را رد نکرده است، این جانب نمی‌توانم مسئولیت تقلیل بودجه را بر عهده بگیرم. از مذاکراتی که خود این جانب با آقایان نمایندگان نموده‌ام، گمان نمی‌کنم ایشان هیچگونه اعتراضی داشته باشند که اعتبارات فوق‌الذکر به همان میزانی که در بودجه منظور و در آخر سنه ۱۳۰۵ مجرا بوده، باقی بماند. اگر اعتبارات مزبور به صدی ۲ یا صدی ۴ یا هر میزان دیگر تقلیل شود، بدون تعیین آنکه چه اقلام خاصی باید حذف شود، پرداخت هر خرجی از این اعتبار غیر ممکن خواهد بود و ما ناچار باید در همان وضعیت غیر مطلوبی که در دو ماهه فروردین و اردی بهشت حکمفرما بوده و بدون چون و چرا منتج به ازدیاد قاچاقچیکری و کسر عایدات دولت شده، باقی بمانیم.

وقتی جناب مستطاب عالی وزیر مالیه شدید، به این جانب در کمال تأکید اطمینان دادید که در اداره کردن امور مالیه مملکت با من کمک خواهید فرمود. موضوع حاضر یک فرصتی است از برای جناب مستطاب عالی که تمایل به

۱. این رقم نادرست است؛ زیرا در نامه ۶ خرداد نصرت‌الدوله چهار و نیم درصد پیشنهاد شده است (سند ۶)

مساعادت خودتان را به موقع عمل بگذارید و من اطمینان دارم که لایحه دو دوازدهم که من تهیه کرده‌ام از طرف مجلس شورای ملی تصویب خواهد شد؛ مشروط به آنکه دولت نیز مساعد بوده و از آن کاملاً دفاع نمایند.

[امضای میلسپو به لاتین]
رییس کل مالیه

سند ۱۲

موضوع: پرونده معاون الملک و قانون الغای باج

برگ دوم نامه ماشین شده نصرت الدوله بر روی کاغذ بی سربرگ، به تاریخ ۱۴ خرداد ۱۳۰۶

آقای رییس کل مالیه

دوسیه راجع به معاون الملک سابق را به دقت ملاحظه کردم دو چیز در اینجا اشتباه شده و موجب اشکالاتی است که در حل این قضیه پیش آمده است.

۱- این پل در معبر عام و شاهراه واقع نیست، بلکه در ملک خصوصی و برای وصول به طاق بستان ساخته شده.

۲- برای شامل ساختن قانون الغای باج راه به چنین امر خصوصی چنانچه خودتان هم در مذاکرات شفاهی با این جانب قبل از تصدی وزارت مالیه تصدیق می‌کردید، باید نقطه نظر مصلحت را به اجرای قانون غلبه داد، والا البته قانونی که برای راههای عمومی وضع شده مالکیت خصوصی اشخاص را در املاک و دارائی خودشان متزلزل نمی‌نماید و به پل «قره‌سو» که راه ملک شخصی است شامل نمی‌گردد.

چون در این مورد مصلحت باید غلبه کند و من هم تصدیق دارم که مصلحت در این موقع بخصوص در الغای باج است، لهذا قرار شد که استرضای صاحب پل بعمل آید. ولی البته تصدیق خواهید کرد که این پیچ و خمها و حسابها که در مراسله ترتیب داده شده برای یک آدم ساده زارع و کاسبی که هیچوقت این قبیل مسائل را در نظر نداشته منتج به نتیجه نخواهد شد.

لذا به نظر من مناسب‌تر و عادلانه‌تر است که به مأمور مالیه و فواید عامه دستور داده بشود با معاون الملک داخل مذاکره شده و با در نظر گرفتن مخارج پل و عواید حاصله از آن پیشنهاد پرداخت وجهی برای استرضای مشارالیه کند و این قضیه تمام بشود.

سند ۱۳

موضوع: رتبه یکی از کارمندان وزارت پست و تلگراف

برگ دوم نامه ماشین شده نصرت الدوله بر روی
کاغذ بی سربرگ، به تاریخ ۱۴ خرداد ۱۳۰۶

فوری

آقای رییس کل مالیه

حکم صادره از تمیز و تأییدی که در تجدید نظر شده، رتبه هفت را برای آقای حق شناس قابل شده اند. وزارتین پست و تلگراف و مالیه مجبور به اجرای حکم صادره از تمیز می باشند؛ اعم از این که در دوایر مربوطه، وزارتخانه [رتبه او] پنج یا شش تشخیص داده شده باشد. لهذا، اداره استخدام مکلف است مطابق حکم صادره، رتبه آقای حق شناس [را] تشخیص و ورقه خدمت مشارالیه را تنظیم نماید تا بعد اقدام مقتضی برای صدور درخواست و غیره از طرف وزارت متبوعه بشود.

سند ۱۴

موضوع: زمینه های گوناگون ناهمرازی نصرت الدوله و میلپو^۱

برگ دوم نامه ماشین شده نصرت الدوله بر
روی کاغذ بی سربرگ، به تاریخ ۱۶ خرداد
۱۳۰۶ (ر.ک. به سند ۱۱ / خرداد ۱۳۰۶)^۲

آقای رییس کل مالیه

[ارجاع به] نامه نمرة ۱۴۲۳ شما

۱- اظهار داشته اید که هیچ وزیری نباید اظهار عقیده در زیاده روی صرف اعتبارات بکند^۳، مگر آنکه اقلام ضروری را معین کند. از اسفند سنه گذشته مکرر کتباً و شفهاً به شما اظهار داشته ام که کلیه مخارجی را که از محل عواید انحصار [قند و چای] می شود و بیشتر از قسمت گمرک زائد می دانم؛ اعتقاد من این است که

۱. پیش نویس این نامه نیز به خط نصرت الدوله در مجموعه موجود است.

۲. این نامه، دارای برخی از کاستیها و پاره یی از خطاهای دستوری است. هر جا که ممکن بود تصحیح کرده و در جا یادآور شده ایم. ۳. در اصل: ممکنه.

این سرویس را باید حتی المقدور به اداره گمرک واگذار کرد. در عملی و مقرون به صرفه بودن این قسمت، برای من هیچ جای تردید نیست.

۲- در موضوع بودجه که اشاره کرده‌اید تا مجلس امعان نظر نکرده و اقلام معینی را حذف ننماید، شما نمی‌توانید تقلیل بنمایید؛ باید به شما متذکر بشوم که بودجه را باید من تصویب کنم تا به مجلس پیشنهاد بشود. البته من نمی‌توانم برخلاف مشهودات و معتقدات خودم بودجه را تصویب کنم.

۳- در یادداشت مورخه ۰۶/۳/۶ خودم، [در] قسمت اول، صریحاً به شما نوشته‌ام مبلغی را که از بودجه گمرک در ۱۳۰۵ کسر و از محل انحصار پرداخته‌اند، خلاف ترتیب بوده و باید فعلاً مطابق همان مبلغ از عواید عمومی به گمرک برگشت کند. خود این مبلغ، قریب صدی دو از مخارج انحصار را کسر خواهد کرد.

۴- اینکه اشاره کرده‌اید در موقعی که این جانب وزیر مالیه نبودم، وعده اکید مساعدت در کارهای مالیه به شما دادم، صحیح است و من^۱ همیشه مایل و شائق به این رویه بوده و هستم؛ ولی فوق‌العاده برای من جای تأسف است که برعکس تذکرات من در همان ملاقاتی که شما به آن اشاره می‌کنید، شما نخواستید از راهنماییهای من استفاده کنید و در تمام این مدت، من نتوانسته‌ام^۲ شما را معتقد و متقاعد کنم که صلاح مملکت و صلاح میسیون آمریکایی - که در حسن نیت آنها شبه ندارم - این است که مسائل اصولی و قانونی در وزارت مالیه حکمفرما [باشد] و اگر مراجعه به یادداشتهای من در موضوع محاکمات مالیه، تمرد و تخلف اداره استخدام از احکام صادره از تمیز، امتناع از پرداخت وجهی که تشخیص و اختیار آن با وزیر مسئول خود آن وزارتخانه است و بالاخره، قضیه کنتراستها و همچنین بودجه انحصار که مورد بحث است، بنمایید؛ خواهید دید که در عدم اجرای تعلیمات قانونی که برحسب مسئولیت و وظیفه و بر طبق قانون اسد^۳ ۱۳۰۴ داده‌ام، کامل [انجام] تعهد شده است. به قسمتهای دیگر اداری فعلاً اشاره نمی‌کنم، ولی هر موقعی که بخواهید، آنها را هم می‌توانم تذکر بدهم.

در این صورت، تصدیق خواهید کرد که من مضایقه از ایفای تقبل خود نکرده‌ام، ولی البته قبول مساعدت من محدود به حدود قانون و ادای وظیفه به مسئولیت

۱. در اصل: ولی. ۲. در اصل: توانسته‌ام.

۳. منظور، قانون مربوط به استخدام میلسپو است.

وزارتی است.

۵- نسبت به لایحه [دو] دوازدهم، چون یقین دارم شما با نظر من در تقلیل صدی شش - چنانکه در یادداشت فوق الذکر خود نوشته اید - موافقت نخواهید کرد و من نمی خواهم مخارج مملکتی را منتظر مباحثات بین شما و خودم بنمایم؛ لهذا، لایحه را همان طوری که نوشته اید امضاء خواهم کرد؛ ولی از مدافعه کامل آن، چنانچه تقاضا کرده اید، معذور خواهم بود.

سند ۱۵

موضوع: لزوم برچیدن اداره خالصجات در مرکز

یادداشت نصرت الدوله به خط منشی، به تاریخ ۱۷ خرداد ۱۳۰۶ (ر.ک. به سند ۱۰ / خرداد ۱۳۰۶)

سربرگ وزارت مالیه

فوری

آقای رییس کل مالیه

تعقیب یادداشت ۰۶/۲/۱۳

به شما خاطر نشان کردم که اداره خالصجات در مرکز، با ترتیب فعلی یک تحمیل بی موردی است بر بودجه و بهتر می دانم آن اداره منحل بشود.

نسبت به خالصجات تهران، نظریه من این بود که کماکان جزء مالیه تهران بوده و شعبه در [قسمت] عایدات مستقیم داشته باشد که با عده قلیلی کارهای مربوط به خالصجات و مالیات را رسیدگی [کنند] و تمرکز بدهند.

تا حال از طرف شما جوابی که متضمن تأیید نظریه من باشد نرسیده و نمی دانم اداره خالصجات را منحل کرده اید یا خیر؟

[مهر:] ورود به دفتر رییس کل مالیه به تاریخ برج خرداد ۰۶، نمره ۱۵۰۷

۱. پیش نویس این یادداشت و ترجمه انگلیسی آن نیز در مجموعه موجود است. بر فراز متن ترجمه شده، میلپو به فرانسه نوشته است: «برگشته. آ. ثی. ام ۳/۵/۶». در پایین یادداشت هم نام مترجم «سمیعی» و نام ماشین نویس «خادم» ذکر شده و علاوه بر این دو، اختصار نام اچ. اس و اختصار امضای همو دیده می شود.

سند ۱۶

موضوع: گزینش معاون پیشکاری دارایی فارس و بنادر جنوب

برگ دوم یادداشت ماشین شده و بی امضای نصرت الدوله،
به تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۰۶ [ر.ک. به سند ۲۸ تیر ۱۳۰۶]

سربرگ وزارت مالیه

آقای رییس کل مالیه

[ارجاع به نامه] نمرة ۱۴۸۶ شما

۱- انتخاب پیشکار مالیه آمریکایی با تعیین یک نفر معاون رتبه ۹ ایرانی برای اداره امور مالی فارس و بنادر جنوب، اگر از نقطه نظر ضرورت و اهمیت حوزه آن ایالت بوده است، چگونه می توان در این موقع که مازور حال به مرخصی رفته و آقای اردلان قصد توقف در مرکز دارند، به عهده کفالت آقای انتخاب الملک سابق که آخرین خدمت مشاوریه قبل از انتقال به فارس، ریاست پرسنل مالیه خراسان بوده است و اگذار شود؟

با سابقه اطلاعات کاملی که از جزئیات اوضاع عمومی و خصوصی ایالت فارس و بنادر جنوب دارم، انتصاب آقای انتخاب الملک سابق را به کفالت مالیه این قسمت مهم جنوب مملکت مقتضی نمی دانم و گمان می کنم در این تصمیم، رعایت اشخاص، بیش از مصلحت کار شده است.

لذا، عقیده خودم را برای ایفای وظیفه و مسئولیت، صریحاً اظهار می کنم: [۱] چنانچه (کذا) آقای اردلان پس از مدت استفاده [از] مرخصی حاضر برای رفتن [به] فارس نباشند، خوب است یک نفر مأمور لایق و مقتدر و کارآزموده به پیشکاری یا کفالت فارس و بنادر جنوب تعیین و اعزام بشود.

۲- با روشن نبودن قانون ۹ اردی بهشت و فصل نظامنامه وزارتت که به آن اشاره کرده اید، پس از تعیین و اعزام مأمور مالیه فارس، در موضوع حکم انتصاب آقای اردلان مجدداً مطالعه [می کنم] و نظریه خودم را اظهار خواهم داشت.

سند ۱۷

موضوع: پرداخت حقوق کارکنان قراردادی وزارت مالیه

برگ دوم یادداشت ماشین شده نصرت الدوله،

به تاریخ ۲۴ خرداد ۱۳۰۶

سربرگ وزارت مالیه

آقای رییس کل مالیه

در تعقیب یادداشت مبادله شده راجع به کنتراتیهای وزارت مالیه، چون در متحدالمال اخیر به وزارتخانه‌ها نظری اتخاذ کرده بودید که بعد از دو ماه، اول سال جاری پرداخت حقوق منوط به امضای کنترات خواهد بود، و این تصمیم را شامل وزارت مالیه نیز کرده بودید، و چون این ترتیب نظریه مرا تأمین می‌نماید، با آن متحدالمال موافقت نموده و امضاء کردم، و اینک تمنا دارم دستور صدور درخواستهای کنتراتیهای مالیه را نیز به اداره محاسبات بدهید.

اختلاف نظر اساسی که در اصل مطلب بین ما موجود شده بوسیله یادداشت دیگری توضیح [داده] خواهد شد، و این موافقت فعلی مربوط به اصل اختلاف در موضوع فرقی که پیش استخدام اشخاص با کنترات و مستخدمین دولتی موجود است نبوده و در مقام خود آن را با هم حل می‌کنیم.

نظریه خودم را هم نسبت به کنتراتیهایی که در مالیه زاید می‌دانم، علیحده به اطلاعاتان خواهم رساند که قبل از انقضای اردی بهشت مورد مطالعه و حل واقع بشود.

سند ۱۸

موضوع: ارسال قرارداد جدید میلیسو

برگ دوم یادداشت ماشین شده و بی‌امضای

نصرت الدوله، به تاریخ ۲۴ خرداد ۱۳۰۶.

سربرگ وزارت مالیه

آقای رییس کل مالیه

با نهایت مسرت صورت کنتراتی را که دولت در نظر گرفته است پس از تصویب مجلس شورای ملی با شما منعقد نماید، لفاً ارسال و موافقت شما را نسبت به آن جلب می‌نمایم.

چنانچه ملاحظه می‌کنید هیئت دولت با کمال حسن نیت برای ادامه دادن خدمت شما حاضر و امیدوارست با تجربیاتی که در مدت پنج سال اقامت در این

مملکت در آزمایش امور مالیه تحصیل کرده‌اید، از وجود شما در آتیه استفاده کاملتری برای اصلاحات اداری مالیه مخصوصاً از حیث عوامل اجراء و رفتار آنها و توسعه اقتصادیات و جرح و تعدیل قوانین مالیاتی بشود.

برای تسهیل حصول مقصود فوق و برای رفع اختلاف نظرهایی که فهم اجرای قانون ۴ اسد ۱۳۰۱ شمسی را دچار پاره‌ای اشکالات می‌نمود، و برای ازدیاد حسن جریان در امور و روشن نمودن مناسبات و روابط بین قسمتهای مختلف ادارات مملکتی که مورد توجه کامل است، دولت در مواد کنترات سابق شما اصلاحاتی به عمل آورده است که ملاحظه خواهید نمود.

امیدوارم که در اسرع اوقات ممکنه به حسن قبول شما نسبت به نظریات دولت متبوع خودم اطلاع حاصل و بر مسرت و خوشوقیتیم افزوده شود.

سند ۱۹

موضوع: مالیه خوزستان

برگ دوم یادداشت ماشین شده و بی امضای
نصرت‌الدوله، به تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۰۶

سربرگ وزارت مالیه

آقای رئیس کل مالیه

۱- راجع به اختلال اوضاع مالیه خوزستان که موجب متواری شدن عشایر و طوایف و مهاجرت آنها به خاک عراق است، راپرتهایی به خاکپای مبارک اعلیحضرت همایونی ارواحنا فداه معروض گردیده است و مقرر داشته‌اند که مفتشی مخصوص برای دادن راپرت مفصل و تشخیص مسئولیتها اعزام گردد.

۲- در نظر داشتم که مفتش طرف اطمینانی به فوریت برای تحقیق این امر روانه نمایم؛ ولی چون پیشکار مالیه خوزستان آمده است، لازم می‌دانم بدو از مشارالیه تحقیقاتی بشود، لهذا، همین دو روزه، موقعی مشارالیه را همراه خودتان پیش من بیاورید که تحقیقات لازمه بشود.

سند ۲۰

موضوع: اضافه حقوق پنج تن از مستخدمان وزارت عدلیه

نامه دستنویس بی تاریخ و بی امضای اداره استخدام وزارت

مالیه به وزارت عدلیه (ر.ک به سند ۴ / تیر ۱۳۰۶)^۱

سربرگ وزارت مالیه

اداره استخدام

دایره پرسنل

وزارت جلیله عدلیه

درخواست نمرة ۲۷۷ مورخه ۰۶/۲/۱۱ راجع به پرداخت اضافه حقوق به مستخدمین مفصله الاسامی ذیل عز وصول بخشید:

اسم	حقوق سابق	حقوق پیشنهادی
آقای شیخ عبدالعلی	۱۱۱ تومان	۲۰۰ تومان
علی خان سیاسی	۹۲ تومان	۱۵۰ تومان
سید کاظم خان صدر	۸۹ تومان	۱۵۰ تومان
اسدالله خان	۱۱۱ تومان	۱۵۰ تومان
سید هاشم مفخم	۸۹ تومان	۱۲۰ تومان

وقتی که مستخدمین کشوری در سایر ادارات دولتی به رسمیت شناخته می شدند، رتبه و حقوق آقای شیخ عبدالعلی و آقای سید کاظم خان صدر و آقای سید هاشم خان مفخم مطابق قانون استخدام قضایی قدیم معین شده و حقوق خدمتی کشوری برای آنها منظور گردید؛ زیرا مشارالیه هم شرایط لازمه قانون استخدام کشوری را از حیث طول مدت خدمتی دارا بوده اند. فعلاً مستخدمین مزبور مشمول قانون استخدام قضایی سابق نیستند؛ معذک، می توانند حقوق خدمتی کشوری خود را محفوظ دارند. در صورتی که مشارالیه هم و آقای علی خان سیاسی مایل باشند سابقه خدمت خود را محفوظ دارند، باید ترفیع آنها که قانون استخدام قضایی جدیدی وضع نشده، مطابق موازین قانون استخدام کشوری

۱. این سند تاریخ ندارد و با توجه به یادداشت یکم تیر نصرت الدوله، آن را در این جا می آوریم.

صورت گیرد و اگر از حقوقی که قانون استخدام کشوری برای آنها ایجاد کرده بخواهند صرف نظر نمایند، ممکن است حقوقی (مقرری)، قطع نظر از قانون مزبور برای آنها معین نمود. لذا متمنی است عقیده مستخدمین مزبور را در این خصوص به این اداره اطلاع دهند تا راجع به درخواست نمرة ۲۶۸ (۰۶/۲/۱۱) اقدامات لازمه به عمل آید. پس از وصول عقاید آنها، توجه بیشتری به این قضیه خواهد شد.

اسناد تیر ۱۳۰۶

سند ۱

موضوع: کاهش بودجه و انتظار خدمت برخی از کارمندان

یادداشت ماشین شده نصرت الدوله به تاریخ
یکم خرداد ۱۳۰۶ (ر.ک. به سندهای ۱۳ و ۱۴
/ فروردین و ۱۱ / خرداد و ۴۳ / تیر ۱۳۰۶).

سربرگ وزارت مالیه

آقای رئیس کل مالیه

این ابلاغات را ملاحظه نمودم و قبل از تصویب آنها توضیحات ذیل برای من
لازمست.

۱- مقصود از تقلیل بودجه که مذکور است کدام تقلیل است؟ آیا غیر از تقلیل
اعتبار از محل انحصار که مجلس مقرر داشته، تقلیل دیگری هم از بودجه وزارت
مالیه به نسبت اعتبار مصوبه در نظر گرفته اید یا خیر؟

۲- آیا این اشخاصی که منتظر خدمت می شوند، از محل اعتبار صدی هشت
انحصار حقوق می گرفته اند.

۳- در تشخیص منتظر خدمت نمودن این اشخاص و نگاهداشتن عده دیگر در
صورتی که این اشخاص از محل انحصار حقوق نمی گرفته اند - چه علتی و
مرجحاتی موجود بوده است - مثلاً کسانی را که این جانب شخصاً بین این اعضا
می شناسم آقایان خلخال و علائی از مستخدمین خیلی صحیح و کارآزموده و
جدی هستند و می خواهم بدانم که آیا بین آنهایی که با بودجه فعلی ابقاء می شوند،
حقیقتاً اشخاصی هستند که از حیث سابقه و لیاقت به آنها برتری داشته باشند یا
خیر؟

سند ۲

موضوع: پاسخ میلیسپو به خرده گیریهای نخست وزیر

نامه ماشین شده نصرت الدوله به تاریخ یکم
خرداد ۱۳۰۶ (ر.ک. به سند های ۲۲ /
اردی بهشت و ۸ / خرداد و ۲ / تیر ۱۳۰۶).

سربرگ وزارت مالیه

آقای رییس کل مالیه

در تلو نمرة (۶۵۷) از ملاحظات شما در اطراف مراسله نمرة (۵۳۸) حضرت
اشرف رئیس الوزراء مستحضر گردیدم.

چون در قسمت دوم و سوم یادداشت شما اعتراض نداشتم، مقرر داشتم که
مواد آن برای استحضار حضرت اشرف رئیس الوزراء از طرف اینجانب ارسال گردد.
ولی در قسمت اول یادداشت شما که راجع به ابلاغات و مقررات عمومی
وزارت مالیه است با نظر شما موافق نیستم و اعتراض حضرت اشرف رئیس الوزراء
را وارد می دانم، و چون در ضمن مذاکرات و مکاتبات نظریات خودم را مکرر اظهار
داشته ام تکرار آن را مایل نیستم و فقط نسبت به سوابق اشخاص و عمل اداره
استخدام مجدداً تذکر می دهم. اداره استخدام وزارت مالیه در تعبیر و عمل قانون
استخدام کشوری کاملاً برخلاف قانون رفتار و از حدود خود تجاوز نموده است.

بزرگترین مورد تخلف از قانون مأخذ گرفتن حقوق برای تعیین رتبه، اعتراضات
متواتر وکلا را در مجلس و کمیسیونها در این باب مسبوقید و می دانید که در هر
موقعی که این مطلب ابراز شده، تمام مجلس یک صدا مصدق آن بوده است. مورد
دیگر تخلف از قانون محترم شمردن احکام تمیزی است که به نفع مستخدمین و بر
طبق صلاحیتی که قانون استخدام به آن محکمه داده است صادر می گردد. البته در
نظر دارید که دو سه مورد در مدت تصدی من موقع اعتراض شدید من واقع شده
است. در حقیقت راجع به این قسمت می توان از تخلف هم عبارت شدیدتری
استعمال و این رویه را ترمذ خواند.

موارد تجاوز از حدود بسیار است و من در مدت کمی که متصدی وزارت مالیه
هستم موارد مختلفی خودم مشاهده کرده ام، از قبیل آنکه اداره استخدام برخلاف

تشخیص وزارت متبوعه مستخدم و حتی برخلاف تشخیص ادارات دیگر وزارت مالیه از قبیل محاسبات و غیره، رتبه بعضی اشخاص را دو درجه و سه درجه بالاتر برده است، چنانچه الان هم یک دوسیه از همین قبیل در تحت مطالعه من است.

سند ۳

موضوع: میزان حقوق قاضیان

برگ دوم یادداشت ماشین شده به امضای نصرت الدوله، به تاریخ یکم تیر ۱۳۰۶ (ر.ک. به سند ۲۰ / خرداد ۱۳۰۶)

سربرگ وزارت مالیه

خیلی فوری است

آقای رییس کل مالیه

این مراسله^۱ به نظر من مبهم است و اصلی را که برای تهیه آن اتخاذ شده است، نمی فهمم.

اولاً - اغلب آقایان مذکور در مراسله، مطابق اطلاعات من، قبل از انحلال عدلیه سابقه استخدام قضایی داشته و جزو قضات یا صاحب منصبان پارکه^۲ بوده اند؛ من جمله آقا شیخ عبدالعلی و آقا میرزا علی خان سیاسی، و ملتفت نمی شوم که عبارت ذیل مراسله «رتبه و حقوق آقا شیخ عبدالعلی و ... مطابق قانون استخدام قضات قدیم معین شده و حقوق خدمت کشوری برای آنها منظور گردیده، زیرا ...»، مقصود چیست؟

ثانیاً - قانون اختیارات وزیر عدلیه، اجازه تغییر میزان حقوق قضات را به ایشان داده و پس از اعمال این حق و تشخیص مقرری از طرف ایشان، چه جای ایراد برای وزارت مالیه باقی است؟

ثالثاً - اشاره به تصویب قانون جدید استخدام قضات، از چه نقطه نظر است؟ تا انقضای مدت اختیارات، آنچه وزیر عدلیه مقرر دارد مصوب مجلس است و بعد از آن هم البته هر تصمیمی در مجلس اتخاذ بشود، خود آن تصمیم تکلیف قانونی را از

۱. منظور، یادداشت اداره استخدام وزارت مالیه است که تاریخ ندارد و آن را پیشتر آوردیم.

۲. PARQUET به معنای دادسرا.

هر حیث، خواه استخدام، خواه رتبه، خواه حقوق و خواه روشن نمودن وضعیت اشخاصی که در مدت اختیارات مقامات و رتبه‌هایی را نایل شده‌اند، تعیین خواهد نمود.

رابعاً - لازم است برای احتراز از تأخیر پرداخت حقوق وزارت عدلیه که خود مانع و مخل اصلاحات اساسی قوه قضاییه و موجب مسئولیت وزارت مالیه خواهد بود، اگر ابهاماتی در مطالب است، با حضور آقای وزیر عدلیه و خود شما و این جانب و رئیس استخدام کشوری، مسایل روشن بشود. فیروز.

سند ۴

موضوع: پیشکاران آمریکایی دارایی

یادداشت میل‌سپو به خط منشی، به تاریخ ۵ تیر ۱۳۰۶

سربرگ وزارت مالیه

اداره ریاست کل مالیه

نمره ۱۸۷۷

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

در جواب مرقومه ۳۱ خرداد ۱۳۰۶ راجع به اعاده پیشکاران آمریکایی ایالات به مراکز مأموریت سابقشان، اشعار می‌دارد. فقط دو نفر از پیشکاران آمریکایی مزبور، حالیه در مرکز هستند: ماژور دیویس و مستراسپیکس. کنترات ماژور هال، به طوری که مسبوقید، خاتمه یافته و مشاوریه از ایران خارج شده است. در فارس و آذربایجان و گیلان، اشخاص ذیل در عوض پیشکاران آمریکایی کفالت می‌کنند:

در فارس آقای انتخاب‌الملک

در آذربایجان آقای جمالی

در گیلان آقای دولتشاهی

اگر بالفرض مستراسپیکس و ماژور دیویس به ایالات مربوطه مراجعت کنند، به عقیده جنابعالی کدام یک از آمریکاییها باید وظایف ریاست عایدات داخلی و معاونت اداری را انجام بدهند؟

[امضای لاتین میل‌سپو]

سند ۵

موضوع: لایحه جدید مالیاتی و مسئولیت رییس کابینه وزارتی^۱

یادداشت حسن ناصر رییس کابینه وزارتی و
یادداشت نصرت الدوله به تاریخ ۵ تیر
۱۳۰۶ (ر.ک. به سند ۹ و ۱۳ / تیر ۱۳۰۶)

به عرض برسد.

در موضوع لایحه مالیات انحصار و غیره که دیروز به مجلس شورای ملی تقدیم شده است، آقای رییس کل مالیه امروز از بنده توضیحاتی خواسته و مذاکراتی فرموده‌اند و معلوم شد که با تغییرات لایحه، هنوز موافقت نظر حاصل نشده و مینوت لایحه هم به امضای ایشان نرسیده است، و این ترتیب خلاف نظامنامه مراسلات و ضبط کل بوده و مسئولیتی برای فدوی تولید کرده است. اجازه فرمایید لایحه مذکور به عنوان تجدید نظر از اداره تقنینیه خواسته شود و بلافاصله پس از موافقت نظر آقای رییس کل مالیه عودت داده شود. حسن ناصر
آقای ناصر

کابینه وزارتی [است] و رییس آن فعلاً شما هستید. در مقابل هیچکس غیر از وزیر مالیه مسئولیتی ندارید و امر وزیر مالیه در آن اداره مقدم بر امر نظامنامه است. در موضوع این لایحه و تقدیم آن به مجلس از طرف من، اگر آقای رییس کل مالیه نظر یا اعتراضی دارند، باید به خود من مراجعه کنند. اگر لازم می‌دانید نظامنامه اداری نیز اصلاح بشود، ماده [ای] تهیه و پیشنهاد کنید تا دستور لازم صادر گردد. فیروز ۵/۴/۰۶

سند ۶

موضوع: مازاد درآمدهای ۱۳۰۵

برگ دوم یادداشت ماشین شده
میلسپو، به تاریخ ۵ تیر ۱۳۰۶

نمره ۱۸۱۰

۱. این سند در مجموعه نیست و ما آن را از جای دیگر گرفته‌ایم: «مبادله مراسله بین رییس کل مالیه و وزیر مالیه». اطلاعات، ش ۲۴، ۲۵۹، تیر ۱۳۰۶.

سربرگ وزارت مالیه

آقای رئیس کل مالیه

راجع به لایحه صرف مازاد عواید ۱۳۰۵ اشعار می دارد - بطوری که مسبوقید در موقع مذاکره نسبت به این موضوع مالی فرصت حضور در هیئت وزراء به من داده نشده و هیئت دولت قبل از اتخاذ تصمیم قطعی در آن باب با این جانب مشورت نکرده اند - راجع به لایحه مزبور نظریات چندی دارم که در یکی از دو موقع ذیل اشعار خواهم داشت.

- ۱- پس از آنکه لایحه توسط هیئت دولت از مجلس مسترد شد، مطابق مقررات قانون ۴ خرداد (اسد) ۱۳۰۱ راجع به آن مطالعات مقتضیه به عمل آید.
- ۲- موقعی که پس از گذشتن لایحه از مجلس شورای ملی درخواستهای پرداخت وجه بر طبق آن برای امضای این جانب ارسال می شود.

رئیس کل مالیه

دکتر میلیسپو

سند ۷

موضوع: مخالفت میلیسپو با دخالت نصرت الدوله در مورد احکام پرسنلی

یادداشت ماشین شده میلیسپو، به تاریخ ۵ تیر ۱۳۰۶ (ر.ک).
به سند بعدی)

سربرگ وزارت مالیه

اداره ریاست کل مالیه

نمره ۱۸۹۸

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

غالباً احکام پرسنلی را اعاده و دلایل توصیه و نظریات این جانب را استفسار می فرمائید، بطوری که مسبوقید دولت ایران صریحاً و من غیر شرط متعهد است که نظریات من راجع به پرسنل مالیه موافقت نماید. اگر به من اطمینان بدهید که این تعهد را رعایت نمائید و رعایت خود را به دریافت توضیحاتی که برای جنابعالی رضایت بخش باشد منوط نسازید، آن وقت توضیحاتی را که خواسته اید خواهم داد. این توضیحات البته فقط برای اطلاع جنابعالی خواهد بود، نه برای آنکه مبنی

بر اساس اقدامی از طرف جنابعالی واقع شود، زیرا من به هیچ وجه حاضر نیستم از رعایت این تعهد مشروط و غیرمقید به نحو اتم و اکمل از طرف ایران غمض عین کرده و یا راجع به آن قرار و مداری با دولت بگذارم.

رئیس کل مالیه
دکتر میلسپو

سند ۸

موضوع: احکام پرسنلی تعیین و پیشکار آمریکایی برای غرب ایران

برگ دوم نامه‌ ماشین شده نصرت‌الدوله بر روی
کاغذ بی سربرگ، به تاریخ ۶ تیر ۱۳۰۶.

آقای رئیس کل مالیه
نمره ۱۸۹۸ شما

در موضوع احکام پرسنلی تعهد بلا شرط دولت را در قبول نظریات خودتان تذکر داده بودید. در یکی دو مورد سابقاً عقیده خودم را در این باب اظهار و حالیه نیز تکرار می‌کنم. در اجرای قانون ۴ اسد همان طور که به حفظ اختیارات قانونی وزیر مالیه شنیدم، همانطور هم احترام حقوق مصرحه را می‌نمایم و ابداً اعتراضی به این معنی ندارم که موضوع پرسنل تعهد دولت در قبول تعهد نظریات شما بلا شرط است. با وصف این حال بی مورد نمی‌دانم تأکید نمایم که این تعهد و انجام آن منافی تحقیق و فهم موجبات آن تصمیمات است. بعلاوه تصدیق می‌کنید که از نقطه نظر حفظ حسن جریان اداری و رفع مسئولیت، من مجبورم انتخابی یا تعلیقاتی را که مخالف مصالح و منافی حق و عدالت می‌دانم اظهار نمایم، تا در مقابل افکار عموم شریک نتایج سوء آن نگردم و البته در صورتی که پس از اطلاع به نظریات من شما اصرار در عقیده خودتان نمائید، در موضوع پرسنل بواسطه حق قانونی که دارید اعتراضی نخواهم داشت.

من جمله شما برای امضای من حکمی فرستاده‌اید که تمام صفحه غرب را ضمیمه کرمانشاهان کرده و به ریاست مستر دانوی واگذار کرده‌اید. البته من نمی‌توانم با اطلاعات کاملی که به وضعیت اداره مالیه کرمانشاه در مدت تصدی مستر دانوی دارم و مخصوصاً اطلاعاتی که به عملیات ارزاقی آنجا قبل از وزارت

مالیه و بعد از آن به من رسیده است، این اقدام شما را حسن تلقی کرده و بدون تردید و تزلزل مصدق آن واقع بشوم - اگر شما گوش فرا داده و اظهارات مطلعین به آن صفحه را بشنوید و بدانید که در باره مستر دانوی چه چیزها گفته می شود، یقین دارم که خودتان راضی به توسعه اداره او نشده، بلکه قبل از تحقیق و تفتیش کامل آن را به کرمانشاهان عودت نخواهید داد.

گذشته از این مراتب منصفانه از شما می نمایم، کدام دلیل علمی و عملی الزام می نماید که مالیه لرستان و بروجرد و ولایات ثلث و همدان و کردستان و کرمانشاهان را جمعاً در تحت اداره یک نفر واگذار کنید. این آدم هر قدر لایق و کاردان باشد، نخواهد توانست مسئولیت چنین مأموریتی را کاملاً عهده دار و وظایف محوله را به صحت انجام دهد.

بعلاوه آیا فکر می کنید که اگر بعد از پنج سال ممارست در امور، هنوز بین رؤسای ایرانی اشخاصی لایق و صحیح العملی را که شایسته پیشکاری و امانت مالیه این قبیل نقاط باشند نشناخته باشید و یا در صورت اعتقاد به آنکه چنین اشخاصی فعلاً وجود نداشته اند، در این مدت چند نفری را خودتان برای این مأموریت ورزیده و آزموده نکرده باشید باید نهایت یأس و تأسف را پیدا کرد.

در هر حال در موضوع مخصوص حکم دانوی صریحاً باید بدانید که من به هیچ قیمتی شریک این امر واقع نخواهم شد و اگر اظهارات مرا که در این مورد صرف صورت نصیحت و راهنمایی دارد نپذیرند، تمام عواقب چنین تصمیمی را به عهده خودتان واگذار خواهم کرد.

سند ۹

موضوع: لایحه مالیاتی جدید و کاهش احتمالی درآمد نفتی

یادداشت ماشین شده میلسپو به تاریخ ۷ تیر ۱۳۰۶ (ر.ک. به سند ۵ و ۱۳ / تیر ۱۳۰۶).

۱. این نامه در روزنامه اطلاعات (ش ۲۵۴، ۱۰ تیر ۱۳۰۶) و چند روزنامه دیگر آن روز و روزهای بعد چاپ شده است. در باره کاهش درآمدهای نفتی ایران و اثرهای آن بنگرید به گزارش میرزا عیسی خان فیض کمیسر ایران (سند ۱۲) و نامه نصرت الدوله وزیر دربار (سند ۶) در کتاب زیر:

سربرگ وزارت مالیه

اداره ریاست کل مالیه

نمره ۱۹۰۹

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

نظر به اینکه اخیراً یک فقره لایحه مالیاتی جدیدی را به مجلس شورای ملی تقدیم کرده‌اید، لازم می‌دانم به جناب عالی خاطرنشان کنم که این جانب لایحه مزبور را تصویب نکرده‌ام. این لایحه، با آنکه هرگز رسماً به هیئت وزرا ارسال نشده بود، معذالک هیئت وزرا آن را مورد مذاکره قرار داده و در موقع مذاکره هم به این جانب فرصت حضور در هیئت را ندادند و قبل از اتخاذ تصمیم قطعی در آن باب، مشورت لازم را با این جانب به عمل نیاوردند. جناب عالی، دو سه روز پیش مینوت لایحه را برای این جانب فرستاده و تقاضای تهیه مقدمه آن را می‌نمایید؛ ولی قبل از آنکه من فرصت کرده اعتراضات و نظریات خود را نسبت به لایحه اشعار دارم، لایحه را به مجلس شورای ملی تقدیم می‌کنید.

صدور این لایحه از وزارت مالیه برخلاف مقررات نظامنامه، مراسلات و ضبط وزارت مالیه صورت گرفته و در این باب رییس دایره مراسلات و ضبط کل، این قسم توضیح می‌دهد که در موقعی که جناب عالی معجلاً تقاضای ثبت و ارسال لایحه را می‌نمودید، مشارالیه از شما پرسیده است که آیا این جانب با لایحه موافقت کرده‌ام یا خیر؟ جناب عالی جواب گفته‌اید که آری موافقت من حاصل شده است! حال آنکه به خوبی می‌دانید که من لایحه مزبور را با آخرین تغییراتی که در آن داده شده بود، مطلقاً تصویب نکرده‌ام. ضمناً، مراتبی را که راجع به این لایحه بایستی مورد ملاحظه واقع شوند، ذیلاً خاطرنشان می‌کنم.

نظر به مقداری زیادی نفت که اخیراً در آمریکا علاوه بر معمول سابق استخراج کرده‌اند و منجر به تنزل قیمت نفت در بازارهای عالم شده، در سال ۱۳۰۷ بابت

→ نفت در دوره رضاشاه؛ تجدیدنظر در امتیازنامه داری (قرارداد ۱۹۳۳)، تهیه و تنظیم [از] ← اداره کل آرشیو اسناد و موزه دفتر رئیس‌جمهور، زیر نظر یعقوب آژند [و دیگران]، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۸، ص ۲۷ - ۲۸ و ۳۹-۴۲.

حق‌الامتیاز دولت از شرکت محدود نفت انگلیس و ایران تخمیناً دو کرور تومان^۱ کسر عایدی تولید خواهد کرد؛ مگر آنکه بودجه خرج به همان میزان کاسته شود. بدیهی است که سال آینده کسر دخل به قدری گزاف خواهد بود که اساساً مالیه مملکت را دچار مخاطره خواهد ساخت.

تغییراتی که در بند [های] (ه) و (و) از ماده ۲ داده شده مخالف اطمینانی است که دولت ایران به مجمع اتفاق ملل داده است.^۲

این تغییرات به عقیده من اقتضا و ضرورتی ندارد. دولت ایران به مجمع اتفاق ملل وعده کرده است که پیشنهادهایی به مجلس شورای ملی تقدیم خواهد نمود. اگر پیشنهادهای مزبور را نکند، تعهدات معنوی و اخلاقی خود را نقض نموده و بدیهی است در نتیجه، از اعتماد دول خارجه به صدق اظهارات دولت ایران تا درجه [ای] کاسته خواهد شد و حال آنکه دولت ایران با تقدیم لایحه به مجلس، به سهولت به وعده خود وفا می‌کند و اگر تغییری در مواد مزبور مقتضی باشد، ممکن است مجلس شورای ملی آن تغییرات را بدهند. راه اصلاح این سهو که از طرف دولت شده، آن است که لایحه را از مجلس شورای ملی مسترد دارید تا تجدید نظر لازم در آن به عمل آید و مجدداً به ساحت مقدس مجلس تقدیم شود.

یکی از حقوق و وظایف قانونی من، اظهار نظر در مسائل مالی است. هیچ مسئله مالی از موضوع این لایحه که در کلیه عایدات داخلی مملکت مؤثر می‌باشد، مهمتر نیست. هیئت دولت باید متوجه باشند که اگر از جلب نظر من در این باب کوتاهی کنند یا از قبول نظریات این جانب نسبت به موضوع مهم مزبور خودداری نمایند، مسئولیت عواقب چنین اقدامی کاملاً متوجه خود دولت خواهد بود و بس.

[امضای میلیسپو به لاتین] رییس کل مالیه

۱. کرور: پانصد هزار یا نیم میلیون.

۲. مربوط به تعهدی است که دولت به مجمع ملل مختلف در مورد کاستن از تولید تریاک داده بود و در پاسخ نصرت‌الدوله (سند ۱۳ / تیر ماه ۱۳۰۶) به آن اشاره شده است.

سند ۱۰

موضوع: کارکنان قراردادادی

پیش‌نویس یادداشت نصرت الدوله به
خط خود او، به تاریخ ۷ تیر ۱۳۰۶.

سربرگ وزارت مالیه

آقای رییس کل مالیه

کنترتهای ارسالی مستخدمین مالیه را ملاحظه نمودم. اساساً با لزوم استخدام اکثر آنها با تشکیلات فعلی موافقم؛ ولی چون بودجه ۱۳۰۶ هنوز از مجلس نگذشته و چون در تشکیلات مالیه خود این جانب نظری دارم که موقع اعمال آن در بودجه خواهد بود (کذا) و چون در صورت جرح و تعدیل تشکیلات، البته در موضوع مستخدمین کنتراتی نیز تجدید نظری لازم خواهد شد، لهذا مرجع می‌دانم که قبل از تعیین تکلیف قطعی، کنترتها را امضاء ننمایم. به این جهت، فعلاً مقتضی است پرداخت حقوق مستخدمین مزبور را، چنانچه (کذا) برای فروردین و اردیبهشت قبل از امضای کنترتها اجازه داده بودیم، برای خرداد و تیر هم تجدید اجازه بنماییم تا ان شاء الله در این مدت بودجه تفصیلی از مجلس گذشته و پس از تعیین تکلیف تشکیلات، کنترات مستخدمین لازم به امضاء برسد.

سند ۱۱

موضوع: مخالفت میلسپو با تماس اداری وزیر مالیه و کارکنان آمریکایی^۱

نامه‌های مابین شده نصرت الدوله، به تاریخ ۷ تیر ۱۳۰۶

آقای رییس کل مالیه

یادداشت نمرة ۸۳۲

گرچه در این موقع که مشغول مطالعه اصلاحات پیشنهادی دولت در موضوع تجدید کنترات خودتان هستید، نمی‌خواهم به بحث از اختلاف نظرهایی که در فهم و تعبیر قوانین و تشخیص وظایف بین شما و این جانب موجود است ادامه بدهم و

۱. این نامه در روزنامه‌ها نیز به چاپ رسیده است: «مبادلهٔ مراسله بین رییس کل مالیه و وزیر

مالیه»، اطلاعات، ش ۲۵۹، ۲۴ تیر ۱۳۰۶.

امیدوارم که به واسطه توضیحات و اصلاحاتی که در کنترات آتیه شما پیش بینی شده است این سوء تفاهمها و مناقشه‌ها بکلی خاتمه یافته و مصالح حسن جریان امور اداری بهتر از این مصون و محفوظ بماند؛ ولی چون مطلبی را که نسبت به مأمورین آمریکایی وزارت مالیه تذکر داده و نوشته‌اید که این جانب نظر به قانون ۴ اسد ۱۳۰۱ و اردی بهشت ۱۳۰۴ باید شما را وسیله مراجعه به آنها قرار دهم، موضوعی است که در جریان امور اداری و ایفای وظایف وزارتی مؤثر است، لازم می‌دانم تذکرات ذیل را بنویسم:

۱- قانون ۴ اسد که وظایف و اختیارات شما را معین و همه جا آن را محدود به مسئولیت قانونی وزرا و نظارت و هدایت و تصویب وزیر مالیه می‌نماید، ناقض هیچ یک از اختیارات قانونی وزرا و قوانین دیگر مملکتی نیست و تمام ادارات و شعب و اعضا و اجزاء وزارت مالیه در امور اداری و انجام وظیفه خود کاملاً و مستقیماً مسئول وزیر مالیه هستند. مخصوصاً اگر مراجعه به ماده ۱۰ تشکیلات مالیه بنماییم، ذهنتان بیشتر روشن خواهد شد.

۲- اگر ماده ۱۱ قانون اسد ۱۳۰۱ و مواد ۴ و ۵ قانون اردی بهشت ۱۳۰۴، مستخدمین آمریکایی را معاون رییس کل مالیه و مسئول مشارالیه نموده است، از نقطه نظر تعیین روابط و حفظ اطاعت شخص آنها نسبت به رییس کل مالیه است؛ ولی این نظر، به هیچ وجه رؤسای ادارات وزارت مالیه را، ولو از معاونین رییس کل مالیه باشند، از ارتباط مستقیم با وزیر مالیه ممنوع نمی‌دارد.

۳- مراجعات من همیشه به ادارات وزارت مالیه است که ادارات تابع شخص وزیر مالیه هستند. اگر به واسطه این که از مستخدمین آمریکایی به ریاست آن ادارات منصوب هستند، آنها در حقیقت مخاطب و ملزم به جواب من می‌شوند، بحثی بر این جانب که می‌خواهم مستقیماً در ادارات تابعه خودم نظر داشته باشم، وارد نمی‌آید.

۴- البته تصدیق خواهید کرد که در این مدت به جوابهایی که از ادارات در مقابل سؤالات مستقیم من به امضای شما رسیده است، هیچ اعتراضی نکرده‌ام و اغلب در مواقعی که محتاج به مذاکره شفاهی با مدیران آمریکایی بوده‌ام، به خودتان مراجعه و آنها را توسط شما احضار کرده‌ام. این ملاحظات، فقط برای رعایت ظاهر قانون و روابط مستخدمین آمریکایی با شما بوده است، و نخواسته‌ام تولید اشکالی

بین آنها و شما نموده باشم، در صورتی که من می توانستم تأکید کنم که مراجعات ادارات مالیه با من مستقیم باشد، ولو آنکه در این مراجعات، معاونین ایرانی ادارات طرف سؤال و جواب و مکاتبه بشوند.

۵- به علاوه، باید تصدیق کنید که من همیشه برای تحقیق و حل قضایا بیشتر مایل به مذاکره و مکاتبه با خودتان بوده ام؛ ولی دو چیز که موجب بطوء^۱ جریان فوق العاده است، مرا از این نظریه گاهی منصرف می نماید:

اول - احتیاج شخصی خودتان به رؤسای آمریکایی ادارات و الزام آنها به تحقیق و استعلام قضایا از معاونین و رؤسای ایرانی ادارات؛

دوم - گرفتاری زیاد شما به ملاقات و مکاتبه با اشخاص خارج اداری و غیبت بعضی روزهای کار از وزارتخانه، برای شما فرصت کافی نمی گذارد که در مقابل احتیاجات مکرر هر روزه من برای مذاکره و دادن توضیح به من به فوریت حاضر بشوید و البته من هم نمی توانم مهام امور را به واسطه این وضعیات معوق بگذارم. به علاوه، از تطبیق تاریخها ممکن است معلوم نمود که بعضی مسائل فوری که به دفتر شما فرستاده شده، تا چه اندازه دچار تعویق و بطوء گردیده است. فیروز.

سند ۱۲

موضوع: پرداخت به هوشیار از محل اعتبار یکک سیاسی

برگ دوم نامه ماشین شده نصرت الدوله بر روی کاغذ بی سربگ، به تاریخ ۸ تیر ۱۳۰۶ (ر.ک. به سندهای ۹ و ۱۳ / تیر ۱۳۰۶).

مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت شوکته

در جواب دستخط خصوصی راجع به پرداخت درخواست از محل اعتبار مخصوص کوریه وزارت خارجه در حق آقای هوشیار و تأکید در اینکه این بنده اقدام لازم را در تسریع آن بنمایم، خاطر مبارک را مستحضر می سازم که در مقابل تأکیدات و اخطارهای قانونی مکرر این بنده آقای رئیس کل مالیه برخلاف قانون و برخلاف تعهدات که به موجب قانون ۳ اسد ۱۳۰۱ شمسی در مراعات قوانین

۱. بطوء: بطئی بودن، کندی و آهستگی.

مملکتی و مسئولیت وزراء نموده‌اند، از امضای درخواست خودداری کرده‌اند و علت عدم پرداخت به این دلیل بوده است، مخصوصاً تمنی دارم به یادداشت‌هایی که در این باب به ایشان نوشته‌ام و سواد آن را به کابینه ریاست وزراء فرستاده‌ام، مراجعه فرمائید تا کاملاً خاطر مبارک از جریان مسبوق شود.

سند ۱۳

موضوع: لایحه جدید مالیاتی و اعتراض به میلسپو^۱

نامه استنسیل^۲ شده نصرت‌الدوله به خط خوشنویس،
به تاریخ ۸ تیر ۱۳۰۶ (ر.ک. نامه ۷ تیر میلسپو)

سربرگ وزارت مالیه

آقای رئیس کل مالیه

یادداشت نمره ۱۹۰۹ مورخه ۷ تیر شما واصل [شد] و موجب تعجب گردید.
۱- اظهار داشته‌اید که راجع به لایحه جدید مالیاتی، قبل از اتخاذ تصمیم قطعی با شما مشورت نشده است. برای آنکه مطلب خوب روشن [شود] و تردیدی را که نسبت به این اظهار شما می‌نمایم قابل شبهه نباشد، لازم می‌دانم که مقدمات تهیه و تقدیم این لایحه را کماکان به شما تذکر بدهم.

البته در خاطر دارید که برای اصلاح قانون و مالیات اربابی بر املاک و دواب مصوبه ۲۰ دی ماه ۱۳۰۴ شمسی، لایحه [ای] در مالیه تهیه و اساس اصلاحات را مبنی بر وضع مالیات بر قیمت املاک نموده بودند. بعد از آنکه این لایحه مورد اعتراض در هیئت وزراء گردید و مقرر شد که تجدید نظری بشود، مذاکراتی در اطراف وضع مالیاتهای انحصاری و الغاء یا تقلیل مالیاتهای ارضی بین شما و این جانب [به] میان آمد و در همان اوقات از طرف اعلیحضرت همایونی در ملاقات با خودتان و بعد توسط حضرت آقای وزیر دربار، اوامری مقرر گردید برای الغای

۱. این نامه، به صورت کامل و یا خلاصه، در اغلب روزنامه‌های آن دوره به چاپ رسیده است.

از جمله: «مراسله وزیر مالیه به دکتر میلسپو»، اطلاعات، ش ۲۵۵، ۱۱ تیر ۱۳۰۷.

۲. شیوه‌یی از تکثیر نقش یا نوشتار (ماشین شده یا دستی) با استفاده از کاغذهای ویژه مومی و مرکب که با آمدن وسایل تازه تکثیر - همچون فتوکپی - از دور خارج شد. این نام، در واقع نام چرخ الکتریکی یا دستی بود که کاغذ مومی بر آن استوار می‌شد.

مالیات ارضی و وضع مالیات بر عواید با منظور داشتن تخفیفاتی برای اشخاص ضعیف و کم بضاعت، به ترتیبی که زارع و خرده مالک و صاحبان عواید مختصر از منابع دیگر، بکلی از تحمیل مالیاتی معاف [شوند] و به ترقی فلاح و صناعت خودشان پردازند.

چندی بعد، شما از من تقاضا کردید [و] لایحه جدیدی که در این زمینه تهیه شده بود در کمیسیون مرکب از آقایان وزیر دربار و فروغی وزیر جنگ و علاء وزیر فواید عامه و خود این جانب با حضور خودتان مطرح و مورد مباحثه واقع گردید. چندین جلسه به این ترتیب مشترکاً کار کردیم تا لایحه به قالب فعلی در آمده و مورد توافق [واقع] گردید. در موقعی که پاکنویس مینوت و ترجمه آن را برای من آوردند، یکی دو فقره اشتباه داشت. آنها را رفع [کردم] و یکی دو فقره اصلاح مختصری هم به نظر خود این جانب رسیده بود [که] آنها را ضمیمه [کردم] و توسط آقایان ناصری و میرزا یانس برای ملاحظه و توافق شما فرستادم و مخصوصاً به آقایان مزبور تأکید در عجله کردم و گفتم که همان روز عصر در هیئت وزراء لایحه را مطرح خواهم کرد. این توافق بین شما و من حاصل گشت و در یک فقره از اصلاحاتی که نموده بودم، تردید کرده بودید و آن را به صورت اولیه در آوردیم.

این مقدمه کاملاً ثابت می نماید که در لایحه، به ترتیبی که تا آن روز تهیه و تدوین شده بود، توافق نظر حاصل [است] و مشورت به معنای اتم و اکمل این کلمه به عمل آمده بود. پس از یکی دو جلسه مذاکره در هیئت وزراء، در آن جا هم توافق نظر حاصل گردید و تغییری که در لایحه داده شد، اولاً چند فقره اصلاح عبارتی بود و ثانیاً حذف دو قسمت، یکی تخصیص تاده سال صدی هفتاد و پنج عواید مالیات بر عایدات برای توسعه و ترقی فلاح و دیگر، تغییر مختصری در بند [های] (ه) و (و) قسمت (ب) از ماده ۲ راجع به زراعت تریاک. لایحه را با این اصلاحات، در ۲۹ یا ۳۰ خرداد توسط ماژور دیویس برای شما ارسال و تقاضا کردم که مقدمه [ای] برای آن تهیه نمایید و مسلم داشتم که چون تغییرات حاصله از مشورت در هیئت وزراء، به اصل و مبنای لایحه از حیث جنبه مالی هیچ تغییری وارد ننموده است، اختلاف نظری موجود نخواهد بود.

صبح ۳۱ خرداد یادداشتی به شما نوشته و مطالبه لایحه و مقدمه آن را نمودم. در ذیل آن به خط خودتان نوشته بودید که «لایحه امروز صبح به من رسیده و به این

جهت اعاده آن به این زودی ممکن نیست؛ بدون آنکه ابداً اشاره به وجود اختلاف نظری در اصل موضوع کرده باشید. مجدداً همان روز به شما نوشتم که خوب است به دفتر من بیایید که در مقدمه آن مذاکره و لایحه را برای تقدیم به مجلس در جلسه پنجشنبه اول تیر حاضر کنیم. جواب به من دادید که مشغله شما مانع از ملاقات و مذاکره با من در آن روز است.

روز پنجشنبه مجدداً برای مطالبه لایحه به شما پیغام دادم، ولی باز نتیجه [ای] حاصل نشد. روز شنبه ۳ تیر، این مطالبه را باز بی نتیجه تجدید کردم. بالاخره بر من معلوم شد که اساساً در این تأخیر، به جهاتی که ذکر آن را لازم نمی دانم، تعمدی دارید و دیگر من انتظار بیشتر را جایز ندانسته، مقدمه را خودم تهیه و لایحه را روز یکشنبه چهارم تیر ماه به مجلس تقدیم نمودم.

البته تصدیق می کنید که مشورت در امور مالی مقرر در ماده ۶ قانون ۴ اسد ۱۳۰۱^۱ کاملاً به عمل آمده بود؛ زیرا تهیه کننده لایحه خودتان بودید و در جلسات متعدد کمیسیون مذکوره در فوق حاضر و با توافق نظر خودتان تنظیم این لایحه قطعی گردیده بود و مختصر تغییرات در هیئت وزراء هم به هیچ وجه مؤثر در مسائل اساسی نبود.

۲- اما اعتراضاتی که به لایحه مزبوره در یادداشت خودتان کرده اید، بیش از قسمت اول بهت آور است و حقیقتاً نمی دانم آیا درست در اطراف آن تأمل کرده اید یا خیر؟

اولاً می نویسد که این لایحه دو کروار تومان کسر عایدی تولید خواهد کرد. البته این کسر عایدی از اصلاحات هیئت وزراء تولید نشده است؛ زیرا چنانکه (کذا) اشاره کرده ام، هیچ یک از آن تغییرات، مؤثر در اصل لایحه نبوده است، بلکه تخصیص صدی هفتاد و پنج مالیات بر عایدات به توسعه و ترقی فلاحات - که منظور مهم این لایحه بود و خودتان هم موافقت کرده بودید و فقط از نقطه نظر احتیاط، در هیئت وزراء حذف شد و این جانب در نظر داشتم که پس از مشاوره با کمیسیون مجلس، این قسمت را مجدداً به لایحه بیفزایم - می بایستی نگرانی کم شدن عواید را در مقابل مخارج مملکتی کمتر بنماید. باید اذعان کنید که اگر چنین

۱. مقصود، قانون استخدام میلپو است (سند ۱).

احتمال کسری صدق داشته باشد، فقط مربوط به عدم مطالعه خودتان در موقع تنظیم لایحه و موافقت با آن در کمیسیون بوده است.

آیا در خاطر دارید که در باب عواید محتمله از این قانون، چه مذاکراتی در کمیسیون شد؟ مخصوصاً اظهار آقای وزیر دربار را که موکداً می‌گفتند اگر انحصار [قند و چای] لااقل پنج شش میلیون عاید خالص نداشته باشد، تأسیس بی‌فایده است. آیا در خاطر دارید که در کمیسیون، مکرراً این جانب به شما و مؤسس خان و ناصری^۱ خطاب کرده و تقاضای تعیین ارقام تقریبی و احتمالی را راجع به کسر مالیات ارضی و عواید جدید از مالیات غیر ارضی و انحصار نمودم؟ بعد از تمام این مذاکرات و مطالعات بود که توافق قطعی حاصل [شد] و لایحه برای جریان عادی خود خاتمه یافت (کذا).

ثانیاً اعتراض به بند (ه) و (د) از ماده ۲ نموده و این اعتراض را متکی به تعهدات نسبت به جامعه ملل می‌کنید. آیا فراموش کرده‌اید که تعهدات دولت در جامعه [ملل] از امور سیاسی مملکتی است و قابل بحث از طرف شما نیست و شما یک نفر مستخدم خارجی دولت ایران هستید [و] تا در خدمت دولت هستید، در کاغذی که برای انتشار تهیه کرده‌اید، نباید به دولت ایران نسبت نقض و خلف تعهدات در مقابل دول دیگر بدهید؟ علی‌الخصوص که متأسفانه این اظهار شما نیز کاملاً ناشی از عدم مطالعه و دقت در تعهدات دولت است؛ زیرا اگر به صفحه سوم راپرت نمایندگان ایران در موضوع تریاک که توسط دارالانشاء جامعه [ملل] نمرة ۰۴ / سی C/04 طبع شده است مراجعه بنمایید، خواهید دید که تمام مواردی که دولت تعهد کرده است به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید، در مراسله آقای مصطفی قلی خان هدایت^۲ تحت نمرات ۱ با تبصره ۲ با تبصره ۳ و ۴ ذکر گردیده است، در قسمت (ه)

۱. دو تن از همکاران میلپو. مؤسس خان از کارمندان و میرزا محمودخان ناصری (مصدق‌الدوله) معاون اداره مالیاتهای مستقیم بود. ناصری را دولت به بغداد برای پیشواز میلپو فرستاد. میلپو او را «فهمیده و وارد به امور مالی ایران» و «یکی از کارمندان با ارزش و ساعی» خود توصیف کرده است (مأموریت آمریکاییها در ایران، ص ۴۴). مؤسس خان بعد از رفتن میلپو، کفیل اداره عایدات داخلی شد.

۲. مصطفی قلی هدایت معروف به کمال هدایت و ملقب به فهیم‌الدوله برادر حسنعلی نصرالملک هر دو فرزندان حسینقلی مخبرالدوله دوم و اخوی زاده‌های مهدیقلی ←

با تبصره ۲ از ماده ۲ لایحه پیشنهادی، بدون کسر و نقصانی مذکور است.

۳- نظر به اظهاراتی که در موضوع مالیاتی در قسمت تولید کسر عواید نموده‌اید، لازم است بدون فوت وقت توضیحات کامل خودتان را با مستند نمودن آنها به ارقام صحیح به من راپرت نمایید که پس از عرضه شدن به هیئت دولت در موقع رسیدگی به لایحه در کمیسیون، نظریات شما ملحوظ گردد و مخصوصاً ذکر کنید چرا این توضیحات را در موقع مطالعه لایحه در کمیسیون اظهار نداشتید و یا بعد به خود این جانب نگفته و یا در موقعی که لایحه تحت مطالعه هیئت وزراء بوده است، تقاضای حضور برای اظهار این نظرها و تقاضای اصلاحات در پیشنهادات (کذا) اولیه خودتان نکرده‌اید؟

۴- در یادداشت خودتان اشاره به احتمال کسر عواید نفت برای سنه ۱۳۰۷ نموده و آن را به مبلغ دو کرویر تومان تخمین زده‌اید. اظهارات کمپانی نفت جنوب و کمیسر ایران را در لندن که مدرک این اطلاع شما است دیده‌ام و تحقیقاتی هم از خارج در اطراف این قضیه نموده‌ام. البته احتمال کسر عایدی از این ممر برای سنه ۱۳۰۷ موجود است^۱؛ ولی چون این اظهار را در این چند روزه اخیر مکرر به اقسام مختلف نموده‌اید، می‌خواهم به شما تذکر بدهم که اصلاً مسجل نمودن این گونه کسور قبل از رسیدن محاسبه و مدارک قطعی، دور از مصالح ایران بوده و ثانیاً اگر چنین کسری هم موجود [باشد] و به مبلغ دو کرویر بالغ بشود (چیزی که هنوز معلوم نیست)، باعث اضطراب و تشویش یک مملکتی نخواهد بود و ایجاد نگرانی و اضطراب را خود شما شایسته نخواهید دانست.

وزیر مالیه فیروز.

سواد شرح فوق، برای اطلاع نمایندگان محترم مجلس شورای ملی ارسال می‌شود.

→ مخبر السلطنه هستند. مصطفی قلی در سال ۱۲۹۹ در کابینه سپهدار رشتی کفیل وزارت امور خارجه و در سال ۱۳۰۲ در کابینه مشیرالدوله وزیر پست و تلگراف و تلفن بود.
۱. این پیش‌بینی درست بود و با وجود افزایش تولید، درآمد کاهش یافت.

سند ۱۴

موضوع: درخواست نظر میلیسو [پیرامون گمرک]

پیش نویس نامه نصرت الدوله به خط
خود او، به تاریخ ۱۳ تیر ۱۳۰۶

سربرگ وزارت مالیه

خیلی فوری

آقای رییس کل مالیه

البته تلگرافات (کذا) مسیو دکرکر را ملاحظه کرده اید و مسیو دلکرو هم به شما گفته است که انتظار دارم نظر شما را قبل از اتخاذ تصمیم [نسبت به] جواب آن تلگرافات از طرف دولت بدانم. چون مطلب خیلی فوریت دارد، تمنی دارم هر چه زودتر و اگر ممکن است همین امروز، مرا از نظریه و عقیده خودتان مسبق نمایند.

سند ۱۵

موضوع: سرویس ارزاق^۱

یادداشت ماشین شده میلیسو، به تاریخ ۱۳ تیر
۱۳۰۶ (ر.ک. به سند های ۵ و ۹ و ۱۳ / تیر ۱۳۰۶)

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۲۰۲۸

فوری

جناب مستطاب اجل آقای فیروز وزیر مالیه

یادداشت جناب عالی مورخ ۷ تیر ۱۳۰۶ راجع به این که امضای حواله پیشنهادی به عنوان خزانه داری کل را دایره به دادن پانصد هزار تومان قرض موقت به سرویس ارزاق^۲ برای خرید و حمل جنس ۱۳۰۶ به حاضر شدن صورت تشکیلات

۱. نصرت الدوله عبارتهای متعددی از این نامه را با مداد مشخص کرده است.

۲. اداره ارزاق برای جلوگیری از قحطی و احتکار به وجود آمده بود. همزمان با تاریخ این سند، آن اداره گزارشی مفصل در باره وضع مالی خود که موضوع این سند و شماری از دیگر اسناد این مجموعه است به وزیر مالیه داد که متن آن در روزنامه ها نیز (از جمله: اطلاعات، ش ۲۵۴، ۱۰ تیر ۱۳۰۶) به چاپ رسیده است.

و بودجه جدید انبار مطابق نقشه و دستورالعملی که به مدیر کل ارزاق داده‌اید - موقوف می‌کنید، واصل گردید.

راجع به این که اظهار کرده‌اید برای تفتیش عملیات مالی سرویس ارزاق در سال ۱۳۰۴^۱ کمیسیونی تعیین خواهد شد، موافقت کامل این جانب حاصل است. من هرگونه تفتیشی را که جناب عالی یا هیئت دولت و یا مجلس شورای ملی به انجام آن مایل باشند، با نهایت خوشوقتی استقبال خواهم نمود. این جانب، مدتی قبل از آنکه تصدی وزارت مالیه به شما تفویض شود، عده‌ای^۲ مفتش و محاسب به سرویس ارزاق اعزام نموده بودم.

مخارج سرویس ارزاق حالیه فقط به شرط تصویب رییس آمریکایی که در رأس آن قرار گرفته و امضاء محاسبی که از طرف اداره محاسبات کل معین شده است، صورت می‌گیرد. ما برای رسیدگی به محاسبات سرویس ارزاق، کلیه مساعی ممکنه را به کار برده‌ایم و امیدواریم این امر در آتی نزدیک خاتمه یابد. معذک، هیچگونه مانع و ایرادی نخواهد بود که کمیسیون مذکوره در یادداشت جناب عالی، محاسبات ارزاق را تحت مداقه کامل در آورد. برعکس، من و مدیر ارزاق، مستر بونیوال، جمیع تسهیلات ممکنه را برای پیشرفت و حصول مقصود کمیسیون به عمل خواهیم آورد.

راجع به حواله اعطاء مبلغی قرض به سرویس ارزاق برای خرید و حمل جنس که تصویب آن را جناب عالی به اتمام تجدید نظر در تشکیلات و بودجه سرویس ارزاق موقوف ساخته‌اید، باید مراتب ذیل را به اطلاع خاطر عالی برسانم: چند روز قبل، مستر بونیوال به دفتر این جانب آمده و تمایل جناب عالی را به تجدید نظر در بودجه ارزاق به استحضار من رساند. به مشارالیه دستور دادم در بودجه تجدید نظر

۱. اشاره به ماجرائی است که در مهر ماه ۱۳۰۴ ظاهراً به علت کمبود نان و ارزاق عمومی، تهران و بعضی شهرهای مملکت مغشوش شد. مردم در تهران در منزل علما جهت چاره‌جویی جمع می‌شدند و قصد حمله به مجلس را داشتند. مؤتمن‌الملک رئیس مجلس از سردار سپه کمک فوری خواست. به دستور سردار سپه نظامیان به مجلس حمله کردند و تیراندازی شد و عده‌ای کشته و زخمی شدند. در این هنگام سرلشکر امیر طهماسبی حاکم نظامی تهران شد و عده‌ای را دستگیر کرد. همین ماجرا زمینه تغییر حکومت از قاجاریه به سلسله پهلوی را فراهم کرد.

به عمل آورده، ولی هیچیک از اقلام خرجی را که برای حسن جریان امور ارزاق لزوم و ضرورت دارند، حذف نکند. ضمناً این نکته را باید در مدّ نظر بگیرید که بودجه [ای] را که مطابق قانون می‌بایست نه ماه قبل به مجلس شورای ملی تقدیم شده باشد، نمی‌توان اتصالاً مورد تجدید نظر قرار داد. اگر جناب عالی از این بودجه بکاهید، نه من و نه مستر بونیوال، هیچکدام نخواهیم توانست مسئولیت عواقب آن را به عهده بگیریم و شخص شما مسئول خواهید بود.

به خوبی می‌دانید که تأخیر خرید جنس، هم از برای سرویس ارزاق و هم برای مالکینی که به سرویس مزبور جنس می‌فروشند، تولید خسارت خواهد نمود. علائم حاکی است که سال آینده مجدداً کسر محصول خواهیم داشت و لذا مسئولیت هرگونه پیش‌آمد اسفناکی راجع به آذوقه شهر تهران در سنه آتی، فقط و فقط متوجه کسانی خواهد بود که حالیه جریان صحیح عملیات سرویس ارزاق را دچار موانع و مشکلات می‌سازند. اگر در [سالهای] ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ جناب عالی وزیر مالیه بودید و وضعیتی را که حالیه اتخاذ کرده‌اید اتخاذ می‌نمودید، هزارها نفر از اهالی تهران تلف شده بودند.

از طرف دیگر، جناب عالی بعضی اظهارات سست کرده‌اید که می‌رساند که کاملاً پی به چگونگی وضعیت نبرده‌اید. بحران ارزاقی ۱۳۰۴ [خ] از قحطی ۱۹۱۸ [م] که سبب ائتلاف جمع کثیری گردید، خیلی وخیم‌تر بود. در سال ۱۳۰۴ ما از روسیه و هندوستان و کرمانشاه و آذربایجان و خراسان غله آوردیم. برای تحصیل جنس در داخله مملکت، استخدام اعضاء و اجزاء جدید ضرورت یافت. جهت خرید جنس، که می‌بایست آذوقه اهالی پایتخت و سایر نواحی مرکزی را تأمین [کند] و نفوس ذکیه را از خطر مرگ نجات بدهد، لازم بود مبلغ گزافی وجوه اضافی صرف گردد. در قبال این خرج اضافی، دولت به عوض آنکه اقلاً برای تکافوی یک قسمت از آن، قیمت نان را بیفزایند، برعکس، قیمت را تنزل دادند. خود جناب عالی در سال ۱۳۰۴ یک نفر از وزراء بودید و از کیفیات کاملاً اطلاع داشتید.

عملیات سرویس ارزاق، مکرر در مکرر برای هیئت دولت توضیح [داده شده] و جزئیات امر هم در راپرت سه ماهه این جانب منتشر گردیده است. نه وزارت مالیه و نه این جانب، هرگز حقایق را مستور نداشته‌ایم. به علاوه، خوب اطلاع دارید که تحصیل کلیه مساعده‌های ارزاقی از بانک، برحسب تصویب هیئت وزراء بوده و

تمام پرداخته‌هایی که بابت مساعده به سرویس ارزاق شده، از طرف وزیر مالیه و این جانب، هر دو، به تصویب رسیده است. جمع و خرج سرویس ارزاق هرگز جزء بودجه مملکتی نبوده و سرویس مزبور، عملیات خود را همیشه به وسیله اعتبار متحرکی خارج از بودجه انجام داده است. در ۱۳۰۴، در موقعی که خطر قحط و غلا مرکز مملکت را تهدید می نمود، اگر به تخصیص وجه برای خرید و حمل جنس اعتراضی وارد بود، چرا هیئت وزراء در آن موقع اعتراض نکردند؟ چرا خود شما اعتراض نکردید؟

چیزی که هست، موضوع قرضه ارزاق به صورت غیرواقع جلوه داده شده و چون با آنکه مراتب را کما هو حق به اطلاع جناب عالی رسانده‌ایم، معذک ظاهراً هنوز ملتفت موضوع نیستید؛ لذا، بدون آنکه جزییات امر را تکرار کنم، رئوس مسائل را ذیلاً به اطلاع خاطر عالی می‌رسانم.

مجموع قروض سرویس ارزاق در اول خرداد ۱۳۰۶ بالغ بر ۴/۹۱۷/۹۲۸/۹۰۵ تومان بوده که فقط ۵۳۵/۸۹۷-۲۱۵ تومان آن را سرویس مزبور به بانک شاهنشاهی و تمام مابقی را به خزانه داری مقروض است. به علاوه، سرویس حمل و نقل موتوری بابت قیمت لوازم و آلات یدکی که قبلاً برای سال جاری ابتیاع شده، مبلغ ۷۱۵-۴۴۶/۵۹۸ (به اضافه ربح) به خزانه داری کل و تقریباً ۱۳۰/۰۰۰- تومان به شرکت محدوده نفت انگلیس و ایران مدیون است. در مقابل این دیون، که من حیث المجموع تقریباً بالغ بر ۵۰۰/۵۰۰- تومان است، سرویس ارزاق دارایی ذیل را دارد:

تقریباً معادل ۲ میلیون تومان جنس در مرکز و ولایات؛

بیش از ۵۰۰/۰۰۰ تومان نقدینه در مرکز و ولایات؛

یک سرویس کامل حمل و نقل موتوری که قیمت آن (هر قدر هم با محافظه کاری تخمین شود) لااقل بالغ بر یک میلیون تومان است. از ۲ میلیون تومان بقیه، یک قسمت مهم عبارت از مساعده‌هایی است که به ولایات داده شده و چون محاسبه آن در دست تصفیه می‌باشد، به حساب منظور نگردیده و یک قسمت هم عبارت از پیشکرایه [ای] است که به مکاریه^۱ داده شده و متدرجاً مسترد خواهد گشت. ضرر

۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ سرویس ارزاق، بین دو و سه کرور تومان است که پس از تصفیه قطعی محاسبات آن دو سال، حساب آن به دقت تمام معین خواهد شد. برای پرداخت یک قسمت [از] این ضرر، مبلغ -۸۰۰/۰۰۰ تومان در بودجه الحاقی ۱۳۰۵ و مبلغ -۶۵۰/۰۰۰ تومان در بودجه ۱۳۰۶ منظور گردیده است.

باید متوجه این نکته بود که جمع کل قرضه سرویس ارزاق و سرویس حمل و نقل موتوری، مبلغ -۴/۸۳۵/۰۰۰ تومان طلب خزانه داری کل، یعنی دینی است که یک اداره دولتی به اداره دیگر دارد و فقط -۵۳۵/۰۰۰ تومان طلب بانک شاهنشاهی است. در ۳۱ خرداد ۱۳۰۶، خزانه داری کل در حساب جاری خود مبلغ -۱/۷۴۰/۸۰۵ تومان وجه داشت، لذا ممکن است کلیه قرض ارزاق را به بانک شاهنشاهی از مؤسسه مزبور به خزانه داری کل انتقال داد و باید به خاطر داشته باشید که پیشنهاد این اقدام را هم چندی قبل برای جناب عالی فرستادم. پس از این اقدام، دیگر قرضی به بانک وجود نخواهد داشت و می توان تمام دین سرویس ارزاق را از محل وجوهات اضافی خزانه پرداخت.

جای تعجب است که شرح وضعیت فوق به جای آنکه موجب تبریک و تهنیت شده باشد، باعث انتقاد گردیده است! زیرا، به طوری که ملاحظه می شود، اوضاع مالی ایران، حالیه بقدری خوب و رضایت بخش است که می توان مخارج فوری و ضروری یک پیشامد وخیم را بدون آنکه واقعاً چیزی به دین دولت افزوده شود، پرداخت.

در موضوع اعطای ۵۰۰ هزار تومان مساعده پیشنهادی به سرویس ارزاق، لزوماً خاطرنشان می کنم که مساعده مزبور در حدود اعتبارات موجود است. سرویس ارزاق تاکنون هرگز بدون مساعده های نقدی نتوانسته است کار کند. جنس را باید در سر خرمن خرید و بلافاصله بعد از آن ابتیاع نمود. خرید و تهیه ذخیره از پولی که متدرجاً از فروش غله موجوده در انبار حاصل می شود، عملی نیست و به هر حال، سرویس ارزاق مساعده اعطایی را پس از دریافت از محل عواید خود مسترد خواهد داشت. ایضاً، سایر محلهایی که در یادداشت خود ذکر کرده اید، برای خرید جنس به مقدار لازم کفایت نخواهد نمود. می دانید که وجود سرویس ارزاق برای شهر تهران حتماً لازم و ضروری است و وجود سرویس ارزاق مفید فایده نخواهد بود، مگر آنکه بتواند جنس خریداری نماید. از طرف دیگر، البته به خوبی متوجه

این نکته هستید که مسئله خرید غله، به هیچ وجه منوط به موضوع تشکیلات و بودجه نمی باشد؛ زیرا بالاخره تشکیلات و بودجه، به هر صورت [که] درآید، علی ای حال جنس ذخیره باید خریداری شود.

خواهش می کنم این موضوع را جداً مورد ملاحظه قرار داده و برخلاف عادتى که دارید که به کلیه پیشنهادهای این جانب بدون فرق و تأمل کافی ایراد و اعتراض نمایید، نسبت به این امر مهم حیاتی اعتراض نکنید.

نظر به مراتب فوق، حکم صادره به عنوان خزانه داری کل را تلواً عودت داده و امیدوارم که در امضای آن بیش از این تأخیر را جایز نخواهید دانست.

[امضای میلسپو به لاتین] رییس کل مالیه

سند ۱۶

موضوع: کارمندان مالی و پرداخت حقوق کارکنان قراردادی

یادداشت ماشین شده میلسپو، به تاریخ
۱۳ تیر ۱۳۰۶^۱ (ر.ک. به سند های ۳ و
۱۷ / خرداد ۱۳۰۶، و ۱۰ / تیر ۱۳۰۶).

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۲۰۳۲

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

دو فقره یادداشت های جناب عالی مورخ ۷ تیر ۱۳۰۶، اولی راجع به اینکه با پرداخت حقوق مستخدمین کنتراتی تا آخر تیر موافقت دارید و دومی دایره این که من بعد نظریات این جانب را راجع به پرسنل مالی قبول خواهید کرد، واصل گردید. از این که بالاخره راجع به معنای قانون با من توافق نظر حاصل نموده اید، اظهار امتنان می کنم. اگر این وضعیت را پنج ماه قبل اتخاذ فرموده بودید، اختلال امور و زیان وارده به اداره کمتر می بود و نیز کمتر اوقات گرانبها صرف نوشتن مراسلات

۱. این نامه به همراه چند نامه دیگر در روزنامه اطلاعات نیز چاپ شد: «مبادله مراسله بین رییس کل مالیه و وزیر مالیه - سواد مراسلاتی است که در این چند روزه اخیر بین رییس کل مالیه و وزیر مالیه مبادله گردیده و برای استحضار عموم به نشر آن مبادرت می شود» (ش ۲۴، ۲۵۹، تیر ۱۳۰۶)

مشاجره آمیز می شد. این جانب، وقتی که احکام پرسنلی را برای امضاء نزد جناب عالی می فرستم، اعتراضی به توضیح دادن دلایل صدور احکام مزبور ندارم و همچنین اعتراضی ندارم که جناب عالی هم نظریات خود را برای این جانب مرقوم دارید؛ زیرا مقصود من همیشه آن بوده و هست که امور وزارت مالیه بدون مناقشه، صحیحاً جریان یابد.

[امضای لاتین میلسپو] رییس کل مالیه

سند ۱۷

موضوع: تعیین پیشکار آمریکایی برای مالیه ولایات غربی

برگ دوم نامه ماشین شده میلسپو بر روی کاغذ بی سربرگ،
به تاریخ ۱۳ تیر ۱۳۰۶ (ر.ک. به سند ۸ / تیر ۱۳۰۶)

نمره ۲۰۳۶

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

در یادداشت ۷ تیر ۱۳۰۶ خود به گذاردن ولایات غربی تحت یک نفر مدیر آمریکائی ایراد کرده اید و اظهار نموده اید که از وضعیت مالیه کرمانشاهان اطلاع کامل دارید و نیز در آخر یادداشت اضافه می کنید: اگر من بعد از ۵ سال تجربه و عده معدودی از مأمورین وزارت مالیه را برای تصدی امور مالیه ولایات مزبور ورزیده و حاضر نکرده باشم، این وضعیت موجب کمال یأس و تأسف خواهد بود.

جنابعالی در این موضوع هم مانند بسیاری از موضوعهای دیگر نسبت به امری که ظاهراً خوب ملتفت نیستید، زیاده از حد بر آشفته و متغیر شده اید.

توسعه دادن حوزه مأموریت بعضی از مدیران آمریکائی به شکلی از اشکال مدت مدیدی است که تحت مطالعه بوده، اهالی ولایات از مستخدمین ایرانی مالیه شکایت هائی می کنند. البته تصدیق خواهید فرمود که اساساً خویش به متشاکیان دور از مرکز فرصت این داده شود که گاهی هم شکایات خود را به مدیران آمریکائی بنمایند. همچنین البته خوب است مأمورین ایرانی مالیه ولایات یقین حاصل کنند که در برابر مدیران آمریکائی مسئولیت داشته و [مورد] مؤاخذه هستند. حکم متحدالمالکی که برای امضای جنابعالی فرستاده ام، مسئولیت کلیه ادارات مالیه غرب را تماماً بر عهده مستر دانوی محول نمی سازد. در بادی امر (یعنی تا موقعی که این

ترتیب جدید تجربه نشده است) مشارالیه فقط حق خواهد داشت به هر یک از ادارات مزبور سر زده و در موقع توقف در هر ولایتی امور مالی آنجا را بر عهده بگیرد و بطور کلی در جریان کارهای ادارات مالیه غرب نظارت و حق تفتیش داشته باشد. ترتیب جدید مذکوره در حکم متحدالمال به نظر من کاملاً شایسته آن هست که به مورد امتحان و تجربه در آید.

جنابعالی اگر از اوضاع مالیه کرمانشاهان تحت اداره مستر دانوی اطلاع کامل دارید، چرا اطلاعات مزبور را با ذکر منابع به استحضار اینجانب نمی‌رسانید - راجع به محاسبات خاطر عالی را مسبوق می‌سازم که حسابهای مذکور تماماً به مرکز فرستاده شده و اگر جنابعالی مایل باشید خودتان یا به توسط دیگری به آنها رسیدگی کنید، هیچ مانعی برای انجام این منظور در بین نیست. تذکر این نکته را لازم می‌داند که چند هفته قبل آقای فهیمی^۱ نماینده مجلس به من اظهار کردند که به موجب مدارک و اسناد یقین حاصل نموده‌اند که کسری در محاسبه ارزاق کرمانشاهان وجود دارد. از ایشان تقاضا نمودم سواد مدارک خود را برای این جانب فرستاده و نیز شخصاً به کرمانشاه رفته محاسبات مربوطه را تفتیش نمایند. این تقاضا و دعوت من تا به حال منتج به نتیجه نشده است.

ملاحظه می‌فرمائید حکم متحدالمالی که به آن اعتراض نموده‌اید مربوط به موضوع تربیت کردن مأمورین ایرانی نیست. شاید خود جنابعالی دریافته باشید که پنج ماه تجربه کافی است که انسان امور اداره مالی را تحت اختیار خود در آورد. اگر این تصور صحیح باشد حال دیگر باید اطمینان داشت که عموم اعضاء و اجزاء ایرانی وزارت مالیه کاملاً ورزیده و مجرب هستند، ولی با وصف این حال باز تصدیق بفرمائید که مجرب و ورزیده بودن اعضاء و اجزاء مانع از آن نیست که تفتیش و کنترل و نظارت در عملیات آنها همواره ضروری و لازم باشد.

رئیس کل مالیه
دکتر میلسپو

۱. خلیل فهیمی (فهم الملک) در سال ۱۳۰۱ در کابینه قوام السلطنه وزیر مالیه بود. دوره دوم و چهارم نماینده قزوین و دوره‌های ششم تا نهم از قوچان نماینده مجلس شد.

سند ۱۸

موضوع: لایحه صرف اضافه عایدات ۱۳۰۵

یادداشت ماشین شده میلسپو، به تاریخ ۱۳

تیر ۱۳۰۶ (ر.ک. سند ۶ / تیر ۱۳۰۶)

سرپرست وزارت مالیه

نمره ۱۹۳۲

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

یادداشت مفصل جنابعالی مورخه ۷ تیر ۱۳۰۶ راجع به لایحه صرف اضافه عایدات ۱۳۰۵ که هیئت وزرای عظام نسبت به آن پاره‌ای تصمیمات اتخاذ نموده بودند، بدون آنکه فرصت حضور در هیئت در آن باب به این جانب داده شده باشد واصل گردید. جواباً اشعار می‌دارد لایحه مزبور چندین هفته قبل توسط من تهیه و به هیئت وزراء تقدیم شده بود و از طرف جنابعالی یا هیئت محترم دولت مدتی در عهده تعویق ماند، و بعد بدون حضور من در هیئت پی در پی تغییراتی در آن داده شد. در فاصله بین تاریخ تدوین لایحه از طرف من و تاریخ تقدیم آن به مجلس، قانون تأسیس بانک دولتی به تصویب مجلس شورای ملی رسید و مازاد عایدات ۱۳۰۵ را به سرمایه بانک تخصیص داد. ضمناً هم اطلاع حاصل نمودیم که احتمال می‌رود سال آتی عواید مملکتی مبلغ معتناهی کسر حاصل شود.

من راجع به این لایحه اشتباهی نکرده‌ام، اگر جنابعالی برخلاف این تصور می‌نمائید خواهشمندم مرقوم دارید اشتباه من چه بوده؟ برعکس به عقیده من هیئت محترم دولت و جنابعالی اشتباهی نموده‌اید که اینک من تقاضا می‌کنم فرصت اصلاح آن به من داده شود. برای احتراز از وقوع هرگونه سوء تفاهم دیگر لزوماً خاطر عالی را مسبوق می‌سازم که اینجانب ابداً با کلیه اقلام لایحه پیشنهادی نظر مخالف ندارم. من موافق هستم که از آقایان نمایندگان محترم تقاضا شود اقلام راجعه به پرداخت تعهداتی که وزارتخانه‌ها علاوه بر اعتبار ایجاد نموده‌اند تصویب گردد، ولی نظر به وضعیت فوق‌الذکر عواید به عقیده من لازم است سایر اقلام خرج پیشنهادی در لایحه حذف یا تقلیل شود.

من در یادداشت نمره (۱۸۱) خود مورخه ۵ تیر ۱۳۰۶ نه از جنابعالی تقاضا نموده‌ام که لایحه را از مجلس شورای ملی مسترد دارید، و نه اظهار کرده‌ام که از

اجرای قانون استنکاف خواهم داشت، زیرا من اجرای قوانین را همیشه یکی از وظایف و مسئولیت‌های عمده خود شمرده‌ام. در آخر یادداشت مرقوم داشته‌اید هیئت دولت به من اجازه نخواهد داد که از اجرای قانون مملکتی استنکاف کنم. من هرگز همچو اجازه را نخواسته، همانطور که برای اجرای قانون و انجام تکالیف خود نیز از کسی استیذان نمی‌کنم.

خوب است جنابعالی قبل از اینگونه اظهارات اقلاً یادداشت‌های مرا خوانده و از نظریات من به خوبی آگاه بشوید.

آیا مقصود جنابعالی از یادداشتی که به شرح فوق مرقوم داشته‌اید این است که هیئت محترم دولت مایل نیستند اینجانب مخارجی را که بابت اضافه عایدات ۱۳۰۵ خواهد شد کنترل نمایم؟

رئیس کل مالیه

دکتر میلیسپو

سند ۱۹

موضوع: تقسیم درآمدهای اضافی [سال ۱۳۰۵]

برگ دوم یادداشت ماشین شده نصرت‌الدوله بر روی کاغذ بی‌سربرگ^۱ (ر.ک. به سند ۱۸ مورخ ۱۳۰۵).

آقای رئیس کل مالیه

در لایحه جدید تقسیم عواید اضافی از قسمت راجع به بنائی مدرسه متوسطه و اونیورسیته چهل هزار تومان کسر شده بود. بعد از آنکه آقای وزیر معارف مسئله را به من تذکر دادند و مجدداً مطالعه کردم به مطلب متوجه شدم. چون آقای میرزا یانس در شب جمعه منزل آقای وزیر دربار اظهار داشتند که در جواب آقای تدین اظهار کرده بودند که شما نظری در این کسر نداشته بودید، لهذا لایحه را امروز به این ترتیب اصلاح کردم.

۱- سی هزار تومان از محل مخارج تخت قاپو^۲ کسر و به قلم بنائی مصارف

۱. این سند فاقد تاریخ است و ما آن را با توجه به موضوع سند پیشین در این جا آوردیم.

۲. تخت قاپو یا تخته قاپو: اسکان عشایر، سکنی دادن عشایر و طوایف در شهر.

افزودم.

۲- ده هزار تومان از یکصد و هشتاد و هشت هزار تومان راه‌سازی نیز کسر و برای تکمیل مأخذ به قلم مذکور اضافه کردم. علت این اقدام این بود که آقای علائی صورتی به من ارائه دادند که مستر پلند قریب ۱۷۰ هزار تومان این وجه را برای راه کرمانشاهان و سنج و تکمیل اعتبارات راه خرم‌آباد دزفول در نظر گرفته بود و پانزده هزار تومان دیگر را برای مخارج متفرقه گذاشته بود.

سند ۲۰

موضوع: کارکنان خارجی وزارت مالیه

یادداشت پراکنده و بی‌تاریخ به خط نصرت‌الدوله که آن را با توجه به موضوعش در این جا می‌آوریم. به نظر می‌رسد که این برگ یادداشت مربوط به جلسه‌ای خصوصی در وزارت عدلیه (دادگستری) برای چاره‌اندیشی در کار مستخدمان خارجی وزارت مالیه بوده است. این یادداشت با سه قلم مختلف نوشته شده است.

سربرگ وزارت عدلیه

- ۱- ارتباط مستقیم وزیر با ادارات و رؤسای آمریکایی یا ایرانی.
- ۲- نظر دولت: (۱) تقلیل عده مستخدمین خارجی و انحصار آنها به رؤسای ادارات مرکزی و تفتیش، (۲) استخدام از ملتهای دیگر.
- ۳- مکاتبه خصوصی و اداری.
- ۴- نظر شوروی (۴).
- ۵- راجع به کتراتیها.

[پشت صفحه: مستخدمین خارجی مالیه ایران با پیشنهاد رییس کل مالیه و تصویب دولت یا از طرف دولت پس از اتخاذ رأی مشورتی رییس کل مالیه انتخاب خواهند شد.]

سند ۲۱

موضوع: تجدید استخدام میلسپو

یادداشت ماشین شده میلسپو، به تاریخ ۱۴
تیر ۱۳۰۶ (ر.ک. به سندهای ۱۸ / خرداد
۱۳۰۵، ۲۱، ۳۴ و ۳۷ / تیر ۱۳۰۶).

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۲۰۵۰

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

از طرف جناب عالی، شرحی متضمن بعضی پیشنهادهای راجع به تجدید
استخدام خود به سمت رییس کل مالیه ایران دریافت داشتم. اگرچه نمی توانم با
اغلب پیشنهادهای مزبور موافقت کنم، معذک چون از نیات حسنه و مقاصد عالی
اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و هیئت معظم دولت اطلاع
دارم، لذا پیشنهادهای مذکور را با کمال خوشوقتی با هیئت محترم دولت مورد
مذاکره قرار خواهم داد.

رییس کل مالیه

[امضای لاتین میلسپو]

سند ۲۲

موضوع: وام موقت به اداره ارزاق

یادداشت ماشین شده میلسپو، به تاریخ ۱۴ تیر
۱۳۰۶ (ر.ک. به سند ۱۵ / مورخ ۱۳ تیر ۱۳۰۵).

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۲۰۶۱

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

با عطف [به] یادداشت جناب عالی مورخ ۱۳ تیر ۱۳۰۶ راجع به این که مطابق
اطلاعی که دارید، اداره ارزاق در اطراف طهران به واسطه نداشتن اعتبار هنوز شرح
به خرید جنس نکرده است؛ در صورتی که لازم است بدون معطلی به عمل خرید
جنس بپردازد، و اینکه مقتضی دانسته اید بدون فوت وقت دستوری به عنوان
خزانه داری کل برای امضای جناب عالی فرستاده شود تا سرویس ارزاق از انجام

وظیفه خود باز نماند؛ جواباً خاطرنشان می‌کنم [۱]: اگر فراموش نکرده باشید، موضوع یادداشت نمرة ۲۰۲۸ این جانب مورخ ۱۳ تیر ۱۳۰۶ هم همین بود و به ضمیمه آن حکم پیشنهادی به عنوان خزانه‌داری کل را دایر به این که برای خرید و حمل جنس [های مربوط به سال] ۱۳۰۶ مبلغ ۵۰۰ هزار تومان قرض موقت به سرویس ارزاق داده شود، جهت امضای شما عودت دادم [و] جناب عالی تحت عنوان اینکه سرویس ارزاق می‌تواند عواید روزانه فروش جنس و ودیعه موجوده در خزانه و موجودی نقدی ولایات را به مصرف خرید برساند، از امضای حکم مزبور خودداری نموده‌اید.

شاید از خاطرتان محو شده [باشد] که چند روز قبل اجازه [ای] به خزانه‌داری کل صادر نمودیم که به سرویس ارزاق از محل عوائد آن تا حدود ۵۰۰ هزار تومان پردازند؟ خزانه‌داری کل به موجب اجازه مزبور تاکنون مبلغ ۲۵۰ هزار تومان به سرویس ارزاق پرداخته است. پس از آنکه کلیه ۵۰۰ هزار تومان مذکور از طرف خزانه بابت عواید سرویس ارزاق به مؤسسه مزبور پرداخته شد، البته می‌توانیم اجازه‌نامه دیگری به خزانه صادر کنیم که از بابت ودایع نقدی سرویس ارزاق نیز مبالغی به آن مؤسسه تأدیه کند.

حکم پیشنهادی به عنوان خزانه‌داری کل، دایر به اینکه مبلغ پانصد هزار تومان قرض موقت به سرویس مزبور داده شود، موضوع جداگانه [ای] است و به طوری که در یادداشت نمرة ۲۰۲۸ خود مورخ ۱۳ تیر ۱۳۰۶ تذکر دادم، تأدیه این مبلغ به سرویس ارزاق لازم است و سابقاً معمول بوده و نیز اجازه قانونی دارد^۱. از سرویس ارزاق به این جانب اطلاع می‌دهند که بدون این مبلغ نمی‌توانند سریعاً مقادیر کافی جنس خریداری کنند و نیز، عقد قرارداد با مالکین عمده برای خرید جنس به مقادیر کافی، غیرمقدور خواهد بود.

نظر به مراتب فوق، برای آنکه سرویس ارزاق در عملیات خود که انجام آن جهت تأمین آذوقه شهر تهران ضرورت دارد دچار عایقی نشود، متمنی است حکم پیشنهادی به عنوان خزانه‌داری کل را امضاء بفرمایید.

با عطف مجدد به محتویات یادداشت نمرة ۲۰۲۸ خود مورخه ۱۳ تیر ۱۳۰۶

راجع به قرضه سرویس ارزاق، دقت جناب عالی را به شایعاتی که در جریان است و گفته می شود وزارت مالیه یا این جانب تاکنون حقایق را مستور داشته ایم و کمیسیون بودجه مجلس آن را آشکار نموده است، جلب می کنم. در این موضوع، جناب عالی را به سیزدهمین راپرت خود راجع به سومین سه ماهه ۱۳۰۴ مراجعه می دهم. در راپرت مزبور، وضعیت ارزاق کاملاً توضیح [داده] شده و اگر به صفحات ۱۵ و ۱۶ راپرت فارسی رجوع کنید، صورتی خواهید یافت که وضعیت را کاملاً تشریح نموده است. نیز، تذکر می دهم که در پانزدهمین راپرت این جانب (راجع به سه ماهه اول ۱۳۰۵) در صفحات ۲۹ و ۳۰ فارسی، صورت دیون سرویس ارزاق به خزانه داری کل و بانک شاهنشاهی ایران در تاریخ ۳۱ خرداد ۱۳۰۵ درج گشته است. به علاوه، وضعیت مالی سرویس ارزاق، در مواقع مختلفه صریحاً برای دولت توضیح داده شده است.

اگر دولت و مجلس در توضیحات و ارقامی که مدتها قبل این جانب منتشر نموده و یا به طریق دیگر به سمع اولیاء امور رسانده ام، دقت و تأمل نکرده باشند، البته بر من بحثی وارد نیست.

[امضای لاتین میلسپو] رییس کل مالیه

سند ۲۳

موضوع: معافیت کارخانه کبریت سازی و سرزنش به وزیر مالیه

یادداشت ماشین شده میلسپو، به تاریخ ۱۴ تیر ۱۳۰۶ (ر.ک به سند ۳۶ / تیر ۱۳۰۶).

سریرگ وزارت مالیه

نمره ۲۰۶۲

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

راجع به قانون معافیت کارخانه کبریت سازی تبریز از پرداخت کرایه حمل و نقل، چند روز دیگر یادداشت کاملی برای جناب عالی خواهم فرستاد. پس از وصول یادداشت مزبور، ملاحظه خواهید فرمود که در این مورد نیز، مانند بسیاری از موارد دیگر، بدون مطالعه کافی در اطراف قضایا و قانون مصوب اتخاذ تصمیم نموده اید. علی ای حال، موضوع کاملاً جهت جناب عالی تشریح و توضیح خواهد شد. در

خاتمه، اجازه بدهید اضافه کنم که میل و رغبت جناب عالی به اعتراض کردن و تولید مناقشات، حدوث سهوها و اشتباهات عدیده را از طرف جناب عالی باعث می شود.

[امضای لاتین میلسپو] رئیس کل مالیه

سند ۲۴

موضوع: پرداخت پول به هوشیار

یادداشت ماشین شده میلسپو، به تاریخ ۱۴ تیر ۱۳۰۶ (ر).
ک. به سندهای ۳ و ۱۱ و ۲۰ / اردیبهشت ۱۳۰۶).

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۲۰۶۳

ضمیمه مینوت

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

مینوت راجع به پرداخت چهارصد تومان به آقای هوشیار را تلوأ عودت می دهم. چون از عقیده این جانب نسبت به این موضوع مسبوق هستید، لذا اظهار نظری لزوم ندارد.

[امضای لاتین میلسپو] رئیس کل مالیه

سند ۲۵

موضوع: درخواست شهریه و اعتراض به نصرت الدوله

یادداشت ماشین شده میلسپو، به تاریخ ۱۴ تیر ۱۳۰۶

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۲۰۶۵

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

اخیراً شرحی راجع به درخواست چند فقره شهریه^۱ به عنوان این جانب نوشته

۱. شهریه: اینجا منظور پرداختی ماهانه و در عرف اداری، حقوق ماهانه‌ای بود که به از کار افتادگان و یا بازماندگان داده می شد.

و در ذیل آن اضافه نموده‌اید «به هیچ وجه معلوم نیست چرا ادارات وزارت مالیه این قدر [با] سهل انگاری به امور مردم نگاه می‌کنند و چه جوابی می‌توان به آقایان بعد از مدت قریب ۲۰ روز داد؟».

آیا به خاطر دارید که در موقع ورود میسیون مالی آمریکایی به ایران، وظایف^۱ ماهها می‌گذشت و تأدیه نمی‌شد؟ هیچ می‌دانید که اکنون هم در دست اشخاص حوالجات (کذا) وظایف به مبالغ گزاف هست که تاریخ آن چندین سال قبل از ورود میسیون آمریکایی به ایران می‌باشد و امروزه دارندگان قبوض مزبور، مطالبه وجه آن را می‌نمایند؟ چرا ادارات وزارت مالیه را که روی هم رفته، علی رغم اشکالاتی که در سر راهها (کذا) ایجاد می‌شوند، با سرعت و دقت قابل تقدیری انجام وظیفه می‌نمایند، بدون اطلاع بر حقایق و داشتن دلایل متهم می‌نمایید؟ راجع به موضوع یادداشت فوق، راپرتی برای ملاحظه جناب عالی ارسال خواهد شد.

[امضای لاتین میلسپو] رییس کل مالیه

سند ۲۶

موضوع: ایرادهای وزیر مالیه به رییس کل مالیه

نامه ماشین شده میلسپو بر روی کاغذ بی سربرگ
به تاریخ ۱۴ تیر ۱۳۰۶^۲ (ر.ک. به سندهای ۳ و ۴
/ اردیبهشت ۱۳۰۶ و ۱۳ / تیر ۱۳۰۶).

نمره ۲۰۳۳

جناب مستطاب اجل آقای فیروز وزیر مالیه
اخیراً سه فقره یادداشت راجع به مراسلات نوشته‌اید که عین آنها را ذیلاً نقل
می‌کنم: [به ترتیب، سندهای ۶ و ۵ و ۷ تیر در این جا آمده است].

۱. وظایف: جمع وظیفه به معنای مقرری منظور است.

۲. این سند در روزنامه اطلاعات نیز به چاپ رسیده است: «مبادله مراسله بین رییس کل مالیه و وزیر مالیه»، اطلاعات، ش ۲۵۹، ۲۴ تیر ۱۳۰۶. در پایان این نامه و اسناد ضمیمه آن، روزنامه اطلاعات افزوده است: «از قرار اطلاع، سواد مراسلات فوق برای استحضار عموم آقایان نمایندگان [مجلس شورای ملی] ارسال گردیده است».

یادداشت‌های فوق به خودی خود مقاصد و منظور جناب عالی را توضیح می‌کنند. مطابق این یادداشت‌ها، تمام حقوق و اختیارات را جناب عالی دارید و دیگر[ی] هیچگونه حق و اختیاری ندارد. بر طبق نظریاتی که به شرح فوق اشعار داشته‌اید، جناب عالی مختار هستید با مدیران آمریکایی و اعضای ایرانی و ادارات مکاتبه نموده و تعلیمات بدهید، ولی من مجاز نیستم حتی به مراسلاتی که آقایان وزرا و نمایندگان مجلس شورای ملی و سایر افراد به عنوان این جانب می‌فرستند جواب بگویم. جناب عالی، موافق دلخواه، خود را مختار می‌دانید رویه[ی] را که عموم وزرای مالیه سابق شناخته و رعایت نموده‌اند، رعایت نکنید و همچنین تعبیرات قانون را که تقریباً هیچیک از وزرای سلف مورد چون و چرا قرار نداده‌اند، جناب عالی مراعات نمی‌نمایید و در عین حال، ضمن بعضی از مراسلات خود، از من انتقاد می‌کنید که بر وفق دلخواه اقداماتی نموده و قوانین را سوء تعبیر نموده‌ام. اگر کار از قراری باشد که یادداشت‌های جناب عالی حاکی است، البته دیگر حاجتی نیست که دولت مرا در رأس مالیه ایران نگاه دارد؛ بلکه مقتضی خواهد بود تمام وزارت مالیه به انضمام خزانه به جناب عالی تحویل و تحت اوامر سرکار قرار بگیرد. ولی، به عقیده من، این مورد نیز یکی از مواردیست که جناب عالی سریعاً و بدون مطالعه کافی در اطراف قضایا، اتخاذ تصمیم نموده‌اید و انتظار دارم که در این موضوع هم مثل احکام پرسنلی و مستخدمین کنتراتی، دو سه هفته دیگر نظریه خود را تغییر خواهید داد و ضمناً تا آن موقع برسد، بی جهت اختلال و موانع تولید فرموده‌اید.

اما راجع به مکاتبات این جانب، تا حدی که به خاطر دارم، به استثنای آقای مخبرالدوله معاون سابق وزارت پست و تلگراف و خود جناب عالی، هرگز هیچیک از مأمورین دولت ایران به مکاتبه من ایراد نگرفته‌اند. به علاوه، آنچه اطلاع دارم، غیر از خودتان، هیچکس این تصور را نکرده است که مراسلات این جانب برای وزارت مالیه یا دولت ایجاد تعهد می‌نمایند یا آنکه با این قصد از طرف من صادر می‌شوند.

جناب عالی باید ملتفت این نکته باشید که نسبت به بعضی امور، تکالیف من بر طبق قانون مساوی با تکالیف وزیر مالیه است و به علاوه، نسبت به بعضی امور دیگر، دایره وظایف من از حدود وظایف وزیر مالیه هم وسیعتر است. مثلاً، چون

نظارت در خرج به عهده این جانب و وزیر مالیه مشترکاً محول شده، لذا هیچ دلیلی نمی‌بینم که چرا نباید به عموم اشخاص ذی‌مدخل، موجباتی را که به سبب آن نمی‌توانم انجام خرجی را تصویب کنم، مستقیماً توضیح بدهم؟

با سابقه مختصری که در وزارت مالیه دارید، شاید ملتفت این نکته شده باشید که وقتی به نمایندگان و مأمورین دولت و سایر افراد که با وزارت مالیه طرف مراجعه هستند از طرف وزیر مالیه گفته می‌شود که من اشکالتراشی نموده یا اعتراضاتی می‌کنم، اشخاص طبعاً برای کشف حقیقت و اطلاع بر موجبات تصمیم من، به خود این جانب مراجعه می‌کنند.

به طوری که فوقاً اظهار نمودم، ترتیب فعلی از موقع ورود میسیون مالی آمریکایی به ایران برقرار و مجرا بوده است. تمام مقصود من از نوشتن این مراسلات آن است که به کسانی که کتباً یا شفاهاً از من استعلاماتی نموده‌اند، جواب گفته و رعایت نزاکت را نموده باشم. شاید نمی‌دانید که صدها مراسلات و تلگرافات و درخواستهای شفاهی (کذا)، اتصالاً از طرف اهالی تمام مملکت و نمایندگان مجلس شورای ملی و مأمورین دولت و آقایان وزرا و رئیس‌الوزراها به این جانب می‌رسد. تا یک سال قبل، در مقابل این واردات، [نامه] صادره را برای امضای وزیر تهیه می‌کردم؛ ولی جناب اشرف آقای وثوق وزیر مالیه وقت، از من تقاضا نمودند که چون این قبیل مراسلات حاکی از نظریات و تصمیمات شخص من بوده و نظریه و تصمیم من همیشه با نظریات وزیر توافقی ندارد، لذا بهتر آن است که کلیه واردات مذکور را خود من شخصاً امضا نمایم.

رسمیت مراسلاتی که من به امضای خود صادر می‌کنم، به این معنی است که حاکی از نظریات رسمی این جانب می‌باشند، نه آنکه مقصود آن باشد که از طرف وزارت مالیه یا دولت نوشته شده و یا برای آنها تعهدی ایجاد نمایند. اگر مراسلاتی سراغ دارید که مستقیماً از طرف من صادر شده و مسئولیت و تعهدی را برای دولت ایران ایجاد می‌کند یا به دارنده آن حقی می‌دهد، خواهش می‌کنم به فوریت دقت مرا به موضوع آن مراسلات جلب نمایید تا هرگونه سهو و اشتباهی را که نموده باشم، اصلاح کنم.

در موقع صدور متحدالمالی که تهدید به صدور آن کرده‌اید، البته باید نمایندگان مجلس شورای ملی و اعضا و اجزای کلیه وزارتخانه‌ها و اهالی ایران را به طور عموم

از نوشتن هر گونه مراسله به عنوان این جانب ممنوع کنید. بد نیست ایضاً قدغن کنید مشارک‌الیه‌م راجع به هیچ موضوع رسمی با من مذاکره نکنند؛ زیرا از یادداشتهای فوق‌الذکر جناب عالی این قسم استنباط می‌شود که بی‌میل نیستید مذاکره شفاهی آقایان نمایندگان و سایر افراد را هم با این جانب تصویب نکنید.

در یکی از یادداشتهای، لطفاً اظهار نموده‌اید که در بعضی از روزهای کار، این جانب از وزارتخانه غیبت می‌کنم. اگر گمان می‌کنید که من از انجام وظیفه غفلت نموده‌ام، خواهش می‌کنم صورت ساعاتی را که در ظرف پنج ماه اخیر، خود جناب عالی از وزارتخانه غایب بوده‌اید با صورت ساعاتی که [مرا] غایب شمرده‌اید، برای مقایسه تهیه و ارسال بفرمایید. همچنین، صورت اموری را که تأخیر آن را به من نسبت می‌دهید، با صورت کارهایی که خودتان باعث تأخیر آن شده‌اید تهیه بفرمایید تا مطالعه و مقایسه کنیم.

رییس کل مالیه

سند ۲۷

موضوع: نامه‌نگاری‌های میلسپو با بیرون از وزارت مالیه

برگ دوم نامه‌ ماشین شده [۱۶ تیر ۱۳۰۶]^۱ نصرت‌الدوله
که امضای او را ندارد (ر.ک. به سندهای پیشین)

سربرگ وزارت مالیه

آقای رییس کل مالیه

چندی است در دست بعضی اشخاص و حتی بعضی وزارتخانه‌ها، مراسلاتی به امضای شما می‌بینم که از حدود مکاتبه خصوصی و شخصی خارج و راجع به مسائل اداری و رسمی است.

این رویه، علاوه بر این که کاملاً برخلاف تعهدات شما و تصریحات قانون اسد ۱۳۰۱ است، این جانب را از ایفای به وظایف (کذا) خود که در قوانین موضوعه مملکتی و قانون کترات شما معین شده است، باز می‌دارد؛ زیرا برای نظارت در

۱. این نامه بی‌تاریخ است، ولی در روزنامه اطلاعات ضمن نقل آن، تاریخش نیز ذکر شده است: «مبادله مراسله رییس کل مالیه و وزیر مالیه»، اطلاعات، ش ۲۵۹، ۲۴ تیر ۱۳۰۶.

امور مالی و هدایت قانونی رییس کل مالیه و تصویب امور مالی که قانون به عهده رییس کل مالیه مقرر داشته است و امثال آن، لازم است که هیچ امری که فی الجمله اهمیت اداری داشته باشد، بدون اطلاع و امضای این جانب به جریان نیفتد. به علاوه، از نقطه نظر اصول در اموری که تحت نظر و اداره وزیر مسئولی است، هیچ کس حق اخذ تصمیم و امضای مراسلات رسمی اداری بدون دستورالعمل و اجازه صریح آن وزیر [را] نمی تواند داشته باشد. بنابراین، لازم دانستم که شما را مستحضر نموده و تذکر بدهم که مقتضی است به فوریت دستور صادر نمایید که از دفتر شخصی شما به غیر از مراسلات خصوصی و شخصی، هر مراسله و حکمی که نوشته شده و به امضای شما می رسد، برای امضای معاون وزارت مالیه و یا خود این جانب ارسال [دارند] و بدون داشتن یکی از این امضاها صادر نگردد.

در خاتمه تذکر می دهم که اگر به فوریت جلوگیری از این خلاف قانون نشود، ناچار خواهم بود که به وسایل مقتضیه تمام دوایر مربوطه وزارتخانه ها و مراکزی را که با مالیه طرف مراجعه هستند، مسبوق نمایم که این قبیل مراسلات عاری از رسمیت قانونی است و برای دولت ایران هیچ گونه مسئولیت و الزام و تعهدی را ایجاد نمی نماید؛ چنانچه (کذا) برای اشخاصی که آن مراسلات و احکام را در دست دارند [نیز]، هیچ گونه حقی از هیچ حیث و به هیچ عنوان تولید نخواهد شد.^۱

سند ۲۸

موضوع: پیشکاری فارس و بنادر جنوب

یادداشت یا پیش نویس یادداشت نصرت الدوله
به خط خود او، به تاریخ ۲۱ تیر ۱۳۰۶ [ر.ک. به
سند ۱۶ / خرداد ۱۳۰۶]

سربرگ وزارت مالیه

آقای رییس کل مالیه

تلگراف را ملاحظه و با عطف توجه به یادداشت سابق من در موضوع فارس، هر

۱. پیش نویس این نامه نیز به خط منشی در مجموعه موجود است و عبارت آخر را نصرت الدوله با مداد افزوده است.

اقدامی را که خواهید نمود، مرا مستحضر دارید.

سند ۲۹

موضوع: وام به اداره ارزاق

پیش نویس یادداشت نصرت الدوله، به تاریخ ۲۱ تیر ۱۳۰۶
(ر.ک. به سندهای ۱۵ و ۲۲ و ۲۹ و ۴۰ / تیر ۱۳۰۶).

سربرگ وزارت مالیه

آقای رییس کل مالیه

در یادداشت نمرة ۲۰۶۱ خودتان راجع به ارزاق و مساعدت پانصد هزار تومان که پیشنهاد پرداخت آن را کرده اید، اظهار می دارید: [این مساعدت «سابقاً معمول بوده و نیز اجازه قانونی دارد»].

تمنا دارم توضیح نمایید که مقصود از اجازه قانونی چیست و کدام مدرک قانونی را برای پرداخت این مساعدت دارید؟

سند ۳۰

موضوع: پرداخت حقوق کارکنان قراردادی

برگ دوم یادداشت ماشین شده نصرت الدوله،
به تاریخ ۲۴ تیر ۱۳۰۶ (ر.ک. به سندهای ۱۵ و
۱۷ / خرداد ۱۳۰۵ و ۱۶ / تیر ۱۳۰۶).

سربرگ وزارت مالیه

آقای رییس کل مالیه

[بازگشت به] یادداشت نمرة ۲۰۳۲ شما

از مفاد اظهارات شما چنین استنباط می کنم که عمداً یا سهواً به مدلول دو یادداشت مورخه ۷ تیر ماه ۱۳۰۶ این جانب درست بر نخورده اید و برای آنکه سوء تفاهمی تولید نشود، توضیحات ذیل را می دهم.

۱- تصدیق من به پرداخت حقوق مستخدمین کنتراتی تا آخر تیر، از حیث انتظار تصویب بودجه تفصیلی وزارت مالیه در مجلس و اصلاح تشکیلات است؛ نه آنکه برای شما نسبت به استخدام اعضاء بی سابقه، به وسیله کنترات، حقی قائل شده ام.

چنانچه (کذا) سابقاً به شما نوشته‌ام، مستخدمین کنتراتی که شامل قانون نبوده و مستخدم رسمی محسوب نمی‌شوند، مشمول حقی که قانون به شما در مورد پرسنل مالیه داده است نیستند و شما حقی ندارید بدون تصویب وزیر مالیه راجع به استخدام آنها اقدامی بکنید.

۲- نسبت به پرسنل مالی نوشته‌اید «از اینکه بالاخره راجع به معنای قانون با من توافق نظر حاصل نموده‌اید، اظهار امتنان می‌کنم». معنای قانون همیشه برای من واضح بوده و در هیچ موقع ابهامی نداشته است. اعتراض من که هنوز باقی است، مربوط به استفاده از حق قانونی نیست؛ بلکه راجع به سوءاستعمال حق قانونی است. البته اگر متذکر به اصول باشید، درک مطلب برایتان اشکال نخواهد داشت. منجمله، در موضوع تعلیقات^۱ اخیر، به تاریخ اول تیر ۱۳۰۶ در ضمن استعلامات دیگر سؤال کرده بودم[: در صورتی که مصرف اعتبار انحصار] قند و چای] از طرف مجلس تقلیل شده، آیا معلقین هم از آن محل حقوق می‌گرفته‌اند و یا جزو آنها اشخاصی نیز هستند که از محل بودجه عادی وزارت مالیه حقوق دریافت می‌داشته‌اند و اگر جزو معلقین، از این قسم ثانی هم هستند، دلیل تعلیق آنها چیست؟ تا امروز، جوابی در این موضوع به من نداده‌اید و در عوض به بحث مطالب دیگر پرداخته‌اید و تصور کرده‌اید که با پیچ و خم عبارات و با تحریفات معانی، مستندی برای خود تحصیل می‌کنید.

اعتقاد من این است که از حق قانونی نباید سوء استفاده کرد و تصور می‌کنم احترام این مطلب از طرف خارجی‌هایی که در مملکتی غیر از مملکت خودشان مستخدم می‌شوند، بیشتر باید رعایت بشود.

اگر مجلس، یک خلاف رویه را اصلاح نموده، یعنی مخارج وصول انحصار [قند و چای] را در حدود لازم و به ترتیب احسن مقرر داشته است؛ در عوض اذعان به اشتباه و اصلاح عمل خود نباید متعمد بود که بر عده اشخاصی که ناگزیر به واسطه اصلاح سهو اول بیکار می‌شوند، افزود و تأثرات و ناراضایتی تمام آنها را به وسیله مکاتبات و یا تبلیغات شفاهی متوجه مجلس شورای ملی و یا مصادر دیگر امور مملکتی نمود.

۱. تعلیقات و معلقین و تعلیق: در این سند به معنای اداری «برکناری‌های موقت» و یا «منتظر خدمت کردنها».

۳- در تأیید یادداشت اول تیر خود تذکر می‌دهم که پیش از قبول نظریات شما، در موضوع قسمتی از ابلاغات تعلیق، انتظار وصول توضیحاتی را که متجاوز از ۲۰ روز است خواسته‌ام، دارم.

سند ۳۱

موضوع: مخالفت کارمندان آمریکایی با تغییر قرارداد میلسپو

نامه گروهی ۱۲ تن کارمندان آمریکایی
وزارت مالیه بر روی کاغذ بی سربگ.

طهران. به تاریخ ۲۴ تیر ۱۳۰۶ مطابق ۱۶ ژوئیه ۱۹۲۷

مقام محترم ریاست کل مالیه ایران

آقای دکتر ا. س. میلسپو

محترماً معروض می‌داریم

امضاکنندگان ذیل، پیشنهاد دولت شاهنشاهی ایران را جهت تجدید کنترات حضرت عالی به سمت رییس کل مالیه ایران مطالعه و ملاحظه کردیم که دولت شاهنشاهی در نظر دارند (کذا) شرایط استخدام حضرت عالی را اساساً تغییر بدهند.

این امر، برای آن عده از ما که به توسط حضرت عالی جهت خدمت دولت شاهنشاهی ایران تحت تعلیمات رییس کل مالیه به عقد کنترات مبادرت نمودیم، منتهای اهمیت را دارد. هر تغییر اساسی در شرایط استخدام رییس کل مالیه، تأثیرش فی الحقیقه باعث الغاء مقام مزبور (به نحوی که در موقع عقد کنتراته‌ای امضاکنندگان ذیل وجود داشت) می‌باشد و لذا، به خودی خود، شرایط خدمت مأمورینی را که تعهد کرده‌اند مسئول رییس کل مالیه بوده و اوامر او را اطاعت نمایند، تغییر می‌دهد. ایجاد بعدی مقام جدیدی (که اساساً از مقام سابق متمایز بوده و معذک به همان اسم سابق «ریاست کل مالیه» موسوم باشد) اثرش نقض مقررات کنتراته‌ای این جانبان خواهد بود؛ علیهذا لازم می‌دانیم نظریات خود را در این باب به استحضار خاطر محترم برسانیم تا به توجهات عالی به سمع دولت شاهنشاهی ایران برسد.

امضاکنندگان ذیل به اتکاء این که اقتدارات رییس کل مالیه طوری است که عقلاً

و منطقاً ما را به انجام خدمات واقعی و حصول نتایج مطلوبه امیدوار می ساخت، در موقع عقد کنترات تعهد نمودیم تحت تعلیمات و اوامر رییس کل مالیه انجام خدمت نماییم؛ حال، معتقد شده ایم که تقلیل اقتدارات رییس کل مالیه، تا حدی که در پیشنهاد تجدید کنترات ملاحظه می شود، قطعاً ما را از حصول هر گونه نتیجه مطلوبه در انجام خدمات خود باز خواهد داشت. دلایل ما راجع به این عقیده، همان است که حضرت عالی ضمن مرقومه نهم تیر ۱۳۰۶ به عنوان مقام منیع ریاست وزراء عظام اشعار فرموده اید و لذا به تکرار آن در این موقع احتیاجی نیست. به علاوه، به عقیده ما حذف یا تقلیل اقتداراتی که رییس کل مالیه در موقع عقد کنترات این جانبان (و تعهد ما به خدمت تحت تعلیمات ریاست کل مالیه) داشته، با مقررات کنتراتهای ما وفق نمی دهد. مثلاً، ما متعهد شده ایم مسئول رییس کل مالیه بوده و تعلیمات او را اطاعت نماییم. ما این شرط را قبول کردیم؛ زیرا دولت شاهنشاهی ایران در گذشته به رییس کل مالیه به موجب قانون ۴ اسد ۱۳۰۱ نسبت به پاره [ای] مسایل مانند پرداخت وجوهات و امور پرسنلی، اقتدارات و اختیارات کافیّه تفویض نموده بود.

تحت قانون ۵ خرداد ۱۳۰۴، وزارت مالیه از طرف دولت شاهنشاهی ایران، اجازه دریافت (کذا) [که] برحسب پیشنهاد و توصیه رییس کل مالیه یک عده معاون آمریکایی استخدام نماید که مطیع و مستقیماً مسئول رییس کل مالیه باشند. ما، تحت این قانون توسط رییس کل مالیه برای خدمت دولت شاهنشاهی ایران استخدام شدیم و تعهد نمودیم که رییس کل مالیه برحسب مقررات قانون ۴ اسد ۱۳۰۴ نسبت به ما دارای اختیارات و اقتدارات تام باشند؛ حال، اگر اقتدارات و اختیاراتی که به موجب قانون ۴ اسد ۱۳۰۱ به رییس کل مالیه تفویض و در موقع استخدام ما و همچنین تا حال از طرف ایشان اجرا می شده، حذف گردد و در نتیجه ما مسئول و مجبور به اطاعت از یک نفر مأموری خواهیم بود که اختیارات او در باره ما (نسبت به اختیاراتی که ما در موقع استخدام خود متعهد قبول و اطاعت دارنده آن شده ایم) محدود می باشد؛ به عقیده امضا کنندگان ذیل، این وضعیت باعث نقض مقررات استخدام ما می باشد.

نظر به مراتب فوق، اگر اکنون دولت شاهنشاهی ایران مصمم هستند (کذا) شرایطی را که تحت آن ما استخدام شده ایم تغییر بدهند، باید کنترات آن عده از

ماها (کذا) را که حاضر نیستند تحت وضعیات فعلی با دولت شاهنشاهی قرار جدیدی در خصوص خدمت خود بدهند، لغو نمایند.

ما معتقدیم که ما قانوناً حق داریم تکالیف و وظایف خود را تا تاریخ انقضای کنترت‌های خود، تحت همان شرایطی که در موقع استخدام ما وجود داشته، در ایران ادامه بدهیم؛ ولی نظر به مراتب فوق معلوم می‌شود دولت شاهنشاهی ایران مایل نیستند (کذا) که ما تکالیف خود را به طریق مذکور مداومت دهیم. پس، دولت شاهنشاهی ایران که کنترات ما را نقض می‌نماید، ملزم خواهد بود حقوق کنتراتی ما را تا تاریخ انقضای کنترات پرداخته و همچنین سایر پرداخت‌های مربوطه را به عمل آورند؛ ولی پیش‌بینی می‌کنیم که تصفیة محاسبات به این طریق، ممکن است اسباب تأخیر و اختلاف بین‌المللی شده و در اطراف خود ماها (کذا) و دولت شاهنشاهی ایران، صحبت‌ها و مذاکرات غیرمطلوبی را تولید نماید. با قطع به این که پس از تغییر اقتدارات مقام ریاست کل مالیه که ضمن قانون ۴ اسد ۱۳۰۱ مقرر است، ادامه اقامت ما در ایران نه از برای دولت و نه از برای خود ماها (کذا) فایده نخواهد داشت؛ لذا به نظر ما مقتضی چنان است که دولت شاهنشاهی قبل از عزیمت حضرت عالی از ایران، آنچه را به ما تعلق می‌گیرد، در وجه ما کارسازی کنند.

با کیفیات کنونی، ممکن است دولت شاهنشاهی ایران مایل باشند (کذا) تحت این ماده از کنترات ما که مقرر می‌دارد پس از سال اول خدمت (در صورتی که مقام ریاست کل مالیه متصدی داشته باشد) دولت شاهنشاهی در هر موقع می‌تواند کنترات را با پرداخت شش ماه حقوق قبلاً و مخارج معاودت لغو نماید، به خدمت ما خاتمه بدهند. ما برای احتراز از وقوع اختلاف حاضریم به کنترت‌های ما به این ترتیب خاتمه داده شود؛ مشروط بر آن که ترتیب ختم کنترات و پرداخت وجوه مربوطه به هر یک از ما، قبل از عزیمت حضرت عالی از ایران صورت بگیرد.

این نکته قابل ملاحظه است که ختم کنترات به طریق مذکوره در فوق از طرف دولت شاهنشاهی ایران، باید برحسب توصیه رییس کل مالیه انجام پذیرد و در مواقعی که مقام ریاست کل مالیه متصدی ندارد، دولت شاهنشاهی حق خود را به خاتمه دادن کنترات به ترتیب مذکور، نمی‌تواند اجراء نماید. پس اگر دولت شاهنشاهی ایران مایل باشند (کذا) حق خود را به خاتمه دادن کنترات‌های ما به طریق

فوق‌الذکر اجراء نمایند، بایستی اقدام سریع مبذول دارند (کذا).

اگر دولت شاهنشاهی ایران مایل نباشند (کذا) حق خود را به خاتمه دادن کنتراته‌های ما تحت شرایط مذکوره فوق به فوریت اعمال نماید، ما معتقدیم به مجرد آنکه مقام ریاست کل مالیه حذف و یا به قسمی در اقتدارات آن تغییرات داده شود که وضعیت ما را دچار تغییر نماید، در آن صورت، دولت شاهنشاهی ایران ملزم خواهند [بود] حقوق هر یک از ما را تا موقع انقضای کنترات، به انضمام سایر حقوقات مربوطه، تمام و کمال در وجه ما تأدیه نمایند (کذا).

عموم ما از پیشامد این وضعیت متأسف هستیم؛ زیرا این مدت که با اهالی مملکت، ایران مشغول کار بوده‌ایم، بر مراتب احترامی که سابقاً نسبت به آنها داشتیم، افزوده و نظر به روابط صمیمانه با همکاران ایرانی خود، امیدوار بودیم به ادامه کار و خدمت خود در ایران در معیت آنها، موفق خواهیم شد.

در خاتمه، اشعار می‌داریم اگر دولت شاهنشاهی ایران تصمیم بگیرند (کذا) که در شرایط خدمت ما به هیچ وجه تغییری داده نشود، خوشوقت خواهیم بود خدمات خود را به دولت شاهنشاهی ادامه بدهیم^۱.

با تقدیم احترامات فائقه

امضاها: [] هاری دیویس - ژان س. اسپیکس - توماس پیرسن - الف س. هسکل - ریشارد بونیوال - ب. ج. فیتسمونز - ژان الف دانوی - هوک ج. ریبر - ژان لومیس - هارولد هومن - ژان توماس مرگان - کلمن.

سند ۳۲

موضوع: مالکیت ۶۴ آبادی کردنشین در آذربایجان باختری

یادداشت ماشین شده میلسپو، به تاریخ ۲۵ تیر ۱۳۰۶

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۲۱۷۴

ضمیمه []: دوسیه

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

جناب مستطاب عالی راجع به دوسیه ضمیمه، برحسب معمول خود، بدون این که حقایق را کاملاً ملاحظه فرموده باشید، از ادارات مالیه انتقاد کرده‌اید.

این جانب، موضوع دوسیه ضمیمه را بیش از دو سال به تفاریق مورد دقت و ملاحظه قرار داده‌ام. در این باب، تأخیری که مسئولیت آن متوجه ما باشد نشده [و] مراتب به قراری است که ذیلاً ملاحظه خواهید فرمود.

اخوان مناسریان (سه برادر)، نسبت به ۶۴ قریه واقع در بلوک مرگور و ترگور و دشت^۱، دعوی مالکیت دارند. دو نفر از آنها تبعه روس و در تجارتخانه «زاکوستروغ» روسی (ارومیه) مستخدم هستند. برادر سوم، تبعه ایران و ساکن تبریز است. ۶۴ قریه مزبور هم در تصرف اکراد می‌باشد.

در سال ۱۳۰۴ مستر جونس پیشکار ایالتی آذربایجان و جناب مستطاب اجل آقای عبدالله خان طهماسبی فرمانده لشکر شمال غرب، سعی کردند اخوان مناسریان را به فروش قراء خود به قیمت متناسبی راضی نمایند و در عین حال ترتیبی فراهم کنند که اکراد متصرف قراء، قیمت املاک متصرفه را بپردازند. مذاکرات با مناسریان‌ها به جایی منتهی نشد؛ مخصوصاً به سبب آنکه، از قرار اطلاع حاصله، قنصل روس مقیم ارومیه اتصالاً به مشارالیه‌م دستور می‌داد که اولاً قیمت گزافی معین کنند و از آن پایین نیایند و ثانیاً به فروش لااقل ده پارچه از بهترین قراء رضایت ندهند.

در اواخر ۱۳۰۴ (و بعدها هم در چهار مورد دیگر) ماژور دیویس پیشکار مالیه ایالتی آذربایجان، با ارشد اخوان مناسریان که تبعه ایران است، موضوع قراء مرگور و ترگور و دشت را طرح نمود و مشارالیه اظهار داشت که ممکن است دو برادر دیگر خود را به فروش راضی کند و با آنها داخل مذاکره خواهد شد؛ ولی به هیچ وجه قیمتی که جداً بتوان مأخذ مذاکره قرار داد، ذکر نکرده و اصرار داشته است که ده پارچه قراء مذکوره فوق را نخواهند فروخت.

البته، قبل از خرید قراء باید شرایط خرید را فراهم کرد. مناسریان‌ها همیشه از تعیین قیمت خودداری نموده و به این واسطه از این که بتوان جداً قضیه را مورد

۱. نام دهستانهای پرجمعیت و تا حدی ثروتمند آذربایجان باختری. اکثر مردم این منطقه گُردند.

اقدام قرار داد، مانع بوده‌اند. گاهی به طور مبهم راجع به قیمت ۵۴ پارچه از املاک از ۱۲۰/۰۰۰ تومان تا ۹۵/۰۰۰ تومان اظهاراتی کرده‌اند؛ ولی راجع به ده پارچه دیگر دائماً این نظر را داشته و اظهار نموده‌اند که آنها را در ملکیت خود نگاه خواهند داشت. افراد متصرف این قراء خیلی ثروتمند هستند و می‌توانند قیمت املاکی را که در تصرف آنهاست، به سهولت بپردازند. در صورتی که کسانی که املاکی را متصرف هستند و در نتیجه تصرف چندین ساله و استفاده از منابع ثروت محل به قدری متمول شده‌اند که به آسانی از عهده پرداخت قیمت عادلانه املاک بر می‌آیند، البته منطقی نخواهد بود که دولت، خود قیمت املاک را به مالکین حقیقی بپردازد.

اداره مالیّه آذربایجان چندین بار سعی نموده است که مالیات دولت و همچنین سهم مالکانه مالکین حقیقی املاک را وصول و به مشارالیهم ایصال دارد. مازور دیویس، پیشکار مالیّه ایالتی، چندین دفعه شفاهاً و کتباً در این خصوص با جناب آقای احمد آقاخان فرمانده فعلی لشکر شمال غرب مذاکره و برای حل و فصل موارد اختلاف از ایشان استعانت جسته است. فرمانده مزبور اظهار می‌داشته که موقع اقدام به این امر هنوز نرسیده؛ ولی از قرار اطلاع واصله، به افراد وعده داده است که قراء متصرفی آنها را به عنوان هدیه به ایشان واگذار خواهد کرد. پس، تا فرمانده لشکر شمال غرب با اداره مالیّه آذربایجان معاضدت نکند و نفوذ خود را در وا داشتن افراد مرگور و ترگور و دشت به پرداخت قیمت عادلانه املاکی که جبراً متصرف هستند به کار نبرد، البته فعلاً راه‌حلی نمی‌توان یافت.

[امضای لاتین میلیسپو] رئیس کل مالیه

سند ۳۳

موضوع: وام به اداره ارزاق

یادداشت میلیسپو به خط منشی، به تاریخ ۲۵ تیر ۱۳۰۶ (ر).
ک. به سندهای ۲۲ و ۲۹ و ۴۰ / تیر ۱۳۰۶).

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۲۱۷۸

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

در جواب سؤال جناب عالی راجع به مبنای قانونی پرداخت پانصد هزار تومان مساعده پیشنهادی به سرویس ارزاق، اشعار می‌دارد. نسبت به مساعدات ۱۳۰۶، ماده ۱۲ بودجه ۱۳۰۴ اجازه قانونی و کافی می‌باشد. بودجه مزبور (جز در قسمتهایی که به موجب قوانین بعدی تغییر داده شده)، هنوز مجراست و اعطاء مساعدات را برای خرید جنس و مخارج مربوطه مقرر می‌دارد؛ مشروط بر آن که اولاً مبلغ مساعده بیش از سه کروار تومان نباشد و ثانیاً مدت آن از یک سال تجاوز نکند. مساعددهایی که دریافت آن در سنه ۱۳۰۶ پیش‌بینی می‌شود، جمعاً کمتر از یک میلیون تومان خواهد بود و از ماحصل فروش جنس مسترد خواهد شد.

[امضای لاتین میلسپو] رییس کل مالیه

سند ۳۴

موضوع: پیشنویسهای قرارداد جدید میلسپو

این سند، مرحله‌ای از تهیه قرارداد جدید استخدامی میلسپو را نشان می‌دهد. در ستون دست‌چپ، عین مواد قرارداد ۱۳۰۱ با حذف آن موادی که دیگر موضوعیت نداشت و در سمت راست، مواد تغییر یافته برای پیشنهاد به میلسپو، بر روی کاغذ سربرگدار وزارت دارایی ماشین شده است. چون مواد پیشنهادی دارای تفاوت‌هایی با متن نهاییست، آن متن را نیز به عنوان سند بعدی خواهیم آورد. علاوه بر اینها، متنی هم از قرارداد به خط نصرت‌الدوله در مجموعه موجود است که دخالت مستقیم او را در تنظیم قرارداد جدید نشان می‌دهد و تفاوت‌های اندکی نیز با متن نهایی دارد. ما به ارائه تصویر این دستنویس در بخش تصویر اسناد، بسنده کردیم.

کنترات دکتر میلیسپو لایحه قانون پیشنهادی

قانون ۲۱ ماده ۴/۱۳۰۱

ماده ۱- مجلس شورای ملی به دربارت اختیار می دهد که دکتر میلیسپو تبعه آمریکا را به سمت ریاست کل مالیه ایران برای مدت پنج سال مطابق مواد ذیل استخدام نماید.

ماده ۲- ابتدای استخدام از روز حرکت دکتر میلیسپو از واشنگتن محسوب می شود و پس از انقضای سه سال دولت ایران با دکتر میلیسپو مختار خواهند بود که دو سال باقی را قبول یا فسخ نمایند.

ماده ۳- رئیس کل مالیه از بابت حقوق خدمت پانزده هزار دلار سالیانه از دولت علیه دریافت خواهد کرد. بعلاوه برای سال اول خانه و اثاثیه که کفایت مشارالیه را بنماید از طرف دولت برای او تهیه خواهد شد. سال دوم به بعد دولت مخیر خواهد بود که برای مشارالیه تهیه خانه نموده و یا مبلغ ۳/۰۰۰ دلار بر حقوق مشارالیه بیافزاید.

ماده ۱- مجلس شورای ملی به دولت اختیار می دهد که دکتر میلیسپو تبعه آمریکا را به سمت ریاست کل مالیه ایران برای مدت سه سال از تاریخ ... مطابق مواد ذیل استخدام نماید.

ماده ۲- رئیس کل مالیه از بابت حقوق خدمت ۱۸/۰۰۰ دلار سالیانه از دولت علیه دریافت خواهد کرد. بعلاوه از اثاثیه و منزلی که توسط دولت تهیه شده است استفاده خواهد نمود. کرایه و سوخت و روشنائی خانه مزبور از طرف دولت پرداخته خواهد شد و در هر صورت این مخارج از ... تجاوز نخواهد کرد.

ماده ۳- رئیس کل مالیه مسئول وزیر مالیه است و تعهد می کند در ایفای وظایف خود تمام تعالیمات قانونی مشارالیه را اطاعت کند.

در موقع ظهور اختلاف بین وزیر مالیه و رئیس کل مالیه راجع به تشخیص حدود صلاحیت و تطبیق رفتار مشارالیه با مقررات این قانون، هر یک از آنها می توانند موضوع اختلاف را موجهاً به هیئت وزراء مراجعه نمایند و تصمیم هیئت وزراء در آن موضوع قاطع و متبع خواهد بود.

ماده ۴- رئیس کل مالیه مسئول وزیر مالیه است و تعهد می‌کند در ایفای وظایف خود تمام تعلیمات قانونی مشارالیه را اطاعت کند. در موقع ظهور اختلاف بین وزیر مالیه و رئیس کل مالیه راجع به مسائلی که در حدود صلاحیت مشارالیه است، رئیس کل مالیه حق دارد نظریات خود را شفاهاً و کتباً به هیئت دولت اظهار نماید.

ماده ۴- رئیس کل مالیه تحت تعلیمات قانونی و نظارت وزیر مالیه با مراعات اصول مسئولیت و زرای امور مالیه ایران را در حدود قوانین مملکتی اعم از قوانین فعلی و قوانینی که در آتیه وضع بشود عهده خواهد داشت - مشارالیه تحت هدایت قانونی و تصویب وزیر مالیه، بودجه کل مملکتی و لایحه تفریق بودجه سنواتی را مطابق قانون محاسبات عمومی تهیه و تشکیلات وزارت مالیه را اصلاح خواهد نمود.

تعیین و ترقی و تنزل و انتقال و عزل مستخدمین وزارت مالیه و شعب تابعه آن در حدود قوانین مملکتی اعم از قوانین فعلی و قوانینی که در آتیه وضع شود، برحسب پیشنهاد رئیس کل مالیه انجام خواهد گرفت، به استثناء مفتشین مخصوص که وزیر مالیه برای تفتیش وزارت مالیه و کلیه ادارات و شعب تابعه آن تعیین خواهد نمود - مفتشین مزبور مستقیماً توسط وزیر مالیه انتخاب و مسئول مشارالیه خواهند بود.

در صورتی که در مورد تعیین و ترقی و تنزل و انتقال و عزل مستخدمین وزارت مالیه، وزیر مالیه با پیشنهاد رئیس کل مالیه موافقت ننماید و یا عزل انتقال عضوی را وزیر مالیه لازم بداند و رئیس کل مالیه به آن نظر موافقت ننماید، مطالب به هیئت وزراء مراجعه شده و رأی هیئت وزراء قاطع و متبع خواهد بود.

عزل و نصب رؤسای محاسبات وزارتخانه‌های دیگر بر طبق پیشنهاد رئیس کل مالیه و موافقت وزیر آن وزارتخانه خواهد بود. در صورت بروز اختلاف نظر به ترتیب سابق‌الذکر، مطالب به هیئت وزراء مراجعه و تصمیم هیئت وزراء قاطع خواهد بود.

دولت ایران قبل از تصمیم در مسائل مالی یعنی در مورد مسائلی که اجرای آن مستقیماً مؤثر در جمع و خرج مملکتی خواهد بود و همچنین قبل از تصمیم به اعطای امتیازات تجارتي و صنعتی، نظر رئیس کل مالیه را توسط وزیر مالیه جلب خواهد نمود. این مراجعه صرف جنبه مشورتي خواهد داشت.

رئیس کل مالیه در هر مجلس و کمیونی که مربوط به اداره مالیه یا مسائل مالی منعقد بشود، بعد از وزیر مالیه مقدم بر تمام اعضای وزارت مالیه خواهد بود و در کمیون یا مجلس بین‌المللی که راجع به امور مالیه تشکیل گردد، بعد از وزیر مالیه مقام نمایندگی ایران را خواهد داشت.

(ماده ۵ حذف شد).

ماده ۵- رئیس کل مالیه برای ایجاد منابع عایدات تازه و افزودن حسن جریان ادارات و شعب مختلفه آنها و نظارت در محاسبات و صرفه جوئی در مخارج مملکتی و بطور کلی به جهت مساعدت به ترقی مالی و اقتصادی ایران، مکلف است پیشنهادات مفیده را به دولت ایران بنماید و بقدری که

ممکن است برای رفع بحران اقتصادی ایران در تزئید و توسیع و جلب و به کار انداختن سرمایه خارجی که مورد تصویب دولت باشد، از امر بابت منتهای کوشش را بنماید.

ماده ۶- وزیر مالیه و رئیس کل مالیه نظارت خواهند داشت که از خارج از حدود بودجه و اعتبارات مصوبه و یا قوانین مملکتی هیچ نوع تعهد مالی و خرجی بعمل نیاید و خود نیز حق نخواهد داشت هیچگونه خرجی و تعهدی را خارج از حدود مواد بودجه و اعتبارات مصوبه بعمل آورند - بعلاوه هیچ مخارج دولتی یا انتقال عواید مملکتی نخواهد شد، مگر به تصدیق رئیس کل مالیه و امنای وزیر مالیه.

ماده ۶- رئیس کل مالیه تحت تعلیمات قانونی و نظارت وزیر مالیه و با مراعات اصول مسئولیت وزراء کلیه امور مالیه ایران را عهده خواهد داشت. مشارالیه تحت هدایت قانونی و تصویب وزیر مالیه اختیار تام خواهد داشت بودجه را تهیه کرده، تشکیلات وزارت مالیه و تمام شعب آن و ادارات دیگر دولتی را که مستقیماً با جمع و محاسبه و پرداخت حقوق عمومی مربوط است اصلاح نماید. دولت ایران قبول می‌کند مطابق نظریات مشارالیه دایره به تعیین و ترقی و تنزل و انتقال و عزل مستخدمین وزارت مالیه و تمام شعب تابعه آن، و هم چنین مستخدمین ادارات دیگر دولتی که مستقیماً با جمع و محاسبه و پرداخت وجوه عمومی مربوط است رفتار نماید. دولت ایران قبل از آنکه راجع به کلیه مسائل مالی ایران اقدام و تصمیمی بکند، با رئیس کل مشورت خواهد کرد و در هر مجلس یا کمیسیون که مربوط به اداره مالیه یا مسائل مالی منعقد می‌شود، مشارالیه بعد از وزیر مالیه مقدم خواهد بود و در کمیسیون یا مجلس بین‌المللی که راجع به امور مالیه تشکیل گردد، بعد از وزیر مالیه مقام نمایندگی ایران را خواهد داشت. در باب امتیازات تجارتي و صنعتی رئیس کل

مالیه طرف شرر برده، می تواند عقاید خود را کتباً یا شفاهاً به دولت اظهار نماید.

ماده ۷- رئیس کل مالیه برای ایجاد منابع عایدات ناز و افزون حسن جریان ادارات یا شعب مختلفه از قبیل نظارت محاسبات و استعمال و جیره دولتی و صرفه جوئی در مخارج عمری و بطور کلی به جهت مساعد به مساعدت مالی و اقتصادی ایران، لوائح قانونی برای تصویب به دولت ایران پیشنهاد خواهد کرد و به قدری که ممکن است، در تزئید و توسعه و جلب و به کار انداختن سرمایه خارجی برای رفع بحران اقتصادی ایران از هر بابت متتهای کوشش را خواهد کرد.

ماده ۸- دولت ایران بدون تصویب کتبی وزیر مالیه و رئیس کل مالیه مطلقاً تعهد مالی نخواهد کرد و هم چنین دولت تعهد می کند که هیچ مخارج دولتی یا انتقال وجوه عمومی نخواهد شد، مگر به امضای وزیر مالیه و تصدیق رئیس کل مالیه.

ماده ۹- رئیس کل مالیه یا معاونینی که او معین نماید تمام اسناد و دفاتر و احکام و فرامین و تمام کتب و دفاتر محاسبات راجع به اداره مالیه ایران و به هر یک از شعب آن و راجع به جمع عایدات و محافظت و تأدیه وجوه عمومی همه وقت دسترسی نامحدود خواهد داشت.

ماده ۷- رئیس کل مالیه یا معاونینی که معین نماید بر تمام اسناد و دفاتر و احکام و فرامین و تمام کتب و دفاتر محاسبات راجع به اداره مالیه ایران و به هر یک از شعب آن و راجع به جمع عایدات و محافظت و تأدیه عواید مملکتی همه وقت دسترسی نامحدود خواهد داشت، به استثناء دفاتر و اسنادی که دولت استنار آنها را از نقطه نظر مصالح مملکتی لازم می داند.

ماده ۸- رئیس کل مالیه هر سه ماه راپرت عملیات خود را در باب امور مالیه به وزیر مالیه تقدیم خواهد کرد. مکاتبات رسمی و دفاتر حساب باید فارسی باشند.

ماده ۹- مستخدمین خارجی مالیه ایران را دولت با مشورت رئیس کل مالیه انتخاب و استخدام خواهد نمود.

ماده ۱۰- رئیس کل مالیه هر سه ماه راپرت عملیات خود را در باب امور مالیه به دولت ایران تقدیم خواهد کرد. مکاتبات رسمی و دفاتر حساب باید فارسی باشند.

ماده ۱۱- تمام مستخدمین خارجه برای مالیه من بعد با تصویب رئیس کل مالیه اجیر و مسئول او خواهند بود.

ماده ۱۲- رئیس کل مالیه تعهد می‌کند از مداخله در امور مذهبی و سیاسی و تصدی کسب شخصی و مکاتبه با مأمورین خارجه اجتناب نماید. رئیس کل مالیه تعهد می‌کند در ضمن ایفای وظایف خود در هر موقعی قانون ایران و اقتدارات قانونی ... وزراء را کاملاً مراعات و احترام نماید.

ماده ۱۰- رئیس کل مالیه تعهد می‌کند از مداخله در امور مذهبی و سیاسی و تصدی کسب شخصی و مکاتبه با مأمورین خارجه در مسائل اداری اجتناب نماید.

رئیس کل مالیه تعهد می‌کند در ضمن ایفای وظایف خود در هر موقعی قوانین مملکتی را اطاعت و اقتدارات قانونی وزراء را کاملاً منظور و محترم بدارد و هرگاه یکی از وزراء اقدامات رئیس کل مالیه را منافی با اقتدارات قانونی و مسئولیت خود دانست مطابق ماده سوم این قانون رفتار موضوع اختلاف به هیئت وزراء مراجعه خواهد شد.

ماده ۱۱- رئیس کل مالیه متعهد است ایرانیان را به تجربیات عملی در شعب مختلفه مالیه وا داشته و تربیت نماید و هر کدام تجربیات و عملیات لازمه را تکمیل کرده شایستگی حاصل نمودند، بر خارجه برتری و رجحان دهد تا به تدریج مشاغل مهمه در ادارات به ایرانیان سپرده شود.

ماده ۱۲- به رئیس کل مالیه حق داده می‌شود که یک نفر منشی مخصوص که منحصرأً برای تعیین احتیاجات شخصی او خواهد بود از امریکا با حقوق سالی ... دلار استخدام بنماید و بعلاوه عده کافی مستخدمین ایرانی که قابل و کاملاً معتمد باشند برای رفع حوائج دفتر مخصوص رئیس کل مالیه تعیین خواهد شد. در هر موردی که هیئت وزراء حضور رئیس کل مالیه را در جلسات خود لازم بدانند، رئیس

کل مالیه مکلف به حضور خواهد بود. رئیس کل مالیه نیز در باب مسائل مالی در هر موردی که توضیحات خود را در جلسه هیئت وزراء لازم بداند می تواند تقاضای حضور نماید.

ماده ۱۳- رئیس کل مالیه حق خواهد داشت که در هر سال یک ماه مرخصی و استفاده از حقوق داشته باشد، از این مرخصی می تواند در سال آخر خدمت خود جمعاً استفاده نماید.

ماده ۱۴- برای خرج مسافرت رئیس کل مالیه از امریکا به ایران و مراجعت مشارالیه از ایران به امریکا و مراجعت مشارالیه از ایران به امریکا و موقع انقضاء کنترات ... دولار تأدیه خواهد شد.

ماده ۱۳- رئیس کل مالیه متعهد است ایرانیان را به تجربیات عملی در شعب مختلفه مالیه وا داشته و تربیت نماید و هر کدام تجربیات عملیات لازمه را تکمیل کرده، شایستگی حاصل نمودند بر خارجه برتری و رجحان دهد تا به تدریج مشاغل مهمه در ادارات به ایرانیان سپرده شود.

ماده ۱۴- به رئیس کل مالیه حق داده می شود که در امریکا برای سه سال یا کمتر یک نفر عالم احصائیه و یک نفر منشی امریکائی که زبان فرانسه بداند و یک نفر محرر اجیر کند و این سه نفر منحصرأً برای او خواهند بود و حقوق و مخارج آنها را دولت ایران خواهد داد. بعلاوه عده کافیه مستخدمین ایرانی که قابل و کاملاً معتمد باشند برای حوائج ادارات مخصوص رئیس کل مالیه از طرف دولت معین خواهد شد و تحت اطاعت مشارالیه خواهد بود. رئیس کل مالیه می تواند در مواقعی که مسائل مالی مطرح است در هیئت وزراء حضور به هم رساند.

ماده ۱۵ کنترات راجع به حق مرخصی یک ماهه در هر سال است. چون از شرایط

ماده ۱۵- اگر رئیس کل مالیه به واسطه حادثه و یا مرضی پیش از سه ماه قادر به

ادامه خدمت خود نباشد، دولت کتترات مشارالیه را فسخ نموده و در این صورت معادل سه ماه حقوق به مشارالیه علاوه بر خرج سفر مقرر در ماده (۱۴) پرداخت خواهد شد.

اگر رئیس کل مالیه قبل از خاتمه کتترات خود استعفا بنماید، حق دریافت بقیه حقوق مدت کتترات و خرج مسافرت را نخواهد داشت.

ماده ۱۶- نقص هر یک از مواد این قانون از طرف رئیس کل مالیه موجب فسخ کتترات رئیس کل مالیه شده و در این صورت هیچگونه حقی به دولت ایران نخواهد داشت.

ماده ۱۷- اختیاراتی که بر طبق مواد فوق به دکتر میلسپو داده شده است، بدون تصویب مجلس شورای ملی به دیگری واگذار نخواهد شد.

مالی است جزء قانون منظور گردیده است. ماده ۱۴ کتترات راجع به پرداخت خرج مسافرت خود و خانواده بلافصل و اجزاء از امریکا به ایران و از ایران به امریکا (بدون تعیین مبلغ).

(ماده ۱۷ و ۲۰ کتترات است).

۱- در صورتی که بیش از سه ماه از ادای وظایف ناتوان باشد، دولت می تواند کتترات او را فسخ و سه ماه حقوق و خرج معاودت به او تأدیه نماید.

۲- هرگاه بدون دلیل قبل از انقضاء مدت سه سال از خدمت استعفا ننماید، حقوق خدمت تا آن مدت را دریافت ولی خرج سفر معاودت تأدیه نخواهد شد. (ماده جدید است).

ماده ۱۶ (قانون سابق) - اختیاراتی که بر طبق مواد فوق به دکتر میلسپو داده شده است بدون تصویب مجلس شورای ملی به دیگری واگذار نخواهد شد.

ماده ۱۸- دولت مطابق قانون مورخه ۱۳ عقرب ۱۳۰۱ شرایط فرعی استخدام رئیس کل مالیه را معین خواهد نمود، مشروط بر اینکه شرایط مزبوره خارج از حقوق و حدود و اختیارات و امتیازات مقرر در فوق نباشد.

ماده ۱۵ (قانون سابق) - حقوق و حدود اختیارات رئیس کل مالیه از قرار است که در چهارده ماده فوق مذکور شده است. شرایط فرعی کتترات رئیس کل مالیه به نظر دولت واگذار می شود، مشروط بر اینکه شرایط فرعی خارج از حقوق و حدود و اختیارات فوق نبوده، با رسوم و عادات و قوانین مملکتی منافاتی نداشته و امتیازاتی که از حیث رتبه منظور می شود بیش از آنچه در فوق ذکر شده باشد.

(ماده ۱۷ قانون سابق حذف شده است).

سند ۳۵

موضوع: متن نهایی قرارداد پیشنهادی جدید استخدامی میلیسو

این متن در مجموعه اسناد نیست، ولی در روزنامه های این دوره و کتابها و مقاله های مختلف آمده است.

ماده اول. مجلس شورای ملی به دولت اختیار می دهد که دکتر میلیسو تبعه امریکا را به سمت ریاست کل مالیه ایران برای مدت سه سال از تاریخ ... مطابق مواد ذیل استخدام نماید.

ماده دوم. رئیس کل مالیه از بابت حقوق خدمت ۱۸۰۰۰ دلار سالانه به اقساط ماهانه از دولت ایران دریافت خواهد کرد. بعلاوه خانه و اثاثه ای که برای مشارالیه تهیه شده است تا آخر کتترات در اختیار او خواهد بود. کرایه و روشنایی و سوخت خانه مزبور در سال از مبلغ ... دلار تجاوز نخواهد کرد.

ماده سوم. رئیس کل مالیه مسؤول وزیر مالیه است و تعهد می کند که در ایفای وظایف خود تمام تعلیمات قانونی مشارالیه را اطاعت کند. در موقع ظهور اختلاف بین وزیر مالیه و رئیس کل مالیه راجع به مسایلی که در حدود صلاحیت مشارالیه است و قانون صریحاً تکلیف آن را معین نکرده

است و یا راجع به تطبیق رفتار مشارالیه با مقررات این قانون، هر یک از آنها می‌توانند موضوع اختلاف را با ذکر دلایل کافی به هیأت وزراء مراجعه نمایند و تصمیم هیأت وزراء پس از استماع توضیحات طرفین در آن موضوع قاطع و مطاع خواهد بود. در صورتی که این اختلاف راجع به فهم قانون باشد طرفین می‌توانند از هیأت وزراء تقاضا نمایند که برای رسیدگی به مطلب هیأتی مرکب از رئیس‌الوزراء و رئیس مجلس شورای ملی و رئیس دیوان عالی تمیز مراجعه شود و استنباط اکثریت آنها از قانون برای طرفین واجب‌الاجراء خواهد بود و اگر هیأت مذکوره قانون را محتاج به تفسیر دانست، تفسیر آن را از مجلس شورای ملی خواهد خواست. در مواردی که بین دولت و رئیس کل مالیه در باب حقوقی مالی شخصی مشارالیه از قبیل مقرری، خرج سفر و منزل اختلافی پیش آید، حل این نوع اختلافات به ترتیب ذیل به عمل می‌آید: وزیر مالیه و رئیس کل مالیه هر یک، یک حکم معین نموده، حکمین به تراضی حکم ثالث را معین خواهند کرد و در صورت عدم تراضی از بین چهار نفر که هر یک از حکمین دو نفر آنها را پیشنهاد می‌کند، حکم ثالث به قرعه انتخاب خواهد شد.

ماده چهارم. رئیس کل مالیه تحت تعلیمات قانونی و نظارت وزیر مالیه با مراعات اصول مسؤولیت وزراء امور مالیه ایران را در حدود قوانین مملکتی اعم از قوانین فعلی و قوانینی که در آتیه وضع شود عهده خواهد داشت. مشارالیه تحت هدایت قانونی و تصویب وزیر مالیه، بودجه کل مملکتی و لایحه تفریغ بودجه سنواتی را مطابق قوانین مربوط تهیه و تشکیلات وزارت مالیه را اصلاح خواهد نمود. دولت ایران قبول می‌کند که مطابق نظرات رئیس کل مالیه دایر به تعیین و ترقی و تنزل و انتقال و عزل مستخدمین وزارت مالیه و شعب تابعه آن که قانون استخدام هستند، در حدود قوانین مملکتی اعم از قوانین فعلی و قوانینی که در آتیه وضع شود رفتار نمایند. به استثنای مفتشین مخصوص که وزیر مالیه برای تفتیش وزارت مالیه و کلیه ادارات و شعب تابعه آن از بین مستخدمین رسمی دولت انتخاب خواهد نمود. مفتشین مزبور از بین مستخدمین رسمی دولت مستقیماً به توسط وزیر مالیه تعیین شده و مسؤول مشارالیه

خواهند بود. در صورتی که در موقع انتصاب مستخدمین وزارت مالیه و یا در باب تغییر آنها از مأموریت خود، بر حسب مصالح سیاست عمومی مملکتی وزیر مالیه نظری اتخاذ کند که رئیس کل مالیه با آن موافقت ننماید، مطلب به هیأت وزراء مراجعه شده و رأی هیأت وزراء قاطع و مطاع خواهد بود. انتصاب رؤسای محاسبات بر طبق پیشنهاد رئیس کل مالیه و موافقت وزیر مسئول خواهد بود، ولی در هر موقعی وزیران وزارتخانه به دلایل موجهی تغییر آن مأمور را می‌تواند تقاضا نماید و در صورت عدم موافقت وزارت مالیه با این تقاضا، مطلب به ترتیب سابق‌الذکر به هیأت وزراء مراجعه شده و تصمیم هیأت وزراء قاطع خواهد بود. دولت ایران قبل از تصمیم در مسایل مالی یعنی در مورد مسائلی که اجرای آن مستقیماً مؤثر در جمع و خرج مملکتی خواهد بود و همچنین قبل از تصمیم به اعطای امتیازات تجارتي و صنعتی، نظر رئیس کل مالیه را به توسط وزیر مالیه جلب خواهد نمود. این مراجعه جنبه مشورتي خواهد داشت. رئیس کل مالیه در هر مجلس و کمیسیونی که مربوط به اداره مالیه یا مسائل مالی منعقد شود، بعد از وزیر مالیه مقدم بر تمام اعضای وزارت مالیه خواهد بود و در کمیسیون یا مجلس بین‌المللی که راجع به امور مالیه تشکیل شود، بعد از وزیر مالیه مقام نمایندگی مالیه ایران را خواهد داشت.

ماده پنجم. رئیس کل مالیه برای ایجاد عایدات تازه و افزودن حسن جریان ادارات و شعب مختلفه آنها و نظارت در محاسبات و صرفه‌جویی در مخارج مملکت و به طور کلی به جهت مساعدت و ترقی مالی و اقتصادی ایران، مکلف است پیشنهادهای مفید را به دولت ایران بنماید و به قدری که ممکن است در تزیید و توسیع و جلب و به کار انداختن سرمایه خارجی که مورد تصویب دولت باشد، از هر بابت متتهای کوشش را به عمل آورد.

ماده ششم. نظر به اینکه مطابق قوانین مملکتی، دولت ممنوع از هر نوع تعهد مالی در خارج از حدود بودجه و اعتبارات مصوبه است، وزیر مالیه و رئیس کل مالیه مکلف می‌باشند مراقبت نمایند که خارج از حدود بودجه و اعتبارات مصوبه هیچ نوع تعهد مالی و خرجی به عمل نیاید و

خود آنها نیز حق نخواهند داشت هیچ گونه خرج و تعهدی را خارج از حدود مواد بودجه و اعتبارات مصوبه به عمل آورند. بعلاوه پرداخت مخارج دولتی و یا انتقال عواید مملکتی به تصدیق رئیس کل مالیه و امضای وزیر مالیه خواهد بود.

ماده هفتم. رئیس کل مالیه یا معاونینی که معین نماید به تمام اسناد و دفاتر و احکام و فرامین و تمام کتب و دفاتر محاسبات راجع به اداره مالیه ایران و هر یک از شعب آن و راجع به جمع عایدات و محافظت و تأدیة عواید مملکتی همه وقت دسترس نامحدود خواهد داشت، به استثنای دفاتر و اسنادی که دولت استتار آنها را از نقطه نظر مصالح مملکت لازم شمارد.

ماده هشتم. رئیس کل مالیه هر سه ماه راپرت عملیات خود را در باب امور مالیه به توسط وزیر مالیه به دولت تقدیم خواهد کرد. مکاتبات رسمی و دفاتر محاسبات باید فارسی باشد.

ماده نهم. استخدام مستخدمین خارجی مالیه دولت ایران یا برحسب پیشنهاد رئیس کل مالیه و تصویب دولت و یا از طرف دولت پس از اتخاذ رأی مشورتی رئیس کل مالیه به عمل خواهد آمد و اعم از اینکه استخدام آنها به هر یک از شوق مذکور به عمل آمده باشد، مستخدمین مزبور مثل سایر مستخدمین وزارت مالیه در ضمن اجرای وظایف اداری خود در تحت تعلیمات وزیر مالیه و رئیس کل مالیه خواهند بود، ولی در دستورالعملهای اجرایی وزیر مالیه منحصرأ از مجرای رئیس کل مالیه به آنها ابلاغ خواهد شد.

ماده دهم. رئیس کل مالیه تعهد می‌کند از مداخله در امور مذهبی و سیاسی و تصدی کسب شخصی و مکاتبه با مأمورین خارجه در مسائل اداری اجتناب نماید. رئیس کل مالیه تعهد می‌کند در ضمن ایفای وظایف خود در هر موقعی قوانین مملکتی را اطاعت و اقتدارات قانونی وزراء را کاملاً منظور و محترم بداند، و هرگاه موقعی یکی از وزراء اقدامات رئیس کل مالیه را منافی با اقتدارات قانونی خود دانسته و پس از اظهارات به رئیس کل مالیه توافق نظر بین آنها حاصل نگردید، مطابق ماده ۳ عمل خواهد گردید.

ماده یازدهم. رئیس کل مالیه متعهد است ایرانیان را به تجربیات عملی در شعب مختلفه مالیه وا داشته و تربیت نماید و هر کدام تجربیات و عملیات لازم را تکمیل کرده و شایستگی حاصل نموده، بر خارجه برتری و رجحان دهد و به تدریج مشاغل مهم در ادارات به ایرانیان سپرده شود.

ماده دوازدهم. به رئیس کل مالیه حق داده می شود که یک نفر منشی مخصوص برای تأمین احتیاجات شخصی خود از امریکا با حقوق سالی ... دلار استخدام نماید و بعلاوه عده کافی مستخدمین ایرانی برای رفع حوائج دفتر مخصوص رئیس کل مالیه تعیین خواهد شد. در هر موقعی که هیأت وزراء حضور رئیس کل مالیه را در جلسات خود لازم بدانند، رئیس کل مالیه مکلف به حضور خواهد بود، و همچنین رئیس کل مالیه می تواند در مواقعی که مسائلی مالی مطرح است، برای دادن توضیحات و اظهار مطالب خود در هیأت وزراء حضور بهم رساند.

ماده سیزدهم. رئیس کل مالیه حق خواهد داشت که در سال یک ماه مرخصی یا استفاده از حقوق داشته باشد. از این مرخصی می تواند در سال آخر خدمت خود جمعاً استفاده نماید.

ماده چهاردهم. برای خرج مسافرت رئیس کل مالیه از امریکا به ایران و مراجعت مشارالیه از ایران به امریکا در موقع انقضای کتترات ... دلار تأدیه خواهد شد.

ماده پانزدهم. اگر رئیس کل مالیه به واسطه حادثه یا مرض قادر به ادامه خدمت خود نباشد، دولت کتترات مشارالیه را فسخ نموده و در این صورت معادل سه ماه حقوق به مشارالیه علاوه بر خرج سفر مقرر در ماده ۱۴ پرداخته خواهد شد. اگر رئیس کل مالیه قبل از خاتمه کتترات خود استعفا نماید، بقیه حقوق مدت کتترات و خرج مسافرت را نخواهد داشت.

ماده شانزدهم. نقض هر یک از مواد این قانون از طرف رئیس کل مالیه به دولت حق می دهد که کتترات مشارالیه را فسخ نماید، و در این صورت رئیس کل مالیه هیچگونه حقی به دولت ایران نخواهد داشت. هم چنین در هر موقعی که رئیس کل مالیه به واسطه مهیا نبودن موجبات کار قادر به اجرای وظایف خود نگردید، حق خواهد داشت که با ذکر دلایل کافی

مطلب را به دولت ایران خاطرنشان و ثابت نماید که بعد از این خدمت شخص او به واسطه فقدان موجبات کار برای ترقی مالی مملکت مفید نخواهد بود و اگر دولت ایران در ظرف یک ماه موفق به دفع شبهه و یا رفع مشکلات و موانع نگردد، مشارالیه حق خواهد داشت کترات خود را خاتمه دهد. در این صورت از تاریخ فسخ کترات حقوق چهار ماه دیگر و حقوق مرخصی که در گذشته از او استفاده نکرده و خرج معاودت به امریکا به مشارالیه تأدیه خواهد شد.

ماده هفدهم. اختیاراتی که بر طبق مواد فوق به دکتر میلپو داده شده است، بدون تصویب مجلس شورای ملی به دیگری داده نخواهد شد. در زمان غیبت رئیس کل مالیه که مشارالیه در خدمت دولت ایران است، قائم مقام او که برحسب توافق نظر بین دولت و رئیس مالیه معین می شود دارای همین اختیارات خواهد بود.

ماده هیجدهم. دولت مطابق قانون ۲۳ عقرب ۱۳۰۱، شرایط فرعی استخدام رئیس کل مالیه را معین خواهد نمود، مشروط بر این که شرایط مزبوره خارج از حقوق و حدود اختیارات و امتیازات در فوق نباشد.

وزیر مالیه - فیروز

سند ۳۶

موضوع: معافیت کارخانه کبریت سازی تبریز

نامه ماشین شده میلپو به تاریخ ۲۷ تیر ۱۳۰۶ (ر.ک. به سند ۲۳ / تیر ۱۳۰۶).

سربرگ وزارت مالیه

نمره ۲۲۰۹

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

یادداشت های جنابعالی مورخه ۴ و ۹ تیر ۱۳۰۶ را راجع به معافیت کارخانه کبریت سازی تبریز از پرداخت کرایه راه آهن تبریز - جلفا و کشتی های دریای ارومیه ملاحظه و نیز از اظهاری که در مجلس شورای ملی در جواب سؤال آقای میرزا رضاخان افشار نماینده محترم در این باب فرموده بودید که دستور خلاف قانونی از طرف پیشکار مالیه ایالتی آذربایجان صادر شده است استحضار حاصل نمودم.

جناب عالی ظاهراً این اظهارات را بدون آنکه قانون یا حقایق مربوطه را بطور کافی مورد مطالعه قرار داده باشید فرموده‌اید، و ایضاً ضمن بعضی مراسلات دیگر این جانب و همکاران امریکائی را به سوء تعبیر و نقض قوانین انتقاد کرده‌اید، لذا مقتضی می‌دانم پاره‌ای از اشکالاتی را که در اجرای قوانین به آن مواجه می‌شویم و نیز مساعی را که برای رعایت و اجراء قوانین به عمل می‌آوریم خاطرنشان کنم.

اجرای مقررات قانون گاهی از اوقات موضوع ساده نیست، مخصوصاً وقتی که مفاد یک قانون با مفاد قانون دیگر مناقضت داشته باشد، در مواقعی که مقررات قوانین مختلفه متناقض باشند، البته لازمست مفاد قانونی که عمومی‌تر و اساسی‌تر است اجراء شود، و معهداً در کلیه این قبیل موارد ما تا منتها درجه امکان کوشش می‌کنیم که مقررات متناقضه را طوری به هم وفق دهیم که هر دو اجراء شده باشند. با ملاحظه مراتب ذیل از اشکالاتی که پیش می‌آید استحضار حاصل خواهید فرمود.

چندی قبل مجلس شورای ملی قانونی گذرانیده و تصویب نمودند که عواید مطبعه مجلس برای تأسیس کارخانه کاغذسازی اختصاص یابد. این قانون با قانون خزانه‌داری کل تناقض داشت، و معذالک ما راهی برای وفق دادن هر دو پیدا نمودیم و آن عبارت از این بود که وجه ودیعه تحت نظارت مشترک خزانه‌داری کل و اداره مباشرت مجلس شورای ملی ایجاد گردید. همچنین در قوانین راجعه به تصفیه دعاوی دولت بر اشخاص و دعاوی اشخاص بر دولت، بعضی مقررات متناقض یافت می‌شود. در این موارد هیچ یک از قوانین را به دلخواه از نظر دور نداشته، بلکه کوشش نموده‌ایم و سائلی برای وفق دادن بین مقررات متناقض پیدا کنیم و نظر به مسئولیتی که راجع به اداره مالیه مملکت به عهده ما محول است، قوت و اثر قوانین مالی را کاملاً محفوظ نگاه داریم. همین نظر را در خصوص بعضی اشکالات که در اجرای قانون استخدام کشوری (مخصوصاً نسبت به وظایف دیوان عالی تمیز) پیش می‌آید، می‌توان اظهار داشت. معافیت کارخانه کبریت‌سازی تبریز از پرداخت کرایه راه‌آهن و کشتی نیز موضوع مشکل و مفصلی است. اولاً باید ملاحظه نمود که یک چنین معافیتی در واقع تولید خرجی را از محل وجوه عمومی می‌نماید، زیرا معافیت مزبور راجع به یک سرویس دولتی می‌شود که عایدی واصله از آن در بودجه مملکتی برای پرداخت مخارجی اختصاص یافته است،

نتیجه معاف کردن هر یک از صاحبان محمولات آن است که مبلغی از عایدات دولت کاسته شده و به جای آنکه به خزانه مملکت وارد شود، در کیسه طرف بماند. اگر فرضاً دو ثلث از صاحبان محمولات از پرداخت کرایه معاف شوند، بدیهی است عایدات از خزانه دولت منتزع و در دست اشخاص خواهد ماند. مثل دیگر تاجری ادعا می‌کند که دولت فلان مبلغ به او مدیون است و چون اجناس خود را باید به وسیله راه‌آهن حمل نماید، تقاضا می‌کند کرایه از او گرفته نشود و در مقابل او نیز از دعوی خود صرف نظر خواهد کرد.

اگر دولت چنین پیشنهادی را بپذیرد بدیهی است که ترتیب مزبور در واقع عبارت خواهد بود از پرداخت مدعا به تاجر از محل وجوه عمومیه. مثلاً حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزراء ضمن مرقومه نمره (۲۳۵۱) مورخه پنجم تیر ۱۳۰۶ اظهار فرموده‌اند که حاجی یوسف آقا قزوینی مبلغ دویست هزار تومان از دولت ادعا دارد. اگر وزارت مالیه حاضر شود که با وسایل نقلیه خود ماشین آلاتی را که مشارالیه وارد نموده است به تبریز حمل و کرایه را بابت مدعا به مشارالیه محسوب دارد، موجب خوشوقتی تاجر مزبور خواهد بود. البته تصدیق خواهید فرمود که موافقت با چنین ترتیب و نخواستن کرایه از صاحب محمولات عیناً به مثابه پرداخت وجه است. این که فلان اقدام موجب خرج از برای دولت است یا نیست، منوط به کیفیات امر می‌باشد و نه به ترتیبی که جهت پرداخت اتخاذ می‌شود. فرض کنیم که کارخانه کبریت‌سازی حالیه یا راه‌آهن چیزی حمل نمی‌کنند، و همین نکته را دلیل بگیریم که چون حمل محمولات آن تا به حال عایداتی به دولت نمی‌رسانده، من بعد نیز عدم دریافت کرایه برای محمولات کارخانه مزبور نقصانی در عواید حاصل نخواهد نمود. صحیح است که به فرض مذکور کسر عایدی فوری و بینی تولید نمی‌شود، ولی باید تصدیق کرد که حمل محمولات اضافی مخارج اضافی برای راه‌آهن ایجاد می‌کند، زیرا نگهداری و راه انداختن راه‌آهن اساساً مستلزم مخارجی است که باید با دریافت کرایه از صاحبان محمولات تکافو شود.

از همان موقع که قانون فوق‌الذکر به تصویب مجلس شورای ملی رسید، کارخانه کبریت‌سازی آذربایجان تقاضا نموده است که قطارها و کشتیهای مخصوصی برای حمل محمولات آن مؤسسه اختصاص داده شود. بدیهی است که راه انداختن قطار یا کشتی مخصوصی متضمن خرج سوخت و روغن و مزد کارگر می‌باشد و به هر

حال حمل محمولات کارخانه مستلزم استعمال اطاقها و کشتیهایی اضافی است، و این نیز به خودی خود البته موجب صرف سوخت و روغن بیشتر و پرداخت مزد زیادتر به عملجات می‌باشد. به عبارت اخری مؤسسه راه آهن و کشتیرانی برای خاطر کارخانه کبریت‌سازی شاید ماهیانه دویست تومان برای دولت تمام شود. از طرف دیگر بر طبق قانون محاسبات عمومی هر قانونی که خرجی را برقرار می‌سازد، باید منبع عایدی را که خرج مزبور از آن محل تأدیه خواهد شد معلوم کند. این جانب اطمینان قطعی دارم که آقایان نمایندگان محترم همواره مایل بوده و هستند که این قید قانون رعایت شود، زیرا عدم رعایت آن مخالف با اصل توازن بودجه و منافی با ترقی و سعادت مالی مملکت می‌باشد.

اگر فراموش نکرده باشید اخیراً مجلس شورای ملی خرجی را بدون آنکه محلی برای آن تعیین نموده باشد تصویب کرده، ولی بعد خود مجلس این نقص قانون را تصدیق و اصلاح لازم بعمل آورد. نیز باید در نظر داشت که پرداخت وجه بابت عواید به وسیله اعطای معافیتها مخالف با قانون خزانه‌داری کل است، زیرا به موجب قانون مزبور جمیع عایدات باید تمرکز یافته و تمام پرداخت‌ها هم بر طبق طریقه مقرر از آن بابت به عمل آید، ولی در موضوع کارخانه کبریت‌سازی تبریز عقیده من آن نیست که نقص قانون مصوب به موجب قانون دیگری مرتفع گردد، زیرا معاف ننمودن کارخانه مزبور از پرداخت کرایه لزومی ندارد و اعتراضات عملی مهمی نسبت به اعطای چنین معافیتی موجود است. این جانب همیشه حاضر و مایل بوده‌ام با هر اقدامی که برای تشویق صنایع ایران، عموماً کارخانه کبریت‌سازی آذربایجان خصوصاً لازم باشد موافقت کنم، ولی مطالعاتی که به عمل آورده‌ایم ثابت می‌کند که کارخانه کبریت‌سازی تبریز محتاج به این معافیت نیست. اگر راجع به این نکته تردیدی داشته باشید ممکن است راپرتهای واصله از آذربایجان را که در اثر مذاقه در محاسبات کارخانه تهیه شده است مطالعه نمائید. قطعی است که اگر معافیتی به کارخانه کبریت‌سازی داده شود، سایر کارخانه‌ها نیز معافیت‌هایی از همان قبیل تقاضا خواهند کرد و رد تقاضای آنها با بودن این سابقه خالی از اشکال نخواهد بود. باید ملتفت بود که ادارات راه آهن و سایر سرویسهای حمل و نقل هم مؤسسات مفیده هستند که باید تقویت و تشویق نمود. این مؤسسات نمی‌توانند به ضرر کار کنند و نباید آنها را فدای منافع مؤسسات خصوصی کرد. برعکس باید

منافع مؤسسات صنعتی خصوصی و مصالح سرویس‌های حمل و نقل دولتی را با دقت توأماً مورد مطالعه قرارداد و با یکدیگر توافق داد. در این موقع که دولت ایران مشغول احداث راه‌آهن و تأسیس بانک ملی است، اعطای معافیت خاصی از پرداخت کرایه به یک کارخانه سابقه بسیار خطرناکی را ایجاد می‌نماید.

مجلس شورای ملی و دولت ایران البته بهیچوجه مایل نیستند اصلی را برقرار نمایند که به وسیله آن یک عده اشخاص از این سرویس‌های پرخرج دولتی بدون آنکه خرجی متوجه آنها بشود به نفع خود استفاده کنند، و در واقع به خرج عموم اهالی که با پرداخت مالیاتها موجبات نگاهداری این سرویس را فراهم می‌سازند، شخصاً منتفع شوند.

ماژور دیوس در موقع صدور دستوری که بدان اشاره فرموده‌اید بر طبق تعلیمات عمومی خود این جانب عمل نموده و با ملاحظه مراتب فوق تصدیق می‌فرمائید که اقدام مادر نتیجه مطالعه کافی و مبتنی بر اساس مستحکم و قانونی بوده است.

اگر کارخانه کبریت‌سازی تبریز خرج حقیقی حمل و نقل را بپردازد، وجهاً من‌الوجه متضرر نخواهد شد، بلکه برعکس همین اندازه معافیت نیز موجب مساعدت یا کارخانه خواهد بود و در عین حال اقدامی که از طرف ما بعمل می‌آید عادلانه و قانونی است، لذا به عقیده من باید راجع به این موضوع از همان قرار رفتار شود.

مع‌ذالک اگر هیئت دولت بعد از مطالعه محاسبات و مذاقه در وضعیت کارخانه معتقد شوند که وجود کارخانه کبریت‌سازی منوط به این معافیت است و پیشرفت امور کارخانه از پیشرفت کار راه‌آهن مهم‌تر است و در آتیه این قبیل معافیتهای پرخرج را به سایر صاحبان کارخانجات و تجار تبریز نیز باید اعطاء نمود، و راه‌آهن‌های آینده ایران نتوانسته در عین حال هم کرایه بگیرند و هم خرج و دخل کنند، در آن صورت ممکن است دولت لایحه‌ای به مجلس شورای ملی تقدیم نماید که به موجب آن معادل مبلغ معافیت کارخانه کبریت‌سازی تبریز، از بودجه یکی از وزارتخانه‌ها کاسته شود، و یا آنکه تصمیم نمایند که مبلغ معافیت مذکور از بودجه فواید عامه و یا از اعتبار ماهیانه دولت پرداخته شود.

رئیس کل مالیه

دکتر میلپو

سند ۳۷

موضوع: ابلاغ قرارداد پیشنهادی استخدامی میلسپو^۱

نامه‌ ماشین شده به امضای نصرت‌الدوله به تاریخ ۲۸
تیر ۱۳۰۶ (ر.ک. به سندهای ۳۴ و ۳۵ / تیر ۱۳۰۶)

سربرگ وزارت مالیه

آقای رییس کل مالیه

در نتیجه مذاکراتی که در جلسات ۱۸ و ۲۰ و ۲۴ تیر بین حضرت اشرف آقای
رییس‌الوزراء و حضرت اجل آقای وزیر دربار با شما به عمل آمده بود، هیئت وزراء
مواد پیشنهادی سابق خود را برای کنترات سرکار مورد تجدید نظر قرار داد و در
جلسه ۲۷ تیر ماه ۱۳۰۶ مواد هجده گانه ضمیمه را تصمیم و قطع نمودند و به این
جانب مأموریت دادند که مواد مزبوره را به شما ابلاغ و خاطر شریف را مستحضر
نمایم که این مواد آخرین اصلاح و تصمیم دولت است نسبت به کنتراتی که ممکن
است با شما منعقد گردد.

از طرف هیئت وزراء مخصوصاً از این جانب خواسته‌اند که از شما تقاضا نمایم
جواب رد یا قبول خودتان را نسبت به این صورت کنترات کتباً و قبل از انقضای یک
هفته ارسال دارید تا بیش از این تعیین تکلیف قطعی این امر به تأخیر نیفتد.

چنانچه (کذا) ملاحظه خواهید کرد، در ماده دوم، مبلغی که حداکثر مخارج خانه
از قبیل کرایه و روشنایی و سوخت است تعیین نشده و همچنین در ماده چهارده،
میزان مخارج مسافرت نیز تعیین نگردیده است. تمنا دارم نظریه خودتان را نسبت
به هر دو قسمت اظهار دارید تا تصمیم قطعی اتخاذ بشود. البته در مخارج مسافرت،
می‌توانید مخارج فامیل بلا فصل خود را نیز منظور دارید.

در موضوع مقرری منشی مخصوص نیز که در ماده دوازده برای احتیاجات
شخصی خود شما تجویز نموده است، لازم است پیشنهاد حقوق مشارالیه را
بنمایید.^۲

۱. این متن در چند روزنامه به چاپ رسید. از جمله، اطلاعات، ش ۲۶۷، ۲ مرداد ۱۳۰۶.

۲. در پی این مقدمه، متن قرارداد پیشنهادی آمده است و ما آن را پیشتر آورده‌ایم.

سند ۳۸

موضوع: ورقه خدمت محمود جم^۱

پیشنویس نامه نصرت الدوله به خط خود او، به تاریخ ۲۸
تیر ۱۳۰۶ (ر.ک. سند ۴۴ / تیر ۱۳۰۶)

سربرگ وزارت مالیه

اداره استخدام کشوری

در تعقیب یادداشتها و تعلیمات شفاهی سابق، مؤکداً می نویسم که ورقه خدمت آقای جم را بر طبق حکم صادره از دیوان عالی تمیز به فوریت صادر و به مشارالیه تسلیم نمایید. اگر اجرای این تعلیم از دوم امرداد به تأخیر بیفتد، موجب مسئولیت قانونی رؤسای مربوطه آن اداره خواهد بود.

سند ۳۹

موضوع: اضافه درآمد سال ۱۳۰۵

برگ دوم یادداشت ماشین شده نصرت الدوله به تاریخ ۲۸
تیر ۱۳۰۶ (ر.ک. به سندهای ۱۸ و ۱۹ / تیر ۱۳۰۶)

آقای رییس کل مالیه

به اداره محاسبات کل مقرر دارید به فوریت صورت اضافه عایدات و صرفه جویی های سنه ۱۳۰۵ را تهیه [کنند] و برای اینجانب ارسال دارید.

سند ۴۰

موضوع: وام به اداره ارزاق

یادداشت میلسپو به خط منشی، به تاریخ ۲۹ تیر ۱۳۰۶ (ر.
ک. به سندهای ۲۲ و ۲۹ و ۳۳ / تیر ۱۳۰۶)

سربرگ وزارت مالیه

اداره ریاست کل مالیه

۱. نسخه ماشین شده نیز با همین عبارتها در مجموعه موجود است.

نمره ۲۲۳۶

ضمیمه [۱]: بودجه ارزاق

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

چون نمی‌خواهم در این موقع هیچگونه تأخیری که در توجیه مسئولیت مؤثر است، از طرف من وقوع یابد؛ علیهذا، بودجه ارزاق را بدون اظهار نظر تلواً ارسال می‌دارم تا مسئولیت آن را بالتمام جناب عالی خودتان عهده‌دار شوید.

[امضای لاتین میلسپو] رییس کل مالیه

سند ۴۱

موضوع: محدود کردن سرویس ارزاق به پایتخت و کاهش بودجه آن

برگ دوم یادداشت ماشین شده نصرت الدوله بر روی کاغذ
بی سربری^۱

آقای رئیس کل مالیه

در تعقیب مذاکرات دیروز صبح با مستر بونیوال کفیل ارزاق و یادداشتهای تصمیمات هیئت وزراء که به ایشان داده‌ام متذکر می‌شوم.

۱- سرویس ارزاق فقط در طهران باید باشد و در تمام نقاط دیگر مملکت سرویس ارزاق موقوف گردد. بودجه اداری و مخارج انتفاعی سرویس ارزاق باز سنگین و گزاف است و باید از طرف اداره تجدید نظر و کسر بشود.

۲- در صورتی که وزارت مالیه خرید جنس را در عراق^۲ و خمین محتاج به این می‌داند که «مونو پول» خرید با دولت بوده و قیمت نیز از طرف دولت تعیین شود، هیئت دولت مخالفتی نخواهد داشت، ولی در خمین و عراق فقط سرویس خرید و حمل و نقل باید باشد، بدون آنکه در امر نانوائی و خبازخانه مداخله کند. معادل احتیاج ارزاقی جنس در این دو محل از طرف آن سرویس به حکومت محل و یا بلدیه در مقابل قیمت تحویل خواهد شد.

۳- اگر بواسطه خرید جنس در عراق و خمین لازم بشود که به ارزاق شهرکاشان

۱. این سند تاریخ ندارد و ما با توجه به موضوع سندهای پیش و بعد، آن را در این جا آورده‌ایم.

۲. (= اراک).

و قم از طرف سرویس خرید جنس کمک بشود، مقدار لازم توسط امین مالیه محل به حاکم یا بلدیہ در مقابل قیمت تحویل خواهد شد، بدون مداخله در امر خبازی از طرف مأمورین دولت.

۴- بودجه سرویس حمل و نقل باز به نظر هیئت دولت محتاج به کسر شدن است و باید مخصوصاً در قسمت شعبات اداری و مخارج مبالغ زیادی کم کرد. در ضمن لازم است مطالعه بشود که آیا این سرویس را می شود به ترتیب دیگری که غیراداری و دولتی باشد اداره و از آن استفاده حمل و نقل ارزاق شهر طهران را نمود؟

مقتضی است با تشکیل اداره ارزاق مذاکره و مقرر دارید در این زمینه بودجه ها را تعدیل و تغییر داده، برای فرستادن به مجلس و کمیسیون بودجه زودتر آماده و فرستاده شود.

سند ۴۲

موضوع: بودجه اداره ارزاق

یادداشت نصرت الدوله به خط و امضای خود او، به تاریخ ۲۹ تیر ۱۳۰۶ (ر.ک. به سندهای ۲۲ و ۲۹ و ۳۳ / تیر ۱۳۰۶)

سربرگ وزارت مالیه

آقای رئیس کل مالیه

یادداشت نمرة ۲۲۳۶ شما را که با بودجه جدید اداره ارزاق ارسال شده بود، ملاحظه کردم.

مرقوم داشته اید «بودجه ارزاق را بدون اظهار نظر تلواً ارسال می دارم تا مسئولیت آن را بالتمام جناب عالی خودتان عهده دار بشوید». تطبیق مفهوم عبارت فوق با وظایف قانونی، برای من خیلی مشکل است. اظهار نظر شما در اموری که قانون مقرر داشته است، اختیاری نیست و شما مکلف هستید که عقیده خودتان را اظهار دارید. البته این جانب هم نظر به مسئولیتی که دارم، هر موقع که توافق نظر با

شما برایم ممکن نباشد، در حدود قانون، تصمیمات لازمه را به مسئولیت خودم اتخاذ خواهم کرد.

این است که با متذکر داشتن شما به وظایف قانونی، تمنا دارم به فوریت نظریه خودتان را نسبت به بودجه جدید ارزاق برای این جانب ارسال دارید. فیروز
[مهر:] ورود به دفتر رییس کل مالیه به تاریخ ۳۱ تیر ۶. و نمره [ورود:] ۲۲۵۲^۱

سند ۴۳

موضوع: بودجه سال ۱۳۰۷

برگ دوم گزارش ماشین شده میل سپو به تاریخ ۲۹ تیر
۱۳۰۶ (ر.ک. به سندهای ۱۳ و ۱۴ / فروردین و ۱۱ /
خرداد و ۱ / تیر ۱۳۰۶)

نمره ۲۲۴۰

جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه

بر طبق ماده ۸ قانون محاسبات عمومی وزارت مالیه باید در ظرف شش ماه اول هر سال صورت تخمینات عواید سنه بعد را تهیه نماید. ما چندی است مشغول این کار بوده و اینک می توانیم نتایج مطالعات و نظریات خود را به استحضار هیئت محترم دولت برسانیم.

تخمینات بدوی ما نشان می دهند که تقریباً پنج کرور تومان کسر عایدات خواهیم داشت و این به فرض آنست که در قوانین مالیاتی کنونی تغییری داده نشود. از این کسر یک کرور تومان راجع به تنزل عواید گمرکی و چهار کرور تومان دیگر مربوط به تنزلی خواهد بود که در حق الامتیاز دولت از شرکت محدود نفت انگلیس و ایران پیش بینی می شود. اما اگر لایحه مالیاتی جدید که به مجلس تقدیم شده به تصویب برسد، لااقل سه کرور تومان دیگر بر کسر فوق افزوده خواهد شد.

نقصان پیش بینی شده در عایدات گمرک از این رو است که فقط در سه ماه اول ۱۳۰۶ عایدی گمرکات ۳۲۸ هزار تومان کسر کرده است. این تنزل عمده مربوط به واردات قند و شکر و چای و بیشتر متعلق به بنادر جنوبی است. به اداره کل

۱. به پیوست این یادداشت، ترجمه آن، از سوی «سمعی» و ماشین شده توسط «خادم» نیز مجموعه موجود است.

گمرکات دستور داده شده است وضعیت را به دقت و تفصیل مورد مطالعه قرار داده و موجبات تنزل عواید را یک به یک معلوم و نیز اقداماتی را که برای ازدیاد عواید لازمست تعیین کنند.

کسری که در حق الامتیاز دولت از شرکت محدود نفت انگلیس و ایران پیش‌بینی شده، گمان می‌رود عمده ناشی از این باشد که اخیراً در امریکا مقادیر هنگفتی نفت بیش از معمول سنوات قبل استخراج شده و در نتیجه قیمت نفت و سایر مشتقات آن در بازارهای دنیا رو به تنزل گذارده است. بدیهی است تنزل قیمت از میزان عایدات غیرخالص و خالص کمپانی خواهد کاست. حالیه مشغول تحصیل اطلاعات دقیق‌تر و جامع‌تری در این باب هستیم تا بتوانیم کسر عایدی حاصله از این حیث را به طور قطعی‌تر تعیین و نیز معلوم کنیم که آیا احتمال می‌رود در آتی نزدیکی عایدات مجدداً رو به ازدیاد بگذارد یا خیر؟ اگر این وضعیت خراب بازار نفت به همان سرعتی که پیش آمد مرتفع گردد، شاید کسر عایدی که از این حیث پیش‌بینی شده به کمتر از میزان مذکوره در فوق بالغ شود، ولی ممکن هم هست نقصان مزبور از مبلغ ۴ کرویر تومانی که فوقاً پیش‌بینی شده تجاوز کند. هیئت معظم دولت تصدیق خواهند فرمود که ۵ کرویر تا ۸ کرویر تومان کسر عایدی وضعیت بسیار خطرناک و وخیمی را تولید می‌کند که مستلزم آن است در این خصوص دقت و توجه فوری مبذول و کلیه اقدامات ممکنه برای حفظ میزان عواید مملکتی و حتی ازدیاد آن سریعاً به مود مطالعه و عمل گذارده شوند.

به ادارات مربوطه دستور داده شده است هر یک از عللی را که مانع از وصول کامل عواید و ازدیاد آن می‌باشد، ضمن راپرتهای مبسوطه بیان و نیز اقدامات لازمه جهت اصلاح این وضعیت پیشنهاد کنند. پس از وصول این راپرتهای اقداماتی را که برای مرتفع ساختن وضعیت نامطلوب مشروحه در فوق لازمست، به استحضار هیئت محترم دولت و وزارتخانه‌ها خواهیم رساند. ضمناً بعضی از اقداماتی را که می‌توان و باید در این باب به عمل آورد بطور کلی به شرح ذیل خاطرنشان می‌کنم. چون به قسمی که فوقاً ملاحظه فرمودید، در سنه ۱۳۰۷ احتمال کسر بودجه پیش‌بینی می‌شود، لذا بدیهی است که باید لایحه حذف مازاد عایدات ۱۳۰۵ را مورد تجدید نظر قرار داد. قطع دارم هیئت دولت با این جانب موافقت خواهند داشت که نظر به مراتب فوق از محل مازاد عواید ۱۳۰۵، فقط آن مبلغی را که حتماً

برای مقاصد فوق‌العاده ضروری لازم است باید به مصرف رساند. به همین دلیل شاید لازم بشود که در تأسیس بانک ملی نیز تأمل شود و بودجهٔ مملکت مجدداً بر اساس مستحکمی مستقر گردد. مشکلاتی را که در وصول عایدات داخلی موجود می‌باشد عنقریب به اطلاع هیئت دولت خواهیم رساند، ولی بطور کلی باید دانست که اگر دولت و سایر وزارتخانه‌ها معاضدتى را که لازم است با وزارت مالیه بنمایند، شاید بتوان محظورات را مرتفع ساخت.

وزارت مالیه در وصول مطالبات دولت نیز با مشکلاتی مواجه شده است. در این باب نیز به موقع خود طریقه را که دولت و سایر وزارتخانه‌ها می‌توانند با ما مساعدت کنند تذکر خواهیم داد.

ایضاً نظر به وضعیت مشروحه در فوق که بطور غیرمترتب پیش آمده و طبعاً پیش‌بینی آن مقدور نبوده، شک نیست که هیئت محترم دولت تصمیم خواهند نمود لایحهٔ جدید مالیاتی که حالیه در مجلس است مورد تجدید نظر واقع شود، بطوری که لااقل از این حیث احتمال هیچگونه کسر عایدی در ۱۳۰۷ باقی نماند. اصول ملحوظه در لایحه را ممکن است محفوظ داشت، ولی به قسمی که عایدات مملکتی نیز کاملاً از کسر و نقصان مصون بماند. ایضاً در مذاکرات راجعه به تعرفهٔ گمرکی در مسکو باید وضعیت عواید مملکتی را در مد نظر گرفت تا در صورت امکان عواید گمرکی افزونی حاصل نماید.

گمان نمی‌کنم محتاج به تذکر باشد که این وضعیت الزام می‌کند که جمیع سایر منابع عایدی نیز محفوظ و مصون بماند. از قراری که در جراید خوانده‌ام کمیون بودجهٔ مجلس تصمیم نموده است عواید مستغلات را نه فقط در طهران، بلکه در سایر بلاد نیز به بلدی‌ها واگذار نماید. اگر این تصمیم را مجلس شورای ملی تصویب نماید، مبلغ دیگری به نقصان پیش‌بینی شده علاوه خواهد شد. به عقیدهٔ من هیئت دولت باید به فوریت مجلس شورای ملی را از وضعیت عایدات مسبوق و تقاضا کنند که آقایان نمایندگان محترم نسبت به مالیات مستغلات و سایر مالیاتها هیچگونه اقدامی که موجب کسر عواید مملکتی بشود مبادرت نفرمایند.

اما راجع به خرج - هیئت معظم دولت ملاحظه خواهند فرمود که ازدیاد هر مبلغی خرج به بودجهٔ دولتی سنهٔ ۱۳۰۷ مطلقاً غیرمقدور خواهد بود، مگر آنکه به موجب قانون منابع جدیدی عایدی برقرار گردد. پس نه فقط ازدیاد بودجه‌های

خرج غیرممکن خواهد بود، بلکه شاید هم لازم بشود که نقص از بودجه‌ها تقلیل یابد. تا بودجهٔ مملکتی ۱۳۰۷ تهیه شود، دولت باید یک پروگرام صرفه‌جویی مطلق را اتخاذ و به موقع اجراء بگذارد. لزوم به تذکر نیست که وزارت مالیه نمی‌تواند و نخواهد توانست هیچ تعهد مالی را که سایر وزارتخانه‌ها خارج از حدود اجازات قانونی به عمل آورند، به رسمیت بشناسد. هرگونه پیشنهاد راجع به برقراری شهریه و اعطای انعام را بایستی در بوتهٔ اجمال گذاشت، بطور کلی جمیع مخارجی را که ضرورت مطلق ندارند باید به تعویق انداخت. راجع به سرویسهای ارزاق و حمل و نقل موتوری البته هیئت محترم دولت مایل و حاضر هستند با ما مساعدت نمایند تا تشکیلات آنها را قسمی اصلاح کنیم که در ۱۳۰۷ از حدوث بحرانی مانند ۱۳۰۴ و صرف به بالغ هنگفت (که بدون آن ممکن است نفوس زکیه در معرض تلف واقع شوند) جلوگیری به عمل آید، لذا یقین دارم دولت به مصلحت‌اندیشی ما در این باب توجه کامل نموده و اقدامی معمول نخواهد داشت که موجبات فلج شدن سرویس‌های مزبور را فراهم کند.

علاوه بر مطالعاتی که راجع به صوابدید به عمل خواهد آمد، به مدیرکل محاسبات دستور داده‌ام راپرتی حاکی از ارتباط محاسبات و مطالبات با وضعیت خزانه تهیه و تقدیم کند. سرعت و صحت محاسبه و نظارت جدی در مخارج و همچنین انجام تفتیشات متوالیه آن را اتلاف وجوه عمومیه جلوگیری می‌نماید. از این حیث نیز هیئت معظم دولت و سایر وزارتخانه‌ها می‌توانند با ما در حفظ وجوهی که محل پرداخت بودجهٔ آنها می‌باشد مساعدتهای لازمه را به عمل آورند. رعایت و اجرای کامل قانون خزانه‌داری کل نیز در حفظ وجوه عمومیه اثرات مهمی دارد. این وجهت امر مورد دقت واقع و به موقع خود هیئت دولت و سایر وزارتخانه‌ها را از اقداماتی که برای انجام منظور لازمست مستحضر خواهیم داشت. بطور کلی باید تذکر بدهم که تجربه در تمام ممالک نشان داده است که وجود اضافه بودجه، تصورات و وضعیتی را باعث می‌شود که در امور مالی مملکت عکس‌العمل خیلی نامساعدی دارد، زیرا داشتن اضافه دخل منجر به تولید این فکر بی‌مورد می‌شود که امور مالی مملکت کاملاً تأمین شده است و در نتیجه زیاده‌روی در خرج جانشین صرفه‌جویی گشته و تصور می‌شود که ادارهٔ مالیه دیگر محتاج به معاضدت و مساعدت نیست. سایر وزارتخانه‌ها نسبت به مالیه رویهٔ بی‌قیدی را

اتخاذ و حتی به مانع تراشی و مداخلاتی مبادرت می‌کنند که باعث نقصان عواید و اتلاف وجوه می‌گردد.

برای آنکه اقدامات سریعه جهت اصلاح وضعیت مشروحه فوق به عمل آید، تلواً چند فقره مراسله به عنوان هیئت محترم وزرای عظام و وزارتخانه‌ها جهت امضای جناب مستطاب عالی ایفاد می‌دارم. بدیهی است مراسلات مفصل و لوايح لازمه نیز در تعقیب مراسلات لف صادر و در تعقیب آنها مذاکرات لازمه با وزارتخانه‌های مربوطه به عمل خواهد آمد.

رئیس کل مالیه
دکتر میلیسپو

سند ۴۴

موضوع: ورقه خدمت محمود جم

رونوشت یادداشت نصرت‌الدوله به خط و امضای خود او، به تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۰۶ و رونوشت نامه داور وزیر عدلیه (ر.ک. به سند ۳۸ / تیر ۱۳۰۶)

سواد یادداشت وزیر مالیه

آقای رئیس کل مالیه

مراسله فوق را ملاحظه کنید - مکرر شفاهاً و کتباً در مورد حکم صادره از دیوان عالی تمیز در موضوع آقای جم در موارد اشخاص دیگر تذکر داده و صریحاً خاطر نشان کرده‌ام که وزارت مالیه و هیچ مقام دیگری صلاحیت جلوگیری از اجرای حکم صادره از محکمه قانونی را ندارد. با وجود این تذکرات متأسفانه از طرف اداره استخدام کشوری ورقه خدمت آقای جم صادر نشده است.

اینک اخطار می‌کنم به فوریت به اداره مزبور دستورالعمل صادر کنید که مطابق مدلول حکم دیوان عالی تمیز و این مراسله وزارت عدلیه، ورقه خدمت آقای جم را صادر و به مشارالیه تسلیم کنند و صراحهً به شما خاطر نشان می‌کنم که در صورت تأخیر تمام مسئولیت‌های قانونی را متوجه شما و اداره استخدام کشوری خواهد ساخت. به اداره استخدام کشوری نیز مستقیماً اجرای قانون را تذکر می‌دهم.

(سواد مطابق اصل است)

سواد مراسله وزارت عدلیه

وزارت جلیله مالیه

نمره (۸۳۹۸) بر اثر شکایت آقای میرزا محمودخان جم به دیوان عالی تمیز راجع به اختلافی که در خصوص تعرفه خدمت یا وزارت جلیله عدلیه داشته‌اند، در تاریخ ۲۰ مهر ماه ۱۳۰۵ از دیوان عالی تمیز حکمی صادر گردیده به این مفاد که چون معزی الیه بر طبق اجازه مقامات رسمی دولتی به خدمت سفارت فرانسه انتقال یافته‌اند، لهذا دوره خدمت در سفارت در حکم ادامه خدمت رسمی محسوب می‌شود. از قرار معلوم و به اجرای حکم مزبور تعیین شده این است که تذکراً عین ماده ۱۲۹ قانون مجازات عمومی را ذیلاً نقل و اخطار می‌دارد.

ماده ۱۲۹- هر یک از مستخدمین دولتی در هر رتبه و مقامی که باشد هرگاه برای جلوگیری از اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی یا اجرای احکام یا اوامر عدلیه یا هرگونه امری که از مقامات قانونی صادر شده باشد، قدرت رسمی خود را اعمال کند از خدمت دولت منفصل خواهد شد.

چنانچه از این تاریخ تا پنج روز دیگر حکم مزبور به موقع اجراء گذارده نشود، به این معنی که با محسوب داشتن مدت خدمت ایشان در سفارت، سند خدمت رسمی صادر نگردد، مقصرین بدون هیچ ملاحظه تعقیب و مدلول ماده فوق در مورد آنها اجراء خواهد گردید.

داور

(سواد مطابق اصل است).

سند ۴۵

موضوع: رد قرارداد پیشنهادی استخدامی میلسپو از سوی او^۱

نامه ماشین شده میلسپو به نخست‌وزیر^۲

مورخه ۳۱ تیر ماه ۱۳۰۶

۱. این نامه در روزنامه اطلاعات زیر عنوان «مراسله دکتر میلسپو به ریاست وزراء راجع به ختم خدمات خود» چاپ شد (اطلاعات، ش ۲۶۶، اول مرداد ۱۳۰۶)؛ ولی نامه رفت را که این نامه پاسخ به آن بود، در شماره بعدی چاپ کردند.

۲. در این موقع، مهدقلی هدایت (مخبر السلطنه) نخست‌وزیر بود.

نمره ۲۲۷۱

حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء

اخیراً پیشنهادات (کذا) جدیدی در خصوص استخدام این جانب به ریاست کل مالیه ایران به تاریخ ۲۸ تیر ۱۳۰۶ از طرف جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه واصل گردید.

آقای وزیر مالیه در ابلاغیه [ای] که مرقوم نموده اند اشعار می دارند که این پیشنهاد، پیشنهاد آخر دولت است و برای احتراز از تأخیر، تقاضا نموده اند در ظرف یک هفته جواب مثبت یا منفی به این مراسله ایشان داده شود.

در باب کنترات، این جانب با حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء و با جناب مستطاب اجل آقای وزیر دربار در سه جلسه، یعنی در هجدهم و بیستم و بیست و چهارم تیر ماه که تقریباً یک هفته طول کشید، با کمال مسرت مذاکراتی داشته، پس از آخرین جلسه، حضرت اشرف لطفاً چند ماده را قبول و برای این جانب ارسال نمودید که با بعضی تغییرات خیلی جزئی می توانستم آن را قبول نمایم. در ابتدای مذاکرات، به این جانب گفته شد که عمده اشکال در یک ماده کنترات فعلی این جانب، موضوع حکمیت است و هرگاه احتمال شرکت خارجه در حکمیت رفع شود، راجع به سایر تغییراتی که دولت پیشنهاد نموده، اشکالی باقی نخواهد ماند. برای جلب رضایت ملت ایران که نسبت به حیثیات آن تصور نشود سکت [ای] وارد آمده، فوراً قبول نمودم که حکمها ایرانی باشند و پس از آن، وقتی گفته شد که دولت اصلاً با حکمیت مخالف است؛ قبول نمودم که موضوع اختلاف اگر در هیئت وزراء حل نشود، به یک کمیسیون مرکب از ایرانیها رجوع گردد و اگر در کمیسیون هم تسویه نشد، برای اتخاذ تصمیم قطعی به مجلس شورای ملی تقدیم گردد. این راه حل که خیلی معقول بود، از طرف دولت مورد قبول واقع نشد و پس از آن، وقتی راجع به بعضی تغییرات غیر لازمه در ماده چهار لایحه پیشنهادی مذاکره می کردیم، فقدان روح مسالمت را در نمایندگان دولت با کمال تعجب ملاحظه کردم.

مکرر به حضرت اشرف اطمینان داده ام و حالا هم با کمال میل همان اطمینانات را تأیید می کنم که همیشه مایل بوده و هنوز هم هستم هر تغییری را که از طرف دولت پیشنهاد می شود، در صورتی که واقعاً کار ما را سهل نموده و به حال مالیه مفید واقع شود (و از حیث احساسات ملی یا برای احتراز از مشکلات سیاسی

ضرورت پیدا کند و به شکل مناسبی پیشنهاد شود) قبول نمایم. با کمال توقیر این نکته را هم متذکر می شوم که راجع به چهار ماده از هجده ماده لایحه پیشنهادی دولت هنوز تبادل نظر به وقوع نپیوسته است. باز هم برای این جانب اسباب تعجب است که در لایحه جدید، بعضی مواد فرق کلی دارند با موادی که از طرف اولیای عالی مقام دولت با این جانب مذاکره شده و توأماً یا فرداً پیشنهاد ما قبول گشته است. اگر دولت ایران صمیمانه مایل است مرا در خدمت خود نگهدارد، حصول موافقتنامه مشکل نخواهد بود. در حال فعلی، من حاضر هستم بعضی از پیشنهادات دولت را قبول کنم و بعضی از آنها را با بعضی تغییرات قبول خواهم نمود و بعضی دیگر را می توانم قبول نمایم. دولت وقتی شرایط اخیر را پیشنهاد نمود، به خوبی می دانست که آنها را روی هم رفته نمی توانم قبول کنم و نیز به خوبی مسبوق بود که تحصیل توافق، نظر به واسطه مکاتبه رسمی و اولتیماتوم، غیرمقدور خواهد بود.

قابل تردید نیست که کلمات بعضی از پیشنهادات جدید، با کلمات پیشنهادات اولی دولت قدری متفاوت است؛ ولی، بر اثر آن در عمل مادی یکی است. یعنی، عبارت از تضعیف و تخریب اختیاری است که تاکنون برای حفظ وجوه عمومی به کار برده ام. دلایل این جانب راجع به جزئیات پیشنهادات دولت در مراسله این جانب مورخه ۹ تیر ماه ۱۳۰۶ ذکر شده بود و چون جناب مستطاب اجل آقای وزیر دربار تذکر دادند که اعلی حضرت همایونی توجهی به جزئیات پیشنهادات دولت نفرموده اند، لازم می دانم به عرض دولت برسانم که هرگاه اعلی حضرت شهریارى اذن شرفیابی - چنانچه (کذا) یک هفته قبل خواش نمودم - به این جانب مرحمت بفرمایند و با نظریات اعلی حضرت شاهنشاهی قطعاً آشنا بشوم؛ شاید برای این جانب مقدور باشد که مطابق تمایلات اعلی حضرت همایونی، با نظریات دولت موافقت نمایم، و نیز هرگاه دولت میل داشته باشد مسئله را تقدیم مجلس شورای ملی نماید، من نیز حاضر خواهم بود از اظهار عقیده قطعی خودداری نمایم تا نمایندگان ملت تصمیم خود را ابراز فرمایند و چنانچه دولت میل داشته باشد به توسط نمایندگان بیطرف مذاکرات را ادامه دهد، من از هیچگونه مساعی جمیله مضایقه نخواهم کرد که با روح مسالمت، وسیله ای برای حصول موافقت پیدا نمایم. هرگاه تمام این وسایل عقلایی سه گانه مورد قبول واقع نشود، قبول مجموع

پیشنهادهای دولت برای این جانب وضوحاً غیرمقدور خواهد بود و هرگاه دولت راجع به مجموع پیشنهادهای خود اصرار فرمایند، مختار هستند مسئولیت تمام نتایج آن را عهده‌دار بشوند.

حضرت اشرف چند روز قبل به این جانب مرقوم فرمودید که مذاکرات ادامه خواهد داشت و تقاضا فرمودید که مشغول خدمت باشم و من با کمال خرسندی با فرمایش حضرت اشرف موافقت نمودم؛ در صورتی که رویه کنونی دولت به نظر این جانب غیرموجه و غیرقابل تصدیق و غیردوستانه و خالی از نزاکت و مانع از پیدا کردن راه موافقت می‌باشد و من فداکاری بیشتری را در مقابل دولت ایران زاید می‌دانم، و لهذا برای استحضار حضرت اشرف معروض می‌دارم که از روز یکشنبه اول مرداد از حق مرخصی خود استفاده خواهم نمود و دولت نسبت به مقام من، هر طور صلاح می‌دانند اقدام خواهند فرمود.

با تقدیم احترامات فائقه
رییس کل مالیه ایران
دکتر میلیسپو

سند ۴۶

موضوع: مخالفت کارمندان آمریکایی با تغییر قرارداد میلیسپو و درخواست الغای قرارداد آنها

نسخه دوم نامه ماشین شده بی سربرگ
میلیسپو به نخست‌وزیر (ر.ک. به سندهای
بعدی و سند ۳۱ / تیر ۱۳۰۶)

مورخه ۳۱ تیر ماه ۳۰۶

نمره ۲۲۷۲

حضرت اشرف آقای رییس‌الوزراء

دوازده نفر از مأمورین آمریکایی وزارت مالیه، راجع به وضعیت قانونی خود (که تغییرات پیشنهادی از طرف دولت شاهنشاهی ایران در [مورد] اقتدارات رییس کل مالیه در آن مؤثر می‌باشد)، شرحی به عنوان این جانب نوشته‌اند که اصل انگلیسی و ترجمه فارسی آن را جهت استحضار خاطر مبارک تلواً تقدیم و پس از اظهار کمال

[تأسف] از وجود کیفیاتی که باعث تحریر مراسله^۱ لف^۱ از طرف همکاران آمریکایی من گردیده، لزوماً معروض می دارم.

به عقیده من، وضعیت قانونی مشاور^۲ الیهم، به طوری که در مراسله ضمیمه تشریح نموده‌اند، صحیح و موقعیتی که در این باب اتخاذ کرده‌اند کاملاً بمورد و بجا است. از نقطه نظر اداری و عملی، امیدوارم دولت شاهنشاهی ایران سعی نخواهند (کذا) فرمود یک عده مأمورینی را که صمیمیت و فداکاری آنها در انجام وظیفه همواره به ثبوت رسیده، ولی اینک احساس می نمایند که حقوق قانونی آنها محل تجاوز واقع شده و یا خواهد شد و فرصتشان جهت ادامه خدمت مورد تضییق و تخریب واقع گردیده یا خواهد گردید، در خدمت نگاه دارند. نظر به این وضعیت، البته دولت شاهنشاهی مایل نخواهند بود از قرار تصفیة دوستانه با آنها، که قانون مقرر داشته (و لذا فقط جنبه قانونی دارد، بلکه عادلانه و منصفانه نیز می باشد) خودداری بفرمایند.

متأسف هستم که حس مديونیت معنویت معنوی این جانب نسبت به همکاران آمریکایی خود و استحضار بر وضعیت آنها، مرا وادار می سازد اقدامی را راجع به آنها به دولت شاهنشاهی توصیه کنم که تحت کیفیاتی غیر از کیفیت حاضره به توصیه آن مبادرت نمی کردم. نظر به صحت عمل و جدیت و علاقه مفروطی که همیشه همکاران آمریکایی من در انجام وظیفه خود ابراز نموده‌اند، عزیمت آنها از ایران تحت کیفیات دیگر، از برای دولت ایران فقدان بزرگی می بود؛ ولی تقلیل پیشنهادی در اقتدارات رییس کل مالیه توانایی مشاور^۳ الیهم را به انجام خدمت، طبعاً تقلیل خواهد نمود. بنابراین، خاتمه دادن به خدمات آنها نه فقط قانونی و عملی به نظر می رسد، بلکه اساساً یک وجهه منطقی و نتیجه سیاست دولت شاهنشاهی ایران می باشد.

لذا بر طبق ماده ۱۴ قانون ۲۹ اردی بهشت ۱۳۰۴ رسماً توصیه می کنم که کنتراهای ماژور دیویس، مستر پیرسن، مستر اسپیکس، مستر هسکل، مستر بونیوال، مستر فیتسمونز، مستر دانوی، مستر ریبر، مستر لومیس، مستر هومن، مستر مرگان و مستر کلمن، از تاریخ عزیمت خود این جانب از ایران الغاء شده، حقوق شش ماه به اضافه حقوق هر مدت مرخصی که تحصیل [کرده] ولی به مورد استفاده

۱. لف: پیچیدن و در این جا به معنی «پیوست».

نگذارده [اند] و همچنین مخارج معاودت آنها تأدیه گردد.

نکته مذکوره در مراسله همکاران آمریکایی خود را دایر به این که در کنترات آنها قید شده است دولت شاهنشاهی ایران حق الغاء ملحوظه در ماده ۱۴ قانون را در مواقعی که مقام ریاست کل مالیه بلا متصدی است اجرا نخواهد نمود، به دقت ملاحظه کردم. چون این قید در قانون نیست، بدیهی است طرفین کنترات، هر دو قانوناً می توانند آن را کان لم یکن فرض نمایند، به طوری که اثری بر آن مترتب نخواهد بود. استنباط این جانب از مراسله ضمیمه آن است که همکاران آمریکایی من مایل هستند دولت شاهنشاهی، تحت وضعیات موجوده، حق خود را به الغاء کنترات آنها اجرا نمایند (کذا)، ولو آنکه مقام ریاست کل مالیه در موقع لغو کنتراتها بلا متصدی باشد.

راجع به اجرای ماده ۱۵ قانون ۲۹ اردیبهشت ۱۳۰۴ توضیحاً به استحضار هیئت معظم دولت می رسانم که تا انقضای حقیقی مدت پنج سال مقرر در قانون ۴ اسد ۱۳۰۱، این جانب حائز مقام قانونی ریاست کل مالیه ایران خواهم بود، ولو آنکه به مرخصی رفته باشم و تا زمانی که در ایران هستم، هرگونه اقدامی را که برای اجرای قانونی و صحیح ماده ۱۵ یا سایر مواد قانون ۲۹ اردیبهشت ۱۳۰۴ لازم باشد، با کمال خوشوقتی انجام خواهد داد.

راجع به مستر مرگان، مخصوصاً دقت و توجه دولت شاهنشاهی را به این نکته معطوف می دارم که مشارالیه در رعایت ماده ۱۴ قانون ۴ اسد ۱۳۰۱ که استخدام محرری را منحصراً برای حوائج رییس کل مالیه مقرر داشته، به سمت ماشین نویس و تندنویس این جانب استخدام گردیده است، و لذا ملاحظه می فرمایید که مشارالیه حائز قانون مخصوصی است که البته مورد توجه و مطالعه دولت شاهنشاهی واقع خواهد شد.

مستر هسکل نیز وضعیت قانونی خاصی را حائز است و برای آنکه الزامات فنی موقعیت مشارالیه صحیحاً رعایت شود، در آن باب شرح جداگانه به عنوان حضرت اشرف به سمت وزارت فواید عامه معروض داشته‌ام.

با تقدیم احترامات فائمه

رییس کل مالیه

دکتر میلسپو

سند ۴۷

موضوع: مربوط نبودن قراردادهای کارکنان آمریکایی با قرارداد میلپو

نسخه دوم نامه ماشین شده بی سربرگ به تاریخ
 ۳۱ تیر ۱۳۰۶ که امضا ندارد و با توجه به محتوا
 و لحن آن بی گمان از نصرت‌الدوله است (ر.ک).
 به سندهای قبلی و سند ۳۱ / تیر ۱۳۰۶).

آقای رئیس کل مالیه

مراسله نمره ۲۲۷۴ شما به ضمیمه سواد شرحی را که به حضور حضرت اشرف
 رئیس‌الوزراء معروض داشته بودید، واصل گردید.

۱- دولت ایران در تصمیم به اصلاح اختیارات رئیس کل مالیه کنترات
 مستخدمین مالیه آمریکایی را که به موجب قانون ۲۹ اردیبهشت ۱۳۰۴ استخدام
 کرده‌اید، به هیچ وجه نقض ننموده است؛ زیرا در کنترات مشارالیه، هیچ قیدی
 نسبت به اختیارات رئیس کل مالیه یا الزامی به تمدید مدت قانون ۴ اسد موجود
 نیست.

۲- مستخدمین مزبور به موجب کنتراته‌ای خودشان و بر طبق شرایط مقرر،
 مقید به خدمت دولت ایران هستند و اگر خود آنها بخواهند از کارکناره گیری نمایند،
 مشمول ماده قانون اردیبهشت خواهند بود.

۳- ماده ۱۴ قانون ۲۹ اردیبهشت حقی است مخصوص دولت ایران و فعلاً
 مقتضیات اعمال آن حق از طرف دولت موجود نیست؛ ولی از مراسله [ای] که آقایان
 به شما نوشته و تأییدی که شما از آن رسماً نموده‌اید، عجالتاً به نام دولت ایران
 اتخاذ سند می‌نمایم.

۳۱ تیر ۱۳۰۶

اسناد مرداد ۱۳۰۶]

سند ۱

موضوع: قرارداد میلسپو و موضوع حکمیت

یادداشت ماشین شده نصرت الدوله، به تاریخ ۳ مرداد ۱۳۰۶ (ر.ک. به سندهای ۳۴، ۳۵ و ۳۷ / تیر ۱۳۰۶)

سربرگ وزارت مالیه
آقای دکتر میلسپو

در جواب مراسله ۲۲۷۱ مورخه ۳۱ تیر ماه شما که به مقام منیع ریاست جلیله وزارت عظام عرض نموده بودید، حسب الامر هیئت محترم دولت زحمت می دهم که در باب جریان مذاکرات در جلسات ۱۸ و ۲۰ و ۲۴ تیر ماه، مطلب غیر از آن است که شما در مراسله خود به آن اشاره نموده اید؛ زیرا، پس از پیشنهاد شما مبنی بر صرف نظر کردن از مذاکره در کنترات پیشنهادی و مذاکره در روی کنترات سابق شما و قبول نشدن این پیشنهاد از طرف نمایندگان دولت، ورود به مذاکره در روی کنترات پیشنهادی و پیدا شدن توافق نظر در مواد ۱ و ۲ آن در سه ماده پیشنهادی مربوط به مراجعه در هیئت وزرا در موقع بروز اختلافات مابین وزیر مالیه و شما، و قهراً اصرار شما در ایفای حکمیت و استنکاف نمایندگان دولت از حکمیت - اعم از خارجی و داخلی - موجب اختلاف گردید و چون پیشنهاد شما که به شرح ذیل بوده است:

ماده یکم - در صورت بروز اختلاف بین دولت ایران و رییس کل مالیه راجع به فهم یا تغییر هر یک از مقررات این قانون، اختلاف به کمیسیون مرکب از سه نفر ایرانی بیطرف که یکی از آنها را رییس کل مالیه و سومی به توافق نظر رییس الوزراء و رییس کل مالیه معین می شوند، مراجعه خواهد شد. اگر کمیسیون، پس از شنیدن نظریات طرفین نتواند آن اختلاف را رفع کند، رییس الوزراء و رییس کل مالیه هر کدام یک لایحه قانونی تهیه می کنند و به نظر کمیسیون مزبور می رسانند و هر کدام را

که کمیسیون تصویب کرد، بدون تغییر به مجلس تقدیم می‌کنند و نظریات موجه طرف مقابل هم ضمیمه آن خواهد شد.

تبصره یک - اختلاف آن چیزی است که عمل یک طرف را طرف مقابل مخالف مواد این قانون می‌داند و یا یکی از طرفین باعث تأخیر و یا امتناع از عملی می‌شود که طرف مقابل آن را برحسب این قانون لازم می‌داند.

ماده دوم - هرگاه رییس کل مالیه تصور کند که یک قانونی بعدها مجلس تصویب کند که اوضاع واقعه در موقع انعقاد کنترات را تغییر داده و وسایل کار کردن او کم بشود، حق خواهد داشت که اخطار بکند و سه ماه بعد به کنترات خود خاتمه بدهد.

ماده سوم - هرگاه دولت یا یکی از وزارتخانه‌ها از مراعات یکی از قوانین راجع به مسائل مالی مسامحه بکند؛ هرگاه دولت یا یکی از وزارتخانه‌ها، از بذل مساعدت‌هایی که مخالف قانون نیست، امتناع و یا مسامحه نماید یا از قبول مشورت رییس کل مالیه در یک مسئله مالی خودداری بنماید؛ رییس کل مالیه پس از اخطار موجه به دولت ایران در باب لزوم مراعات یا اجرای قانون فوق‌الذکر یا لزوم تقویت و مساعدت فوق‌الذکر یا لزوم قبول اخطار فوق‌الذکر، حق خواهد داشت به خدمات خود به موجب ماده ۲ خاتمه دهد.

ماده چهارم - در زمان غیبت رییس کل مالیه، مادام که مشاورالیه در خدمت دولت ایران است، خود او می‌تواند یک نفر آمریکایی را قائم مقام خود قرار بدهد؛ ولی مواد ۱ و ۲ و ۳ مربوط به آن کفیل نبوده، مربوط به رییس کل مالیه خواهد بود. کفیل مزبور می‌تواند به موجب قانون ۱۳۰۱ حقوق کفالت دریافت دارد.

نه تنها حاکی از انصراف شما از حکمیت نبوده، بلکه به حق قانونگذاری مجلس شورای ملی و به حق قضاوت هیئت دولت در تشخیص مصالح مملکت نیز تجاوز می‌نمود؛ لذا، طبعاً از طرف نمایندگان دولت، پیشنهادهای شما مورد قبول نیافته، ولی برای کوشش به نزدیک کردن نظریات دولت با نظریات شما، ماده ۳ از طرف نمایندگان دولت به ترتیب دیگری اصلاح و پس از تصویب هیئت دولت در تاریخ ۲۸ تیر ماه، ضمن مواد دیگر به شما پیشنهاد گردید.

علت تجدید نظر در کنترات پیشنهادی به شما، در نظر گرفتن پیشنهادات (کذا) نمایندگان دولت به شما و اظهارات شما به آنها بوده است که آن قسمت از آنها که

مورد تصدیق واقع گردیده است، در ضمن تجدید نظر در کنترات جدید که آخرین پیشنهاد دولت بوده، گنجانیده شده. از طرف نمایندگان دولت، تمام مواد کنترات پیشنهادی به شما با اصلاحاتی که در آن شده بود، در جلسه ۲۴ تیر برای شما خوانده شده است و در باب ماده ۴ آن، مباحثات زیادی به عمل آمده است و چون عقیده شما این بوده است که با آنچه که در کنترات پیشنهادی از کنترات سابق کسر شده و یا بر آن اضافه شده است، مخالف می‌باشید و مخصوصاً قبول این عبارت «امور مالی ایران را در حدود قوانین مملکتی اعم از قوانین فعلی و قوانینی که در آتیه وضع شود» خواهید داشت که در ماده ۴ اضافه شده است، برای خود غیر قابل قبول می‌دانسته‌اید.

لذا ادامه مذاکرات بی‌مورد بوده و از طرف نمایندگان دولت که کاملاً بی‌طرف بوده و فقط در تشخیص مصالح مملکت خود با شما که برحسب کنترات برای مدت معینی عهده‌دار حفظ مصالح مالی مملکت ایران بوده‌اید اختلاف نظر داشته‌اند، مطلب به هیئت وزراء مراجعه گردید و از برای یک مرتبه دیگر، شرایط قطعی دولت ایران در میل به استخدام شما در ۲۸ تیر ماه به شما ابلاغ شد و در صورتی که این سابقه در هیچ جا موجود نیست که قبول شرایط دولتی که بدون هیچ نوع اجباری یکنفری را بخواهد مستخدم خود نماید، محتاج به مذاکرات شفاهی و میانجیگری اشخاص مختلفه باشد، انتظار نمی‌رفت که پس از همه این اقدامات از طرف دولت، به شرایط استخدام خودتان اسم اولتیماتوم گذاشته باشید.

در هر حال، نظر به اینکه پس از وصول مراسله ۳۱ تیر ماه شما که با عبارات خالی از نزاکت مبنی بر استنکاف از قبول شرایط دولت بود، تجدید استخدام شما را غیرممکن می‌نمود، از طرف دولت به مجلس شورای ملی پیشنهاد شده است که اختیارات رییس کل مالیه را موقتاً به مستر مکاسکی واگذار کند.

چون اخیراً مکرر اظهار علاقه به سعادت مالی ایران و حفظ وجوه عمومی از تفریط کاری می‌نمایید، یقیناً هر جا باشید خواهید دید که موجب ترقی مالی مملکت ایران به واسطه روح تازه و تأیید قوای تأمینیه مملکت است که در پرتو عملیات اعلیٰ حضرت همایون شاهنشاهی در ایران پیدا شده و حافظ وجوه عمومی با تفریط کاری کمتر و صرفه‌جوییهای بیشتری مراقبت مصادر عالیّه امور خود ایران و نظارت مجلس شورای ملی خواهد بود. وزیر مالیه فیروز.

صورت مذاکرات مجلس شورای ملی

از صورت جلسهٔ یکشنبه اول مرداد ۱۳۰۶ مجلس شورای ملی در بارهٔ لایحهٔ برقراری مکاسکی^۱ به جای میلسپو

داشت، و بعلاوه از نقطه نظر حفظ اصول اساسی به هیچ وجه دولت نمی توانست مصدق چنین حکمیتی بشود، لهذا پس از مذاقه و مطالعه کامل با در نظر گرفتن اصول مذکوره فوق دولت موادی برای کتترات جدید رئیس کل مالیه تهیه و به دکتر میلسپو در ۲۴ خرداد پیشنهاد نمود. چنانچه آقایان محترم ملاحظه فرموده اند پیشنهاد دولت مبنی بر توضیح بعضی مواد قانون ۴ اسد و تکمیل پاره ای نواقصی بود که در عمل مشاهده و لزوم اصلاح آن محرز گردیده است. پس از مدتی مذاکره و تبادل نظر با دکتر میلسپو از طرف دولت تجدید نظر و بعضی اصلاحات در مواد پیشنهادی شده و در تاریخ ۲۸ تیر ماه مجدداً به مشارالیه ابلاغ گردید. البته آقایان آن مواد را ملاحظه کرده اند. اخیراً از طرف دکتر میلسپو جوابی مبنی بر عدم قبول خدمت ریاست کل مالیه با شرایط پیشنهادی رسیده. به این ملاحظه دولت ناگزیر از این است که در صدد برآید اشخاصی که از حیث اطلاعات و مقام خود لیاقت کامل اداره کردن امور مالی ایران را

وزیر مالیه - لایحه ایست راجع به کفالت رئیس کل مالیه تقدیم و تقاضای دو فوریت می نمایم. لایحه مزبور به طریق ذیل قرائت گردید:

ساحت محترم مجلس شورای ملی چنانچه خاطر نمایندگان محترم مستحضر است از چندی قبل دولت مشغول مطالعه و مذاکره در تجدید کتترات رئیس کل مالیه بود. چون قانون ۴ اسد ۱۳۰۱ در بعضی قسمتها و مواد کاملاً واضح و روشن نبود، چون در اجرای این قانون به ترتیبی عمل می شد که در نظر هیئت دولت آن رویه کاملاً مطابق مفهوم و مدلول قانون مزبور نبود، چون به تجربه مدلل شده بود وضعیاتی که ناشی از ابهام قانون و یا تعبیرات و اثرات مترتبه از آن تولید گردیده از نقطه نظر مصالح و مقتضیات مملکتی محتاج به اصلاح است، چون در کتترات دکتر میلسپو حکمیت خاصی برای رفع اختلافات بین دولت و رفتار مشارالیه با قانون مقرر شده بود که در قانون ۴ اسد ۱۳۰۱ مذکور نگردیده و با حدود و مقررات آن قانون نیز مбайنت

مخالفم و حالا هم در اصل موضوع عرضی دارم.

مخالفی نبوده، به فوریت قسم اول رأی گرفته تصویب شد.

فوریت ثانی مطرح شد، مخالفی نبوده، اخذ رأی بعمل آمده فوریت دوم نیز تصویب گردید.

دکتر مصدق - در یکی از جلسات بنده نسبت به مالیه و اختیاراتی که بر طبق قانون به مستشار کل مالیه داده شده بود عقایدی اظهار کردم و بعد هم وعده دادم که اگر موقع برسد عقاید خودم را نسبت به اعمال رئیس کل مالیه در مجلس بعرض برسانم. البته هر کسی محاسنی دارد، معایبی هم دارد. امور مالیه ما در تحت ریاست دکتر میلسپو و وزراء وقت مدت ۵ سال موقتاً رضایب بخش بود، زیرا که حقوق ادارات قبل از آمدن رئیس کل مالیه همیشه به تأخیر می افتاد، معوق می ماند، و در اواخر هر برج نمی رسید و حتی قبل از آمدن ایشان چند ماه حقوق ادارات معوق بود، ولی بعد از آمدن ایشان و اختیاراتی که به ایشان داده شده بود نگرانی های پیشین رفع شده و انتظاماتی در باب وصول مالیات و تعدیل مخارج پیدا شده بود و در حقیقت انتظامات خوبی پیدا کرده و این انتظامات راجع به وصول مالیات و تعدیل حقوق ادارات بود که یک احساسات اداری برای میسیون

داشته باشند پیدا نماید. چون نیل به مقصود مذکوره فوق چند هفته فرصت لازم دارد، و چون دولت معتقد نیست فترتی در ترتیب مقرر سابق راجع به اداره کردن امور مالی مملکت پیش بیاید، و از طرف دیگر چون به تصویب رسانیدن شرایط جدید کنتراتی که رئیس کل مالیه در نظر دارد مستلزم مدتی وقت است، لهذا در نظر گرفته شده است که کفالت ریاست مالیه برای مدت ۵۱ روز که از مدت کنترات مستر مکاسکی خزانه دار فعلی باقی مانده، به مشارالیه محول گردد تا در خلال این مدت پیشنهاد قطعی خود را دولت به مجلس تقدیم نماید. نظر به مراتب فوق از ساحت محترم مجلس شورای ملی تقاضا می شود که با تصویب ماده واحده ذیل با قید دو فوریت اختیارات مقرر در قانون ۴ اسد ۱۳۰۱ را به مستر مکاسکی برای مدت کفالت مشارالیه اعطاء نماید.

ماده واحده - مجلس شورای ملی به دولت اجازه می دهد که مستر مکاسکی را به کفالت ریاست کل مالیه برقرار نماید - مستر مکاسکی برای مدت ۵۱ روز دارای اختیاراتی خواهد بود که قانون ۴ اسد ۱۳۰۱ برای رئیس کل مالیه سابق مقرر داشته است.

رئیس - مذاکراتی که می شود راجع به فوریت قسم اول است.

دکتر مصدق - بنده همیشه با فوریت

اس اساس بودند. مالیه هر قدر در تحت تشکیلات منظم باشد، ولی تا این قسمت تأمین نباشد نمی‌تواند کار بکند. صدور حوالجات چندان اشکالی ندارد، عمده وصول آنها است.

اما اینکه عرض کردم وضعیت مالیه موقتاً رضایت‌بخش است به دو جهت است یکی از نظر مالیه مملکت، یکی از نظر مالیه ملت. اگر در راپرت سیزدهم خود رئیس کل مالیه ملاحظه کنید می‌بینید ثروت ملی رو به تنزل است. البته می‌دانید وقتی که اساس یا منبع خشک شد، مالیات موضوع ندارد و هر قدر مالیه خوب باشد تأثیر ندارد. این بود که عرض کردم مالیه مملکت ما موقتاً رضایت‌بخش است. بنابر این مالیه ما آن وقت کاملاً رضایت‌بخش خواهد بود که ثروت ملی رو به تزايد باشد. با این تفصیل و با این اعمال خوبی که بنده از رئیس کل مالیه عرض کردم و در وزارت مالیه است و شخص دکتر میلسپو آنچه باید نسبت به کارهای خود بکند کرده است، معذالک بنده با اختیارات دکتر میلسپو مخالف بودم، یعنی با وضع و ترتیب این اختیارات مخالف بودم و عقیده‌ای را که اتخاذ می‌کنم البته پیش خود دلیلی را هم اقامه می‌کنم و بعد از آنکه صحیح آمد عرض می‌کنم. بنده با اختیارات دکتر مخالف بودم، زیرا اختیارات ایشان بعضی‌ها مربوط به امور

آمریکائی فراهم کرد و مردم هم رفته رفته عادت کرده بودند مالیات‌های خود را بدون اصول مسامحه‌کاری که قبل از اینها معمول بوده بپردازند، ولی این نکته را باید تصدیق کرد و گفت که تنها تصدی شخص رئیس کل مالیه مملکت نبود، بلکه تشکیلات جدید مملکت و نظام جدید بیشتر سبب شد که بتواند موفقیت کامله حاصل کند.

خوب به خاطر دارم موقعی که در جنگ بین‌المللی به بنده اختیاراتی برای مالیه داده شده بود. رئیس مالیه طهران آمد پیش من و اظهار کرد که چهارصد نفر ژاندارم داریم و این وعده در حوالی خوار و ورامین نمی‌توانند مالیات وصول کنند، زیرا تمام آنها تفنگ ندارند و شاید بیشتر از صد نفر آنها تفنگ نداشتند، و بنده شرحی به وزارت جنگ نوشتم و جواب دادند که یک قبضه تفنگ نیست. بعد فکر کردم راه دیگری پیدا کنم. اطلاع پیدا کردم که مقداری تفنگ از سیستم‌های مختلف در اداره گمرک است. به آنجا نوشتم و از آنجا ۱۳۰ قبضه تفنگ مختلف فرستادند که به ژاندارم‌ها دادیم. بالاخره باید تصدیق کرد وضعیت مأمورین وصول این طور بود و وقتی این طور باشد البته چندان مؤثر واقع نمی‌شود. به این جهت است که عرض می‌کنم، تنها تصدی شخص دکتر میلسپو نبود، بلکه باید تشکر خود را به پیشگاه آن کسی تقدیم داریم که

اداری مالیه بود و بعضی حقیقهٔ مربوط به امور اداری مالیه نبود و می شد گفت اختیاراتی است سیاسی و بنده با این قسم اختیارات مخالفم. خوب در نظر دارم روزی که رئیس کمپانی نفت جنوب مستر فرلی که با بنده آمده بودند گفتند این اشخاصی که در مجلس راجع به قرارداد و مراسلهٔ دولت در کابینهٔ مستوفی معترض بودند چه می گفتند. بنده برای او شرح همان مذاکراتی را که شده بود و بیشتر آن اعتراضات را خود شاهزاده وزیر مالیه در آن موقع می فرمودند به او گفتم. واقعاً بنده هیچ ملتی را مثل انگلیسیها ملت منصفی نمی دانم. شخص مستر جاکس تمام را تصدیق کرد و بی اختیار یاد فرمایش خود آقای رئیس الوزراء که آن وقت وزیر فواید عامه بودند افتادم که در کمسیون بنده گفته بودم چرا امضا کردید. ایشان گفتند ما چه بکنیم برحسب دستور دولت کمسیون مرکب از وزیر مالیه، وزیر خارجه و من و رئیس کل مالیه و مستر فرلی برای این کار تشکیل شد و هر چه فرلی گفت دکتر میلیسپو هم تصدیق کرد. این گذشت و این را هم بگویم که شخص رئیس الوزراء را واقعاً منصف و آدم راست و صحیحی می دانم، زیرا ایشان وقتی به مشکلاتی بر خوردند و اشتباهی را دیدند فوراً تصدیق کرده، در صدد جبران آن بر می آیند. هر کاری را که بگوئیم خبط شده فوراً تصدیق می کنند، نه

اینکه بکلی شانه خالی کنند.

بنده در چندی قبل در روزنامه ها تصویب نامه های خواندم که باز راجع به همان قراردادهای کمپانی نفت جنوب بود و پیش خود گفتم شاهزاده وزیر مالیه که خودشان جزو معترضین بودند چه شد که این تصویب نامه را دادند. بنده آن تصویب نامه ها را که در روزنامه هم نوشته شده و به نمرهٔ ۲۸۸۵ از کابینهٔ آقای هدایت گذشته است عیناً قرائت می کنم (عین موادی که در چندی قبل راجع به واگذاری اراضی به کمپانی نفت جنوب درج شده بود قرائت کردند).

به موجب این تصویب نامه مجموع اراضی واگذاری ۱۴۷۳ جریب است، لازم است توضیحی راجع به جریب بدهم.

در استبداد صغیر بنده مسافرتی کردم. آن وقت این طور نبود که درب هر دروازه اسم شخص و پدر و مادر و همه را سؤال کنند. بنده وارد شدم به انزلی. خواستم بروم وارد کشتی بشوم. گفتند تذکرهٔ شما را ضبط می کنیم و مرا نگاه داشتند. مجبور به توقف در آنجا شدم. برای مکان به هتلی مراجعه کردم دیدم کرایه اطاق را گران می گویند. به هتل دیگری که قفقازی بود رفتم، آنجا قیمت کردم گفت کرایه اطاق روزی اوچ عباسی است. گفتم خوب چقدر ارزان است. همانجا منزل کردم. چائی و سایر غذاها را سؤال

موضوعی که مطرح است دارد. به این جهت موافقت نظر در ادامه مذاکرات ایشان حاصل شد.

دکتر مصدق - حالا فصل دوم و سوم امتیازنامه را می خوانم (قرائت نمودند). این تصویب نامه هم بر طبق این دو فصل بر خلاف شرایط امتیاز نامه است و هم مخالف قانون اساسی که باید هر گونه امتیاز و قراردادی با نظر و تصویب مجلس بوده باشد و دولت حق نداشته است بدون نظر مجلس این کار را بکند و جای تعجب است که دولت برای واگذاری یک قسمت اراضی در شیراز به بانک شاهنشاهی لایحه به مجلس می دهد که اجازه بگیرد، ولی برای ۱۴ میلیون ذرع اراضی تصویب نامه ای صادر می کند (مدرس - بدواً باید ابهام قضیه رفع شود). از این اختیارات که داده می شود ما فایده نمی بریم، برای اینکه وقتی وزرای ما مسئول هستند بد و خوب را گردن می گیرند، ولی وقتی اختیارات مهمی را به یک نظر می دهند هر چه به وزیر هم می گوئید اظهار می کند چکنم، او امضاء کرده بنده هم امضاء می کنم - بنده همیشه عقیده ام این بوده است به یک خارجی نباید اختیارات فوق العاده زیادی داده شود، باید اختیارات مطابق احتیاجات مملکت باشد، نه اینکه وزیر خود را مسئول نداند و بگوید هر چه گفت من کردم، چه بسا که وزراء خواسته اند در

کردم، همین طور به حساب عباسی ارزان می گفت. من هم دست از پا خطا کرده، دو سه اطاق کرایه کرده و هر روز دستورالعمل زیادی برای غذا می دادم. در آخر که خواستم حساب کنیم دیدم مطالبه مبلغ زیادتری می کند. پرسیدم چرا؟ گفت من یک عباسی را پنج یک منات روسی حساب کردم و یک قران می شود. گفتم پس چرا اول نگفتی؟ گفت اگر اول می گفتم که اینطور مخارج نمی کردید. این قضیه مثل این تصویب نامه است. بنده وقتی این تصویب نامه را خواندم گفتم خوب هر جریب معمولی ما ۵۰۰ ذرع، ۷۰۰ ذرع و ۱۰۰۰ ذرع است، و حد میانه آن ۷۰۰ ذرع است، ولی وقتی که مراجعه به قانون مقیاس کردم، دیدم هر جریبی ۱۰/۰۰۰ ذرع مربع است و بنابر این ۱۴ میلیون و هفتصد و سی هزار ذرع می شود. (مدرس - از اهواز باقی می آوریم (خنده). بله اراضی واگذاری ۱۴ میلیون و هفتصد و کسری است و بنده لازم می دانم شرایط امتیازنامه داری را بخوانم که آقایان بدانند این تصویب نامه مطابق امتیاز داری نیست.

(در این موقع از طرف آقای رئیس آهسته با ایشان صحبتی شد و معلوم می داشت که مذاکره می کنند که این مذاکرات از موضوع خارج است و از طرف ایشان گفته شده است که ارتباط با همان

برابر او مقاومت کنند نتوانسته‌اند و اتفاقاً بعضی‌ها ورقه رضایت‌نامه گرفته‌اند و رفته‌اند. ملاحظه کنید کار مالیه مملکت ما به جائی رسیده بود که اگر وزیری می‌خواست از آنجا خارج شود باید تصدیق‌نامه بگیرد - بنده با این اختیارات مخالف بودم. وزراء از دو حال خارج نیستند. اگر مردمان نادرستی هستند یک همچو کاغذهایی را اقلاً مجانی نمی‌دهند. باید وزیر اختیار داشته باشد، وجودش کار کند و تحت مسئولیت مجلس هم باشد. این عقیده بنده است و در روی این زمینه بود که با نظریه آقای وزیر مالیه که می‌گفتند می‌خواهم اختیارات دکتر میلیسپو را کم کنم موافقت کردم.

خوب حضرت والا شما همین می‌خواستید به او اختیار ندهید و دعوا با او بود. اگر اینطور نیست چرا همان اختیارات را می‌خواهید به کسی دیگر بدهید. ما که با دکتر میلیسپو غرضی نداریم و خدمات او را هم گفتیم. شما در سر اختیارات دکتر میلیسپو طرف می‌شدید و می‌گفتید به نام مصالح مملکت، به نام ایرانیت، به نام چه و چه باید اختیارات او را کم کرد. ماده ۸ و ماده ۹ را کم کرد. آن وقت می‌آئید همان اختیارات را به کسی دیگر می‌دهید، یا حقیقه اشخاص خوش‌باوری هستیم که حرفهای شما را قبول کردیم و بنده تعهد می‌کنم که دیگر

خوش‌باور نباشم. اینجا گفته می‌شد علی‌رغم نصرت‌الدوله باید مخالفت کرد نمی‌دانم، مگر خدای نکرده نصرت‌الدوله آدم بدی است، زیرا گفته می‌شد چون نصرت‌الدوله می‌گوید باید کم کرد باید مخالفت کرد، ولی بنده روی این اصل که خواسته‌اند از اختیارات کم کنند موافقت کردم، ولی حالا معلوم می‌شود خواسته‌اند ما را اغفال کنند که ماده واحده را با قید دو فوریت تقدیم داشته‌اند که اختیارات به شخص دیگری داده شود. اگر می‌فرمائید خودتان صلاحیت ندارید پس تشریف ببرید یک نفر صلاحیت‌دار بیاید. بنده در خود وزارت مالیه اشخاصی می‌شناسم که صلاحیت دارند و اشخاصی در خانه‌های خود نشسته‌اند که آدمهای صالح و باید دولت از آنها تشویق نماید. اگر خودتان عقیده ندارید که دارای صلاحیت نیستید صریحاً بفرمائید تا کس دیگری بیاید (خنده). به خدای واحد اگر بخواهید دکتر میلیسپو را ببرید و مستر مکاسکی را بیاورید، با وجود لجاجت من او را به مراتب ترجیح می‌دهم. شما اگر خواستید خودتان و اگر نخواستید می‌آیند و یک اختیاراتی که مقتضی باشد به یک نفر دیگر که مطمئن و از عهده برآید بدهید و ما را هم به این حسن ظن خود و خوش‌باوری باقی بگذارید.

(مدرس - تصویب‌نامه‌ها موقوف الاجرا است)

دکتر مصدق - بله تصویب‌نامه‌ها هم البته باید با تصویب مجلس باشد.

وزیر مالیه - فرمایشات آقای دکتر مصدق چند قسمت بود، یک قسمتهای آن خارج از مطلب بود. آن قسمت تصویب‌نامه‌هایی بود که به آن اشاره کردند و در آن قسمت یک وقت دیگر مفصلتر و با مدارک جواب مقنع عرض می‌کنم و باید مستحضر باشند که هیچ وقت آن تصویب‌نامه مخالفتی با قانون ندارد و موافق با امتیازنامه داری است (وکلاء اینطور نیست - همه). اگر در هر قسمت آن نظری داشته باشید موضوع نظری است ربطی به قانون ندارد، اینکه آقای مدرس راجع به ابهام قضیه فرمودند این موضوع باید مورد بحث واقع شود، والا ما که مجری قانون هستیم نمی‌توانیم مفسر قانون واقع شویم و تفسیر قانون از شئون و مشخصات مجلس است، اما مسئله جریب و هتل پهلوی را که فرمودند البته خیلی خوش‌مزه و خوب بود، ولی می‌ترسم این هم اشتباهی مثل همان لفظ ترکی و روسی باشد. رقمی فرمودند اشتباه بود، این جریب جریب معمول به عبادان [آبادان] است و من درست در خاطر ندارم که چقدر می‌شود. همین قدر یقین دارم به این مقداری که فرمودند نیست.

این که گفته شد خلاف قانون اساسی و امتیازنامه است و اراضی شعبه بانک را در شیراز مثل زدن، باید عرض کنم که بانک شاهی دارای امتیاز و شرایط نبود. به این جهت به مجلس پیشنهاد شده بود و این اراضی بائر است (همه وکلاء این طور نیست، بایر نیست در عبادان اساساً اراضی بایر یافت نمی‌شود). اجازه بدهید بنده عرایض خود را بگویم، بعد صحبت کنید. باید دید اگر بایر بود داده نمی‌شود (وکلاء - مجلس باید بدهد نه دولت). این عملیاتی هست که مربوط به مجلس نیست. در تصویب‌نامه معلوم کرده است که بایر است، ولی باز از شیراز از طرف مالیه مأموری فرستاده شده که معلوم بکنند.

اما در اصل مطلب که آقای دکتر مصدق فرمودند آقای دکتر در ضمن شوخیها، گاهی آن شوخیها زنده‌گی هم دارد. موضوع اختیارات چیزی است که مابین ایشان و بنده بحث شده. ایشان می‌دانند با این اختیارات بنده شخصاً مخالفم، اما نه به آن اندازه که فرمودند (دکتر مصدق - بیشتر) به هر حال در این قسمت نظریات مختلفی هست که باید تمام آنها را در نظر گرفت و رویهمرفته تا وقتی که شما احتیاج دارید، باید یک اختیاراتی داد. بنده البته از اول معترض بوده و هستم، ولی تمنائی که دارم این است. آقا هم منصفانه دقت بفرمایند.

برای اینکه از امروز یکشنبه اول مرداد ماه کارها فلج نماند و در وضعیات مالیّه تغییر صورت قطعی پیدا نکرده باشد، آیا هیچ راهی غیر از این پیدا می‌کردید که این قانون ۴ اسد ۱۳۰۱ را بگذاریم و با همان سابقه و عمر طبیعی ۵۰ روز را هم بگذرانیم و در ضمن این مدت مطالعاتی نموده تجدید نظریاتی بکنیم. آن وقت لایحه صحیحی بیاوریم به مجلس و اکثریت مجلس هر چه حکم کرد رفتار کنیم. بعلاوه یک چیز را عرض کنم و آن مسئله که اصل اختلاف و اعتراض مهم بود موضوع حکمیت دعوی است. آقای دکتر مصدق می‌دانند که در قانون ۴ اسد هیچ ذکری از حکمیت نکرده بود و معایب بزرگ کار قسمت عمده‌اش ناشی از همین بود و بنده دارای همان عقیده هستم و ابداً سست نشده‌ام و موادی را در همین قانون ۴ اسد خوب نمی‌دانم، ولی تصدیق بفرمائید اگر امروز بخواهیم وقت مجلس را صرف این کار بکنیم و قبل از اینکه تکلیف اساسی کار معلوم شده باشد به این کار پردازیم، کارهای مالیّه بطور تعویق باقی خواهد ماند و عقیده دارم باید از روی فرصت و با مطالعات عمیق لایحه را تهیه کرد و اختیارات رئیس کل مالیّه نوعی باشد که نظریه همه ما را تأمین کند و وقتی که همه معتقد شدند که باید متخصص آورد، متخصص به تمام معنی

می‌آوریم، نه اشخاصی که در داخله کار یاد بگیرند. بنده معتقدم متخصص حسابی باید آورد، و اختیارات اداری به او بدهیم و او صرف نوکر قانون باشد. این‌ها دلائلی است که هیئت دولت را معتقد به این کرده که برای این موقع موقتی تا ۵۰ روز دیگر که تصمیم قطعی گرفته می‌شود و از نقطه نظر اینکه کارها عقیم نماند، همان اختیارات را به مستر مکاسکی بدهیم و عجالتاً این لطف را آقای دکتر مصدق بفرمایند، موافقت بفرمایند و نه ایشان آن طور که فرمودند خوش‌باور هستند و نه من این طور سست عقیده که تغییر عقیده بدهم و کسی هم نیست که مجبور به تغییر عقیده باشم و یا ورقه رضایت‌نامه بگیرم.

ارباب کیخسرو - جای تردید نیست. از وقتی که تصمیم گرفتیم متخصص بیاوریم، تصدیق داشتیم که مالیّه مملکت خراب است. در دوره دوم مستر شوستر را آوردیم. متأسفانه او روی امانتش رفت. در دوره چهارم هم اقدام کردیم یک عده متخصص دیگر آوردیم آن هم رفت، زیرا رئیسشان رفت و حقیقتاً بنده نمی‌دانم موضوع دعوی سر چه بود؟ نزاع‌هایی در گرفت و در نتیجه اعلان شد که دکتر میلسپو رفت و می‌رود. در رفتن او البته موافقت حاصل نشده و انشاءالله نخواست است برود. در هر حال اینجا گفته می‌شود که یک قراردادهایی بسته

خیر؟

این شخص خزانه دار است. حساب خزانه را به کی خواهد سپرد. هم خودش خزانه دار است و هم محاسبه خزانه را باید پس بدهد، چه می شود گفت (صحیح است). باید فهمید اطرافیان مکاسکی چه اشخاصی هستند. یکی از اعتراضات اساسی این بود که چه شده است. آن اختیارات در دست دکتر میلسپو خوب نبود، ولی در دست ایشان همان اختیارات خوب است. اگر بفرومائید برای مدت کمی است بنده عرض می کنم، اگر آن اختیارات بد باشد چه یک ساعت چه یک روز، چه پنجاه روز تفاوتی نمی کند. بنده می خواهم راجع به مکاسکی و کمپانی که اطرافش جمع شده اند مثلی عرض کنم. این مثل بنده مربوط به مجلس است. ما بعد از آن که با مشقات زیاد مطبعه مجلس وارد کردیم، تمام مقصود ما این بود که حوائج دولت را مخصوصاً از خارجه رفع کنیم. حوائج دولت هم تمبر و باندرول بود. پس از زحمات زیاد از خزانه داری آمدند سفارش تمبر دادند و هشتاد و دو سه میلیون تمبر در مطبعه طبع شد، اما در ضمن مخالفت هائی که کردند این بود که اولاً تمثال اعلیحضرت همایونی را ما هر چه اصرار کردیم بدهند به ما خودمان بسازیم ندادند و مخصوصاً به کسی دادند که خراب ساخت. برای این که

می شود و دولت مجبور بوده است امضاء کند و بنده آن دولتی را که چیزهای برخلاف مصلحت مملکت را به صرف گفتار متخصص مالیه امضاء کند، آن دولت را دولت قوی نمی دانم. دولتی که متکی به مجلس و قانون است چرا باید زیر بار چیزهای خلاف مصلحت مملکت برود. بنده بهیچوجه نمی توانم زیر بار این حرف بروم، زیرا دکتر میلسپو را شخص درستی می دانم و معتقدم به ما خدمت کرده است (صحیح است). دکتر میلسپو حقوق ادارات ما را که آجر عوض پول می داده اند منظم نموده (صحیح است). دکتر میلسپو عایدات و مخارج ما را تمرکز داده، نباید این قدر اغماض کرد. اینکه بیان کردند که در سایه قدرت نظام و آن توجهاتی بود که از طرف مقامات عالی می شد، کسی منکر این قسمت نیست و بنده کاملاً اعتراف دارم، ولی انصاف بدهید اگر کسی بود که نمی خواست بکند با وجود داشتن وسایل باز هم پیشرفت می کرد (عده ای از وکلاء ابداء). دکتر میلسپو رفت و حالا کسی دیگر را بخواهید بیاورید آن شخص کیست؟ آن شخص مکاسکی است. این شخص را بنده از ابتدائی که با شوستر به ایران آمد می شناسم. دکتر میلسپو با من برادر نبوده که از او طرفداری کنم و نظری هم ندارم، ولی باید فهمید که مکاسکی از عهده بر می آید یا

اطرافیان این شخص بدبین هستم، نسبت به خود ایشان بدبین نیستم (یکی از وکلاء می‌خواهند پول‌ها را بخورند). آقای وزیر مالیه از بنده خواهش می‌کنند مخالفت نکنید. آیا در مسائل مهم مملکت باید این نظر را داشت. در هر حال بنده به این جهانی که عرض کردم جداً مخالفم.

(در این موقع تنفس داده شد و بعد از تنفس مجلس یک ربع به ظهر مجدداً انعقاد یافت. عده حاضره برای رأی کافی نبود).

یاسائی اظهار داشت بنده امروز می‌بینم اغلب مذاکرات از اصل موضوع خارج است. مثلاً آقای دکتر مصدق به صورت موافقت یک مخالفت شدیدی با دکتر میلسپو کردند. این مذاکراتی که در اطراف مالیه می‌شود و مقایسه که می‌کنیم بیشتر از نقطه نظر طهران است. البته مالیه طهران خیلی خوب و حقوق ادارات مرتب پرداخته، و بطوری که ملاحظه می‌شود هر روز در خیابان لاله‌زار صرف تفریح می‌گردد، ولی اگر به دهات بروید به عکس وضعیات طهران را مشاهده می‌کنید (صحیح است). البته انتظامات مالیه مورد توجه ما بوده و دکتر میلسپو هم خوب موفق شده است که دخل و خرج مملکت را تعدیل دهد، ولی دکتر میلسپو ناظر خرج خوبی برای ما بوده است و البته مجلس شورای ملی هم وظیفه‌دار است که نظارت کامل نماید.

بگویند مطبعه خراب کرده و باید به مطبعه هارلم سفارش داد. بنده عقیده دارم اگر ناقص هم است باید تکمیل کرد که رفع احتیاجات ما از خارجه بشود، نه اینکه مخصوصاً وسایلی فراهم کنند که دستور به خارجه بدهند. بنده از کمپانی آنها خوب اطلاع دارم. مخصوصاً خوب یاد دارم برای همین کلیشه از خزانه‌داری گفته شد رئیس کل پست این طور دستور داده، بعد که تحقیق شد او بکلی تکذیب کرد و بعد گفت شخص اعلیحضرت فرمودند. بنده مخصوصاً شرفیاب شدم و اعلیحضرت فرمودند تمثال من در طهران باید چاپ شود و من علاقمندم که همین در طهران باشد. باز اخیراً گفتند که باید به هارلم سفارش داده شود. برای این که (یکی از وکلاء - کمپانی است). بنده خودم در روسیه بودم دیدم تمبرهای ناصرالدین شاهی را صد تا صد تا با قیمت خیلی ارزان می‌فروشنند.

خلاصه اینکه تمثال اعلیحضرت را آنکه مخصوصاً خراب ساخته شده به مطبعه مجلس دادند و دیگری را که دلخواه بوده به هارلم فرستاده‌اند و ما نتوانستیم تمثال را از مکاسکی بگیریم. در این خصوص از وزیر مالیه هم سؤال کرده‌ام و جواب نداده‌اند. آن وقت آقایان می‌خواهند مالیه مملکت را به این شخص و اشخاصی که اطرافش را گرفته‌اند بسپارند. بنده این قدر که نسبت به

اصل موضوع این است که به دکتر میلپسو گفته شد اختیارات شما را تجدید و به یک صورت دیگری کتبرات شما را منعقد کنند و در جلسات عدیده مذاکره شد و مابه‌الاختلاف چند چیز بود، یکی آنکه وزیر مالیه بتواند مفتشینی برگمارد که در امور مالیه تفتیش و حتی عملیات دکتر میلپسو را تفتیش کند و قبول نکردند، و به عقیده بنده وحشت از این قسمت مورد نداشت. یکی هم موضوع مسئولیت آمریکائی‌ها بود که تاکنون تمام امریکائی‌ها تحت نظر دکتر میلپسو بودند و به موجب لایحه جدید در آتیه تحت اختیار وزیر مالیه باید بروند. این هم یک مسئله اساسی که ایشان قبول نمی‌کردند. یکی هم طرز حکمیت بود که این موضوع مخصوصاً اشکالاتی را تولید کرده بود و اخیراً موافقت نظر حاصل شد که اختلافات حاصله را به هیئتی که از رؤسای قوای ثلاثه مملکت تشکیل شود مراجعه دهند (رئیس مجلس شورای ملی - رئیس الوزراء - رئیس دیوان عالی تمیز) و دکتر اظهار داشته است ممکن است دولت تحت تأثیر واقع شود و دولت حق داشته است که این طرز حکمیت را پیشنهاد کند و دولت نمی‌خواهد یک کاپیتولاسیون خاصی را که الغاء شده در این جا قائل شود که یک نفر خارجی یک نفر حکم بر علیه دولت معین کند - ابتدا شنیدم

گفته بوده است وزیر مختار آمریکا شرکت داشته، ولی بعد تکذیب کردند که یک نفر ایرانی را معلوم می‌کنم، ولی بنده بهیچوجه مقتضی نمی‌دانم. در هر حال دکتر میلپسو حاضر نشد و لازم بود علاج فوری برای کار بشود و ایشان می‌خواستند از دو ماه و کسری مرخصی خود استفاده نمایند و ما نمی‌توانستیم مالیه مملکت را به قضا و قدر مراجعه کنیم. با این عقیده مقتضی بود یک فکر موقتی دولت بکند و آنچه بنده تحقیق کرده‌ام بین داخلی و خارجی دیدم، بهترین اشخاص همین مستر مکاسکی است. البته معلومات و اطلاعات و شجاعت دکتر میلپسو را ندارد، ولی محاسب خوبی است و ما در مدت ۵۰ روز کفالت مالیه را می‌خواهیم به او بدهیم و در این مدت لایحه‌ای برای استخدام شخص عالی‌تر از دکتر میلپسو تهیه کرده به مجلس بیاوریم. این که گفته شد چرا همان اختیارات را قائل شدید، عرض می‌کنم برای اینکه وقت نبود که بشود رسیدگی کامل کرد، و باید همین امروز تکلیف مالیه را معلوم کنیم، زیرا میلپسو حاضر شده است. این که راجع به اطرافیان، دکتر میلپسو فرمودند تفاوت نمی‌کند همان کسانی که اطراف دکتر بودند اطراف مکاسکی هم هستند و اساساً باید این کمپانی را از بین برد و اگر بخواهید با همان کمپانی مکاسکی به وزارت مالیه

این نیست که آن اختیارات اولی زیاد بوده، حالا هم باید باشد، بلکه از نظر ضرورت امر است و بطوری که عرض کردم کارها معوق مانده بود. بنده امروز صبح خودم دستورالعمل‌هایی در وزارتخانه چون رئیس مالیه نبود دادم که به حال وقفه نماند و مخصوصاً از رئیس محاسبات و رئیس خزانه‌داری، راپرت جامع از وضعیت مالیه و موجودی خزانه و جریانات اداری خواسته‌ام که پس از وصول به عرض آقایان هم خواهم رسانید.

اما نسبت به کمپانی و آن شخصی که اسم برده شد خیلی تعجب می‌کنم، زیرا عبدالرضاخان مستر رید در حکم تعلیق است، اگرچه محکمه ابتدائی او را تبرئه کرد، ولی استیناف داده شده و فرضاً در اینجا هم تبرئه شد، باز بنده مانع خواهم بود و در هر حال تحت حکم تعلیق می‌باشد.

فعلاً تقاضا دارم آقایان موافقت فرمائید این ماده واحده موقتاً به تصویب برسد تا فکر اساسی بشود.

اظهار شد مذاکرات کافی است. حاج شیخ بیات مخالف بوده و عقیده داشت تمام اشخاص که اجازه صحبت خواسته‌اند باید مذاکرات خود را بنمایند.

رئیس - عده برای رأی کافی نیست اظهار شد جلسه ختم شود.

نیم ساعت بعد از ظهر جلسه ختم شد.

انتقال پیدا کند. مثلاً مستر رید برود آنجا بنده مخالفم. راجع به محاسبه فرمودند که حساب مکاسکی را کی رسیدگی می‌کند. بنده عرض می‌کنم چه فرق می‌کند. اگر بنا باشد باید تمام محاسبه رسیدگی شود و تصور می‌کنم با دقت کاملی که دکتر میلسپو داشت نگرانی نباشد. ما وقتی به حساب ارزاق رسیدگی می‌کنیم می‌بینیم تنها ارباب حیدرعلی به نام پیشکرایه ۴۵۰ هزار تومان گرفته و خورده و حالا هم خود را مفلس قلمداد می‌نماید. آقایان توجه بفرمایند حساب خزانه هم حساب ارباب حیدرعلی نباشد. یک موضوع دیگر که شنیده‌ام این است دکتر میلسپو در این دو سه ماهه اخیر آن توجهی را که نسبت به امور مالیه مملکت داشته‌اند اعمال نکرده، بهمین جهت در عایدات مختلفه مملکت نُکث حاصل شده است. یک مسئله را هم باید عرض کنم که ما کسی را می‌خواهیم که دنبال سیاست نرود. برای قیمت ۱۱ قران دنبال تلگراف رمز به وزارت خارجه نرود. نباید حقوق کوریه سیاسی ما که به مسکو می‌رود توقیف کنند. مثلاً مخارج ساختمان بنای عدلیه را محتاج به اجازه ثانوی هستند، ولی مخارج نمایشگاه فیلادلفی را بدون اجازه مجلس خرج می‌کنند.

وزیر مالیه اظهار داشت این موقع ۵۰ روز که مجلس تصویب می‌کند از نقطه نظر

جلسه آتیه روز سه شنبه دستور بقیه مذاکرات در اطراف لایحه فوق تعیین گردید.

از صورت جلسه سه شنبه سوم مرداد ۱۳۰۶ مجلس شورای ملی در باره لایحه برقراری مکاسکی به جای میلسپو

میلسپو را نخوانده بودم. وقتی که در روزنامه خواندم دیدم ایشان همه جور تسلیم بوده است (عده‌ای - صحیح است) و در صورت تسلیم بودنش معلوم نبود به چه جهت دولت قبول نکرده است. آقای یاسائی در جلسه قبل می فرمودند که ما کاپیتولاسیون را لغو کرده ایم.

دکتر میلسپو برای ما کاپیتولاسیون درست می کند. در صورتی که ایشان مسئله حکمیت را قبول کرده و حاضر شده اند که به ایرانی موکول گردیده و در صورت اختلاف قبول کرده اند که به مجلس مراجعه و رأی مجلس قاطع باشد، و بالاخره اظهار عجز کرده است. حالا نمی دانم آیا دولت واقعاً نخواست است کنترات دکتر میلسپو تجدید شود، یا خود دکتر حاضر نشده است، زیرا باید نظر دولت را جلب کرد. آیا دولت مایل است که با او داخل مذاکره بشود یا خیر؟ زیرا با مراسله‌ای که نوشته است بنده خیال می کنم چندان مشکلاتی نباشد و بنده لازم می دانم بر سر کارهای مهم از نقطه نظر پیشرفت امور مملکتی اگر دولت در استخدام اشخاص بخواهد وظایف خود را

رئیس - ماده واحده راجع به کفالت مالیه مطرح است. اظهار شد مذاکرات کافی شده بود. بعضی اظهار داشتند خیر.

رئیس - بنابر این رأی گرفته می شود به کفایت مذاکرات. اخذ رأی بعمل آمده کفایت مذاکرات تصویب شد.

رئیس - پیشنهادات واصله قرائت می شود.

ارباب کیخسرو شاهرخ پیشنهاد کرد ماده واحده به طریق ذیل باشد:

ماده واحده - مجلس شورای ملی به دولت اجازه می دهد که مستر مکاسکی امریکائی خزانه دار کل ایران را موقتاً به مدت ۴۹ روز مطابق مواد ۱۴ گانه‌ای که اخیراً برای دکتر میلسپو تهیه کرده بودند، به کفالت ریاست کل مالیه برقرار نمایند و ضمناً دولت مکلف است در ظرف مدت مذکور برای استخدام یک نفر متخصص آمریکائی داخل اقدام شده، کنترات او را تهیه و به مجلس شورای ملی تقدیم نماید.

ارباب کیخسرو در زمینه پیشنهاد خود اظهار داشت در جلسه گذشته که بنده عریضی کردم متأسف هستم که کاغذ دکتر

چیزی نگفته بودم). بنده نبودم، ولی در روزنامه‌ها خواندم و بعد از آن مثلی به نظرم رسید که بی‌مناسبت نیست عرض کنم.

وقتی در کتابی خواندم که شیر و گرگ و روباهی برای شکار رفتند. بعد از برگشتن از شکار خواستند شکار خود را تقسیم کنند. به گرگ گفتند چه شکل باید تقسیم کرد. گرگ گفت هر کس شکار خود را ببرد. شیر کشیده‌ای به گرگ زد که کله‌اش جدا شد، بعد از روباه پرسید عقیده تو چیست. گفت این شکارها یک وعده برای ناهار شیر، یکی برای شام، یکی هم برای صبح شیر باید گذاشته شود. شیر پرسید این طریقه را از کجا پیدا کردی؟ گفت از سیلی خوردن گرگ این رویه را پیدا کردم. حالا هم آن سیلی که دکتر میلسپو خورد، تکلیف مکاسکی معلوم شد (آقا سید یعقوب - کشتن سپهسالار را فراموش کردید) (مدرس - چه مربوط است) (همهمه آقا سید یعقوب) ارباب - آقای آقا سید یعقوب اجازه بفرمائید بنده کسی نیستم که تا دیروز از او تمجید می‌کرده و امروز تنقید کنم. بنده در کابینه آقای مستوفی در حضور ایشان نظریات خود را راجع به مالیه و اصلاح آن گفتم و حالا هم معتقدم که باید اصلاح شود و عقیده دارم با شرحی که در مراسله‌اش نوشته شده ممکن است اصلاح شود و اگر نشد طریق دیگری را پیش بگیرند که باعث ندامت نشود.

انجام دهد، باید فرصت داده شود که کاملاً مطالعه کنند و ممکن بود بعضی اقداماتی بنمایند که اگر مختصر اشکالاتی هم است مرتفع شود، زیرا از مضمون کاغذ معلوم می‌شود که زمینه کار و مقتضیات مملکت را دانسته و خود را کاملاً حاضر کرده است. اگر ممکن بشود که دولت با او داخل مذاکره شده و این جزئی اختلافات را مرتفع سازد، بنده او را مقدم می‌دانم و در آن خصوص پیشنهاد می‌نمایم.

اما در این پیشنهاد اولاً دولت ۵۱ روز پیشنهاد کرده بود و حالا ۴۹ روز بیشتر باقی نیست، و بعلاوه راجع به مواد کثرات نامه هم از روزنامه‌ها فهمیدم که چهارده ماده است و علت ندارد که عین همان اختیاراتی که به دکتر داده بودند حالا هم بدهند. اگر بد بود چرا می‌دهید؟ در این صورت اولاً چیزهای دیگری می‌شود خیال کرد، یکی اعمال غرض. اگر هم نظری نباشد اعمال غرض گفته می‌شود. ثانیاً اگر این اختیارات همان اختیاراتی است که دولت راضی نیست، چه جهت دارد که به کس دیگر داده می‌شود.

از قرار معلوم آقای وزیر مالیه در جلسه قبل فرموده بودند دکتر میلسپو این اواخر متنبه شده بود و می‌دانست چه جور کار بکند. وقتی متنبه شده و تجاوزاتی نمی‌کند، دیگر چه جهت داشت (وزیر مالیه - چنین

رئیس‌الوزراء - رشته میلپو و کارهایش از یک ماه پیش گسسته بود. بنده یک ماه میانجی‌گری کردم نه به سمت وزارت، به سمت شخص خارج. تنها موافقتی که برای اصلاح این کار به نظر می‌رسید، من غیر رسم در هیئت وزراء شاه فرمودند. وزیر دربار مأمور شود که به اتفاق بنده در خارج با دکتر مذاکرات بکنیم و یک زمینه‌ای درست بکنیم، بعد مطلب را به هیئت بیاوریم. خلاصه اینکه چند مجلس هفت ساعت و هشت ساعت و نه ساعت نشستیم و مواد یک قرارنامه یا کنتراتی را تهیه کردیم. اگر ۱۸ فصل است، چهار فصل آن مبهم است. وقتی آن چهار تا درست شد بقیه اشکال ندارد. اساس قضیه موضوع حکمیت بوده است و تشخیص تکلیف وزرا. این مملکت غیر از امور مالی یک امور دیگری هم دارد که اگر در آن یک قدم بی‌مورد برداشته شود ضررش زیاده‌تر خواهد بود و یک هیئت دولتی باید بتواند در یک موقعی حفظ مصالح خیلی بزرگتری را بنماید. نه این دولت، بلکه هیچ دولتی نمی‌تواند تمکین بکند که اگر مصلحتی پیش آید و اختلافاتی باشد برود، سه نفر از خارج بیاورند که آن اختلافات را اصلاح کند. در صورتی که ممکن است به سه نفر که هیچ ارتباطی نداشته باشند واگذار کرد. این جوابی که دکتر میلپو نوشته بنده هم

خوانده‌ام و تا دو سطر آخرش را پسندیدم، ولی در آن دو سطر می‌نویسد دیگر حاضر برای کار نخواهم شد. در جوابی که به دکتر میلپو نوشته شده و خواهید خواند، موادی که دکتر میلپو پیشنهاد کرده است نه این دولت و نه هیچ دولتی نمی‌تواند قبول بکند.

ما بهیچوجه نمی‌توانیم زیر بار این طرز برویم. البته ما اقرار داریم که دکتر میلپو خدماتی کرده، مالی را تنظیم و پولها را جمع‌آوری کرده سر و صورتی داده است، ولی معایبی هم در کار پیدا شده بود که تاکنون دولت از همین نقطه نظر حکمیت همیشه شانه خالی می‌کرده است، ولی حالا دیگر نمی‌تواند قبول کند. دولت همه جور برای رفع معایب حاضر شده است، ولی همین طور که عرض کردم سخن در پذیرفتن آن موادی است که معین شده. بنده خودم نهایت علاقه را داشته‌ام و شاید در مدت ۲۵ ساعت مذاکره جهد کردم، هم آن طرف را نصیحت کردم، هم این طرف را نصیحت کردم. گرچه این طرف دولت بود، ولی به هر حال نتوانستم موفق شوم و این فکر او را هم نمی‌توانم تکذیب کنم، زیرا می‌گفت من تاکنون این طور کار کرده و حالا هم باید این طور کار کنم، اما برای دولت مقتضی نیست از اینکه خودش را به این اندازه پست بداند که آن شرایط را قبول بکند.

ارباب کیخسرو - اجازه می‌فرمائید.

رئیس - بگذارید تمام پیشنهادات خوانده شود، بعد توضیح بدهید - پیشنهادات به طریق ذیل قرائت شد: -

در آخر ماده واحده اضافه شود: «در انقضای این مدت قانون مزبور بکلی ملغی و این اختیارات بدون تصویب مجلس شورای ملی به احدی داده نمی‌شود» (شیروانی)

«به جای آوردن مستشار موقت یا دائمی، برای مدیریت کل مالیه چند نفر اشخاص لایق صحیح‌العمل ایرانی را دولت به مجلس پیشنهاد نماید، تا یک نفر از میان آنها معین شود و در عین حال دیوان محاسبات را بر طبق قانون تشکیل دهند» - (بامداد)

- «در مدت ۵۱ روز اختیارات به آقای حاج مخبرالسلطنه داده شود» - مدرس - تبصره ذیل به ماده واحده علاوه شود.

«تبصره - دولت مکلف است در ظرف مدت فوق وسائل استخدام یک نفر متخصص عالی‌مقام آمریکائی از اتباع دولت متحده آمریکای شمالی را برای ریاست کل مالیه ایران فراهم نماید، - (شیروانی)

«برای ریاست کل مالیه به جای دکتر میلسپو یک نفر ایرانی تعیین و تا انقضای مدت کسرات دکتر میلسپو با همان

اختیارات مشروطه داخل خدمت باشد» - (دکتر رفیع امین) «کمیونی از مجلس شورای ملی انتخاب شده با نمایندگان دولت برای مطالعه در پیشنهادات اخیر دولت نسبت به کسرات دکتر میلسپو تشکیل شده و سعی کنند راه حلی برای این کار پیدا کنند» (تقی‌زاده)

«دولت مکاسکی [را] ضمانت نماید از صحت عمل ایشان» - (فیروزآبادی)

رئیس - باید رأی قطعی به پیشنهاد آقای ارباب گرفت.

ارباب کیخسرو - استدعا دارم اجازه داده شود سایر آقایان هم توضیحات لازمه را در این خصوص بدهند.

رئیس - پس دو پیشنهاد آقای شیروانی که به هم مربوط است قرائت می‌شود که بعد توضیح داده شود (بقراری که نوشته شده قرائت گردید).

شیروانی در زمینه پیشنهادات خود اظهار داشت: در این جا معمول شده در پیشنهادات قدری جمله‌های معترضه هم گفته شود. این نکته باید محرز باشد که دولت ایران و مجلس ایران و ملت ایران خدمات شخص دکتر میلسپو را قدردانی کرده و از او هم نهایت رضایت را دارند (صحیح است) و هیچ مخالفتی هم در کار نبوده. فقط در موقع تجدید کسرات یک اختلاف نظری بین دولت و مشارالیه پیدا

شده و در نتیجه او می‌رود به مملکت خودش و ما هم باید آزاد باشیم که یک نفر را استخدام کنیم، ولی برای احترامات مجلس لازم بود که در مجلس گفته شود مملکت عقیده‌اش چیست. مملکت عقیده‌اش این است که بنده عرض می‌کنم.

در این جا صحبت در سر دو چیز است یکی دادن اختیارات سابق است، یکی اختیارات جدید که به او داده می‌شود. اگر بخواهیم که یک نفر را بدون اینکه اختیارات معینی داشته باشد استخدام کنیم و مثل سایر مستخدمین تحت تأثیر عمرو زید واقع می‌شود، بهیچوجه از وجود او استفاده نمی‌توان کرد، بلکه ممکن است مضر هم باشد. پس باید تا آن روزی که مملکت به استخدام مستشار خارجی احتیاج دارد استخدام کرده و اختیاراتی هم بدهیم، ولی باید تشخیص داد چه نوع اختیاراتی داده شود. البته اگر یک چنین اختیاراتی که داده می‌شد، باید یک شخص فوق‌العاده و غیرمعمولی هم باشد - اختیاراتی که به شخص دکتر میلسپو داده شده بود، از روی مطالعات کامل نبود. خوب یاد دارم غالب مواد کترات آن به آمریکا تلگراف می‌شد و آنجا و در کمسیون بودجه هم حلاجی می‌کردید و باز تلگراف می‌شد و بالاخره با توافق نظر نماینده ایران کترات دکتر میلسپو تهیه شد. پس می‌شود این اختیارات را

بدون تدقیق دانست. در هر صورت ما این اختیاراتی را که بدون مطالعه به یک شخصی دادیم، نباید به یک شخص دیگر بدهیم. من نمی‌گویم مستر مکاسکی بد است یا بد کار کرده. این هم آمریکائی و تاکنون خوب هم کار کرده، ولی مجلس شورای ملی نباید بدون مطالعه به او اختیاراتی بدهند. اگرچه ۴۹ روز است، ولی ممکن است حوادث طوری بکند که دولت موفق نشود. در این مدت ۴۹ روز متخصص عالی‌مقامی را انتخاب و معرفی نماید و باز محتاج به تجدید باشد و باز در یک موقع معجلی گیر نکنیم و گفته شود که نمی‌شود فرصت را از دست داد و مالیه را ول کرد و در نتیجه باز موادی که صلاح نباشد تهیه شود. بنده همان طور که امروز دکتر میلسپو را مستخدم ایران نمی‌دانم، از اختیاراتی هم که به او داده شده نمی‌خواهم اثری باقی بماند. باید بکلی آن اثرات محو شود و این قانون کان لم یکم باشد و هر کس را مجلس می‌داند انتخاب و هر موادی را هم صلاح می‌داند تصویب کند.

به این جهت بود که در آخر ماده پیشنهاد کردم اضافه این قانون ملغی و به احدی داده نشود.

اما موضوع تبصره - بنده در خارج اطاق مجلس از آقای رئیس‌الوزراء و وزراء بطور خودمانی در حضور چند نفر پرسیدم آیا

واقعاً خیال دارید یک نفر متخصص عالیمقام که به پای دکتر هم می‌رسد بیاورد یا خیر؟ و اگر نمی‌آورید ما تکلیف‌مان را بدانیم. شخص ایشان فرمودند که دولت نظرش این است که یک نفر عالی‌تر و داناتر از آمریکا طلب نماید و تصور می‌کنم تمام مقامات این مملکت هم موافق باشند و تصور می‌کنم اکثریتی هم در مجلس باشد که قائل باشند تا چند سال دیگر احتیاج به داشتن رئیس کل مالیه داریم و باید رئیس مالیه عالی استخدام کرد و بنده معتقدم یک رئیس کل مالیه - یک رئیس محاسبات و یک بار هم خزانه‌دار استخدام شود و بس. بیش از این نمی‌خواهیم شیراز و کرمان و سایر نقاط رئیس مالیه آمریکائی داشته باشد و این چند نفر هم باید فقط از آمریکا باشند، بنابر این با توافق نظر دولت بنده پیشنهاد کردم که در ظرف همین ۴۹ روز وسائل استخدام یک نفر متخصص عالی مقام را فراهم نمایند تا مدتی که دارد خاتمه پیدا می‌کند، معرفی کترات جدید به مجلس آمده باشد و دولت هم در این قسمت صمیمیت بخرج داده، وقت خود را صرف این کار بکند. از حالا داخل مذاکره شود، تا ۴۹ روز دیگر خاتمه بدهد و مطمئن باشید مملکت آمریکا پر است از اشخاص عالی مخصوصاً در امور مالی و پیشنهاد را با توافق نظر آقای رئیس‌الوزراء و

آقای وزیر مالیه تهیه کرده‌ام. آقای رئیس‌الوزراء این دو پیشنهاد را قبول می‌کنم.

(عده‌ای اظهار داشتند شما قبول بکنید مخالفیم - حاج آقا رضا رفیع: ما باید رأی بدهیم).

آقای مدرس در زمینه پیشنهاد خود اظهار داشت همانطور که آقای شیروانی فرمودند در پیشنهاد نباید زیاد حرف زد، ولی پیشنهادات گاهی طوری است که باید در آن صحبت بشود. در این جا یک مسئله را می‌خواهم عرض کنم، شخص گوینده در ضمن پروگرام مثبت دولت و در ضمن صحبت نسبت به رئیس کل مالیه گفت با آقا صحبت کردم، حال کار به تصدیق یا عدم تصدیق مطالب خود ندارم و محل اطلاع ابتلای شخصی هم در ظرف این سه چهار پنج سال نداشتم، و هیچ وقت هم از ایشان توقعی نداشته‌ام، چرا یک توقع کردم آن را هم نشنیدند، چندی قبل در موقعی که می‌خواست آمریکا برود فرستاد پیش من یک عکس از من است. گفتم بهتر این است یک چیز قیمتی که قیمت داشته باشد بخرید از مملکت ما سوغات ببرید. نه عکس که پول ما را ببرید. اصولاً یک نکته‌ای را عرض کنم. مستخدم هر قدر خوب باشد وقتی که دولت صلاح ندید باید مستخدم برود و جناب ایشان هم خیلی آدم خوبی بودند.

برای تمرکز عایدات و نظارت در مخارج مملکتی که فوق‌العاده جدیت داشتند، ولی در کارهای دیگرشان اطلاع ندارم، اما معذلک به نظر بنده خدمات شایان کرده است (صحیح است) و باید از او اظهار تشکر کنیم (صحیح است). حالا می‌خواهند مستخدم دیگری بیاورند، امید است آن هم بتواند خدمات شایانی بنماید، ولی هر کس را بیاورید بعد از پنج سال دیگر تخصص این شخص را پیدا نخواهد کرد. من از خدمات ایشان متشکرم، ولی حالا که می‌خواهیم یک متخصص دیگری بیاوریم برای این ۵۰ روز نباید ما خودمان را طوری معرفی کنیم که بگوئیم در مملکت ایران کسی نیست که این صد دینار را که داریم به دستش بسپاریم. این برای ما خوب نیست. بنده با پیشنهاد آقای تقی‌زاده موافقم، ولی این پیشنهاد را هم خوب می‌دانم و عرض می‌کنم برای اینکه نگویند ما هیچ کس را خودمان نداشتیم. حاج مخبرالسلطنه برای اینکار خیلی خوب هستند، زیرا یک وقت به ایشان می‌گفتم شما چرا پول ندارید. گفتند صحبت پول ندارد. گفتم شاید مثل من [بی]عرضه باشید آنهم که نیست و به جدیت و پشت‌کار معروف هستند. پس وقتی که صحیح و درست‌اند چه ضرر دارد، این ۵۰ روز به شما واگذار می‌کنیم - من که از امور مالی سر رشته ندارم که دکتر میلسپو

آمد متخصص بود یا خیر، ولی وقتی آمد دیدم الحق آدم وزین و اهل کار است و حالا هم تردیدی ندارم که شخص متخصصی است. این اقدامات ایشان برای این بود که این قانون اختیارات با توافق نظر کامل مجلس و دولت به ایشان داده شده بود و دکتر میلسپو سر این قانونی که با موافقت نظر مجلس و دولت تهیه شده بود آمد. آقای شیروانی فرمودند کمیون بودجه رسیدگی می‌کرد کمیون هم بود، ولی کمیون مهمی بود که از خارج هم اشخاص دعوت شده بود و با مطالعات کامل بود. حالا این اختیارات را بدهیم به شخص آقای رئیس‌الوزرا و خودمان را اینطور معرفی نکنیم که یک ساعت مالیه مملکت را نتوانیم نگاه داریم و نگویند برای پنجاه روز یک نفر را در ایران پیدا نکردند که در رأس مالیه بگذارند، آن وقت در ضمن این ۵۰ روز فکر بکنیم مطالعه نمائیم، با توافق نظر تمام وکلا، اگر یک نفری را که پسندیدیم یا از آمریکا یا از سایر نقاط با سر صبر استخدام کنیم و بنده عقیده دارم آقای حاج مخبرالسلطنه آن پیشنهاد را که قبول کردند، این پیشنهاد را هم قبول کنند (صحیح است).

رئیس‌الوزراء - بنده تشکر داشتم به حاج رئیس‌الوزرائی، حالا معلوم می‌شود که باید حاج رئیس‌المالیه هم باشم (خنده)

این مجبورند استعفا بدهند. بنده در یک قسمت که امضای ایشان باشد می‌توانم موافقت نمایم. تصور نمی‌کنم پیشنهاد آقای مدرس را بشود قبول کرد.

دکتر رفیع‌خان امین در پیشنهاد خود توضیح داد: در این موقع که دکتر میلیسپو به خدمات خود خاتمه می‌دهد، بنده لازم نمی‌دانم حملات جزئی و کلی بشود، بلکه لازم می‌دانم از خدمات ایشان اظهار تشکر بشود. ایشان در ظرف این مدت ۵ سال اخیر از جمله عوامل مهمه برای پیشرفت امور ایران بوده‌اند و خدمات ایشان را تاریخ ضبط و ثبت خواهد کرد. در این موقع که می‌روند، بنده عقیده دارم یک نفر ایرانی به جای ایشان انتخاب شود.

تقی‌زاده در زمینه پیشنهاد خود برای تشکیل کمسیون اظهار داشت این مذاکرات به عقیده بنده قدری زود به کفایتش رأی داده شد. این مطلب چون مهم است، باید گفته شود و باعث می‌شود که در پیشنهادات زیاد صحبت شود - بنده تکلیف خودم را می‌دانم که عریاض خود را بکنم، اعم از اینکه اکثریت مجلس موافقت بکند یا نکند. این مطالب از مطالبی است که خطاب به ملت و مملکت عرض می‌کنم، و این صحبت خطاب به مملکت و از نظر تاریخ است، نه خطاب به اشخاصی که اینجا حضور دارند - بنده در این جا در جلسات قبل گفتم دو سه

حضرار). بنده می‌ترسم آقای مدرس از اظهار لطفی که نسبت به بنده دارند، مقصودشان این است که از ریاست وزرائی استعفا کنم و ریاست مالیه را قبول کنم، والا جمع این دو کار خودشان هم می‌دانند که امکان‌پذیر نیست (مدرس - چرا ممکن نیست)، زیرا ریاست مالیه اولاً متخصص می‌خواهد که من تخصص ندارم، یک عادل می‌خواهد که من ندارم، یک فرصتی هم می‌خواهد که من ندارم، با این سه شرط معدود چطور می‌توانم قبول کنم و اگر مقصود نظارت در کلیه امور مالی است که دولت در تمام چیزها نظارت دارد. پس بهتر این است آقایان موافقت کنند کسانی را که کارکرده هستند انتخاب نمایند و این امر هم دلالت نمی‌کند که در ایران آدم نیست. در ایران صد نفر هزار نفر اشخاص آزموده هست که بتوانند بکنند، ولی البته یک نظری هست که خواسته‌ایم معلومات خارجی را هم ضمیمه نمایم. الان در خود مالیه هم اشخاصی هستند که بتوانند پیش ببرند، ولی نظریاتی هست که قوای خارجی را هم باید در کار آورده باشیم و امیدوارم آقای مدرس مرا معاف بفرمایند از این کار و یک نفر دیگر را معین نمایند (وکلاء - خیر).

روحی - آقای رئیس‌الوزراء گذشته از این که رئیس‌الوزراء هستند، کفالت وزارت فواید عامه را هم عهده‌دار می‌باشند. بنابراین

روز دیگر سرنوشت مالیه مملکت مداومت یا عدم مداومت آن باید معلوم شود. در این سه ماه اخیر معلوم شد این بازیها در پس پرده می‌گذشته است، زیرا مجلس را هیچ اشتراکی ندادند و بهیچوجه ما اطلاعی نداشتیم، جز اینکه در جراید می‌خواندیم و تمام قضایا در پرده بود و ابداً با کمسیون هم یا نمایندگان مشورت نکردند، البته مجلس‌ها مانع نبود، مایل بود دست دولت را باز گذارد، ولی از صمیم قلب همه آرزومند بودیم که سر این دو ریسمان به هم وصل و سرنوشت مالیه مملکت خراب نشود (صحیح است) - حاج آقا رضا رفیع کجا صحیح است). البته به عقیده بعضی صحیح است و بعضی صحیح نیست. هر کس در عقیده آزاد است (صحیح است) و بنده تصور می‌کنم دولت و متصدیان امور که دخالت داشتند، آن طور که لازم است حسن نیت بخرج نداده‌اند. هر چند رئیس‌الوزراء را دارای حسن نیت دیدم و از بیانات ایشان ظاهر بود، ولی اگر این اظهاری که اینجا کردند برحسب تکلیف نباشد، چون بنده اطلاع دارم و ایشان هم اطلاع دارند که ممکن بود به خوبی حل شود و چیزی که باعث شد همان طریقه است که از روز اول آن را دنبال کردند - مطلب البته مباحثه و مطالعه لازم داشت و باید قضیه را طوری گرفت که پله پله بهم نزدیک شوند، نه غیر از

این طور دیگری باشد - باید این مملکت و نمایندگان ملت بدانند که آیا تمام نظریات خیرخواهانه که لازم بوده بعمل آمده است یا خیر؟ - این مطلب بر بنده مشکوک و کاملاً هم مشکوک است - این جا آقای رئیس‌الوزراء فرمودند که گفته است اینها را رویهمرفته قبول ندارم، ولی بنده هر چه دقت کردم چنین چیزی ندیدم و مخصوصاً به نسخه انگلیسی مراسله دکتر میلسپو مراجعه و دیدم که این طور نبوده است. البته دولت هم نمی‌خواهد که در تمام جزئیات ایستادگی کند. مسئله‌ای که مابه‌الاختلاف بود و گفته شد مسئله حکمیت بود. البته در این پنج سال حکمیت بطور مطلق بود، ولی حالا غیر از این شد، یعنی هر کس را دولت می‌خواست که باید حکم باشد و ایرانی باشد، دکتر هم قبول کرد و در این قسمت حکمیت به عقیده بنده چیزی باقی نمانده است که موجب نگرانی و لاینحل باشد، ولی اشخاصی که متصدی بودند پیچیدگی کردند و بالاخره در خارج این طور وانمود کردند که نمی‌خواستند دکتر میلسپو مجدداً بیاید. در صورتی که راه حل خیلی داشت - گفته شد آخرین پیشنهاد این بود که اگر در هیئت وزراء راه حل نشد، کمسیون که سه نفر معین شود و مطالعه نمایند، انتخاب و بالاخره رأی مجلس هم قاطع باشد. این پیشنهاد را هم دکتر میلسپو قبول کرد، ولی

همین طور مملکت را می‌خواستند به خارجی‌ها بسپارند و حالا برای مالیه می‌گویند چرا به خارجی باید داده شود.

میلسپو و شوستر را مجلس استخدام و کتترات کرد، ولی هیچکدام را مجلس بیرون نکرد. این مأمورین بیغرضی بودند که مانند یک نفر وطن‌پرست داخلی مملکت ما کار می‌کردند (صحیح است). فقط پاسپورت اینها خارجی بود و آمدند برای مملکت ما کار کردند و حالا در تحت و امر و تأثیر می‌روند.

حاج آقا رضا رفیع - آقا کنفرانس می‌دهید (ماده ۶۳ را منظور بدارید).

رئیس - دیگران هم همینطور صحبت کردند. یکی از وکلاء نباید تبعیض کرد. اگر بخواهید بنده به آسانی می‌گویم، ولی در مقابل تاریخ باید عرایض خود را بنمایم. (عده‌ای از وکلاء بفرمائید) بالاخره در تحت اوامر و تأثیر مختلفی این‌ها از مملکت رفتند، در صورتی که از اهل اولین مملکتی بودند که در روزهای سخت به مردم ما کمک می‌کردند. اولین دولت بود که برای قرارداد منحوس پروتست کرد، و بنده معتقدم حالا هم می‌شود با دکتر میلسپو کنار آمد. اگر اندک حسن نیتی باشد عرض کردم این حسن نیت را در شخص ایشان سراغ دارم، ولی مثل حسن نیت اکثریت مجلس اثر نمی‌بینم و برای آخرین دفعه می‌گویم

دولت قبول نکرد و آقای رئیس‌الوزراء راجع به امور سیاسی فرمودند ایشان هم حاضر بودند. (عده‌ای از وکلاء، گذشته گذشت). بله پیشنهاد بنده هم این نیست که گذشته گذشت و باید فکر آینده کرد. پیشنهاد بنده اینست که دولت می‌گوید راه حلی نبود و بنده می‌گویم اینطور نیست. بنده پیشنهاد کردم که کمیسیونی تشکیل شود تا برای ما شک و تردید باقی نماند که مسامحه شده و بالاخره این مسئله برای تاریخ و مملکت مجهول نماند - دکتر میلسپو برای این مملکت خوب کار کرده است و مملکت از او قدردانی دارد. او برای ثبات مالیه و مزید اعتبار اوضاع مملکت کمک بزرگی کرده و من امیدوارم ملت بزرگ آمریکا تصور نکنند که حق‌نشناس بودیم. بنده از اشخاصی بودم که برای مداخله اشخاص خارجی در کارها مخالف بودم، ولی جای تعجب است برای من که بعضی اوقات خیال می‌کردم یک شخصی وقتی که فقط پاسپورتش خارجی است و نوکری ما را کاملاً و از روی علاقه قبول می‌کند و هیچ دولتی هم از او طرفداری نکرده و صدایش در نمی‌آید، و اگر او را خارج کنیم هیچ نوئی هم داده نمی‌شود و چنین شخصی که فقط پاسپورت خارجی دارد ما او را خارجی دانسته و راضی نیستیم امور مالیه خود را به او بسپاریم، و بالعکس تعجب می‌کنم بعضی اشخاص بودند که

کنیم، بعد در پشت همین کرسی حرف‌هائی زده می‌شود که مثل این است یک کسی از آسمان افتاده و اگر برود مملکت بهم می‌خورد (تقی‌زاده - خیر مملکت بهم نمی‌خورد، ولی کار شما به هم می‌خورد) (وزیر مالیه - ابداً به هم نمی‌خورد) (رئیس‌الوزراء - بنده ضمانت می‌کنم که هیچ بهم نخورد) (وزیر مالیه - برای چه بهم بخورد).

دشتی - آقای تقی‌زاده از وقتی که وارد ایران شدند طرفدار دکتر میلپو بودند و شاید بیش از اینها بنده طرفدار بودم، زیرا از ابتدا بنده از کارهای ایشان اطلاع پیدا کردم که از روی جدیت و درستی کار می‌کند و تا آخرین دقیقه هم می‌گویم که ایشان خدمت کرده - بهیچوجه خیانت نکرده‌اند، ولی فعلاً موضوع این نیست که دکتر میلپو خوب بوده است یا بد؟ موضوع این است که دکتر میلپو نمی‌خواهد کتراتش تجدید شود. عمده نظر این مسئله است (بعضی - اینطور نیست) آقای تقی‌زاده فرمودند دولت مجلس را مداخله در این کار نداده است. کی سابقه داشته؟ مجلس باید تشخیص بدهد یک امری را بعد از مجلس نظریه بخواهد، ولی نمی‌شود دولت را استیضاح کرد که چرا فلان مأمور را نیاوردید. این امر برخلاف اصول پارلمانی است که چرا مجلس مداخله نکرده است، اما بنده به مناسبت

این قضیه اگر در تاریکی و در پرده بوده، حالا باید در روز روشن حل شود، باید کمسیون تشکیلی گردد و اگر واقعاً دیده شد اشکالاتی که پیش می‌کشند قابل قبول و قابل حل نیست، آن وقت اقدامی بنمایند. آقای رئیس‌الوزراء فرمودند بنده شخصاً حاضر بودم خیلی چیزهای اساسی را تصفیه نمایم. بنده عرض می‌کنم اینطور نیست. اگر حسن نیت بود هر قدر تأثیر و نفوذی هم اعمال می‌شد نتیجه نداشت و بطور کلی بایستی حسن نیت در کار باشد تا ثمره مطلوب گرفته شود. این بود عرایض بنده که عرض کردم. حالا آقایان اگر می‌خواهند امتحان بکنند که می‌شود یا خیر؟ موافقت فرمایند که کمسیون تشکیلی شود و به عقیده بنده همانطور که آقای مدرس فرمودند، بعد از ۵ سال دیگر هم یک متخصصی مثل دکتر میلپو پیدا نخواهد کرد.

رئیس‌الوزراء - بنده خیلی مفصل نمی‌گویم. عرض می‌کنم آن ابهامی که فرمودند در عرایض بنده راجع به مراسله بوده نبود. البته در آخر کلام اعاده نکردم، ولی آن تیکه‌ها را گفتم که اختلاف روی چیست. تمام روی حکمیت بود و دولت باید زیر بار این چیزها نرود و بنده تأسفی که دارم این است که پشت همین کرسی نیم ساعت قبل یک حرفی زده می‌شود که ما خودمان چیزی هستیم و باید خودمان اداره

وظیفه روزنامه‌نگاری که دارم اطلاع دارم که دو ماه است این جریانات بوده و همین طور که رئیس الوزراء فرمودند، مذاکرات در جریان بوده و مسائلی هم بوده است که دولت به آن پر خورده و آمده است می‌گوید آن اختیارات زیاد است. دکتر میلسپو را اگر به نظر خودش واگذار می‌کردند و این کاسه‌های از آش گرم‌تر که دور او را گرفته بودند، می‌گذاشتند موافقت نظر حاصل می‌شد، نه تنها این کابینه بلکه کابینه آقای مستوفی هم معتقد به تجدید کترات بود، ولی با تغییر یکی از مسائل مخصوصاً قسمت حکمیت - هیئت دولتی که طرف اعتماد اکثریت مجلس است. چرا باید بگویند من قبول ندارم و سه نفر از خارج بیایند. بنده نمی‌دانم این را چه می‌شود معنی کرد. بالاخره باید ما حیثیت خود را حفظ کنیم. اگر یک وقت سوء جریانی پیدا شده، مربوط به این کار نیست که در اینجا بگوئیم. البته خدمات دکتر میلسپو را بنده هم عقیده دارم، ولی محاسنی داشته، مضاری هم داشته است. البته نظارت در خرجش خیلی خوب بود. تمرکز دادن عایداتش خوب بود و یکساهی بدون تصویب مجلس خرج نمی‌کرد، ولی احیاناً گاهی خرج می‌کرد، مثل اینکه به اداره ارزاق می‌داد. از جمله چیزهایی که متوجه میسیون آمریکائی است این است که خیال

می‌کنند وزارت مالیه تجارتخانه است که باید عایداتش را زیاد کرد. این بود که در این کار مسابقه می‌گذاشتند، دیگر نمی‌دانند پول از مردم گرفتن هنر نیست. کدام شما رضایت می‌دهید که این طور مالیات بگیرند. علاوه بر این اختلاساتی که می‌شد جلوگیری نمی‌کردند، ۱۶۰ هزار تومان که از صندوق مالیه اصفهان اختلاس شد، کی رسیدگی و استرداد گردید. رؤسای ارزاق را می‌دانید چطور مردم را لخت می‌کردند. بنده خودم چندین دفعه تقاضای اعزام مفتشین مخفی برای مأمورین ارزاق کردم، حالا نمی‌گویم که دکتر میلسپو رفت، باید مالیه را دور انداخت. البته باید یک نفر متخصص عالی‌تر استخدام کرد. خیال می‌کنید در تمام آمریکا یک نفر متخصص‌تر از دکتر میلسپو نیست؟ یک مستشار آمریکائی به آلمان آمد و آنجا نقشه کشید که آلمان را از مخاطراتی نجات داد - دکتر میلسپو غیر از نظارت در دخل و خرج چه نقشه خوبی برای ما کشیده است. وزارت مالیه ۹ کرویر بودجه دارد - بنده قول می‌دهم که مقدرات مملکت به هیچوجه مربوط به این قضیه نیست. بخصوص اینکه بفرستند و یک نفر متخصص عالی‌مقام‌تر بیاورند و ممکن است خیلی بهتر از دکتر میلسپو کار بکند. فرمودند شوستر و دکتر میلسپو را تاریخ فراموش نمی‌کند. از کجا که یک نفر بهتر از

کارهای ایشان خرید گندم از استرالیا بود. یک مسئله دیگری که فرمودند و اشتباه است این است که خیال می‌کنند و فرمودند اگر دکتر میلسپو رفت مناسبات دولت با آمریکا به هم می‌خورد (تقی‌زاده - بنده نگفتم به هم می‌خورد). در صورتی که هیئت دولت و ما تمام بذل مساعی نموده‌ایم که کنترات ایشان تجدید بشود و نشده است.

اظهار شد تنفس داده شود - نیم ساعت به ظهر تنفس داده شد.

هر دوی اینها کار نکنند، مگر متخصص منحصر به دکتر میلسپو است، این چه اصراری است که بگوئیم حتماً باید دکتر میلسپو باشد. ایشان گاهی خبط‌هایی هم می‌کردند که ما را دچار سیاست می‌نمودند. مثلاً در قسمت شیلات لایحه‌ای را دولت آورد و دکتر میلسپو آمد و جداً ممانعت کرد و در نتیجه دو سال است وضعیت تجارت شمال ما را به این شکل انداخته است - در این جا شنیدم که بنزین را از این جا به بندر پهلوی می‌فرستادند، برای اینکه بنزین و نفت جنوب مصرف شود، یکی دیگر از

از صورت جلسه پنجم به پنجم مرداد ۱۳۰۶ مجلس شورای ملی در باره لایحه برقراری مکاسکی به جای میلسپو

تقی‌زاده اظهار داشت لابد آقایان توجه فرموده‌اند که پیشنهاد بنده مانع الجمع با هیچ یک از پیشنهادات نیست. نه مانع پیشنهادات آقایان است و نه مانع پیشنهاد دولت است. پیشنهاد جداگانه‌ای است برای تشکیل کمیسیون. بنابر این تقاضا می‌کنم به آن پیشنهاد هم رأی گرفته شود.

رئیس - در هر حال تمام پیشنهادات خوانده می‌شود.

رئیس‌الوزراء - پرپروز عرض کردم و حالا هم عرض می‌کنم راجع به پیشنهاد آقای تقی‌زاده متأسفانه دولت بهیچوجه نمی‌تواند بپذیرد.

رئیس - لایحه دولت راجع به تعیین کفیل ریاست مالیه مطرح است. بعضی پیشنهادات دیگری هم که رسیده است قرائت می‌شود.

دادگر - اظهار داشت این پیشنهادات مختلفی که شده از این نقطه نظر است که عقاید مختلفی آقایان نمایندگان نسبت به این موضوع داشتند، ولی با مذاکراتی که در خارج شده و توافق نظری که ایجاد گردیده تصور می‌کنم اگر آن پیشنهادی را که بنده و جمعی راجع به تصدی آقای رئیس‌الوزراء تقدیم داشته‌ایم مطرح شود. آقایان موافقت نمایند (صحیح است).

این مدت وسایل استخدام متخصص عالی مقامی را برای امور مالیه حاضر و به مجلس پیشنهاد نماید».

فیروزآبادی پیشنهاد ذیل را تقدیم داشت.

«اختیارات مندرجه در ماده واحده پیشنهادی دولت به مدت ۵ سال به آقای مصدق السلطنه داده شود».

بامداد پیشنهاد ذیل را تقدیم نمود.

«به جای آوردن مستشار موقت یا دائم برای مدیریت کل مالیه، چند نفر اشخاص صحیح العمل ایرانی را دولت به مجلس پیشنهاد نماید تا یک نفر از میانه آنها انتخاب شود و در همین حال دیوان محاسبات را بر طبق قانون تهیه نماید»

آقا سید یعقوب پیشنهاد ذیل را تقدیم داشت.

«تبصره - دولت مکلف است پس از انقضای مدت پیشنهادی در ماده واحده یک نفر متخصص مالی از غیر دول همجوار استخدام نموده و مواد آن را پیشنهاد به مجلس نماید».

پیشنهاد ذیل از طرف شریعت‌زاده تقدیم گردید.

«در آخر ماده واحده عبارت ذیل اضافه شود (ولی در صورت حدوث اختلاف نظر بین کفیل ریاست کل مالیه و هر یک از وزراء در امور مالی و پرسنلی) حکمیت

رئیس - پیشنهادات قرائت می‌شود، آن وقت هر یک از آقایان نظرشان تأمین بود مسترد می‌دارند، والا رأی گرفته می‌شود.

پیشنهاد ذیل از طرف دادگر و جمعی دیگر تقدیم گردید.

ماده پیشنهادی دولت به طریق ذیل باشد:

«مجلس شورای ملی اختیارات مصرحه در قانون ۴ اسد ۱۳۰۱ را راجع به اختیارات رئیس کل مالیه از تاریخ تصویب این قانون تا ۶ مهر ۱۳۰۶ به آقای حاج مهدیقلی خان هدایت رئیس الوزراء واگذار می‌کند».

پیشنهاد ذیل نیز از طرف جمعی دیگر تقدیم شد. به ماده پیشنهادی راجع به اختیارات آقای حاج مهدیقلی خان هدایت و کفالت مالیه تبصره ذیل علاوه شود:

«تبصره - دولت مکلف است قبل از انقضای مدت فوق لایحه استخدام متخصصین مالیه را به مجلس پیشنهاد نماید».

عده دیگری پیشنهاد ذیل را تقدیم کرده بودند.

«ماده واحده - مجلس شورای ملی از این تاریخ تا دو ماه اختیارات مندرجه در ۴ اسد ۱۳۰۱ راجع به رئیس کل مالیه را به آقای حاج مهدیقلی خان هدایت رئیس الوزراء فعلی واگذار می‌نماید.

«تبصره - دولت مکلف است در ظرف

هیئت وزراء قاطع اختلاف است».

دکتر مصدق پیشنهاد ذیل را تقدیم داشت.

«دولت ۹ نفر به مجلس پیشنهاد نماید و مجلس از بین آنها ۳ نفر استخدام نموده که در امور مالی نظارت نموده و کلیه حوالجات مالی را قبل از امضای وزیر تصدیق نماید».

امیر اسدالله خان عامری پیشنهاد ذیل را تقدیم نمود.

«در مدت ۴۹ روز اختیارات مالی در تحت نظر یک کمسیون ایرانی که عبارت از ۵ نفر سه نفر از اعضاء صالح مالی و دو نفر از اشخاص معروف به امانت و صلاحیت واگذار شود و در ظرف این مدت دولت جداً عمل نموده و یک نفر را برای ریاست کل مالی و دو نفر را برای ریاست محاسبات و خزانه داری کل استخدام و کتترات نماید».

پیشنهاد تقی زاده برای اخذ رأی مجدداً قرائت شد:

«کمسیونی از مجلس انتخاب شده با نمایندگان دولت ما در زمینه پیشنهادات اخیر دکتر میلسپو با او داخل مذاکره شده و سعی کنند راه حلی برای مداومت خدمت او پیدا کنند».

رئیس - مذاکرات در این پیشنهاد شده باید رأی گرفته شود.

روحی - استدعا می کنم با ورقه رأی

گرفته شود و پیشنهادی هم تقدیم داشتند.

پیشنهاد قرائت شد مبنی بر اینکه در تمام پیشنهادات و لایحه با ورقه رأی گرفته شود (عده ای اظهار داشتند این کار طولانی خواهد بود) امضا کنندگان پیشنهاد خود را مسترد داشتند.

به پیشنهاد تقی زاده رأی گرفته تصویب نشد.

فیروزآبادی پیشنهاد جلسه قبل خود را پس گرفت.

دکتر رفیع خان امین اظهار داشت چون مقصود بنده این بود که یک نفر ایرانی باشد و این نظریه تأمین گردیده مسترد می دارم.

رئیس - آقای دکتر مصدق در پیشنهاد خودتان توضیحی می دهید؟

دکتر مصدق بله توضیح دارم.

دکتر مصدق - بنده این پیشنهاد را پرریوز تقدیم و استرداد نکردم، توضیح هم می دهم - اگر خاطر آقایان باشد موقعی که قانون ۲۳ جوزا نقض شد و اختیاراتی را به بلژیکی ها داده بودند از بین رفت. مجلس سوم رأی داد به اینکه کمسیونی انتخاب شود که حوالجات صادره را تصدیق نمایند، یعنی بعد از آنکه حوالجات از طرف وزیر صادر و امضاء می شود، آن کمسیون نظارت نموده و تصدیق نماید که آیا مطابق مصوبات مجلس شورای ملی هست یا خیر؟

مصوبه پارلمانی بنمایند و ممکن است آن صورت حوالجات را هم هر هفته برای اطلاع مجلس چاپ کرده بدهند که همه از آن مطلع باشند و این پیشنهاد بنده هیچ منافاتی با نظریات دولت هم ندارد. یک چیز دیگر بود می‌خواستم عرض کنم و آن این است که نمی‌دانم چطور پریروز آقای رئیس‌الوزراء در قسمت عهده‌داری ریاست مالیه استنکاف کرده مخالف بود، ولی حالا موافق و قبول می‌کند - در هر حال نظرم همان نظر دولت است که قبل از ماده واحده داشت و معتقد به ادامه آن اختیارات نبود.

وزیر مالیه - آقای دکتر مصدق فرمودند نظریات سابق و لاحق دولت فرق کرد. تذکراً عرض می‌کنم که دولت نخواسته است قبل از اینکه قانونی از مجلس شورای ملی بگذرد وضعیت را عوض کند. برای اینکه تنها قانون اسد ۱۳۰۱ حاکم بر امور این مملکت نیست. یک قوانین دیگری هم بعدها گذشته که عطف به آن قانون شده، مثل قانون خزانه‌داری و غیره که دولت نخواسته است قبل از اینکه مجلس شورای ملی قانون را تصویب کند، آن قانون را عوض و وضعیت را تغییر دهد، زیرا اگر این قانون تغییر بکند تمام آنها هم باید تغییر کند و به همین جهت است که دولت لازم دانسته است این چند مدت کم را ادامه بدهد، تا تمام قوانین که ارتباط با آن دارد از بین برود

در این موقع که دولت تصدیق کرده است که اختیارات سابق زیاد است و برای این که مداومت به آن اختیارات مخالف با تمام آن نظریاتی است که دولت قبل از ماده واحده داشت و تمام حرف دولت این بود که اختیارات زیاد است. البته با این تصدیق ادامه آن خوب نبود و معلوم نیست چطور باز دولت حاضر به ادامه آن شده بود. اساساً در وزارت دو چیز اساسی است، یکی مسئله تشکیلات اداری و یکی هم مسئله حوالجات. اگر بگوئیم وزراء اختیار در تشکیلات اداری ندارند، باید قائل شویم که هیچیک از وزراء در وزارتخانه‌های خود نمی‌توانند تشکیلاتی بدهند و این امر غیرطبیعی است. پس در قسمت تشکیلات هیچ جای نگرانی نیست. فقط نگرانی که در خارج است و گفته می‌شود که ممکن است حیف و میل شود، ولی بنده که سابقه اداری دارم، بعید می‌دانم در همین موضوع حوالجات است.

حالا برای اینکه هیچ جای نگرانی باقی نماند و همه مطمئن باشند که حوالجات مطابق مصوبات مجلس پرداخته می‌شود، بنده پیشنهاد کرده‌ام که دولت ۹ نفر را از اشخاص صحیح وزارت مالیه و خارج انتخاب نموده و آنها بروند در صدور حوالجات صادره از طرف وزیر مالیه نظارت داشته باشند و تطبیق با اعتبارات

و دولت همان عقیده را که سابق داشته خواهد داشت. اما راجع به آقای رئیس‌الوزراء که فرمودند البته آقایان مستحضرنند که آقای رئیس‌الوزراء در عین اینکه کارشان خیلی زیاد می‌شد، ولی برای اینکه با نظر آقایان موافقت نمایند نخواستند مخالفتی کرده باشند و این مدت موقتی را قبول کردند که رفع مشکلات بشود، پس در فکر دولت سابقاً و لاحقاً تناقض نیست. به عقیده بنده در آن موقعی که دولت لایحه جدید استخدام مستشار را خواهد آورد، آقایان می‌توانند نظریات خود را اظهار و ضمیمه نمایند. به این جهت تصور می‌کنم اگر پیشنهاد خودشان را مسترد دارند بهتر است.

یاسائی - آقای دکتر مصدق فرمودند در یک تاریخی که قانون ۲۳ جوزا را از بین بردند، کمسیون حوالجات را تشکیل دادند. برای رفع یک نگرانی‌ها که حوالجات بر طبق قوانین مصوبه پرداخته شود. بنده که خاطرم نیست، ولی از قراری که شنیدم از آن کمسیون اینقدرها نتیجه مطلوبه حاصل نشد و حالا هم حاصل نخواهد شد. اینک فرمودند اختیاراتی که حالا داده می‌شود مخالف نظریات دولت است که آن اختیارات را زیاد و مضر می‌دانسته، تصور می‌کنم یک نکته را یا فراموش کرده‌اند یا تجاهل از اظهار آن کرده‌اند. در جلسه اسبق

عرض کردم اگر میلسپو اختیاراتی نداشت مطابق ماده ۶ کتترات نامه تمام کارهایش باید با نظر وزیر مالیه باشد، فقط همان موضوع حکمیت بود که این مشکلات را تولید کرده بود و دولت برای احتراز از آن حکمیت کذائی و برای اینکه اختلاف نظرهای حاصله دنبال نشود که به حکمیت مراجعه گردد، مجبور بود سکوت اختیار نماید. اگر به دفتر کابینه ریاست وزراء مراجعه کنید یادداشت‌های زیادی خواهید دید که تمام یادداشت‌های اعتراض آمیزی است که از طرف دکتر میلسپو به ریاست وزرای وقت ارسال شده و از همین نظر به سکوت گذرانده، یا با نظر ایشان موافقت کرده‌اند و این اختیارات در قانون نبود. عملاً گرفته بود و این اشاره‌ای را که راجع به تشکیلات و حوالجات فرمودند، بالاخره تشکیلات باید با نظر رئیس کل مالیه هم باشد - ما سابق قرار داده بودیم که دادن تشکیلات بین‌الاثنین باشد که رئیس مالیه پیشنهاد بکند و وزیر مالیه هم تصویب نماید، حالا هم عقیده دارم همان طور بین الاثنین باشد. وزیر مالیه پیشنهاد نماید رئیس‌الوزراء هم که کفالت ریاست مالیه را دارا می‌شوند تصویب می‌نماید و صحیح نیست که یک مرتبه رویه را تغییر بدهیم. بهتر این است که این رویه را نگاه داریم تا این مدت هم بگذرد.

رسمی بیاید پشت تریبون و بگوید که اگر دکتر میلسپو برود اوضاع مملکت بهم می‌خورد، یا آسمان به زمین می‌آید - بنده معتقدم این وضعیاتی که برای ما پیدا شده، در اثر اهتمام و مساعی شخص اعلیحضرت پهلوی است و باید بدانند که وضعیت امروزی غیر از دیروزی و دوره‌ی امروز غیر از دوره‌ی احمدی است و یک مرتبه‌ی دیگر هم این حرف را همین جا گفته‌ام - آن کسی که حافظ امنیت و آسایش و سیاست خارجی ما است، حافظ تمام چیزها می‌باشد و هیچ جای نگرانی نیست.

به پیشنهاد آقای دکتر مصدق رأی گرفته، تصویب نشد.

فیروزآبادی در زمینه‌ی پیشنهاد خود راجع به واگذاری امور مالی به آقای دکتر مصدق اظهار داشت، چون با ایشان مذاکره کردم و حاضر نشدند مسترد می‌دارم.

امیر اسدالله‌خان عامری در زمینه‌ی پیشنهاد خود اظهار داشت: بنده تصور می‌کردم که آن پیشنهاد را داده بودم، ولی خوشبختانه شنیدم که قبول کرده‌اند، به این جهت پیشنهاد خود را استرداد می‌کنم.

شریعت‌زاده برای توضیح در پیشنهاد خود حضور نداشت.

بامداد اظهار داشت نظر بنده هم تأمین شده و مسترد می‌دارم.

آقا سید یعقوب در زمینه‌ی پیشنهاد خود

راجع به پیشنهاد حضرتعالی تصور نمی‌کنم عملی باشد، زیرا نظریات مختلفی در انتخاب اشخاص پیدا خواهد شد و هر کس دارای نظر مخصوصی است و جار و جنجالی تولید خواهد کرد. اینکه آقای فیروزآبادی پیشنهاد نمودند که به حضرت عالی واگذار شود، بنده مخالفم و یقین دارم خودتان هم قبول نخواهید کرد. در هر صورت این پیشنهاد عملی نیست - اینکه می‌فرمایند که حواله‌جات مطابق مصوبات مجلس تصدیق شود و کمسیون‌ی برای نظارت این مسئله تشکیل شود تصور نمی‌کنم هیچ ضرورت داشته باشد، زیرا اعتماد به دولت داریم. ما تمام سیاست‌های خارجی و داخلی را به دولت واگذار می‌کنیم. سیاست مالی را هم به ایشان واگذار و هیچ نگرانی ندارد.

یک موضوع دیگر که اشاره فرمودید که این پولها حیف و میل می‌شود، لازم است عرض کنم وضعیت کنونی غیر از وضعیت شش هفت سال قبل است. از اول همه می‌گفتند این عایدات قند و چای حیف و میل می‌شود، ولی حالا می‌بینید هیچ نشده و تا لکوموتیف (لکوموتیو) اولی هم وارد طهران نشود، اهالی طهران باور ندارند که این پول خواهد ماند یا خیر؟ واقعاً چیز عجیبی است. از پاره‌ای صحبت‌ها که اینجا می‌شود من راضی نمی‌شوم یک نفر نماینده

اظهار داشت: بنده این پیشنهاد را بیشتر برای این تقدیم کردم که راجع به حمله‌ای که به من شده بود عرض کنم - آقایان بنده وقتی ورقه اعتماد به یک دولتی دادم و سیاست خارجی و داخلی مملکت را به دست آن دولت دادم و معتقد به او شدم، البته نظریات او را هم کاملاً مقدس می‌شمارم. دولتی که من به آن اعتماد دادم، هر لایحه کوچکی هم که بیاورد من نمی‌توانم مخالفت با اساس نظریات آن بنمایم. هیئت دولت لایحه را آوردند و بنده هم روی این اصل موافقت کرده، آن وقت آقای ارباب کیخسرو می‌فرمایند بنده طرفدار دکتر میلسپو بودم و از او تمجید می‌کردم و حالا مخالفت می‌نمایم. بنده بدون اینکه دارای ملک بودم حمله می‌کردم، ولی وقتی که دولت هدایت می‌آید و می‌گوید که من که طرف اعتماد هستم صلاح نمی‌دانم با این ترتیبات او در رأس امور مالیه باشد، نباید مخالفت کرد. بنده این جور نیستم که تغییر عقیده بدهم، تمام صورت مجلس‌ها هست که جریان کار بنده چه بوده است؟ به بنده چرا حمله می‌کنید، یا ما باید حرف دولت را قبول کنیم، یا نباید عدم اعتماد خود را بگوئیم. این را هم باید عرض کنم که ایران زنده است، ایران رجال دارد، ایران کارداران‌ها دارد، ایران شیران آسمانی نژاد دارد. نگاه کنید به تاریخ، هر وقت غبار بدبختی ما را

گرفت، برق سعادت مملکت را نجات داده است. ملت ایران ملت قدیم قویم نجیب است. احساسات ملت ایران هم با میلسپو همراه بود تا آن آخر، ولی وقتی که خودش خاتمه می‌دهد چه باید کرد؟ تا آن وقتی که با مهر و محبت بودیم که هیچ و پس فردا کتاب سیاه برای ما می‌نویسند - خلاصه مقصود بنده از این پیشنهاد این بود که دست دولت را برای انتخاب یک نفر متخصص صحیح باز بگذاریم که از غیر از دول همجوار هر دولتی خواست بتواند استخدام نماید.

وزیر مالیه - خیلی متأسفم که چند روز وقت مجلس در سر این موضوع تلف شده است. بنده و آقای رئیس‌الوزراء هر دوی این پیشنهادات را خواندیم و با یک مختصر اصلاحی که شده تقدیم می‌داریم که خوانده شود و ضمناً نظر دولت هم جلب شده باشد.

رئیس - پیشنهاد جدیدی از آقای بدر رسیده قرائت می‌شود.

پیشنهاد به طریق ذیل خوانده شد:

«مجلس شورای ملی چند نفر از آقایان نمایندگان را انتخاب نماید که با آقایان وزراء در جلسه خصوصی موضوع فعلی مالیه را مورد مشورت قرار داده، آراء مختلف نمایندگان گفته شود و همچنین نظر دولت معلوم شده، نتیجه را به عرض مجلس

برساند که نمایندگان محترم از روی بصیرت کامل رأی بدهند».

پس از توضیح مختصری که از طرف ایشان داده شد، یاسائی مخالف بوده، رأی گرفته تصویب نشد.

ماده واحدهٔ پیشنهادی نمایندگان که از طرف دولت اصلاح شده بود به طریق ذیل خوانده شد:

ماده واحده - مجلس شورای ملی اختیارات حاصله از قانون ۴ اسد ۱۳۰۱ را راجع به اختیارات رئیس کل مالیه از تاریخ این قانون تا ۶ مهر ماه ۱۳۰۶ به آقای هدایت رئیس الوزراء واگذار می نماید.

تبصره - دولت مکلف است در ظرف این مدت لایحهٔ استخدام متخصصین مالیه را به مجلس پیشنهاد نماید.

دادگر اظهار داشت بنده پیشنهاد خودم را پس نمی گیرم و توضیح داد در این خصوص مذاکرات خیلی زیادی شد - در اینجا یک تمایلی نسبت به اینکه قائم مقام موقتی دکتر میلسپو ایرانی باشد پیدا شد و خیلی هم این تمایل و فکر خوبست و گفتیم ما به شخصی که اعتماد داریم و ورقهٔ اعتماد خود را به او داده و از هر حیث او را شخص بالقوی و صالحی می دانیم به او واگذار کنیم. به این جهت پیشنهادی کردیم و این هم که پیشنهاد نمودیم که همان اختیارات قبل داده شود، برای این بود که در ۱۹ ماده نمی شد

مذاکره کرد و وقت خیلی زیادی را می گرفت. از طرفی تعطیل مجلس هم در پیش بود و عملی نبود به این جهت پیشنهاد کردیم تا ۶ مهر همان اختیارات به آقای هدایت رئیس الوزراء واگذار شود و تصور می کنم جای هیچ خدشه و نگرانی نباشد، زیرا این همان ایرانی است که متصف به تقوی و صحت عمل می باشد و این چند روزه را تا یک نفر دیگر معرفی نمایند. ایشان عهده دار باشند و معتقدم به همان پیشنهادی که تقدیم کرده ایم رأی گرفته شود. وزیر مالیه - بنده تصور نمی کنم هیچ تفاوتی بین این دو پیشنهاد باشد و چون تفاوتی ندارد همین را قبول می کنم.

وکلاء - قرائت شود - پیشنهاد دادگر و عدهٔ دیگر با تبصرهٔ جمعی دیگر که ضمیمه شده بود به طریق ذیل قرائت شد.

ماده واحده - مجلس شورای ملی اختیارات مصرحه در قانون ۴ اسد ۱۳۰۱ را راجع به اختیارات رئیس کل مالیه از تاریخ تصویب این قانون تا ۶ مهر ۱۳۰۶ به آقای حاج مهدیقلی خان هدایت رئیس الوزراء واگذار می نماید.

تبصره - دولت مکلف است قبل از انقضای مدت فوق، لایحهٔ استخدام متخصصین مالیه را به مجلس پیشنهاد نماید.

به ماده واحده پیشنهادی دادگر رأی

گرفته، تصویب شد.

پیشنهاد ارباب کیخسرو شاهرخ قرائت شد - پیشنهاد فوق مبنی بر این بود که در پیشنهادات مطرح شده قسمت ذیل مزید و اصلاح شود: - با حذف مواد ۱ - ۲ - ۳ - ۴ اختیارات سابق (به استثنای رئیس کل مالیه حق دارد نظریات خود را شفاهاً و کتباً اطلاع دهد) و مواد ۵ و ۱۴ و غیره (بطور کلی در هر یک از موادی که نظر داشته باشند تحت نظر و هدایت قانونی وزیر مالیه).

ارباب کیخسرو - بنده قبل از اینکه وارد مذاکرات کلی در این پیشنهاد بشوم، لازم می دانم سوء تفاهمی که ایجاد شده است رفع نمایم. اولاً اینکه آقا سید یعقوب فرمودند که بنده در عرایض پریروز خود گفته ام که ایشان جزو تمجیدکنندگان دکتر میلپو بودند و امروز تنقید می کردند. بنده اینطور عرض نکردم، بلکه عرض کردم بنده از تمجیدکنندگان دیروز نیستم که امروز تنقید کنم و بهیچوجه اسم ایشان را نیاوردم و اینکه راجع به ملک فرمودند البته بنده جزئی ملکی دارم، ولی خواهش می کنم بروید تمام ادارات مالیه را بگردید، اگر جزئی توصیه یا سفارش و توقع یا نظریاتی بنده داشته ام، آن وقت بفرمائید. بنده اگر عرایضی نموده ام مقصودم نظر شخصی نبوده است. مقصودم مصالح مملکت و آئیه مملکت بوده است و هیچ غرضی نداشتم،

حالا هم در این پیشنهادی که تقدیم شده نظر بنده تأمین گردیده و جای نگرانی نیست، البته موافقت خواهم کرد. این قسمت را هم باید برای رفع اشتباه عرض کنم، اینکه راجع به اطرافیان مکاسکی بنده عرایضی کردم مقصودم تمام اشخاصی که اطراف مکاسکی کار می کنند نبود (صحیح است) بلکه همانطور که اطراف دکتر میلپو بطوری که گفته شد، هم اشخاص خیرخواهی بودند و هم اشخاص مغرض اطراف ایشان هم اشخاص خوب و بد هستند، مثلاً امیرخان از اشخاص خوب است که بنده هیچ نظرم به این قبیل اشخاص نبوده است.

در ضمن عرایض گذشته ام یک مثلی هم راجع به شیر و گرگ و روباه عرض کرده بودم که مجبورم برای رفع اشتباه عرض کنم. برای بعضی عبارتش این طور مفهوم شده است و تصور کرده اند که نظری به مقامات عالی بوده است، در صورتی که چگونه ممکن است دارای چنین نظری بود و چطور ممکن است این مسئله چسبندگی داشته باشد؟ زیرا بنده از اشخاصی هستم که مقام شخص پادشاه را تقدیس و به وجودشان که در رأس امور مملکتی قرار گرفته اند افتخار می کنم. بنده در مثالی که عرض کردم مقصودم دکتر میلپو و مکاسکی بود. امیدوارم این عرایض مرا به نظرهای دیگری

تعبیر نمایند.

قسمت‌هائی را که آقای ارباب فرمودند تذکراتشان البته به موقع بود، ولی تصور نمی‌کنم اشکالاتی تولید بکند. این که راجع به تعلیمات قانونی وزیر مالیه فرمودند اینها جزئی است و حل می‌شود، یا ایشان تحت هدایت قانونی هدایت می‌روند، یا بنده هدایت قانونی ایشان را قبول می‌کنم. به هر حال تصور نمی‌کنم اصطکاکی داشته باشد و عقیده دارم آقای ارباب پیشنهاد خود را استرداد فرمایند.

ارباب کیخسرو - در این صورت اصراری ندارم مسترد می‌دارم.

فیروزآبادی - در زمینه پیشنهادی که تقدیم کرده بود اظهار داشت امیدوارم بالاخره طوری باشد که محتاج به اشخاص خارجی نباشیم (یکی از وکلاء - الهی آمین) امروز که این اختیارات به ایشان داده شده برای این است که ایشان قسمی رفتار کرده‌اند که همه حسن ظن داریم و امیدواریم در آتیه هم کاری بکنند که جلب خاطر ماها را فراهم نمایند (یکی از وکلاء - الهی آمین) این پیشنهاد را که بنده کردم برای این بود که سه نفر را مجلس پیشنهاد بکند که به عنوان معاونت خدمت ایشان بفرستند که هم معاون باشند و هم از طرف ملت کسانی باشند (یکی از وکلاء - الهی آمین) حالا اگر مجلس مقتضی می‌داند که هیچ، والا پس می‌گیرم (وکلاء - پس بگیرید) فیروزآبادی

اما مقصود از این پیشنهاد این است حال که این مقام به آقای حاج مهدیقلی خان هدایت داده می‌شود، با ریاست وزرائی ایشان ممکن است تماسی داشته باشد و یکی هم این است که در این جا نوشته می‌شود، آقای هدایت رئیس‌الوزراء بلکه بنده فردا با ریاست وزرائی ایشان مخالف باشم. بهر حال بنده می‌ترسم فردا اسباب زحمت فراهم شود. یکی هم در قسمت ماده مربوط به حقوق است. اینها چیزهائی است که اگر اشکالی دارد رفع شود، بنده هیچ بحثی در اساس موضوع ندارم، ولی مقصودم رفع این اشکالات است. من جمله در قانون اختیارات نوشته می‌شود تحت هدایت قانونی وزیر مالیه قرار گیرد، به این جهت بنده پیشنهاد کردم که آن مواد از قانون حذف شود که اصطکاک و اشکالاتی در آتیه پیدا نکند.

مدرس - بنده که این پیشنهاد را تقدیم کرده بودم و اسم رئیس‌الوزراء را بردم، نظرم این نبود که ایشان همیشه رئیس‌الوزراء باشند. قصدم معرف و عنوان بود و تصور می‌کنم در ظرف این دو ماهه چه ایشان رئیس‌الوزراء باشند چه نباشند، به موجب این قانون ریاست کل مالیه را هم عهده‌دار خواهند بود.

رئیس‌الوزراء - راجع به این

تلف کنید. در هر جا این پیشنهادی که دادند هیچ مورد نداشت، زیرا اولاً قریب دو ماه بیشتر این اختیارات نیست و ثانیاً جمع و خرج مملکت بودجه دارد که می‌آورند به مجلس و در تمام اقلام آن رسیدگی می‌کنیم، بعلاوه شما این همه می‌گوئید حسن ظن داریم، این چه حسن ظنی است.

به پیشنهاد فیروزآبادی رأی گرفته رد شد.

فهیمی پیشنهاد کرد ماده ذیل بعنوان ماده دوم اضافه شود.

(دولت مکلف است یک کمسیون ۶ نفری که سه نفر از مجلس و سه نفر طرف دولت در آن عضویت داشته باشند تشکیل داده و حساب‌های دوره تصدی دکتر میلسپو را رسیدگی نموده و راپرت آن را به مجلس و دولت تقدیم نماید).

فهیمی در زمینه پیشنهاد خود اظهار داشت بنده از آقایان استدعا می‌کنم اجازه بدهند قدری بطور مبسوط صحبت بشود، زیرا در این چند روزه مذاکراتی شده که به حیثیت و شئون ملی و مملکت ما بر می‌خورد و عادت غریبی شده است که تمام عیوب را روی خودمان می‌گذاریم و فرنگی را این همه احترام و منزه می‌دانیم. آقایان می‌آیند پشت تریبون این صحبت‌ها را می‌کنند که اگر میلسپو برود چنین و چنان می‌شود و بالاخره آن را پاک و پاکیزه روانه

استرداد می‌کنم (خنده طولانی حضار).
پیشنهاد دیگری از طرف فیروزآبادی به قرار ذیل تقدیم شد.

«حاج مخیرالسلطنه در هر برج مکلف است صورت جمع و خرج مملکتی را طبع نموده و به هر یک از وکلا بدهند» (خنده طولانی حضار).

فیروزآبادی - اولاً من نفهمیدم کجای این پیشنهاد خنده داشت (خنده حضار).
چیز عجیبی است اگر مقصودتان اینست که برای رفع خستگی خنده بکنید که، والا این پیشنهاد خنده نداشت (خنده حضار)
مقصود بنده از این پیشنهاد این است که هر چند امیدوارم که نوعی بنمایند که اسباب مزید حسن ظن و اطمینان وکلاء باشد. (یکی از وکلاء - الهی آمین) پیشنهاد بنده برای رسیدگی کامل بود، حالا می‌خواهید رأی بدهید می‌خواهید ندهید.

دشتی - آقای فیروزآبادی حقیقتاً از حدود و وظایف نمایندگی خارج شده‌اند. در این جا حرف‌هایی که دورها پای معرکه می‌زنند می‌گویند (فیروزآبادی اینطور نیست). چرا بیشتر حرف‌های شما به همان حرف‌های پای معرکه شباهت دارد. وقت مجلس را نباید معرکه این حرف‌ها کرد. اگر این پیشنهاد جدی و رسمی باشد که اینطور نباید حرف بزنید، یا هنوز پیشنهاد نداده پس بگیرید، پس می‌خواهید وقت مجلس را

می‌کنیم. باید این اغراق شاعرانه را کنار گذاشت.

در کابینه قوام‌السلطنه که آقای دکتر مصدق هم وزیر مالیه بودند، کمسیون‌ی تشکیل دادند که بنده هم عضویت داشتم و برای استخدام آمریکائی‌ها مذاکره بود و بنده گفتم اصول مالیه آمریکا با اصول مالیه ایران تفاوت زیاد دارد و بهیچوجه طرف مقایسه نیست و از این مملکت چطور می‌شود متخصص آورد، معذک تصویب شد و بنده هم موافقت کردم و آوردند. آن روز که بنده موافقت کردم برای این بود که رفتن شوستر را تحت تأثیر خارجی می‌دانستند و برای اینکه به دنیا بفهمانیم که مداخلات اجانب را در کارهای خود نمی‌پذیریم و تحت تأثیر خارجی نبوده، همه معتقد شدند که از آمریکا میسیون‌ی استخدام شود، این بود که آمدند و دولت هم تاکنون همه جور کمک و همراهی با آنها کرده است و هر خلاف قانونی هم از آنها دیده استقامت کرده و در ظرف این پنج سال شاید قریب چهل و پنجاه ملیون تومان خرج این کار شده، آن وقت آنها چون فرنگی هستند می‌گویند از هر چیز منزّه هستند همان طور که گفته شد میلسپو خدمت کرده است، ولی معادل این مبالغی که خرج شده خدمت نکرده است. از چیزهائی که گفته شد یکی تمرکز عایدات است که تصدیق دارم و

یکی هم نظارت در مخارج است، ولی این نظارت را باید فهمید فقط در وزارتخانه‌های دیگر می‌کردند، یا در وزارت مالیه هم شده است. کسی خبر ندارد که در خود مالیه هم این نظارت شده است یا خیر؟ و آیا این مخارجی که کرده‌اند در مقابل اعتباراتی بوده یا خیر؟ می‌گویند دکتر میلسپو در اجرای قوانین سعی داشته. می‌گویم یک نفر مسؤول نام که محکوم در عدلیه و تحت تعقیب فراموش کرده‌اید؟ نوشت که حقوق عدلیه را نمی‌پردازم تا اینکه او را خلاص نکنید. جلسه قبل آقای تقی‌زاده پیشنهاد می‌کردند که در مجلس کمسیون‌ی بشود. دولت و وکلاء مطالعاتی بنمایند که راه حل پیدا شود. واقعاً ببینید برای ما چقدر موهون است که یک نفر را که به امور قضائی ما اعتنا نکرده و قوه قضائی را محکوم کرده، قوه مجریه هم محکوم بوده برای یک مستخدم خارجی بیایند و مجلس محاکمه‌ای تشکیل بدهند. بنده آن که بخواهد نسبت به یک مستخدم خارجی این طور بکند، معتمد لایحه او نه با ورقه کبود، بلکه با سنگ باید رد شود - آقای ارباب فرمودند یک وقتی آجر داده می‌شد.

(ارباب - مگر غیر از این بود) بله بود، ولی در آن موقع عایدات ما اینطور بود. عایدات ما منحصر به چند قسمت بود. عایدات نفت نداشتیم، عایدات گمرک

خرج‌های دیگر نوشته‌اند. وقتی هم تعقیب کردیم گفتند فقط راهی که دارد این است که دادگاهی در واشنگتن معلوم کنید که محاکمه کند. حالا او برای مدت شش ماه بود و این شخص برای مدت ۵ سال. باید فهمید چه کرده است. در این مدت یک فقره حساب نداده‌اند. آقای تقی‌زاده که طرفداری از ایشان می‌کنند، چرا مخارجی را که بدون تصویب مجلس قریب صد هزار تومان صرف نمایشگاه فیلادلفی کردند نگفتند. بیائید همین یک قلم را صورت بدهید، چرا ما باید همیشه خود را خفیف نمائیم و خارجی را منزّه بدانیم، این را هم عرض کنم دولت آمریکا به خلاف بعضی ممالک دیگر ضامن عملیات اشخاص نیست - بهتر این است آقایان طرفداران اول کمسیون تشکیلی بدهند و رسیدگی بکنند، آن وقت بیایند تعریف و تمجید بکنند. شما ببینید به سر مردم چه آورده‌اند - برای خرج سفر خانمشان ۳ هزار تومان می‌دهند، ولی برای هزار و پانصد تومان مخارج مسافرت رئیس‌الوزراء به مازندران یک نفر مفتش هم همراه می‌فرستند - تعجب نکنید از اینکه بگویم یک پشه‌بند برای مستر پلند به مبلغ ۱۸۰ تومان خریداری شده است. این پول‌هائی است که خرج می‌شود، آن وقت اگر ایرانی یک کار کوچکی کرد می‌خواهیم او را کباب کنیم. شما بیائید این کمسیون را

نداشتیم. اما اگر ایرانی بیچاره می‌کرد این طور حرف می‌زدید، چرا این قدر ما نسبت به خود بدبین و نسبت به فرنگی‌ها خوش‌بین نیستیم. باید همان طور که نسبت به خارجی اظهار علاقه می‌کنیم، ایرانی‌ها را هم شائق نمائیم. این چه طور اعتمادی است به دولت داریم و می‌گوئیم کمسیون رسیدگی به حرف‌های دکتر میلسپو تشکیل بشود. آقای تقی‌زاده می‌فرمایند (یکی از وکلاء - پیشنهاد شما مربوط به آقای تقی‌زاده نیست که حضور هم ندارند).

می‌پرسم مگر شما وقت نخواسته بودید و او را ملاقات نکردید که کتترات او تجدید شود؟ پس تقصیر خود آن چیست؟ چرا ایرانی‌ها را بدنام می‌کنند. می‌خواهند بروند، آیا نباید به حساب آنها رسیدگی کرد. برای سابقه عرض می‌کنم وقتی که او می‌خواست برود، کمسیون مرکب از چند نفر که بنده هم عضویت داشتم تشکیل شد در پارک اتابک. رسیدگی به دفاتر نموده صورت محاسبه را پس بگیریم. شوستر آمد گفت فردا ساعت هفت حاضرم. صبح ساعت ... حرکت کرد. وقتی آمدیم دیدیم حرکت کرده بود. مستر کنز اینجا است و گفتند پس از طرف شوستر خواهد بود. بعد از چندی خبر پیدا کردیم که او از انزلی هم گذشت، وقتی رفتیم دفاتر او را بیرون آوردیم دیدیم تقریباً قریب ۶۰ هزار تومان خرج مسافرت و

تشکیل بدهید، اول به حساب این مدت رسیدگی کنیم، بعد رضایت‌نامه کاملی از طرف مجلس و از طرف دولت بدهیم.

وزیر مالیه - اولاً بنده می‌خواهم گله کنم که هیچ ملاحظه ما را نکردند، و این همه صحبت کردند. این پیشنهادی که کردند وظیفه خود دولت است، در صورتی که اظهار اعتماد به دولت می‌فرمائید، موافقت هم بفرمائید، دولت خودش به این کارها رسیدگی می‌کند و اینها وظیفه دولت و وظیفه وزیر مالیه است. بنده خواهش می‌کنم ایشان پیشنهاد خود را مسترد دارند و باید بدانند خزانه‌داری مأمورش هست و مسئول آن هم خواهد بود.

و البته رسیدگی خواهد شد. بنابر این تمنا می‌کنم مسترد دارند دولت خودش رسیدگی خواهد کرد.

پس از توضیح آقا سید یعقوب، فهیمی

اظهار داشت مقصود بنده این است قبل از اینکه حساب دکتر میلسپو رسیدگی نشود، ایشان از ایران حرکت نکنند. بنده مسترد می‌دارم، در صورتی که حساب ایشان رسیدگی بشود و اگر دکتر میلسپو برود و محاسبه ایشان رسیدگی نشود، بنده ناچارم استیضاح کنم.

دهستانی - بنده پیشنهاد ایشان را قبول می‌کنم، رأی گرفته رد شد.

بامداد پیشنهاد کرد در ماده واحده بعد از کلمه متخصص عالی‌مقام اضافه شود (از غیر دول همجوار).

وزیر مالیه اظهار داشت توضیحی لازم ندارد، چیز مسلمی است بنده قبول می‌کنم. به ماده واحده با تبصره که فوقاً درج شد و وزیر مالیه هم قبول کردند، با اصلاح پیشنهاد بامداد رأی گرفته تصویب و تنفس داده شد.

عكسها و نمونه اسناد



این تصویر را هنرمند با ذوق آقای بهمن فرمان با توجه به سندهای حاضر که مربوط به دوران وزارت مالیه نصرت الدوله فیروز است و عینک نصرت الدوله که همواره بر چشم داشت تهیه کرده است.

بدان زاده خرم آتش هیچ فرزند ابدی ندارد
۱۳۴۰ دهم



از چپ به راست: دکتر میلسپیو - کانل مکرماک
به هنگام افتتاح مجلس پنجم در بهمن ماه ۱۳۰۲ - مطابق ۲۹ ژانویه ۱۹۲۳



دکتر میلسپیو



نصرت الدوله فيروز



نصرت‌الدوله - دکتر میلیسپو



سید حسن تقی زاده



حسین پیرنیا (مؤتمن الملک)



ارباب کیخسرو شاموخی



وزارت مالیه

فوری

اداره.....

دایره.....

جناب مستطاب اجل آقا، وزیر مالیه

یادداشت ۱۱ اردیبهشت ۱۳۰۶ را که ضمن آن بامتناع من
از پرداخت چهار صد تومان از اعتبار وزارت خارجه بعنوان
خرج سفر کوریه، سیاسی بهیکی از اعضاء کابینه ریاست وزراء
که قبلاً هم پانصد تومان دیگر بعنوان انعام گرفته است اعتراض
کرده و نیز ایراد نموده بودید که چرا اینجناب پیشنهاد
کرده ام که اگر دولت در دادن این انعام مجدد مصر هستند
ممکن است چهار صد تومان اضافی را از محل اعتبار خود تأدیه
کنند و درخته اضافه کرده بودند که تمام اختیارات قانونی من
که مأخذ عمل ادارات دیگر است مقید بتصویب و هدایت قانونی
وزیر مالیه میباشد ملا حظہ کردم -

چون این اظهار بدون سابقه و کلی برای من اسباب کمال حیرت
گردیده تمام میکنم باینجناب اطلاع بدهید در مواردیکه وزیر مالیه
از من تقاضای تصویب خرجی را مینماید بمعقیده شما آیا من قانوناً
اختیار عدم تصویب آنرا ندارم؟

چون این موضوع حائز منتها درجه اهمیت میباشد امیدوارم
عقیده خود را بوضوح و صراحت بیان و نیز دایره باینکه هیئت
محترم دولت نیز باشند در این عقیده شریک هستند مدرک لازم ارائه
بفرمائید -

رئیس کل مالیه



وزارت مالیہ

.....اداره

..... دایرہ

دوست ۱۲ ج ۱ راجع بحرف کفر آه مدخله و در ضمیمات زیر مارسل اطمینان میسر نم -

[illegible]

الف - در اینجا صفت حقیقیه اشخاص است که دارای شرائط و صفات است و در این است که استعمال می کنند و باید دانست که
گاهی رعایت شود، از این جهت نامت کامل است استعمال عملی و از طرف دیگر حق معین متمیز در هر حالتی است و نگردد
ب - تا وقت استعمال بار این مورد اشتغال قائم شده و این استعمال بر طبق کلمات است و این است که اشتغال
صفت شخصی در نظر گرفته شده و این این به معنی است که ممکن است صورت و دو وراثت اینجا یک نسخ از یک باشد
که که در بیان متمیز در هر اشخاص شخصی بار این نام موجود نباشد. تا وقت گذار خواهد بود صورت را با جای نام
که در این صورت از راه اشتغال اینجا است را برادر و از طرفی نامت کار و از طرفی متمیز و متمیز و متمیز
و این در وقت است که اگر این نام اشتغال در هر یک است و در هر یک است و در هر یک است و در هر یک است و در هر یک است
شده که از راه استعمال بر طبق کلمات و در هر یک است و در هر یک است و در هر یک است و در هر یک است و در هر یک است
این خواهد بود.

(۳) در ادب و فن، در استقامت، به بنده وارد است مربوطه تر از مردم که بیرون در روزگار می آیند. همه در برابر حاجت و نیاز.



وزارت مالیہ

ادارہ

دایرہ

۲

بقا و مخ سنہ قیل
نمرہ ضمیمہ

محترمت دارو نظر خط قانوت و حسن ادارہ تمام کہ ادارت در این احتیاجات خود وقت بیشتر مطالعہ دستورات از
کثرتاً بطاعت کہ ہم خدمت جوئے از حیث بودید بر این دم در اجازت قانوت تمام مواظبت بیشتر شدہ ہم این خط نظر
قدست مبارک وزارت، ہم بیشتر از این محرم از دست غیر موجود نشیند. بر این تعظیم این دستورات اندک اندک فکر و حرف با برادران
دیگر صادر نمود و درین حال در نظر تمام کثرتاً در وزارت، ہم نظریات اظهار نمود کہ مورد موافقت خود نشاند
انرا بر سر این و بر این اجراء ادارت این نمود.

(۴) این دستورات دین شکرات، بیستم رعایت شد سال ۱۳۰۵ استعفیای شد و بعد از تعریف کار در این فردین نمود
در خدمت حرف کثرتاً را صادر شد نہنم خدمت کردم کہ تا مدتہای کہ قبلاً دستور داد شد بود انجام گردد این در خدمت
صادر شد.

(۵) اینکہ زیر این بابی؟ فی ہم عقید بودید کہ قبر از برداشت حقوق کثرتاً را را احضار شد و بعد در این عقید
شاید تا زمانہ تمام این انصراف را صدق و با این مراقبت تا ہم زیرا اولاً بقیم این سید این است کہ سید
«درت کثرت» از ارجح، سرحد است کہ بدست سفردید صراحتہ دارد بود و این خط نظر بقیم این خلالت روح و
قانون تمام است کہ کثرت را تعظیم وقت کہ است.

خانم خدمت خود دیدن مرجع انصراف کثرت است برابر ادایہ بدست باید بعد از این کثرت بکشد بود و
وقت بین تمام در کثرت و دیگر تا زمانہ تمام این خط نظر صراحتہ علی این خلالت این ماده ۵ نظر تمام کثرت
کہ در این استعارہ و این دانت از کثرت است -



وزارت مالیه

اداره.....

دایره.....

تاریخ: ۴ ماه فروردین ۱۳۰۷

نمره: ضمیمه

موضوع:

درج

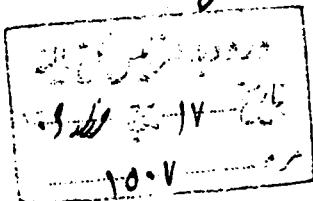
آمریکه

تعیین، ردیف ۱۳/۲/۰۶

بیمه فاضلین کردم که ادارہ خالصت در مرکز باریک فاع یک محکمہ موجود است
برایم دہتر میدام ان ادارہ منہر بودہ

نسبت بہ خالصت طرحت نظریہ فیہ بود کہ لکات خبر، لہ طرحت بہ
رئیسہ در دیدت ستعم درشتہ باشد کہ بہہ متبع کار سر بردہ خالصت
ذلت و راسیو و مرکز بدہند

تہا حال از طرحت نہ جواز کہ تنہا باید نظریہ فیہ باشد رئیسہ دہنام
ادارہ خالصت قار منہر کہ ایہ با خبریم



5/1/76

۱۰۰

شعبہ ریاضی ۱۳/۲/۵

بنا خاڑن کرم کہ ادارہ خاڑت درگز، تریب ضلع یکم، ہمدرد
دہتر مدام انج ادارہ منترج

تبت سلامت کلامه نظریه و منبر را بکار خود که در این کتاب دیده است
مستقیم داشته باشد و با هر یک از اینها را از طریق و روشی که در این کتاب

که در هر یک از اینها به شرح و توضیح آمده است.

وای از طرف شما بیا که متفکران به نظریه فرایند نرسیدند و تمام
اداره ها را با هم میگردانند

۵ / ۴ / ۱۳۰۶



وزارت مالیه

اداره ریاست خزانه

دایره

تاریخ ۵ ماه سنه ۱۳۰۶

شماره ۱۸۱۰ ضمیمه

موضوع

جایگاه مدیرانی در ریاست

رابع بدیکه صرف مزاد عولیه ۱۳۰۵ شماریدارد - بطوری در توفیق در ریاست

نکته نیز توفیق مال و فضا محض در ریاست در زام بخ و دهنش در ریاست در توفیق

تصمیم قطعی در آن باب به این جانب سورت کردن شد - رابع بدیکه در ریاست

جدی داد، در ریاست از و بوق زیر شمار خواهم داشت -

۱- بر رزانه بدیکه در ریاست در توفیق در ریاست در توفیق در توفیق

قرارداد دهنه، ۱۳۰۱ رابع این ریاست در توفیق در توفیق

۲- موقی در بر از گذشتن بدیکه در ریاست در توفیق در توفیق در توفیق

برای امضای این جانب در ریاست

مستقیم



وزارت مالیه

اداره ریاست مریه

دایره

تاریخ ۵ کر ماه سنه ۱۳۰۶

نمره ۱۸۹۸ ضمیمه

موضوع

جناب سرطاب مہ آقا در زیر

یاد اجسام پرستی را ۴۰۰۰ در دلدیر توصیف و نظرات لہ جناب ریاست مریه بطور سکتہ

در است ایرات صیرک از غیر شرط تہمت است در نظرات فراموش بر سر لہ تہمت

اگر من اطمینان بدیم در لہ تہمت اریات تہمت در رعایت خود ابراریت و رضایت در لہ

رضایت بخش بر شرط تہمت اریات و رضایت را در خواستہ لہ خواہم دلہ لہ رضایت لہ

برای اطمینان جناب خواہم کہ برای اطمینان دہی دہی دہی دہی دہی دہی دہی دہی دہی دہی

نیستم از رعایت لہ تہمت غیر شرط تہمت تہمت تہمت تہمت تہمت تہمت تہمت تہمت

عن کردہ دیر ارجح آن فقہ و مدلی با دلت گذارد

میر محمد



وزارت مالیه

یادداشت

۹/۴/۱

تاریخ — ماه — سنه ۱۳۰

نمره — ضمیمه —

موضوع —

کار در کمیته

کریه است در کارهای نهی من و لی را هلاک
نعم است و بازم اینها را با یکدیگر

نعم رفتم و لی چون فرید ۱۳۰۶

روزهای گذشته و چون در یکدیگر

خود را به یکدیگر رسانم در تمام اعمال

در فرید صدم بود و چون در یکدیگر

فکر است بهتر در دفع نهی من که آن

نه بر یکدیگر و نه در دفع نهی من که آن



وزارت مالیه

اداره
دایره

شماره ۱۰۰۰

بتاریخ ۱۳۰۶ هجری قمری میل ۱۳۰۶
شماره ۲۰۳۹ ضمیمه

جناب مستطاب اجن افان فهریز وزیر مالیه

دریادداشت ۷ تیر ۱۳۰۶ خو دبکذاردن ولایات غربی تحت نصارت یک نفر مدیر امریکائی ایراد کرده اید و اظهار نموده اید که از وضعیت مالیه کرمانشاه اطلاع کامل دارید و نیز در آخر یادداشت اضافه میکنند که اگر من بعد از ۵ سال تحریر عده محدودی از مأمورین وزارت مالیه را برای تصدی امور مالیه ولایات مزبور فرستاده و حاضر نکرده باشم این وضعیت موجب کمال یأس و تأسف خواهد بود -

جنابعالی در این موضوع هم مانند بسیاری از موضوعهای دیگر نسبت به امریکه ظاهراً خوب ملتفت نیستید زیاده از حد برآشفته و متعجب شده اید -

توسعه دادن حوزه مأموریت بعضی از مدیران امریکائی بشکلی از اشخاص مدت مدیدین است که تحت مطالعه بوده - اهالی ولایات از مستخدمین ایرانی مالیه شکایت می کنند - البته تصدیق خواهد فرمود که اساساً خوبست به تنگمان دور از مرکز فرصت این داده شود که گاهی هم شکایات خود را به مدیران امریکائی بنمایند - همچنین البته خوب است مأمورین ایرانی مالیه ولایات یقین حاصل کنند که در برابر مدیران امریکائی مسئولیت داشته و مواخذ هستند - حکم متحد المالیه که بران انضای جنابعالی فرستاده ام مسئولیت کلیه ادارات مالیه غرب را تماماً بر عهده مستردانوی محول نمیسازد - دریادی امر (مدنی) تا موقعیکه این ترتیب جدید تحریر نشده است) مشارالیه فقط حق خواهد داشت بهر یک از ادارات مزبور سرزده و در موقع توقف در هر ولایتی اسویمالی آنجا را بر عهده بگیرد و بطور کلی در جریان کارها را ادارات مالیه غرب نصارت و حق تفتیش داشته باشد - ترتیب جدید مذکوره در حکم متحد المال منظر من کاملاً شایسته آن هست که بمورد استحضار و تجزیه درآید -

جنابعالی اگر از اوضاع مالیه کرمانشاه تحت اداره مستردانوی اطلاع کامل دارید چرا اطلاعات مزبور را با ذکر منابع باستحضار اینجانب نفرستانید؟ راجع به محاسبات انزاق کرمانشاه خاطر عالی را مسبوق میسازم که حسابهای مذکور تماماً بمركز فرستاده شده و اگر جنابعالی مایل باشید...

بتاریخ برج سنه ثیل ۱۳۰
 نمره ضمیمه



وزارت مالیه

اداره

دایره

خودتان یاد دیگر بآنها رسیدگی کنید هیچ مانعی برای انجام این منظور دین نیست - تذکر
 این نکته را لازم میدانند که چند هفته قبل آقای فهمی نماینده مجلس بمن اظهار کردند که بموجب
 مدارک و اسناد یقین حاصل نموده اند که کسری در محاسبه ارزاق کرمانشاه وجود دارد - از ایشان
 تقاضا نمودم سواد مدارک خود را برای اینجانب فرستاده و نیز شخصاً بکرمانشاه رفته محاسبات
 مربوطه را تفتیش نمایند - این تقاضا و دعوت من تا حال منتج نتیجه نشده است -
 ملا حظه میفرمائید حکم متحد المالیه که بان اعتراض نموده امند مربوط بموضوع تربیت کردن
 مامورین ایرانی نیست - شاید خود جنابعالی دریافت داشته باشید که پنجاه تجربه کافی است که
 انسان امور اداره مالی را تحت اختیار خود درآورد - اگر این قصور صحیح باشد حال دیگر باید اطمینان
 داشت که عوم اعضاء واجزاء ایرانی وزارت مالیه کاملاً وزیده و مجرب هستند ولی با وصف این حال
 باز تصدیق میفرمائید که مجرب و وزیده بودن اعضاء واجزاء مانع از آن نیست که تفتیش و کنترل و نظارت
 در عملیات آنها همواره ضروری و لازم باشد -

رئیس کل مالیه

[Handwritten signature]



وزارت مالیہ

ادارہ
 دایرہ
 نمبرہ
 تاریخ
 ضمیمہ
 موضوع

حاجہ سید علی فرید علی
 جن مخدوم دریں موضع ایگنہ تاجپور در توجہ ملکیت نوٹڈ
 وقوع یاد عہد بودہ در ذلک رد مدنی دہل نظر متدا در ملکیت
 در ذلک تمام حاج علی خدایان عہدہ در ذلک
 سید علی



فرمان فرما

A. H. Firouz
Farman-Farma

Je soussigne certifie que X.PINTO, a mon service depuis
trois ans, en qualite de chauffeur, a toujours rempli conscien-
cieusement son service et m'a donne pleine satisfaction.

Je le recommande chaleureusement.

Farman
Farma

Téhéran, le 14 Mai 1931

MINISTÈRE DES FINANCES
ADMINISTRATION DES DOUANES

Téhéran 30 Ord 06
le 13

Dans la réponse, prière de rappeler le

N^o 3743

ANNEXE.....



وزارت مالیه
(اداره کمرکات)

مورخه ۱۳.....

در جواب خواهشمند است نمره ذیل را تذکار نمایند

نمره

OBJET: Réquisitions de fonds dont l'approbation
reste en suspens

San Altesse

le Ministre des Finances

J'ai eu l'honneur de vous signaler
déjà par deux notes particulières, la situation très
difficile créée à l'administration des Douanes par
suite de la non approbation des réquisitions présentées
par cette administration sur les crédits du
Monopole et des taxes de route pour les dépenses du
mois de Farvardine 1306.

Les notes et les rappels adressés à
ce sujet aussi bien à Mr. Reher personnellement qu'à
la Section Pro Audit de l'administration de la
Comptabilité Générale des Finances, sont également
restés sans résultat et l'administration des Douanes
continue à ne pas payer le traitement de ses agents
ainsi que les dépenses de toute nature prévus dans
le budget du Monopole et des taxes de route.

MINISTÈRE DES FINANCES
ADMINISTRATION DES DOUANES



وزارت مالیه
(اداره کمرکات)

le 13

Dans la réponse, prière de rappeler le

N°

ANNEXE

مورخه ۱۳

در جواب خواهشمند است نمره ذیل را تذکار نمایند

نمره

ضمیمه

Cette situation a provoqué des plaintes et des réclamations justifiées de la part de tous les agents en provinces et à Téhéran dont le paiement du traitement reste suspendu depuis le mois de Farvardine 1306 et la direction provinciale des douanes de Bouchi vient de me télégraphier qu'elle ne pourra pas répondre des conséquences désastreuses qui en résulteront si l'équipage des bateaux, les dépenses indispensables pour l'entretien et la mise en mouvement de ces bateaux, les surveillants destinés à la repression de la fraude etc etc ne sont pas payés régulièrement à la fin de chaque mois solaire.

Si pour des raisons budgétaires, le Ministère des Finances n'est pas à même d'approuver pour le moment les réquisitions présentées sur les crédits du Monopole et des taxes de route, il pourrait tout au moins trouver une combinaison pour approuver les réquisitions présentées sous forme d'avances ou sous forme de crédits provisions pour ne pas devoir entraver complètement la marche régulière de la repression de la fraude et des services douaniers.

MINISTÈRE DES FINANCES
ADMINISTRATION DES DOUANES



وزارت مالیہ
(ادارہ کمرکات)

le 13

Dans la réponse, prière de rappeler le

N^o

ANNEXE

مورخہ ۱۳

در جواب خواهشمند است سرہ ذیل را تذکار نمایند

نمبر

Il est profondément regrettable qu'une partie des agents d'une administration qui fait une recette annuelle de 12 1/2 à 13 millions de toman reste impayé pour la simple raison que les crédits imputables sur le Monopole et les taxes de route n'ont pas ~~été~~ encore été approuvés par le Ministère des Finances, alors que ces agents collaborent eux aussi comme tous les autres aussi bien au service douanier qu'à celui du Monopole et des taxes de route.

En vous exposant ce qui précède, je vous prie de vouloir prendre les mesures nécessaires pour que les crédits budgétaires demandés par l'administration des douanes soient approuvés sans retard en vue d'éviter un bouleversement dans les divers services dirigés par l'administration des Douanes et dont les responsabilités sont grandes.

Je répète que les employés atteints par ce retard regrettable sont presque tous des agents à petit traitement. Qui pourrait leur faire comprendre qu'à cause de formalités budgétaires, ils

MINISTÈRE DES FINANCES
ADMINISTRATION DES DOUANES



وزارت مایه
(اداره کمرکات)

le 13

Dans la réponse, prière de rappeler le

N°

ANNEXE

مورخه ۱۳

در جواب خواهشمند است سره ذیل را تذکار نمایند

نمره

ضمیمه

doivent attendre pendant de nombreuses semaines
les émoluments qui leur permettent d'acheter le
pain quotidien pour eux et leurs familles ?

Ils ont été engagés régulièrement
par une décision officielle prise conformément
aux dispositions d'une Loi, on leur demande, sous
peine de mesures disciplinaires de faire conscien-
cieusement leurs devoirs et ils considèrent donc
que le paiement régulier de leurs traitements est
un droit dont le Gouvernement ne peut retarder
l'exécution si, de leur côté, ils ont rempli les
obligations qui leur sont imposées.

Est-il nécessaire d'ajouter que
la faim est souvent mauvaise conseillère surtout
quand elle est le résultat d'atermoiments adminis-
tratifs que les agents ne peuvent comprendre.

Je propose donc d'autoriser l'ad-
ministration des douanes à payer les traitements
en suspens sous forme d'avance à régulariser
ultérieurement lorsque le budget des dépenses sera
définitivement établi car tout nouveau retard doit

MINISTRE DES FINANCES
ADMINISTRATION DES DOUANES



وزارت مالیه
(اداره کمرکات)

le 13
Dans la réponse, prière de rappeler le

No

ANNEXE

مورخه ۱۳

در جواب خواهشمند است نمره ذیل را تذکار نمایند

نمره

ضمیمه

entraîner des conséquences regrettables au point
de vue de la rentrée régulière des recettes
douanières ainsi que de la fidélité et du dévouement
des agents.

P.L'ADMINISTRATEUR GL DES DOUANES
LE GERANT,

Dilevian

Coll

Urgent

*Retourne
a cm
3/5/6*

Note from H. H. the Minister.

Administrator General of the Finances;

Following the memo of 13/2/06

I noted to you that the Public Domains Administration in Center is an unreasonable burden on the budget in its present situation and deem it proper to be dissolved.

As regards the Tehran Public Domains, I was of the opinion to have it incorporated with the Tehran Agency as before and that a branch of same be established in the Direct Taxation where the affairs pertinent to the provincial domains may be centralized by a small number of men.

I have not yet received any answer confirming my views and I do not know whether you have dissolved the Public Domains Administration or not.

Firooz

~~Ty. Sami'i.~~
~~Ty. Khadem.~~
~~17/3/06. H.S.~~

نمایه عمومی

۲۴۱، ۲۰۲، ۲۰۱	آ
اداره خالصه ۱۲۴، ۱۲۸	آبادان ۲۲۴
اراک ۲۰۱	آذربایجان ۱۳۷، ۱۵۴، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹
ارباب حیدرعلی ۲۲۹	۱۹۷
ارباب کیخسرو شاهرخ ۲۲۵، ۲۳۰، ۲۳۱	آژند، یعقوب ۱۴۲
۲۳۳، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۳	آستارا ۲۳، ۵۳، ۵۴
اردلان ۱۲۹	آلمان ۱۹، ۲۴۱
ارومیه ۳۲، ۱۷۸	آمریکا ۲۱، ۵۰، ۵۶، ۱۴۲
اسپیکس. ژان. س ۱۳۷، ۱۷۷، ۲۱۲	آمریکاییها در ایران (نام کتاب) ۱۵، ۱۸، ۴۲
استرالیا ۳۹	
اسدالله خان / قاضی عدلیه ۱۳۲	الف
اسماعیل خان / کارشناس تقسیم آب ۱۰۷	ابتهاج السلطان، محمد مهدی میرزا ۸۳
اصفهان ۳۹، ۲۴۱	ابوترایان، حسین ۱۸
اصل چهار ۱۳	اتازونی = امریکا ۴۶، ۵۶
اعتبار / کارمند دولت ۸۱	اتحاد، کاظم (سید) ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۵
افشار، ایرج ۴۱	اتحادیه (نظام مافی)، منصوره ۱۱، ۱۴، ۴۱
افشار، رضاخان (میرزا) ۱۹۴	اتریش ۱۹
امتیازنامه داری ۱۴۱، ۲۲۲، ۲۲۴	احمد آقاخان / فرمانده لشکر شمال ۱۷۹
امیر طهماسبی (سرلشکر) ۱۵۳	احمد شاه ۱۶
امین، رفیع خان (دکتر) ۲۳۷، ۲۴۴	اخوان مناسریان / سه برادر مالک در
امین مالیه ۲۰۲	آذربایجان ۱۷۸
امینی، علی ۱۳	اداره ارزاق ۶۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵
انتخاب الملک / عضو وزارت مالیه ۱۲۹	۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۲، ۱۷۹، ۲۰۰

- ۱۳۷
انحصار قند و چای ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۲۰، ۱۲۶، ۱۵۰، ۱۷۳
- ب
انصاری ← مشاورالممالک
انگلیس ۱۹، ۲۰، ۵۲، ۵۷، ۵۸
اهواز ۲۲۲
ایتالیا ۵۳
ایرج میرزا ۸۳
- پ
پارک اتابک / در تهران ۲۵۴
پارکه / دادسرا ۱۳۶
پاریس ۱۶
پاشاخان / کارمند گمرک ۲۳، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶
پایان مأموریت امریکاییها در ایران (نام کتاب حاضر) ۱۵
پروین، ناصرالدین ۱۵
پرین (مستر) ۷۱
پل قره‌سو ۱۲۵
پلند (مستر) ۴۰، ۱۶۲، ۲۵۴
پیرسن، توماس / همکار میلپو ۶۰، ۱۵۴، ۱۷۷، ۲۱۲
- ت
تاریخ بیست ساله ایران (نام کتاب) ۴۱
تاریخچه مستشاران امریکایی در ایران (مقاله) ۴۰
تاریخ روابط ایران و انگلیس در دوره رضاشاه (نام کتاب) ۲۰
تاریخ مختصر احزاب سیاسی (نام کتاب) ۴۱
تبریز ۱۶، ۱۷۸، ۱۹۶، ۱۹۸
تجارتخانه زاکوستروغ / در ارومیه ۱۷۸
تخته قاپو = تخت قاپو ۱۰۷، ۱۶۱
تدین / نماینده مجلس ۱۶۱
- ب
باج راه / اصطلاح ۹۵، ۱۲۵
بامداد / نماینده مجلس ۲۳۳، ۲۴۷، ۲۵۵
بانک شاهی = شاهنشاهی ۸۲، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۵، ۲۲۲، ۲۲۴
بدر / نماینده مجلس ۲۴۸
برزین، احترام‌الملوک ۱۱
بروجرد ۱۴۱
بغداد ۱۵۰
بلدیه / شهرداری ۲۰۲
بلژیک ۱۹
بندر انزلی ۶۷، ۲۲۱، ۲۵۴
بوشهر ۱۱۳
بونيوال، جان / همکار میلپو ۱۰۴، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۷۷، ۲۰۱، ۲۱۲
بیات (حاج شیخ) ۲۲۹
بیات، کاوه ۲۰
بیات، مرتضی قلی ۲۲

- ترگور / قصبه‌ای در آذربایجان ۱۷۸، ۱۷۹
 تریاک ۱۴۳، ۱۴۸، ۱۵۰
 تقی‌زاده، حسن ۱۴، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۱
 ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۴
 ۲۵۳، ۲۵۴
 تهران ۲۹، ۵۲، ۷۳، ۹۳، ۱۱۳، ۱۵۳، ۱۵۴
 ۱۵۶، ۱۶۳، ۱۶۴، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۲۷
 تیمور تاش، عبدالحسین ۳۰، ۴۱، ۴۲

د-۳

ج-ح

- دادگر / نماینده مجلس ۷۲، ۲۴۲، ۲۴۳
 ۲۴۹
 دانشگاه جان هاپکینز ۱۷
 دانشگاه سوربن ۱۶
 دانوی. ژان. الف / پیشکار مالیه غرب ایران
 ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۷۷، ۲۱۲
 داودخان / محاسب پست (میرزا) ۸۱
 داور، علی اکبر ۳۱، ۲۰۷، ۲۰۸
 دریاچه ارومیه ۱۹۴
 دریاگشت، محمد رسول ۱۳
 دزفول ۱۶۲
 دشت / قصبه‌ای در آذربایجان ۱۷۸، ۱۷۹
 دشتی، علی ۳۸، ۳۹، ۴۴، ۲۴۰، ۲۵۲
 دکرکر / بلژیکی (مدیر کل گمرک) ۷۱، ۷۲
 ۷۳، ۷۴، ۸۰، ۱۵۲
 دلکرو / کفیل اداره گمرک ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۵۲
 دوسیه / پرونده ۵۸، ۱۱۹، ۱۲۵، ۱۳۶
 ۱۷۷، ۱۷۸

خ

- خطرات محبس (کتاب) ۱۱، ۱۴، ۴۱
 خطرات و خطرات (کتاب) ۴۱
 خاوند (?) ۷۱، ۷۲
 خراسان ۲۷، ۸۳، ۹۸، ۱۰۷، ۱۲۱، ۱۲۹
 ۱۵۴
 خرم‌آباد ۱۶۲
 خرمشهر ۵۲
 خزانه‌داری کل ۷۸، ۱۱۰، ۱۵۲، ۱۵۵

دولت‌شاهی / عضو مالیه ۱۳۷

دهستانی / نماینده مجلس ۲۵۵

دیوان عالی تمیز ۲۰۰، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۲۸

دیویس، هاری / رییس مالیه آذربایجان ۶۷،

۱۳۷، ۱۴۸، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۹۸، ۲۱۲

ذکاءالملک (محمدعلی فروغی) ۲۲، ۱۴۸

س

سازمان اسناد ملی ایران ۱۴

سالنامه دنیا ۴۰

سپهدار رشتی ۱۵۱

سردار ارفع ← شیخ خزعل

سردار اقدس ← شیخ خزعل

سردار سپه ۱۷، ۱۵۳

سعدالملک ۸۱

سعدوندیان، سیروس ۱۴، ۴۱

سمنان ۱۱، ۱۷

سندیکی راه‌آهن ایران ۵۷

سنندج ۱۶۲

سویت = شوروی ۶۲، ۶۳، ۶۶

سوئد ۱۹

سیاح / عضو مالیه کرمان ۱۰۹

سیاح سپانلو، هادی ۸۳

سیاست موازنه منفی (نام کتاب) ۵۹

سیاسی، علی‌خان / قاضی عدلیه ۱۳۲، ۱۳۶

سیستان ۸۳

ش

شاهرخ، کیخسرو ۱۴، ۳۷

شرکت نفت ایران و انگلیس ۱۴۳، ۱۵۵

۲۰۳، ۲۰۴

شریعت‌زاده / نماینده مجلس ۲۴۳، ۲۴۷

شوروی ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۲۷، ۳۲، ۶۴

۷۳، ۷۴، ۱۰۷، ۱۵۴، ۲۲۷

ر

راپرت (در اغلب صفحات)

راه‌آهن ۷۰، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۳، ۱۹۶

راه‌آهن تبریز ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸

رضاشاه ۱۵، ۱۷، ۲۰، ۲۲، ۳۰، ۳۵، ۴۱

۴۲، ۴۳، ۴۴، ۸۴، ۱۴۱

رفیع، رضا (حاج آقا) ۲۳۵، ۲۳۸، ۲۳۹

روحي / نماینده مجلس ۲۳۷، ۲۴۴

روزنامه اطلاعات ۴۳، ۴۴، ۱۴۱، ۱۵۷

۲۰۸

روزنامه ایران ۳۴

روزنامه طوفان ۶۹

روس ← شوروی

ریبر، جان. هوک / همکار میلسپو ۷۰، ۱۱۳

۱۷۷، ۲۱۲

ز-ژ

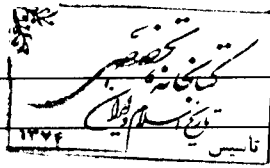
زرگر، علی اصغر ۲۰، ۴۳

زنجان ۷۱، ۷۲

زندگانی طوفانی (نام کتاب) ۴۱

ژنو ۵۳

- شوستر، مورگان ۱۹، ۲۰، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۳۹،
۲۵۴، ۲۵۳، ۲۴۱
شیراز ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۳۵
شیروانی، ابوطالب ۲۱، ۴۴، ۲۳۳، ۲۳۵،
۲۳۶
شیلات ۳۹، ۶۳، ۶۶، ۶۷، ۲۴۲
ص
صارم الدوله ۱۶
صدر، کاظم خان / قاضی عدلیه ۱۳۲
صدرا لافاضل ۸۴
ط
طاق بستان ۱۲۵
طباطبایی، ضیاءالدین ۱۶
طرق و شوارع ۹۸
طهماسبی، عبدالله خان ۱۷۸
ع
عامری، امیر اسدالله خان ۲۴۴، ۲۴۷
عبدالرضا خان مستر رید ۲۲۹
عبدالعلی (شیخ) قاضی عدلیه ۱۳۲، ۱۳۶
عراق ۱۳۱
عزت الدوله ۱۶
علاء، حسین ۲۰، ۴۷، ۱۴۸
علائی / کارمند مالیه ۱۳۴، ۱۶۲
علم، امیر اسدالله ۱۳
علیقلی خان مهندس ۹۸
علینقی خان / کارشناس تقسیم آب ۱۰۷
عمید / وزیر مختار در ایتالیا ۵۳
ف-ق
فارس ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۷۱
فتح الله خان (سرهنک) ۱۰۹
فرانسه ۱۹
فربود، حشمت الله ۱۴، ۴۱
فرخی یزدی، محمد ۶۹
فرلی (مستر) رئیس کمپانی نفت جنوب ۳۸،
۲۲۱
فرمانفرما، عبدالحسین میرزا ۱۲، ۱۶
فروغی ← ذکاءالملک
فهیم الدوله ← مصطفی قلی خان هدایت
فهیم الملک (میرزا خلیل فهیمی) ۲۱، ۲۲،
۳۹، ۴۰، ۸۱، ۱۵۹، ۲۵۲، ۲۵۵
فهیمی ← فهیم الملک
فیتسمونز. ب. ج ۱۷۷، ۲۱۲
فیروز ← نصرت الدوله
فیروز، شاهرخ ۱۱، ۱۲، ۱۳
فیروزآبادی / نماینده مجلس ۲۳۳، ۲۴۳،
۲۴۷، ۲۵۱، ۲۵۲
فیروز میرزا / فرزند عباس میرزا
نایب السلطنه ۱۶
فیض، عیسی خان (میرزا) ۱۴۱
فیلادلفیا = فیلادلفی ۳۹، ۴۰، ۲۲۹
قائم مقام فراهانی ۱۹
قزوين ۱۵۹



- قوام السلطنه (احمد قوام)، ۴۷، ۴۶، ۲۰، ۲۵۳، ۱۵۹
گیلان ۱۳۷
لرستان ۵۸، ۱۴۱
لندن ۱۵۱
لومیس. ژان / همکار میلپو ۱۷۷، ۲۱۲
ک-گ-ل
کایتولا سیون ۲۲۸، ۲۳۰
کاخ گلستان ۴۴
کارخانه کاغذسازی ۱۹۵
کارخانه کبریت سازی تبریز ۱۶۵، ۱۹۴
۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸
کاشان ۲۰۱
کالامازوگازت (نام روزنامه) ۱۸
کتابخانه مرکز اسناد سازمان ملل متحد در
ژنو ۱۲
کردستان ۱۴۱
کرمان ۱۶، ۱۰۸، ۱۰۹، ۲۳۵
کرومانشاه = کرمانشاهان ۱۶، ۱۴۰، ۱۵۴
۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۲
کلمن / همکار میلپو ۱۷۷، ۲۱۲
کمال هدایت ← مصطفی قلی خان هدایت
کمپانی نفت جنوب ۳۸، ۱۵۱، ۲۲۱
کنز (مستر) ۲۵۴
کنفرانس صلح پاریس ۱۲
کوریه = کوریر / پیک سیاسی ۳۹، ۶۴، ۶۵
۹۹، ۱۰۰، ۱۴۶، ۲۲۹
کی استوان، حسین ۵۹
گمرک ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۶۰، ۹۲، ۹۳، ۹۵
۹۶، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۰، ۲۵۱
- م
ماتپاس ارمنی ۸۱
مازندران ۴۰، ۲۵۴
مأموریت امریکاییها در ایران (نام کتاب)
۱۵، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۴۷، ۵۴، ۵۸، ۶۰
۸۳، ۱۵۰
متحدالمآل / بخشنامه ۵۴، ۹۲، ۱۰۱، ۱۰۲
۱۰۳، ۱۳۰، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۹
مجمع اتفاق ملل ۳۲، ۱۴۳
مجمع ملل متفق ۱۶
مجلس شورای ملی (در اغلب صفحات)
محبوبی اردکانی، حسین ۵۳
محتشم السلطنه (حسن اسفندیاری) ۲۲
محمدرضا شاه ۱۳
مخبرالدوله، حسینقلی ۱۵۰، ۱۶۸
مخبر السلطنه (مهدیقلی هدایت) ۲۲، ۳۴
۳۶، ۳۸، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۸۴، ۱۵۱
۲۰۸، ۲۲۱، ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۴۳، ۲۴۹
۲۵۱، ۲۵۲
مدرس، حسن (سید) ۱۴، ۳۴، ۳۶، ۲۲۲
۲۲۴، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۴۰
۲۵۱

- مدیرالممالک (محمود جم) ۲۲، ۳۱، ۲۰۰،
۲۰۸، ۲۰۷
مرگان، ژان توماس / همکار میلپو ۱۷۷،
۲۱۳، ۲۱۲
مرگور / قصبه در آذربایجان ۱۷۸، ۱۷۹
مستوفی الممالک، حسن ۱۶، ۱۷، ۲۲، ۳۰،
۴۱، ۴۲، ۸۴، ۱۱۱، ۱۲۱
مسکو ۳۹، ۶۳، ۶۴، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۸۰،
۲۰۵، ۲۲۹
مشاورالممالک (علیقلی خان انصاری) ۶۰،
۶۴، ۷۳، ۷۴
مشهد ۸۳
مصدق، محمد ۱۳، ۱۴، ۲۱، ۲۲، ۳۶، ۳۷،
۳۸، ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۷،
۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۵۳
مصدق الدوله ← محمودخان ناصری
مظفرالدین شاه ۱۶
معاونالملک ۱۲۵
معزالسلطنه ← شیخ خزعل
مفخم، هاشم (سید) / قاضی عدلیه ۱۳۲
مکاسکی / خزانه دار ۳۵، ۳۷، ۲۱۷، ۲۱۸،
۲۱۹، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸،
۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۴۲، ۲۵۰
مکرماک (کلنل) همکار میلپو ۷۳
مکی، حسین ۴۱
ملک الشعراى بهار ۴۱
مناسریان ← اخوان مناسریان
مؤتمنالملک / رئیس مجلس شورا ۴۶
- ۱۵۳
مؤسس خان ۱۵۰
مؤسس ووزلی ۵۸
مول (مستر) ۱۰۳، ۱۱۰، ۱۱۱
مولیتور، کامیل / مستشار پست ۶۰
مولیتور، لامبر / مدیر کل بلژیکی گمرک
برادر نفر قبلی ۵۳، ۶۰، ۶۲، ۷۱، ۷۴
میرزا یانس، یوسف ۵۳، ۵۴، ۶۱، ۶۵، ۷۶،
۸۳، ۱۴۸، ۱۶۱
میشیگان ۱۷
میلپو، آرتو (دکتر) ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹،
۴۱ تا ۴۳ تا ۴۸، ۵۱، ۵۳ تا ۵۸، ۶۰،
۶۴، ۶۷ تا ۷۲، ۷۵، ۷۶، ۷۹، ۸۰، ۸۱،
۸۴، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۴، ۹۹، ۱۰۴،
۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۵،
۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۷، ۱۳۹،
۱۴۳، ۱۵۰، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۱،
۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۴، ۱۷۹،
۱۸۰، ۱۸۱، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۸، ۲۱۳،
۲۱۵، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۵،
۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲،
۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰،
۲۴۱، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۰،
۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۵
- ن
ناصر، حسن ۱۳۸
ناصرالدین شاه ۱۶

وردآورد کرج ۱۳، ۱۷
 ویتمن کالج واشنگتن ۱۷
 هال، ملوین (ماژور) پیشکار مالی خراسان
 ۸۳، ۱۲۹، ۱۳۷
 هائیتی ۱۷
 هدایت، مصطفی قلی خان (فهیم الدوله = کمال
 هدایت) ۱۵۰، ۱۵۱
 هدایت، مهدیقلی ← مخبر السلطنه
 هسکل. س / کارشناس کشاورزی ۱۱۰،
 ۱۱۱، ۱۷۷، ۲۱۲، ۲۱۳
 هلند ۱۹
 همدان ۱۴۱
 هندوستان ۱۵۴
 هوشنگ مهدوی، عبدالرضا ۱۸
 هوشیار، علینقی خان (میرزا) عضو دفتر
 نخست وزیری ۳۱، ۸۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰،
 ۱۰۹، ۱۴۶، ۱۶۶
 هومن. هارولد / همکار میلسپو ۱۷۷، ۲۱۲
 یاسایی / نماینده مجلس ۳۹، ۲۲۷، ۲۳۰،
 ۲۴۶، ۲۴۹
 یعقوب (آقا سید) نماینده مجلس ۲۳۱،
 ۲۴۳، ۲۴۷، ۲۵۰، ۲۵۵
 یوسف آقا قزوینی (حاجی) ۱۹۶

ناصری، محمودخان (مصدق الدوله) ۱۴۸،
 ۱۵۰
 نایب السلطنه، عباس میرزا ۱۶، ۱۹
 نصر، علی خان (میرزا سید) ۱۲۳
 نصرالملک (حسنعلی کمال) ۲۲، ۱۵۰
 نصرت الدوله، فیروز میرزا ۱۱، ۱۲، ۱۳،
 ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۱ تا ۲۸، ۳۰ تا ۳۸،
 ۴۰ تا ۴۴، ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۵۹،
 ۶۱، ۶۴، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۷۱، ۷۴، ۷۵،
 ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۴ تا ۸۷، ۹۷، ۹۸، ۱۱۳،
 ۱۱۵، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۸،
 ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۶، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۶۲،
 ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۸۰، ۱۹۴، ۲۰۳، ۲۱۵،
 ۲۱۷، ۲۲۳
 نصرت الملک (جابرخان) ۵۲
 نظامنامه ۵۴، ۸۴، ۸۵، ۸۹، ۹۰، ۱۰۲،
 ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۱۱، ۱۲۹، ۱۳۸، ۱۴۲
 نمایشگاه فیلادلفی ۳۹، ۴۰، ۲۵۴
 و-ه-ی
 واشنگتن ۱۳، ۱۸، ۲۰، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۱۸۱،
 ۲۵۴
 وثوق الدوله (حسن وثوق) ۱۶، ۲۲، ۳۸، ۶۰،
 ۱۶۹

